

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# بلندای فقه شیعه

## جلد هشتم

(مقایسه و بررسی تطبیقی دو اندیشه‌ی فقهی شیعه)

حضرت آیت الله العظمیٰ سید محمد باقر سید خوانساری (مدظله العالی)

سرشناسه: نکونام، محمدرضا، ۱۳۲۷-  
عنوان و نام پدیدآور: بلندای فقه شیعه، مقایسه و بررسی تطبیقی  
دو اندیشه‌ی فقهی شیعه / محمدرضا نکونام.  
مشخصات نشر: اسلام‌شهر، صبح فردا، ۱۳۹۰.  
مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص.  
شابک: ج ۶: ۳-۰۵-۶۴۳۵-۶۰۰-۹۷۸  
شابک دوره: ۱-۰۹-۶۴۳۵-۶۰۰-۹۷۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
موضوع: فقه شیعه.  
موضوع: فقه جعفری -- قرن ۱۴.  
رده‌بندی کنگره: ۸ ب ۷۴ ن / ۷ / ۱۶۹ BP  
رده‌بندی دیوبندی: ۲۹۷/۳۲۴  
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۱۰۹۷۹۸۹

## بلندای فقه شیعه - جلد ششم

حضرت آیت‌الله العظمی محمدرضا نکونام (مد ظله العالی)



ناشر: صبح فردا

محل چاپ: نقش‌گستر

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰

---

تهران - اسلام‌شهر - نسیم‌شهر - وجیه‌آباد

دوازده‌متری جواهرزاده - پلاک ۳۶

کدپستی: ۳۷۶۹۱۳۸۵۷۵\* تلفکس: ۰۲۲۹۴۳۶۳۴۸۱

---

[www.nekoonam.com](http://www.nekoonam.com) [www.nekounam.ir](http://www.nekounam.ir)

---

ISBN : 978 - 600 - 6435 - 05 - 3

---

شابک دوره: 1 - 09 - 6435 - 600 - 978

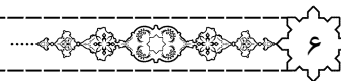
---

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

## فهرست مطالب

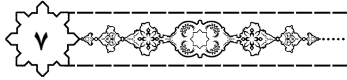
### بخش هفتم تغذیه و خوراک

خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها	۱۳
ماهی	۱۳
ماهی «ازون برون» و تاس ماهی	۱۴
حرمت خوردن چیزهایی که ضرر قابل اعتنای عقلایی دارد	۱۴
استعمال مواد مخدر	۱۶
استفاده از تریاک برای غیر معتاد	۱۶
خرید و فروش نجاسات	۱۸
خوردن شیر زن	۱۸
گلّه‌ای گوسفند یا تعدادی ماهی شبه‌ناک	۲۰
غذا خوردن با دست یا قاشق و چنگال	۲۱
گلّه‌ای گوسفند یا تعدادی ماهی شبه‌ناک	۲۱
مصرف گوشت خرگوش برای مداوا	۲۲
ذبح	۲۵
بریدن چهار رگ بزرگ	۲۵
بردن نام خدا	۲۷
دیگر مسایل ذباحت	۲۹
شکار	۳۷



## بخش هشتم خانواده

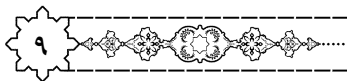
۴۵	ازدواج و پیوند زناشویی
۴۵	ازدواج با دختری که پوشش اسلامی ندارد
۴۷	معاطات در ازدواج
۴۸	معاطات و عقد در ازدواج غیردایم
۴۸	تطابق عبارت قبول با ایجاب
۴۹	ایجاب و قبول شخص لال
۴۹	اجرای صیغه‌ی عقد
۵۰	بسنده نمودن به رضایت دو طرف در ازدواج
۵۰	چگونگی صیغه‌ی عقد در صورت ایجاب پیشنهاد از طرف مرد
۵۲	صیغه‌ی عقد به زبان انگلیسی و غیر آن
۵۵	عقد منقطع
۵۵	متععه کردن زن بی‌اعتنا به عده
۵۵	متععه کردن زن زناکار و فاحشه
۵۶	صیغه‌ی دختر صغیر برای محرمیت با مادر وی
۵۹	صیغه کردن دختر صغیر بدون امکان تمتع
۶۰	فراموش کردن ذکر مدت در عقد موقت
۶۱	صیغه‌ی محرمیت
۶۱	صیغه‌ی برادر و خواهری و محرمیت
۶۲	اختلاف در دایمی یا انقطاعی بودن عقد ازدواج
۶۳	اختلاف زن و مرد در نوع عقد و مسأله‌ی ارث
۶۳	اختلاف زن و مرد در نوع ازدواج
۶۴	تغایر دو خط نوشته



۶۵	عقد اکراهی
۶۶	اولیای عقد
۶۶	اطاعت نکردن از پدر و مادر نسبت در انتخاب همسر
۷۱	عقد فضولی
۷۵	احکام ازدواج
۷۷	شرط حکم به صحّت قول و فعل مسلمان
۷۸	ناآگاهی مرد به چگونگی حمل همسر
۷۹	شرط خیار فسخ در عقد نکاح
۸۰	عمل زناشویی پسر و دختر رشید بدون اذن ولی
۸۳	ازدواج با زن مسلمان بی حجاب
۸۳	مهریه
۸۸	قید شدن معادل پولی جنس مهریه در عقدنامه
۹۰	نزاع در داشتن نزدیکی
۹۵	درخواست مهریه پیش از تمکین
۹۸	اختلاف زن و شوهر در پرداخت مهریه
۱۰۱	عدم اطلاق جنس مهریه بر کهنه‌ی آن
۱۰۱	تغایر مهریه‌ی ثبت شده با مهریه‌ای که در عقد خوانده شده
۱۰۳	پیش‌گیری و کنترل نسل
۱۰۴	جلوگیری از حمل بدون اذن شوهر
۱۰۵	احکام فرزندان
۱۰۶	تلقیح منی و ارث
۱۰۷	زایمان زن پس از گذشت یک سال از مرگ شوهر
۱۱۲	انعقاد نطفه در حال حیض یا احرام زن
۱۱۲	نکاح پس از جذب نطفه همراه با قصد ازدواج

- ۱۱۳ ..... سرپرستی نفقه‌ی فرزند زنا
- ۱۱۴ ..... مسافرت دختر به کشوری دیگر و حق ولایت پدر
- ۱۱۷ ..... **نفقه**
- ۱۲۴ ..... اطاعت از شوهر و نشوز
- ۱۲۶ ..... شوهر معتاد به هروئین و متارکه‌ی وی
- ۱۲۷ ..... ترک منزل و تقاضای مهریه و طلاق
- ۱۲۸ ..... تفاوت میان اجبار کردن زن به برداشتن پوشش
- ۱۳۰ ..... ملاک نشوز زن
- ۱۳۳ ..... **عیب‌های زن و شوهر**
- ۱۳۳ ..... دوری از عیوب کلی، شرط عملی عرف ازدواج
- ۱۳۴ ..... عتین بودن مرد
- ۱۳۵ ..... مشاهده‌ی برص پس از عقد
- ۱۳۶ ..... مسدود بودن مجرای تناسلی زن
- ۱۳۸ ..... مشاهده‌ی صرع پس از عقد
- ۱۳۹ ..... اعلان نمودن صرع همراه توصیف سلامت قبل از عقد
- ۱۴۰ ..... اظهار نکردن عیب پسر قبل از عقد
- ۱۴۱ ..... بیماری واگیردار شوهر، تمکین، نفقه و طلاق
- ۱۴۲ ..... علم به عقیم بودن زن بعد از ازدواج
- ۱۴۳ ..... پنهان کردن ابتلای زن به بیماری بی‌هوشی
- ۱۴۴ ..... فسخ عقد نکاح
- ۱۴۶ ..... ظاهر شدن غش زن با تدلیس در عقد
- ۱۴۹ ..... مقدار جنون مرد یا زن
- ۱۵۱ ..... طلاق، رافع عقد لازم و فسخ، نافی عقد متزلزل
- ۱۵۱ ..... نیاز نداشتن مراجعه به حاکم شرع با عین بودن مرد





۱۵۳	.....	فرق میان عیوب و نواقص عمومی با عیوب فسخ آور
۱۵۴	.....	شوهر مفقود الاثر
۱۵۵	.....	مفقود الاثر شدن مرد بعد از عقد
۱۵۹	.....	اسباب تحریم
۱۶۵	.....	کفر گفتن زن یا مرد و حرام شدن به همدیگر
۱۶۷	.....	استهزای باورهای دینی و منع همسر از نماز و روزه
۱۶۸	.....	قبول توبه‌ی مرتد فطری و ملی
۱۷۱	.....	رضاع
۱۷۹	.....	محارم و غیر محارم
۱۸۲	.....	ازدواج با زن شوهردار
۱۸۴	.....	ابتلای مرد به بیماری جذام پیش از نزدیکی
۱۸۵	.....	ازدواج در عده
۱۸۸	.....	ازدواج با خواهر زن
۱۹۱	.....	نگاه به نامحرم
۱۹۱	.....	برهنه بودن سر و دست مرد و نگاه زن بیگانه با قصد ریه
۱۹۲	.....	شنیده شدن صدای زن روضه‌خوان
۱۹۳	.....	مشاهده‌ی زن پیش از ازدواج
۱۹۵	.....	فراگیری احکام دینی از مرد بیگانه و اذن شوهر
۱۹۵	.....	قرائت قرآن بانوان با صوت و صدا برای مرد
۱۹۶	.....	نگاه به بدن زن ناشناس از تلویزیون یا مجله
۱۹۷	.....	نگاه به تصویر زن آشنا و نامحرم
۱۹۸	.....	جهیزیه
۱۹۹	.....	دیگر مسایل ازدواج
۱۹۹	.....	سرپرستی صغیر و شرط امین بودن

۲۰۰	پوشیدن لباس‌هایی با مدل خارجی برای زن
۲۰۱	شادی در مجالس عروسی
۲۰۱	کنترل شهوت و جوانان مجزّد
۲۰۵	جداد
۲۰۷	حقوق زن و شوهر
۲۰۷	شیوهی رفتار زن با شوهر بی‌نماز
۲۰۹	شیوهی رفتار زن با شوهر قمارباز
۲۱۰	حقّ خودداری زن از حاملگی
۲۱۱	انفاق زن از اموال شخصی خود
۲۱۲	محارم و غیر محارم
۲۱۳	طلاق
۲۱۳	صیغه‌ی طلاق
۲۱۳	طلاق به زبان غیر عربی
۲۱۵	مخالفت با امر پدر و مادر به طلاق همسر
۲۱۷	شرایط طلاق
۲۲۵	طلاق خلع
۲۲۷	طلاق غایب
۲۲۹	عده
۲۳۷	رجوع در عده
۲۴۲	خواستگاری زن در عده
۲۴۲	وکالت در طلاق
۲۴۴	سه طلاق
۲۴۹	نفقه و هزینه‌ی زندگی
۲۵۱	مسایل پراکنده طلاق
۲۵۴	طرح مناسب پوشش اسلامی برای زن

بخش هفتم

تغذیه و خوراک



## خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها

### □ ماهی

س ۲۱۴۴ - آیا خوردن ماهی ازون برون، تاس ماهی و همه‌ی ماهی‌های خاویاری حلال است یا نه و در صورت حرمت، آیا می‌شود به تجویز پزشک از آن خورد یا نه؟

ج - به نحو کلی، هر ماهی که فلس داشته باشد حلال است و بی‌فلس حرام است و لازم نیست تمام بدن آن فلس داشته باشد و اگر بعض بدن حتی اطراف دم یا اطراف سر فلس داشته باشد، کافی است و لازم نیست فلس همیشه در بدن آن باشد، و اگر بدانند فلس دارد لکن خودش را می‌ساید به چیزی و فلسش می‌ریزد، حلال است، و تشخیص این که فلس دارد یا نه با خود اشخاص است، و فلس عبارت از پولک‌های ریز یا درشت که در بدن ماهی دیده می‌شود، و در صورت تصدیق طبیب حاذق موثق به انحصار دوا، مداوای با آن جایز است.

□ □ □ □

س ۲۱۴۵ - آیا میگو حلال گوشت است یا نه؟

ج - ظاهراً حیوان مذکور یک قسم از ماهی است و در اخبار و روایات از «بیال» و به لغت عربی به آن «روبیال» اطلاق می‌شود و حلال است.

□ □ □ □

س ۲۱۴۶ - ماهی‌های کنسرو شده که از خارج وارد گردیده و معلوم نیست فلس دارد یا نه، اما زنده از آب گرفته شده، آیا محکوم به حلّیت می‌باشد یا خیر؟  
ج - در فرضی که زنده از آب گرفته شده باشد، در صورت شک در این که از ماهی‌های فلس دار است یا غیر آن، محکوم به حلّیت است.



س ۲۱۴۷ - آنچه از ماهی به دست می‌آید؛ مانند پودر ماهی و روغن ماهی و یا ژلاتین ماهی که از خارج وارد می‌گردد و معلوم نیست از چه نوع ماهی گرفته شده، اما محرز باشد که ماهی آن زنده از آب گرفته شده، حلال است یا خیر؟  
ج - در فرض سؤال، پودر و روغن و ژلاتین ماهی، همه محکوم به حلّیت است.



#### □ ماهی «ازون بُرون» و تاس ماهی

س ۲۱۴۸ - آیا ماهی ازون برون و فیل ماهی و تاس ماهی فلس دار حلال است یا نه؟

«گلپایگانی»: در صورتی که دو شاهد عادل اهل خبره شهادت دهند که ماهی فلس دار است برای اشخاصی که نمی‌دانند فلس دار است یا نه، محکوم به حلّیت است و برای آن که می‌داند فلس ندارد محکوم به حرمت می‌باشد.



«نکونام»: ماهی «ازون بُرون» - فیل ماهی - و «تاس ماهی» فلس دار و حلال است.



#### □ حرمت خوردن چیزهایی که ضرر قابل اعتنای عقلایی دارد

س ۲۱۴۹ - آیا چیزی را که خوردن آن برای بدن و سلامت انسان ضرر دارد می‌توان خورد یا خیر؟

«گلپایگانی»: استعمال و خوردن چیزی که برای بدن مضر باشد، حرام است؛

خواه موجب هلاکت شود؛ مانند این که سم کشنده را بخورد و یا این که زن حامله چیزی را که موجب سقط جنین شود بخورد و خواه موجب تعطیل شدن بعض حواس ظاهری و یا باطنی و یا موجب از بین رفتن بعض قوی؛ مانند قوه‌ی تناسل در مرد و یا زن؛ مانند عقیم شدن بشود و نیز فرقی نمی‌کند که ضرر عاجلاً متوجه انسان شود و یا بعد از مدتی.

\* \* \*

«نکونام»: ضرری که از خوردن و استعمال چیزی بر انسان وارد می‌شود، در صورتی سبب جایز نبودن آن می‌گردد که نزد عقلا مورد اعتنا باشد؛ بنابراین، هر ضرری و به هر اندازه‌ای را شامل نمی‌شود.

□ □ □ □

س ۲۱۵۰ - آیا در حرمت استعمال و خوردن چیز مضر، علم به ضرر لازم است و یا این که گمان و یا احتمال نیز کافی است؟

ج - ظن به ضرر در حرمت کفایت می‌کند، بلکه احتمال ضرر نیز در صورتی که احتمال نزد عقلا مورد اعتنا باشد، در حرمت کفایت می‌کند.

□ □ □ □

س ۲۱۵۱ - مرکز الکل کشی این شهرستان به تملک بنیاد مستضعفان این شهر در آمده و پخش الکل سفید و صنعتی آن به این جانب محول شده و الکل سفید فقط در موارد پزشکی مصرف دارد و حواله‌ی پخش نیز توسط بهداری شهرستان به نام بعض مؤسسات یا بعض افراد متقاضی صادر می‌شود و درخواست کنندگان، حواله‌ی صادره را به این جانب ارائه می‌دهند، اما چون جنبه‌ی شرب نیز دارد و مسکر است بیم آن می‌رود که بعضی از دریافت کنندگان از این سهمیه سوء استفاده کرده و آن را به مصرف شرب برسانند و این جانب به چند نفر از آنان ظنین هستم، حال، تکلیف شرعی بنده چیست؟

ج - در فرض سؤال، اگر شما به عنوان مصرف‌درمانی به دیگران می‌دهید،

مجرد احتمال، ضرری ندارد و اگر یقین دارید که به مصرف شرب محرم می‌رسد، دادن، اعانت بر گناه است و جایز نیست اگر به قصد خوردن آن‌ها بدهید.



### □ استعمال مواد مخدر

س ۲۱۵۲ - استعمال هروئین چه حکمی دارد؟ استعمال تریاک چه حکمی دارد؟ استعمال حشیش چه حکمی دارد؟ تزریق مواد مخدر چه حکمی دارد؟

«گلبایگانی»: در مورد سؤال ۱ و ۳ و ۴، به طور کلی استعمال آن‌ها حرام است و در مورد سؤال ۲ که استعمال تریاک باشد، اگر طوری مورد استفاده قرار بگیرد که اعتیاد حاصل شود، آن هم حرام است.



«نکونام»: مصرف هر نوع موارد مخدر به هر گونه‌ای، در صورت ضرر رساندن قابل اعتنای عقلایی یا ایجاد زمینه‌های اعتیاد و هلاکت یا اهمال شوون فردی و اجتماعی، حرام است.



### □ استفاده از تریاک برای غیر معتاد

س ۲۱۵۳ - کشیدن تریاک برای معتادان و یا به صورت تفریحی و دایر کردن مجلس برای آنان و شرکت در آن مجلس چه حکمی دارد؟

«گلبایگانی»: اعتیاد به تریاک حرام و ترک آن در صورت تمکن واجب است و کشیدن آن بر غیر معتاد نیز در صورت معرضیت برای اعتیاد حرام است و دایر کردن مجلس جهت حرام، حرام است.



«نکونام»: استفاده‌ی پی در پی از تریاک؛ به طوری که خود یا دیگری را معتاد کند، حرام است و ترک آن بر فرد معتاد در صورت قدرت داشتن بر ترک، واجب است و در صورت قدرت نداشتن بر آن، استفاده‌ی حداقلی و با



حفظ شرایط اشکال ندارد. هم‌چنین مصرف تریاک برای غیر معتاد و به‌طور تفریحی در صورت قرار نگرفتن در معرض اعتیاد و عدم ظن وی به چنین امری حرام نیست. همین‌طور است شرکت در مجلس اهل منقل، در صورتی که احتمال اعتیاد داده نشود. استفاده‌ی صاحبان شخصیت و خواص جامعه از تریاک، اگر منافات با شوون دینی، فردی و اجتماعی آنان باشد یا به شکلی باشد که سبب قرار گرفتن آنان در موضع تهمت یا موجب تضعیف افکار و عقاید فرهنگی و دینی دیگران گردد، اشکال دارد و حرام است. همین‌طور شرکت در چنین مجالسی، برای افراد یاد شده باید با رعایت شوون و افکار مردمی باشد و تنها دایر کردن مجلس، حکمی ندارد، که اگر مجلس در زمینه‌ی حرام دایر شود، حرام است و در غیر این صورت حرمتی ندارد؛ مگر آن که نفس تشکیل چنین مجالسی - هرچند به گونه‌ی غیر حرام - اشاعه‌ی فساد یا اهمال نسبت به دیگران را به دنبال داشته باشد، که در این صورت حرام است.



س ۲۱۵۴ - اگر انسانی با گاو بارداری نزدیکی کند، حکم آن چیست و آیا گوساله‌ای که در هنگام نزدیکی در شکم دارد حرام می‌شود؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، گوشت و شیر حیوان مزبور حرام و نجس است و هم‌چنین فضولات آن نجس است و این حکم در نسل متولد از آن، بعد از وطی نیز جاری است و اما بچه‌ای که در حال وطی در شکم او بوده، اظهر عدم ترتب احکام مزبوره بر آن ولکن احوط است و واجب است حیوان مزبور را بکشند و بعد او را بسوزانند.



«نکونام»: هر استفاده‌ای که از حیوان یاد شده و جنینی که در شکم داشته شود حرام است و باید آن دو را بکشند و سپس بسوزانند.



### □ خرید و فروش نجاسات

س ۲۱۵۵ - خوردن ادرار برای مداوا و خرید و فروش آن چه حکمی دارد؟  
 «گلپایگانی»: اگر منظور بول آدمی و سایر ابوال نجسه است، خرید و فروش آن جایز نیست ولی اگر معالجه‌ی مرضی منحصر به خوردن آن باشد و خبره تشخیص انحصار علاج به آن بدهند، معالجه با آن مانعی ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: خرید و فروش ادرار و هر چیز نجس دیگری، اگر فایده‌ی عادی داشته باشد، در حد فایده؛ هرچند نادر باشد، اشکال ندارد و تنها نجاست در صورتی که منفعتی دارد و استفاده‌ی آن تجویز یابد، مانعی برای خرید و فروش ندارد.

□ □ □ □

س ۲۱۵۶ - آیا خوردن گوشت گورخر حلال است یا نه و اگر حلال است، دلیل آن چیست و از چه تاریخ حلال شده است؟  
 ج - خوردن گوشت گورخر حلال است و دلیل آن قرآن و اخبار است و دانستن تاریخ آن لزومی ندارد.

□ □ □ □

### □ خوردن شیر زن

س ۲۱۵۷ - خوردن شیر زن چه حکمی دارد و اگر مردی شیر زن خود را بخورد اشکالی در محرمیت شوهر با بستگان زن و بر عکس ایجاد می‌شود یا خیر؟  
 «گلپایگانی»: اقوی عدم حرمت است؛ اگرچه احوط اجتناب است و در صورت خوردن، شیر تأثیری در حرمت ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: شیر زن به طور طبیعی و عادی برای خوردن شوهر نیست، ولی خوردن آن اشکال ندارد و دلیلی بر منع آن نیست.

□ □ □ □

س ۲۱۵۸ - آشامیدن شیر زن برای غیر مورد تداوی جایز است یا حرام و در صورت حرمت، آیا دلیل حرمت آن این است که از مصادیق خبائث می‌باشد و یا اطلاق ادله‌ی حرمت اجزای حرام گوشت شامل آن می‌شود و به هر حال دلیل حرمت آن چیست؟

«گلبایگانی»: دلیل قوی بر حرمت آن نیست و بودن آن از خبایث هم محل تردید است و ادله‌ای که بر حرمت البان حرام گوشت از اجماع و مفهوم روایت و استصحاب فرموده‌اند، با این که نسبت به غیر انسان نیز مورد خدشه واقع شده، از انسان منصرف است. مع ذلک، چون نظر جمعی از فقها بر حرمت است، احتیاط در اجتناب است.

\* \* \*

«نکونام»: شیر زن از خبایث نیست و دلیلی بر حرمت مصرف آن وجود ندارد؛ اگرچه شیر، مصرف طبیعی خاص خود را دارد.

□ □ □ □

س ۲۱۵۹ - آیا خوردن شیر زن حرام است یا نه؟

«گلبایگانی»: احوط ترک خوردن آن است، ولی نماز با آن اشکال ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: دلیلی بر حرمت مصرف شیر زن وجود ندارد؛ اگرچه شیر، مصرف طبیعی خاص خود را دارد. کسی که از آن مصرف کرده می‌تواند نماز بگذارد و در این زمینه نیز مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۲۱۶۰ - می‌گویند تخم گوسفند برای جلوگیری از ادرار مفید است، آیا خوردن آن برای درمان بیماری جایز است یا نه؟

ج - تخم گوسفند حرام است و مداوای با حرام وقتی جایز می‌شود که طبیب حاذق موثق بگوید دوا منحصر به این است.

□ □ □ □

س ۲۱۶۱ - شربتی به نام شراب طبی که با تجویز دکتر مصرف می شود حلال است یا حرام؟

ج - اگر مست کننده باشد یا مخلوط به آن باشد، حرام است.

□ □ □ □

س ۲۱۶۲ - آیا می توان حیوانات حلال گوشت را در مدتی که باردار هستند دوشید و از شیر آن استفاده کرد یا نه؟  
ج - بلی، جایز است.

□ □ □ □

#### □ گله ای گوسفند یا تعدادی ماهی شبهه ناک

س ۲۱۶۳ - در میان دوهزار یا ده هزار ماهی یک عدد ماهی حرام موجود بوده و همه به غفلت یا از روی ناآگاهی نمک سوده شده است، آیا باید از همه ی آن پرهیز کرد یا خیر؟

«گلیپگانی»: احتیاط واجب آن است که از همه ی آنها اجتناب نمایند، ولی فروش مذکای مختلط به میته به کسی که مستحل میته است جایز است.

\* \* \*

«نکونام»: تعدادی ماهی که ماهی مرده ای در میان آن است حکم شبهه ی محصوره را دارد و مسلمان باید از خوردن آن خودداری کند؛ اگرچه فروش آن به غیر مسلمان یا استفاده ی دیگری اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۲۱۶۴ - اگر گوساله ای از اول تولد تا دو سالگی فقط از شیر زن استفاده کند، آیا گوشت آن حلال است یا حرام؟

ج - حلال است.

□ □ □ □

### □ غذا خوردن با دست یا قاشق و چنگال

س ۲۱۶۵ - غذا خوردن با قاشق و چنگال مانعی دارد یا نه؟

«گلبایگانی»: مانعی ندارد، لکن سزاوار است مؤمنین رعایت مستحبات شرعی را بنمایند.

\* \* \*

«نکونام»: غذا خوردن با قاشق و چنگال از نظر شرع اشکال ندارد؛ هرچند مستحبات شرعی و احکام الهی، مناسبات و آثار خاص خود را دارد و خوردن غذا با دست، همراه با رعایت نظافت و بهداشت، محسنات روحی - روانی خود را دارد، همان‌طور که استفاده از قاشق و چنگال و آلات مختلف آهنی و غیره، از جهات روحی - روانی خالی از اشکال نیست که اکنون در مقام بیان آن نیستیم.

□ □ □ □

### □ گله‌ای گوسفند یا تعدادی ماهی شبه‌ناک

س ۲۱۶۶ - اگر کسی با گوسفندی نزدیکی کند و گوسفند در میان گله گم شود، تکلیف چیست؟

«گلبایگانی»: لازم است گله را دو قسمت کرده و قرعه بیندازند، هر قسمتی که قرعه به نام آن در آمد، باز دو قسمت کنند و قرعه بکشند و هکذا تا بماند یک گوسفند که قرعه به نام آن در آمده، آن را بکشند و بسوزانند.

\* \* \*

«نکونام»: تعدادی ماهی که ماهی مرده‌ای در میان آن است و حکم آن در بالا گذشت با گله‌ای که گوسفند وطی شده در میان دارد، در حکم تفاوتی ندارد تا خودداری از همه‌ی ماهی‌ها لازم باشد، ولی گله گوسفند، حکم قرعه داشته باشد؛ بلکه هر دو در حکم شبه‌هی محصوره است و مسلمان باید از خوردن آن خودداری کند؛ اگرچه فروش آن به غیر مسلمان یا استفاده‌ی دیگری اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۲۱۶۷ - استخوان حیوانات حلال گوشت که ذبح آن از لحاظ اسلامی مشخص نباشد، آیا پاک و حلال است یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، استخوان پاک است ولی ظاهر آن را باید تطهیر نمود و چنانچه مضر نباشد، خوردن آن نیز حلال است.

□ □ □ □

س ۲۱۶۸ - آنچه از استخوان حیوان حلال گوشت به دست می آید اما ذبح شرعی آن مشخص نباشد؛ مانند پودر استخوان و ژلاتین، آیا در مواد غذایی قابل استفاده است یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، پودر و ژلاتین استخوان، اگر ظاهر استخوان تطهیر شده باشد، پاک است و چنانچه مضر نباشد، خوردن آن نیز حلال است.

□ □ □ □

س ۲۱۶۹ - آیا خرگوش حرام گوشت است و فضله‌ی آن پاک است یا نه؟  
ج - بلی، خرگوش حرام گوشت و فضله‌ی آن نجس است.

□ □ □ □

#### □ مصرف گوشت خرگوش برای مداوا

س ۲۱۷۰ - شخصی نوعی بیماری دارد که به گفته‌ی پزشک، گوشت خرگوش داروی آن است، آیا جایز است وی از گوشت خرگوش بخورد یا نه؟

«گلیپاگانی»: در صورتی که مرض قابل تحمل نباشد؛ چنانچه طیب حاذق موثق انحصار دوا را تصدیق نماید، جایز است.

\* \* \*

«نکونام»: در صورتی که پزشک، ماهر و کارشناس باشد و امر مداوا منحصر به تجویز مصرف چنین دارویی است، مصرف آن - گوشت خرگوش - اشکال ندارد؛ خواه درد و بیماری قابل تحمل باشد یا نباشد.

□ □ □ □

س ۲۱۷۱ - آیا گوشت بوقلمون در نظر همه حلال است یا نه؟

ج - برحسب علایم حلال است و اختلافی به نظر نرسیده.



س ۲۱۷۲ - در روایت وارد است اگر کسی قطره‌ای شراب بخورد، از آب حوض کوثر نمی‌آشامد، در این صورت پس از توبه نیز از آب کوثر نمی‌آشامد یا منظور روایت موردی است که شراب‌خوار توبه ننموده است؟

ج - «التائب من الذنب کمن لا ذنب له». امید است خداوند از فضل خود محروم نفرماید.



س ۲۱۷۳ - اگر مجتهدی چیزی را حرام کند و به حرام بودن آن فتوا دهد، آیا بر مقلدان مجتهدان دیگر نیز لازم است از او پیروی کنند یا نه؟ برای نمونه برخی تریاک را برای غیر معتادان حرام می‌دانند و حضرت عالی آن را حرام نفرموده‌اید، آیا با حرام دانستن تریاک از ناحیه‌ی آن مجتهدان، تریاک بر مقلدان حضرت عالی نیز حرام است یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر مجتهد جامع الشرایط در موضوعی حکم کند با اجتماع شرایط حکم، بر مقلدین مجتهد دیگر نیز واجب است از آن حکم اطاعت کنند ولی اگر مجتهدی فتوا دهد، بر مقلدین مجتهد دیگر عمل به آن واجب نیست، ولی حقیر نیز برای غیر معتاد تریاک را حرام می‌دانم. به «وسيلة النجاة» مرحوم آية الله اصفهانی با ملاحظه‌ی حواشی حقیر رجوع نمایید.



«نکونام»: استفاده از تریاک در صورتی که به تکرار گراید حرام است.







## ذبح

### ▣ بریدن چهار رگ بزرگ

س ۲۱۷۴- اگر سر حیوانی به علتی از بیخ یعنی زیر چانه از بدن جدا شود و هنوز که روح در بدن باقی است ذبح شود، آیا حلال است یا خیر؟  
«گلیپاگانی»: حلیت حیوان در فرض مرقوم که سر حیوان از بدن جدا شده، محل اشکال است.

\* \* \*

«نکونام»: در فرض مذکور که سر حیوان از بدن جدا شده، ذبح بر آن صدق نمی‌کند و پرهیز از آن لازم است.

□ □ □ □

س ۲۱۷۵- در بریدن سر حیوان باید چهار رگ بزرگ گردن آن را نیز ببرند که به صورت معمول از زیر برآمدگی گلو بریده می‌شود، حال چنانچه به عمد یا سه اشتباه از وسط برآمدگی بریده شود چه حکمی دارد؟  
ج- باید برآمدگی جزو سر واقع شود و بدون آن حلیت ندارد و فرقی بین عمد و سهو نیست.

□ □ □ □

س ۲۱۷۶ - شخصی خروسی را ذبح کرده و پس از جدا شدن سر مشاهده نموده که یکی از چهار رگ آن بریده نشده است و بلافاصله آن را می برد و پس از بریدن حلقوم خروس هنوز جان داشته و دست و پا می زده، در این صورت آیا آن خروس حلال است یا حرام؟

«گلپایگانی»: در فرض مسأله که سر خروس از بدن جدا شده، حلیت آن محل تأمل است و احتیاط لازم اجتناب از آن است.

\* \* \*

«نکونام»: لازم است از آن پرهیز شود.

□ □ □ □

س ۲۱۷۷ - قصاب حیوانی را ذبح نموده و برآمدگی زیر گلو روی بدن افتاده و حیوان هم هنوز جان دارد، آیا می شود برآمدگی را طرف سر قرار دهد و دوباره آن را از زیر برآمدگی ذبح کرد یا خیر؟

ج - اگر سر حیوان از بدن جدا نشده، تا جان دارد فوراً چهار رگ را قطع کند حلال است.

□ □ □ □

س ۲۱۷۸ - آیا در ذبح حیوان شرط است که از جلو بریده شود یا می توان کارد را پشت گردن حیوان گذارد و به سرعت آن را ذبح کرد به گونه ای که چهار رگ آن پیش از خروج روح قطع شود؟

ج - شرط است که از جلو ذبح شود و اگر حیوان را به نحو مذکور در سؤال ذبح کنند، حرام می شود.

□ □ □ □

س ۲۱۷۹ - هرگاه گرگ گردن گوسفند را از طرف پشت قطع کند یا به وسیله دیگری بریده شود ولی چهار رگ باقی بماند و سپس چهار رگ با رعایت شرایط بریده شود، آیا حیوان حلال است یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، چنانچه پس از تمام شدن ذبح حیوان، حرکتی که

کاشف از حیات او باشد بکند، اگرچه مختصر باشد، حلال است و الا میته و حرام است.



#### □ بردن نام خدا

س ۲۱۸۰ - شخصی لال است و به خدا توجه می‌یابد و سر حیوان را ذبح می‌کند، آیا خوردن از آن حلال است؟

«گلبایگانی»: اگر در حال ذبح تسمیه را بگویید، اگرچه به اشاره و حرکت دادن زبان باشد، ذبح او حلال است و احوط و اولی آن است که متصدی ذبح لال نباشد.



«نکونام»: چنانچه نام خدا را به اشاره و حرکت دادن زبان ببرد، اشکال ندارد.



س ۲۱۸۱ - در برخی از مرغداری‌ها که روزانه تعداد بسیاری مرغ ذبح می‌شود، گاه قصابی دسته دسته مرغ‌ها را به بهانه‌ی نداشتن فرصت با یک بسم الله سر می‌برد، آیا ذبح وی حلال است؟

«گلبایگانی»: در کتب فقهیه آن چه فحوص شده از فقها (رضوان الله علیهم اجمعین) کسی متعرض این مسأله نشده است. تذکر دهید که تکرار ذکر بسم الله چون مختصر است منافی با تعجیل نیست. مع ذلک به نظر حقیر، اگر هر دسته را طوری پهلوی هم قرار دهد که بتواند یک مرتبه کارد به حلقوم آنها بکشد و با قصد برای هر دسته یک بسم الله بگوید تا مقداری که به نظر عرف تسمیه با ذبح صادق باشد، ظاهراً بی اشکال است.



«نکونام»: سر بریدن حیوان با دستگاه‌های ماشینی که شرایط ذکر شده در آن

رعایت می‌شود، جایز است. هرگاه چند مرغ یا چند حیوان را بخواهند با هم سر ببرند، یک «بسم الله» برای همه‌ی آنها کافی است، هم‌چنین هرگاه شمار فراوانی حیوان را با بودن شرایط، همراه هم با ماشین سر ببرند، یک «بسم الله» کافی است و اگر ماشین پیوسته کار می‌کند، پسندیده است پیوسته نام خدا را بازگو کنند.



س ۲۱۸۲ - آیا در موقع سر بریدن حیوان گفتن الله اکبر به نیت ذبح کافی است یا خیر؟

«گلپایگانی»: بلی، کفایت می‌کند و میزان صدق نام خدا بردن بر ذبیحه است؛ مثل این که بگویید بسم الله یا الله اکبر یا الحمد لله یا لا اله الا الله؛ لکن احتیاط واجب آن است که لفظ «الله» را مقرون کند به چیزی، به طوری که کلام تا می‌شود که دلالت کند بر صفت کمال یا ثنا یا تمجید خداوند متعال؛ مانند مثال‌هایی که ذکر شده. پس اگر به لفظ «الله» تنها اکتفا کند، اشکال دارد، و همین‌طور اگر بجای «الله» سایر اسمای خداوند را بگوید؛ مثلاً بگوید «بسم الرحمن» یا «بسم الرحیم» یا «بسم الخالق» و غیر این‌ها مورد اشکال است.



«نکونام»: هنگامی که می‌خواهد سر حیوان را ببرد یا کارد بر گلویش بگذارد، باید به نیت سر بریدن، نام خدا را به زبان آورد؛ برای نمونه، اگر بگوید: «بسم الله» یا «الحمد لله» یا «الله اکبر» کافی است و اگر به عربی نیز نباشد، اشکال ندارد.



## دیگر مسایل ذباحه

س ۲۱۸۳ - اگر در بلاد اسلامی پوستی پیدا شود در حکم میتة است یا نه؟  
«گلیپگانی»: اگر اثری از استعمال مسلم در آن باشد، محکوم به طهارت است  
و احوط اجتناب از آن است.

\* \* \*

«نکونام»: به صورت مطلق محکوم به طهارت و تذکیهی شرعی است و میتة  
دانسته نمی شود.

□ □ □ □

س ۲۱۸۴ - اگر در بریدن سر پرنده یا مرغی حلقوم آن به طرف سر واقع شود ولی  
پوست روی آن قطع نشود، آیا حلال است یا خیر؟  
ج - با فرض این که با تیزی آهن، اوداج اربعه بریده شده باشد، بریدن  
پوست لازم نیست.

□ □ □ □

س ۲۱۸۵ - آیا حیوان حلال گوشتی که باردار است را می توان ذبح کرد یا نه؟  
ج - خلاف انصاف است.

□ □ □ □

س ۲۱۸۶ - اگر گوسفندی مشرف به تلف باشد، آیا ذبح شرعی آن برای دوری از  
اسراف واجب است یا نه؟  
«گلیپگانی»: احتیاط لازم آن است که ذبح نمایند و تا ممکن است نگذارند  
تلف بشود.

\* \* \*

«نکونام»: لازم است برای ذبح آن اقدام کند.

□ □ □ □

س ۲۱۸۷- اگر گوسفند یا حیوانات حلال گوشت دیگر را با دستگاه مکینه ذبح کنند، چنانچه مسلمان متصدی آن باشد و شرایط ذبح مانند رو به قبله بودن و بردن نام خدا را رعایت کند و فقط یک مرتبه نام خدا را ببرد و در آن واحد هزار گوسفند ذبح شود، چه حکمی دارد؟

ج- کفایت یک مرتبه تسمیه یعنی بسم الله بعید نیست، لکن تحقق سایر شرایط صحت در این مکینه‌ها بر ما معلوم نیست.



س ۲۱۸۸- اگر شکم گوسفند باردار را بعد از آن که به دستور شرعی ذبح شده و پیش از جان دادن پاره کنند تا بزغاله‌ی آن را زنده بیرون آورند، آیا گوشت گوسفند حرام می‌شود یا نه؟

ج- در فرض مسأله، گوشت گوسفند حرام نمی‌شود، لکن احتیاط در ترک این عمل است.



س ۲۱۸۹- هرگاه شتر یا گاو یا گوسفندی را نحر یا ذبح کردند و هنوز روح از بدن آن بیرون نرفته، آن را قطعه قطعه کنند، چه حکمی دارد؟

«گلپایگانی»: احوط آن است که قبل از خروج روح گوشت حیوان را قطعه قطعه نکنند و سر آن را جدا نکنند و لکن در صورت مخالفت، گوشت ذبیحه یا منحوره پاک و حلال است.



«نکونام»: شایسته است پیش از بیرون آمدن روح، سر حیوان را از بدنش جدا نکنند و آن را قطعه قطعه کنند، اما در صورت رعایت نکردن آن، گوشت آن پاک و حلال است؛ هرچند بهتر است در این صورت از گوشت آن مصرف نشود.



س ۲۱۹۰ - مرغی را سر بریدند و سپس آن مرغ میان آب خفه شد، آیا حلال است یا حرام؟

ج - حلال است.



س ۲۱۹۱ - مدتی است از کشورهای غیر اسلامی گوشت‌های منجمد به بازارهای مسلمین حمل و فروخته می‌شود، آیا می‌توان به عنوان بازار مسلمین یا خریدن از دست مسلمان آن را حمل بر طهارت و تذکيه نمود و معامله و خوردن آن جایز است یا علم به تذکيهی آن لازم است و راه تحصیل علم به آن چیست و مهری که به عنوان ذبح شرعی به ذبیحه می‌زنند کافی است یا خیر؟

ج - گوشتی که معلوم باشد از بلاد کفار است محکوم به نجاست است؛ مگر آن که از دست مسلم گرفته شود با احتمال آن که این شخص مسلم احراز تذکيه شرعی آن را نموده باشد و مهر و نوشته حجت نیست؛ مگر یقین به صدق آن باشد.



س ۲۱۹۲ - شخصی مقلد مجتهدی (زید) است که جهیدن خون و حرکت حیوان را در سر بریدن حیوان معتبر نمی‌داند و شخص دیگری مقلد مجتهدی (عمرو) است که این امر را شرط می‌داند، آیا مقلدان مجتهد دوم می‌توانند از حیوانی که مقلدان مجتهد نخست سر بریده‌اند، بخورند یا نه؟

«گلیپگانی»: در فرض مسأله، اگر عمرو در اعتبار دو شرط احتیاط می‌کند مانعی ندارد که مقلدین او در این مسأله رجوع به زید نمایند با وجود شرایط تقلید در زید و اگر عمرو به نحو فتوا شرط می‌داند، کسانی که در این مسأله قبلاً از او تقلید نموده و عمل کرده‌اند، احوط عدم رجوع است و با عدم رجوع نمی‌توانند از آن گوشت بخورند و اگر تاکنون در این

مسأله چون مورد ابتلا نبوده، از عمرو تقلید نکرده‌اند می‌توانند به نحو تبعیض در تقلید رجوع به زید نمایند با تحقق شرایط تقلید در زید.

\* \* \*

«نکونام»: در هر یک از مسایل و احکام شرعی می‌توان به هر یک از مجتهدان صاحب شرایط رجوع کرد؛ خواه مجتهدان صاحب شرایط در این زمینه فتوا داشته یا احتیاط کرده باشند.

□ □ □ □

س ۲۱۹۳- دو رگ حیوانی را بریده‌اند و در این میان حیوان سرکشی کرده و از جای خود بلند شده و دوباره حیوان را گرفته و دو رگ دیگر آن را بریده‌اند، آیا گوشت این حیوان پاک و حلال است یا نه؟

«گلیایگانی»: در فرض سؤال که بین قطع اوداج فاصله افتاده و عرفاً دو عمل حساب می‌شود، بنا بر احتیاط واجب از گوشت آن حیوان اجتناب کنند.

\* \* \*

«نکونام»: اگر در حال اختیار بخشی از این چهار مجرا بریده شود و صبر کنند تا حیوان جان دهد و سپس بقیه‌ی آن را ببرند، سر بریدن شرعی به شمار نمی‌رود، ولی چنانچه همه‌ی چهار رگ را پیش از جان دادن حیوان ببرند؛ اگرچه به صورت معمول پی در پی نباشد، آن حیوان، پاک و حلال است؛ هرچند پسندیده است که پی در پی بریده شود.

□ □ □ □

س ۲۱۹۴- اگر گاو گوسفندی را پاره کرد و امعای او را بیرون ریخته و پیش از مردن تذکیه شود، آیا اجزای متصل به آن حلال است یا خیر؟

ج- با فرض بقای روح و اوداج اربعه، قابل تذکیه است و بعد از تذکیه حلال است.

□ □ □ □



س ۲۱۹۵- اگر حیوان مجروح شود و مقدار زیادی خون از او برود و در وقت تذکيه از او خون نیاید و یا کم تر از متعارف بیاید، آیا گوشت آن حلال است یا خیر؟  
ج - اگر حرکت کند یا خون به مقدار متعارف بیاید، حلال است و در صورت مفروضه، اگر بعد از ذبح حرکت کند؛ هرچند خون کم باشد، حلال است.

□ □ □ □

س ۲۱۹۶- ذبیحه‌ی حیض، جنب و نفسا حلال است یا خیر؟  
ج - حلال است.

□ □ □ □

س ۲۱۹۷- آیا ذبح نمودن حیوان با فلزاتی مانند مس، برنج و نقره جایز است یا خیر؟

«گلبایگانی»: در حال اختیار و تمکن از آهن، ذبح با غیر آهن جایز نیست و موجب حلیت نمی‌شود.

\* \* \*

«نکونام»: انجام ذبح با فلزی غیر از آهن اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۲۱۹۸- هرگاه حیوان را ذبح کنند و جنینی زنده داشته باشد و بعد از ذبح مادر، پیش از پاره کردن شکم مادر بمیرد، اما در پاره کردن شکم مادر بیش تر از مقدار متعارف تأخیر شده، آیا جنین آن حلال است یا حرام؟  
ج - در فرض سؤال، بچه حرام است.

□ □ □ □

س ۲۱۹۹- هرگاه جنینی از شکم حیوان تذکيه شد مرده بیرون آید و خلقت آن تمام شده و پشم آورده باشد، آیا در حلیت آن تفاوتی است میان این که هنوز به آن روح دمیده نشده باشد یا این که روح دمیده شده و در شکم مادر مرده باشد؟  
ج - در فرض سؤال، چنانچه روح دمیده نشده و یا دمیده شده؛ لکن بعد

از تذکیه‌ی مادر در شکم او مرده حلال است ولی اگر روح دمیده شده و قبل از تذکیه‌ی مادر در شکم او به سبب ضربتی که بر مادر وارد شده و یا به سبب مرض مرده باشد، حرام است.



س ۲۲۰۰ - برخی از فقیهان گفته‌اند در حلیت ذبیحه شرط است که پیش از ذبح حیات مستقر داشته باشد، منظور از حیات مستقر چیست و آیا شما این شرط را معتبر می‌دانید یا خیر؟

«گلپایگانی»: فقها تفسیر فرموده‌اند استقرار مزبور را به این که حیوان مشرف بر موت نباشد؛ به طوری که امثال آن حیوان ممکن نباشد یک روز یا نصف روز زنده بمانند؛ مانند حیوانی که شکمش پاره شده و یا از بلندی افتاده و استخوان‌هایش شکسته یا درنده بعضی اعضا آن را که حیاتش بستگی به آن دارد خورده و نظیر این‌ها لکن اقوی به نظر حقیر معتبر نبودن استقرار حیات به این معناست؛ بلکه معتبر اصل حیات است اگرچه خروج روحش نزدیک باشد. پس اگر حیوان همین مقدار حیات داشته باشد و ذبح بر آن واقع شود، حلال است و کشف می‌شود به این که حیوان پس از تمام شدن ذبح، حرکتی اگرچه مختصر باشد بکند و یا به اندازه‌ی متعارف، خون بیرون بیاید.



«نکونام»: حیات مستقر به این معناست که هنگام سر بریدن، اصل زنده بودن حیوان معلوم باشد و حیوان پس از سر بریدن تکانی بخورد؛ اگرچه برای نمونه، چشم یا دم خود را تکان دهد یا پای خود را به زمین زند که معلوم شود زنده بوده است و باید به اندازه‌ی معمول از بدن حیوان خون بیرون آید.



س ۲۲۰۱ - هرگاه حیوان پس از ذبح شرعی در آب بیفتد و بمیرد حلال است یا حرام؟

«گلیایگانی»: بعد از این که ذبح شرعی در حال حیات حیوان بر او واقع شد، شرط نیست که خروج روح به سبب همین ذبح باشد. بنابراین اگر پس از ذبح در آب یا آتش بیفتد یا از بلندی سقوط کند یا امور دیگری مانند این‌ها واقع شود و پس از آن بمیرد، اقوی حلیت آن است.

\* \* \*

«نکونام»: هرگونه تلفی بعد از ذبح شرعی سبب حرمت آن نمی‌شود و حیوان ذبح شده پاک و حلال است.

□ □ □ □

س ۲۲۰۲ - هرگاه حیوان به گونه‌ی شرعی تذکیه شود و پس از آن جنینی زنده بیرون آید و با توجه به این که وقت برای تذکیه‌ی آن نبوده، پیش از تذکیه بمیرد، آیا جنین یاد شده حلال است یا حرام؟

ج - در فرض سؤال، آن بچه میته و حرام است.

□ □ □ □

س ۲۲۰۳ - آیا رو به قبله بودن حیوان شکل خاصی دارد و برای نمونه باید به پهلوی راست خوابانده شود یا خیر؟

ج - لازم نیست و فرق نمی‌کند که ذبیحه را به پهلوی راست بخوابانند یا به پهلوی چپ.

□ □ □ □

س ۲۲۰۴ - هرگاه گوشت حیوان حلال گوشت در بازار مسلمین از دست مسلمان گرفته شود، آیا در حلیت آن تفاوتی میان این که از شیعه گرفته شود یا از اهل سنت هست یا نه؛ چرا که ممکن است اهل سنت شرایط معتبر در نزد شیعه را

رعایت نکنند و برای نمونه ذبایح اهل کتاب را حلال بدانند یا تنها قطع حلقوم را کافی بدانند؟

ج - در فرض سؤال، تفاوتی بین شیعه و اهل سنت نیست و مأخوذ از ید مسلم حلال است؛ لکن به شرط این که آخذ احتمال بدهد که در آنچه می‌گیرد شرایط ذبح مطابق مذهب شیعه رعایت شده، اگرچه مأخوذ منہ رعایت آن را لازم نمی‌دانسته است.



## شکار

س ۲۲۰۵ - گاه در بدن حیوانی که به وسیله‌ی تفنگ شکار می‌شود ساچمه یا گلوله می‌ماند و اطراف آن مانند گوشت جویده شده می‌شود، آیا آن ساچمه یا گلوله و اطراف آن پس از ذبح شرعی پاک است یا خیر و گاه نیز ساچمه پس از پختن حیوان در بدن آن پیدا می‌شود، در این صورت، حکم آن چیست؟

ج - اگر یقین نداشته باشد که قبل از ورود به باطن ملاقات با نجاست نموده و بعد از ظاهر شدن نیز گلوله آلوده به خون نباشد، اشکال ندارد.



س ۲۲۰۶ - با توجه به این که خوردن ماهی که داخل آب بمیرد حرام است، آیا ماهی‌هایی که زنده به شبکه و تور می‌افتد و پیش از خارج شدن از آب در شبکه می‌میرد و مرده از آب خارج می‌شود چون در تور و شبکه مرده‌اند، خوردن آن حلال است یا نه؟

ج - در صورتی که شبکه را به قصد صید کردن ماهی نصب کنند و ماهی در آن بیفتد و بمیرد، بعید نیست حلیت آن؛ هر چند زنده از آب بیرون نیاید.  
والله العالم.



س ۲۲۰۷ - اگر ماهی زنده از آب بیرون افتد و مسلمان ناظر آن باشد تا بمیرد، آیا حلال است یا نه؟

ج - بیرون افتادن ماهی از آب و مردن آن در خارج موجب تذکیه و حلّیت نیست؛ اگرچه مسلمان ناظر باشد.

□ □ □ □

س ۲۲۰۸ - هرگاه سگ تعلیم داده شده، شکار را با شرایط آن بکشد، آیا خونی که در رگ‌های آن حیوان باقی می‌ماند پاک است یا نه؟  
«گلپایگانی»: احوط اجتناب است؛ اگرچه طهارت آن خالی از وجه نیست.

\* \* \*

«نکونام»: پاک دانسته می‌شود.

□ □ □ □

س ۲۲۰۹ - آیا مسلمان می‌تواند برای غیر مسلمان حیوانی حرام گوشت را شکار کند یا خیر، و آیا می‌تواند در این زمینه قراردادی را منعقد کند یا نه، و اگر قراردادی در میان نباشد و روی رفاقت و آشنایی از مسلمان خواهش کند و بعد از شکار پولی به مسلمان دهد، آیا گرفتن این پول مانعی دارد یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر شکار حرام گوشت برای خوردن کافر باشد، خود اعانت بر اثم حرام و اجرت گرفتن برای آن نیز حرام است. بلی، اگر کافر با قطع نظر از عمل مجاناً چیزی به او بدهد، اشکالی ندارد؛ بلکه بعید نیست حلّیت اخذ وجه الزاماً به آن چه خودش ملتزم به آن است.

\* \* \*

«نکونام»: مسلمان می‌تواند برای غیر مسلمان حیوانی حرام گوشت را شکار کند؛ به شرط آن که در این زمینه قراردادی منعقد کند و مزد خود را از او بخواهد.

□ □ □ □

س ۲۲۱۰- اگر حیوانی با تیر شکار شود و از نظر ناپدید گردد و پس از چند ساعت در حالی که بدن آن سرد شده یافت شود، آیا حلال است یا نه؛ چنانچه در رساله در شرط پنجم احکام شکار با اسلحه آمده است در حالی که حیوان برسد که آن حیوان مرده باشد، حلال است.

ج - در فرض سؤال اگر سایر شرایط نیز موجود باشد، حلال است؛ به شرط آن که علم داشته باشد که موت مستند به تیری است که به او زده‌اند و شرط پنجم در رساله نیز در صورت علم است.

□ □ □ □

س ۲۲۱۱- صید با تفنگ در صورتی که به ذبح نرسد، آیا به هر گلوله‌ای باشد حلال است یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر گلوله‌ی آهن باشد و تیزی داشته باشد ولو یک میخ آهن سر آن نصب شده باشد و با ذکر اسم خدا گلوله را رها کند، حلال است و در غیر این صورت، مشکل است.

\* \* \*

«نکونام»: اگر گلوله از جنس غیر آهن نیز باشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۲۲۱۲- هرگاه در ملک شخصی خود برجی احداث کند که کبوترها در آن آشیانه کنند، آیا پس از این که کبوترها در آن آشیانه کردند، مالک آن می‌شود یا نه؟

ج - در فرض سؤال، مالک آن‌ها نمی‌شود؛ خصوصاً اگر غرض حیازت فضلات آن‌ها باشد. بنابراین، صید آن‌ها برای دیگران جایز است، بلکه اگر کسی داخل برج شود و کبوتر را بگیرد، مالک آن می‌شود؛ هرچند از جهت این که بدون اذن مالک برج داخل آن شده معصیت کرده است و هم‌چنین است حکم در موردی که کبوتر در چاه آشیانه کند؛ یعنی ملک مالک چاه نمی‌شود.

□ □ □ □

س ۲۲۱۳ - اگر ماهی از دریا با جهیدن بر حسب اتفاق داخل قایق بیفتد، آیا حلال است یا خیر و نیز راننده یا صاحب قایق مالک آن می‌شود یا نه؟

ج - در فرض سؤال، به افتادن در قایق حلال نمی‌شود و باید آن را در داخل قایق با دست گرفت تا حلال شود و راننده و صاحب قایق مالک آن نمی‌شوند؛ بلکه هر کس آن را بگیرد، مالک می‌شود. بلی، اگر صاحب قایق قصد کند که به وسیله‌ی قایق صید کند به این که در قایق موقع شب روشنایی قرار دهد و چیزی مانند زنگ که صدا داشته باشد نصب کند که ماهی با جهش داخل قایق شود، در این صورت پریدن ماهی از داخل آب و افتادن در آن به سبب این عمل به منزله‌ی زنده بیرون آوردن ماهی از آب می‌باشد که بدون گرفتن با دست حلال و ملک صاحب قایق می‌شود.



س ۲۲۱۴ - هرگاه انسانی به منظور صید ماهی دامی در آب نصب کند یا گودالی درست کند ماهی‌هایی که داخل در دام یا گودال می‌شود ملک او می‌شود یا خیر؟  
ج - بلی، در فرض سؤال که ماهی داخل و حبس در آن‌ها شده، مالک می‌شود.



س ۲۲۱۵ - هرگاه کسی ماهی را از آب زنده بیرون بیاورد و سپس آن را در حالی که بند کرده و نمی‌تواند فرار کند به داخل آب برگرداند و ماهی در آب بمیرد، حلال است یا حرام؟

ج - در فرض سؤال، ماهی حرام است.



س ۲۲۱۶ - صیادانی هستند که تور خود را به مدت چهار ساعت در آب می‌اندازند و ماهی صید شده پس از بیرون آوردن مرده می‌باشد، آیا ماهی صید شده حلال



است یا خیر؟

ج - اگر معلوم باشد که زنده به تور افتاده و در تور مرده، حلال است و اگر مرده در تور افتاده باشد، حرام است.





بخش هشتم

خانواده



## ازدواج و پیوند زناشویی

□ ازدواج با دختری که پوشش اسلامی ندارد

س ۲۲۱۷ - آیا ازدواج با زن مسلمان بی حجاب حرام است؟ اگر این امر انجام شد،

آیا مرد فعل حرامی را مرتکب شده است؟

«گلیپگانی»: با احتمال آن که به واسطه‌ی ازدواج با او ممکن است او را ارشاد

کند و از معصیت باز دارد، مانعی ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: ازدواج با زن مسلمانی که پوشش اسلامی را رعایت نمی‌کند از جانب مرد حرام نیست، ولی زندگی مشترک زناشویی را نباید این گونه و با احتمال و تردید شروع نمود که به‌طور نوعی ممکن است نهایت خوشی نداشته باشد و درست نیست به احتمال این که به واسطه‌ی ازدواج با چنین زنی، وی ارشاد شود و از معصیت باز گردد، زندگی خود را در شرف مخاطره قرار داد؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، ازدواج، یک ارشاد یا تبلیغ نیست؛ بلکه اساسی‌ترین نقطه‌ی عطف زندگی است.

□ □ □ □

س ۲۲۱۸ - دختری دانشگاهی و نجیب را برای ازدواج در نظر گرفته‌ام که قول همه

گونه تفاهم را برای زندگی مشترک آینده به من می‌دهد ولی به سبب

محدودیت‌های شغلی و نیز تربیت خانوادگی خود را چنان اسیر پسند همجنسان و

غیر همجنسان کج فهم خود نموده که بازگشت کامل و ناگهانی وی به حجاب اسلامی ممکن نمی‌نماید و از طرفی این‌جانب نیز با پشت گرمی، به یاری و مساعدت الهی در خود احساس می‌کنم که ان شاء الله می‌توانم او را به تدریج به رعایت حدود الهی مجاب سازم، حال چنان‌چه خدای نکرده حقیر نتوانستم وی را پس از ازدواج به این کار وادار سازم، آیا از نظر شرع گناهی متوجه این‌جانب خواهد بود؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال که معلوم است از معصیت و گناه دیگری نیز متأسف می‌باشید و قصد جلوگیری از منکر نیز دارید، ازدواج با او صحیح و گناهی برای شما ندارد و امید است خداوند به شما توفیق دهد که او را هدایت نمایید.

\* \* \*

«نکونام»: در این نوع از وصلت‌ها باید رعایت مصالح عمومی افراد و به‌خصوص شخص مرد یا زن در نظر گرفته شود و با امیدواری‌های دور از عرف عادی، نباید به چنین وصلتی دامن زد که پشیمانی بعد از آن سودی ندارد و نباید به امید توفیق هدایت زن، آینده‌ی خود را تباه ساخت و باید دانست که ازدواج، تنها یک ثواب یا تبلیغ و هدایت غیر نیست، بلکه بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین تصمیم زندگی است که باید کمال احتیاط در آن رعایت شود و نباید زندگی مشترک را با صرف احتمال و امید بنا نمود.

□ □ □ □

س ۲۲۱۹ - ازدواج با زنی که بعضی از عبادات خود؛ مانند نماز و روزه را انجام نمی‌دهد، اما آن را انکار ندارد، صحیح است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، چنین زنی مسلمان و عقد او صحیح است، ولیکن بر کسانی که اطلاع از حال او دارند لازم است اگر احتمال تأثیر بدهند، او را امر به معروف و نهی از منکر نمایند.

□ □ □ □

### □ معاطات در ازدواج

س ۲۲۲۰ - کسی که با زنی کرو لال روی رضا و رغبت هم‌بستر شود و آن زن پسری به دنیا بیاورد، آیا آن پسر حلال زاده است یا خیر و آیا آن پسر به خواهر و مادر وی محرم است یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر به اشاره عقد کرده باشند، حلال زاده است و اگر بدون عقد باشد، زناست و فرزند از طرف پدر ولد الزنا است ولی از طرف مادر علی الظاهر نظیر ولد شبهه است و ارث و محرمیت نسبت به مادر ثابت است.

\* \* \*

«نکونام»: ازدواج در صورتی که شرایط اساسی عقد؛ مانند: مهر و مدت - دایم یا موقت - را داشته باشد، به گونه‌ی معاطات نیز واقع می‌شود و مشکلی برای حلال زاده بودن فرزند و محرمیت و ارث ندارد؛ اگرچه با اشاره باشد و عقدی نیز خوانده نشود و تنها احراز معاطات کفایت می‌کند.

□ □ □ □

س ۲۲۲۱ - آیا صیغه‌ی عقد غیر دایم را می‌توان چنین گفت: با این مقدار پول قبول می‌کنی مدت یک ساعت زن من بشوی و زن بگوئید بلی من قبول می‌کنم و اگر راضی نباشد، بگوئید نه قبول نمی‌کنم و هم‌چنین زن صیغه را بعد از آن که زمان جدایی بین او و شوهر قبلی او رسیده، اگر حامله باشد می‌توان صیغه کرد یا نه و زن غیر دایم بعد از آن که از شوهر قبلی خود جدا شد، اگر حامله باشد یا خون حیض و نفاس و غیره ببیند یا نبیند یا حامله نباشد، باید عده نگه دارد یا نه؟

ج - کافی نیست. بلی، اگر زن بگوئید من خودم را زن تو گردانیدم در این مدت معلومه به این پول معلوم و مرد قبول کند، کافی است و در مورد سؤال دوم، خود شوهر اگر بخواهد ثانیاً او را عقد کند، مانعی ندارد ولکن زن غیر یائسه تا عده‌اش تمام نشود، ازدواج او با غیر، حرام و باطل است، و عده‌ی صیغه اگر زنی باشد که حیض می‌بیند دو حیض است و اگر در

سن یأس نیست ولی حیض نمی‌بیند، عده‌ی او چهل و پنج روز است و عده‌ی حامله به وضع حمل تمام می‌شود.

□ □ □ □

### □ معاطات و عقد در ازدواج غیردایم

ازدواج غیر دایم به صورت گفته شده معاطات است و بسنده می‌باشد؛ اما اگر بخواهند صیغه‌ی عقد موقت را نیز به طور صحیح و کامل جاری کنند، این عبارت که مرد به زن بگوید: آیا با این مقدار وجه، می‌پذیری که مدت یک سال زن من باشی؟ و زن بگوید: بلی قبول می‌کنم، در صورتی صیغه جاری می‌شود که مرد بعد از قبول زن که در حکم ایجاب از جانب زن است، انشای قبول عقد نماید.

س ۲۲۲۲ - در عقد نکاح، طرف ایجاب زن است یا مرد؟

ج - طرف ایجاب زن یا وکیل زن است.

□ □ □ □

### □ تطابق عبارت قبول با ایجاب

س ۲۲۲۳ - در رساله است که در عقد نکاح ایجاب و قبول لازم است، آیا شرط است که لفظ قبول با عبارت ایجاب مطابق باشد و برای نمونه، اگر موجب بگوید «زوّجت»، لازم است قابل بگوید: «قبلت التزویج» یا خیر؟

«گلبایگانی»: مطابقت شرط نیست. پس اگر موجب بگوید «أنکحت»، قابل می‌تواند بگوید: «قبلت التزویج»، و اگر بگوید: «زوّجت»، قابل می‌تواند بگوید: «قبلت النکاح»، اگرچه مطابقت احوط است.

\* \* \*

«نکونام»: مطابقت عبارت قبول با ایجاب تا جایی لازم نیست که ایهام تغایر ایجاب و قبول را نکند؛ مثل «زوّجت» و «قبلت النکاح»، ولی اگر در ایجاب گفته شود: «مَنَعْتُ» که ایهام در عقد موقت دارد و در قبول گفته



شود: «قبلت التزویج» که ظهور در دوام دارد، کافی نیست؛ البته، در صورتی که در ایجاب، تصریح به دوام مدّت نشده باشد.

□ □ □ □

### □ ایجاب و قبول شخص لال

س ۲۲۲۴ - ایجاب و قبول شخص لال درست است یا باید در نکاح و مانند آن وکیل بگیرد؟

«گلیایگانی»: در فرض سؤال، احتیاط در صورت امکان وکیل گرفتن است.

\* \* \*

«نکونام»: ایجاب و قبول شخص «لال»، هرگونه که باشد، در صورت احراز و ایهام نداشتن به امر دیگری، کافی است و نیازی به توکیل نمی‌باشد.

□ □ □ □

### □ اجرای صیغه‌ی عقد

س ۲۲۲۵ - خطبه‌ی عقد ازدواج مرا شخصی محضردار که از طرف من و همسر من وکیل شده بود خواند با وجودی که در حضور خودم جاری شده و بعد از اتمام اعلام کرد که من صیغه را خواندم ولی آهسته عقد را جاری کرد و من نشنیدم و خود او را نمی‌شناختم، آیا این امر اشکالی دارد یا نه؟  
ج - اگر اعلام نموده که خوانده است، قول او مسموع است و اشکالی ندارد.

□ □ □ □

س ۲۲۲۶ - اجرت گرفتن برای اجرای عقد دایم یا انقطاعی حلال است یا حرام؟  
ج - اشکالی ندارد و حلال است.

□ □ □ □

س ۲۲۲۷ - اگر کسی که طرف قبول واقع می‌شود ادبیات عربی را نداند و میان انشا و اخبار تفاوت نگذارد، آیا می‌تواند در اجرای صیغه از طرف زوج وکیل شود یا نه؟  
ج - باید عاقد عقد را صحیح بخواند و فرق بین اخبار و انشا را بداند.

□ □ □ □

### □ بسنده نمودن به رضایت دو طرف در ازدواج

س ۲۲۲۸ - در بعضی از مناطق ایران مشاهده می‌شود که اهالی به عقاید مذهبی پایبند نیستند و مسایل دینی را نمی‌دانند و برای نمونه، در امر ازدواج و موضوع عقد به رضایت زن و مرد بسنده می‌کنند و قباله‌ای درست می‌کنند و آن را در محضر در دفتری ثبت می‌نمایند و پس از عروسی و امر زناشویی آن وقت اگر به اهل علم و عالمی رسیدند، صیغه‌ی عقد را جاری می‌کنند و این امر سیره‌ی مستمره‌ی ایشان است. آیا صرف تراضی بین زن و مرد علقه‌ی زوجیت را ایجاد می‌کند و نظیر عقد معاطاتی می‌شود یا نه؟

«گلپایگانی»: مجرد تراضی و معاطات در نکاح کافی نیست. علی‌هذا، اگر زوجین جاهل به حکم بوده‌اند و خیال نموده‌اند که مجرد تراضی کافی در زوجیت و جواز وطی است، اولاد آن‌ها حکم اولاد حلال زاده را دارند و اگر می‌دانستند که ازدواج موقوف به اجرای صیغه عقد است؛ هرچند به لفظ فارسی باشد و بدون عقد عمل زناشویی انجام داده‌اند، اولاد آن‌ها حکم اولاد زنا را دارند.

\* \* \*

«نکونام»: صرف رضایت داشتن دو طرف در نکاح، کافی نیست؛ اما اگر هر دو رضایت خود را معاطات به حساب آورند، این خود معاطات است و در نکاح کفایت می‌کند و نیازی به خواندن دوباره‌ی عقد نیست؛ چرا که صرف معاطات در نکاح هم‌چون دیگر ابواب کفایت می‌کند.

□ □ □ □

### □ چگونگی صیغه‌ی عقد در صورت ایجاب پیشنهاد از طرف مرد

س ۲۲۲۹ - صیغه جاری کردن جهت عقد انقطاع و یا دایم به زبان فارسی جایز است یا نه و برای نمونه بگوید: ده تومان می‌دهم برای این که یک ساعت به عقد انقطاعی من در آیی و او هم قبول کند و یا بگوید ده هزار تومان برای شما معین

کردم که بعدها بپردازم برای همیشه و تا عمل باقی است همسر من باشی و زن هم بگویند قبول کردم، آیا خواندن صیغه به این شیوه صحیح است یا نه؟

«گلبایگانی»: صیغه‌ی عقد به نحوی که در سؤال ذکر شده است صحیح نیست و در موردی که به فارسی خوانده شود باید همان معنای صیغه عربی را گفت. از خداوند بزرگ مسألت دارم که ایمان شما را حفظ نموده و توفیق و سعادت عطا فرماید.

\* \* \*

«نکونام»: همان‌طور که در مسأیل پیشین بیان شد، معاطات در ازدواج کافی است؛ اما برای اجرای صیغه‌ی عقد، اگر بعد از این که زن ایجاب پیشنهادی مرد را قبول کرد، مرد انشای قبول کند، بسنده است و قبول زن را می‌توان در حکم ایجاب زن دانست و در این جهات میان عقد دائم و موقت تفاوتی نیست.

□ □ □ □

س ۲۲۳۰ - شخصی با دختری ازدواج نموده و در موقع اجرای صیغه‌ی نکاح شخصی که وکالت از طرف دختر داشته، نام دختر را به اشتباه ذکر نموده، آیا صیغه‌ی نکاح صحیح می‌باشد یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، اگر عاقد در حین عقد قصدش مثلاً دختر بزرگ فلان شخص باشد و اسم او را اشتباهاً ذکر کرده، عقد صحیح است و لکن اگر عاقد قصدش خصوص آن دختر معهود بوده، عقد باطل است.

□ □ □ □

س ۲۲۳۱ - عقد کافر از نظر اسلام چه حکمی دارد و نظیر عقدهای مسلمان‌ها خوانده می‌شود یا نه و کافر ذمی می‌تواند با دختر مسلمان ازدواج کند یا خیر؟

ج - مرد مسلمان می‌تواند زن اهل ذمه را متعه نماید و دائم را بنا بر احتیاط نمی‌تواند و صیغه‌ی متعه‌ی او همان صیغه‌ی متعه‌ی زن مسلمان است و

زن مسلمان جایز نیست با کافر ازدواج کند؛ نه متعه و نه دایم و اگر ازدواج کند، باطل و به کافر زنا داده است و مرد کافر اگر مایل به ازدواج با مسلمان است، باید مسلمان شود.



س ۲۲۳۲ - کسی که می‌تواند قرآن بخواند ولی از نظر مخارج و لهجه خوب نیست، آیا می‌تواند صیغهی نکاح دایم و غیر دایم را جاری کند یا نه؟  
ج - بلی همین قدر که عرفاً گفته شود صیغه را خواند و حروف را به یک‌دیگر به نحوی که معنا را تغییر دهد تبدیل نکند کافی است و لازم است قصد انشا کند و عارف به معنای جمله تفصیلاً باشد.



#### □ صیغهی عقد به زبان انگلیسی و غیر آن

س ۲۲۳۳ - آیا می‌شود صیغهی عقد دایم و غیر دایم را به زبان غیر عربی مثل انگلیسی خواند یا نه؟

«گلیپگانی»: اگر یاد گرفتن زبان عربی در موقع حاجت به عقد میسر نباشد، به زبان انگلیسی یا فارسی یا به زبان دیگر هم که صیغه را به قصد انشا بخواند کافی است و بلکه بعید نیست که مطلقاً به زبان غیر عربی جایز باشد.



«نکونام»: صیغهی عقد به هر زبانی که خوانده شود، اگر معنای عقد را برساند، کافی است و لازم نیست به زبان خاصی باشد؛ چرا که عقد هم چون نماز نیست که باید به‌طور حتم به زبان عربی خوانده شود.



س ۲۲۳۴ - اگر کسی ادبیات عربی را نداند و صیغهی عقد بخواند و به قصد انشا آگاه بوده و معنای واژه‌های ایجاب و قبول را نیز می‌داند ولی در خواندن

عبارات عقد اشتباه ادبی داشته، آیا عقدهای خوانده شده‌ی وی صحیح است یا نه؟

ج - اگر غلط و اشتباه به نحوی نبوده که مضر به افاده‌ی معنا باشد و همان معنایی که انشا می‌شود از آن استظهار و استفاده شود نه معنای دیگر، ظاهراً در صحت عقد کافی است و محتاج به تجدید نیست.





## عقد منقطع

### □ متعه کردن زن بی اعتنا به عده

س ۲۲۳۵ - متعه کردن زن‌هایی که رعایت عده را نمی‌کنند و همیشه متعه‌ی کسی می‌شوند ولی فاحشه نیز نیستند چه حکمی دارد و اگر کسی از حال چنین زنانی ناآگاه باشد و یا شک داشته باشد، تکلیف وی چیست؟

«گلپایگانی»: اگر زن بگوید شوهر ندارم یا بگوید در عده نیستم، حرف او قبول است؛ مگر در صورتی که علم بر خلاف آن باشد.

\* \* \*

«نکونام»: زنی که به طور دایم و متعدد متعه‌ی موقت می‌شود و عده نگاه نمی‌دارد، در حکم فاحشه است؛ هرچند متعه‌ی وی اشکال ندارد و مرد، عاصی و زانی نیست؛ خواه بداند یا نداند؛ چرا که زن فاحشه شمرده می‌شود و عقد موقت فاحشه اشکال ندارد، ولی زن گناه کار است و حکم زناکار را دارد.

□ □ □ □

### □ متعه کردن زن زناکار و فاحشه

س ۲۲۳۶ - بنده در تهران مشغول تحصیل در هنرستان هستم و شهوت جنسی مرا اذیت می‌کند و زنان متعه یافت نمی‌شوند اما زنانی فاحشه هستند که در هر

ساعت در اختیار چند نفر قرار می‌گیرند، در این صورت، آیا می‌شود این گونه زنان را برای ارضای شهوت صیغه کرد یا نه؟

«گلبایگانی»: اگرچه عقد نمودن زن زانیه صحیح است و لکن احتیاط لازم ترک عقد زن‌های مشهوره به زناست.

\* \* \*

«نکونام»: عقد نمودن موقت زن زناکار و فاحشه اشکال ندارد، و مرد، زناکار و عاصی به حساب نمی‌آید؛ چون عقد، نکاح موقت است؛ اگرچه پرهیز از این گونه زن‌ها و دوری از آن‌ها سبب سلامتی و سعادت را همراه دارد و نکاح با وی همراه با مشکلات خاص خود خواهد بود.

□ □ □ □

#### □ صیغه‌ی دختر صغیر برای محرمیت با مادر وی

س ۲۲۳۷ - آیا می‌شود دختر صغیر را برای حصول محرمیت با مادر وی صیغه کرد یا نه؟

«گلبایگانی»: با اذن پدر یا جد پدری و رعایت مصلحت او جایز است.

\* \* \*

«نکونام»: صیغه کردن دختر صغیر برای ایجاد محرمیت با مادر وی، در صورتی تحقق می‌یابد که نوعی قصد نکاح و تمتع نیز در آن باشد. اجرای صیغه به صرف قصد محرمیت، در تحقق اصل نکاح کافی نیست و محرمیت را در بر نخواهد داشت؛ بلکه به نوعی قصد تمتع و امکان تمتع - اگرچه به بوسه و رؤیت، هرچند در آینه - نیاز می‌باشد که البته در صورت اول - بوسه - بستگی به نوعی قابلیت در مورد نیز دارد تا فرض امکان تمتع حاصل باشد؛ پس اگر دختر، کودک شیرخواری است که امکان هیچ نوع تمتع - حتی به بوسه و رؤیت - را نداشته باشد یا مرد قصد تمتع و عقد این گونه را با دختر نداشته باشد و تنها محرمیت با مادر را قصد



نماید، در اجرای صیغه و تحقق عقد و محرمیت با مادر کافی نیست. البته، تنها ضرر وارد نکردن به طفل نیز در رعایت مصلحت دختر در این موارد کافی است.



س ۲۲۳۸ - کسی زنی را متعه کرده ولی برای او اجرتی قرار نداده و شخصی نیز که صیغه را اجرا کرده متوجه نشده که وی عقد را بدون اجرت جاری کرده و بعد از عقد مزبور امر زناشویی هم انجام شده، آیا این عقد صحیح است یا باطل و هم‌چنین آیا وی باید عده نگه دارد یا نه و چنانچه شخصی که او را متعه نموده دوباره بخواهد او را به ازدواج دائم بگیرد، لازم است عده نگه دارد یا لازم نیست؟

ج - در فرض مسأله، عقد باطل است و اگر با جهل به مسأله دخول واقع شده، وطی به شبهه است و عده دارد، ولیکن برای خود واطی به شبهه عده ندارد و می‌تواند او را به عقد خود در آورد.



س ۲۲۳۹ - زنی به کسی اجازه داده که او را به عقد دائمی درآورد و او نیز آن زن را به عقد انقطاعی به مدت پنج سال و یا ده سال صیغه می‌کند و به آن زن نیز نمی‌گوید و چند فرزند از ایشان به دنیا می‌آید و پس از مدتی به او می‌گوید که من تو را به عقد انقطاعی در آوردم ولی زن می‌گوید من راضی نیستم، آیا عقد انقطاعی وی صحیح است یا نه و فرزندان وی از پدر و مادر ارث می‌برند یا نه؟

ج - عقد مرقوم صحیح نیست و اولادی که پیدا کرده‌اند از پدر ارث نمی‌برند و پدر از آنها ارث نمی‌برد ولی توارث بین آنها و مادرشان ثابت است و بعداً می‌توانند عقد دائم یا منقطع بنمایند. بلی، اگر پدر گمان می‌کرد که این عقد صحیح است، بین پدر و پسر هم توارث ثابت است.



س ۲۲۴۰ - زنی مردی را وکیل می‌کند که او را به عقد دایم خود در آورد ولی مرد او را عقد منقطع می‌نماید و به زن نیز اطلاع نمی‌دهد و فرزند از آنان متولد می‌شود، حال که شوهر فوت کرده، در وصیت‌نامه‌ی خود تذکر داده که همسر وی متعه است و نه دایمی و اگر زن از اول به این عقد آگاه می‌شد، آن را نمی‌پذیرفت، در این صورت، حکم فرزند و ارث او چیست؟

ج - در فرض مذکور بعید نیست فرزند آن‌ها ولد شبهه باشد که حکم ولد حلال را دارد و از پدرش ارث می‌برد ولی زوجه از او ارث نمی‌برد. بلی، مهر المثل طلب‌کار است و باید از ترکه‌ی میت ادا شود و اگر زوجه مدعیه باشد که عقد دایم شده، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.



س ۲۲۴۱ - کسی با زنی ازدواج منقطع به مدت طولانی نموده، حال دو طرف می‌خواهند به عقد دایم زناشویی نمایند، آیا بذل و بخشش مدت لازم است یا بدون آن نیز می‌شود او را به عقد دایم زناشویی درآورد؟

ج - بذل مدت لازم است.



س ۲۲۴۲ - متعه‌ای که به او دخول نشده و مدت آن پایان یافته را تا چند مرتبه می‌توان متعه نمود؟

ج - اگر شخصی که او را متعه کرده بخواهد متعه نماید، هرچه تکرار شود؛ خواه مدخوله باشد یا نباشد، مانعی ندارد و اگر دیگری بخواهد او را متعه کند، آن هم در صورتی که دخول واقع نشود، پس از انقضای مدت یا بخشیدن آن، هر کس او را متعه کند مانعی ندارد و اگر مدخوله باشد و دیگری بخواهد او را متعه کند، علاوه بر انقضای مدت یا بخشیدن آن، گذشتن عده نیز لازم است.



س ۲۲۴۳ - اگر شخصی زنی را صیغه کند و مدت را معین نکند و صیغه را به عنوان تا پایان عمر بخواند و هیچ مدتی معلوم نشود، آیا این صیغه و متعه به دایم تبدیل می شود یا باطل است؟  
ج - باطل است.



#### □ صیغه کردن دختر صغیر بدون امکان تمتع

س ۲۲۴۴ - اگر شخصی دختر خود را که قابل تمتع نیست برای مدت کمی که در آن مدت نمی توان هیچ تمتعی را انجام داد، به عقد انقطاعی کسی در آورد، آیا مادر آن بچه به داماد محرم می شود یا خیر؟  
«گلیایگانی»: به نظر حقیر محرم می شود.



«نکونام»: همان طور که پیش از این در پرسش ۲۲۳۶ گذشت، انجام عقد به صورت یاد شده ایجاد محرمیت نمی کند؛ زیرا بدون فرض امکان تمتع - به هر نوعی - عقد نکاح موقت تحقق پیدا نمی کند؛ اگرچه شرط عدم تمتع عمده، مانع تحقق عقد در صورت امکان تمتع نمی باشد و میان شرط عدم تمتع عمده با عدم امکان تمتع تفاوت است.



س ۲۲۴۵ - بنده با داشتن همسر و فرزند، دختری را که به سن قانونی و شرعی بود، با اجازه ی پدر وی و رضایت خود با تعیین مبلغ سی هزار ریال به مدت سی سال صیغه نموده و مدت چهار سال که از این جریان می گذرد و همسر دایمی بنده از آن آگاه شد و مرا به جدایی از او مجبور نمود و عیال دایمی من به خیال این که او را به عقد دایم درآورده ام اصرار دارد که او را طلاق بدهم و من نیز به کسی اظهار کردم که اگر عیال دایمی بنده است او را طلاق بدهد و چون از این موضوع کراهت داشتم به همسر دوم گفتم که شما به صیغه ی من باقی هستید و

مبلغ سی هزار ریال بابت اجرت و دوهزار تومان نیز به عنوان نفقه به او پرداخت کردم و پس از گذشت یک هفته به او گفتم رجوع کردم، آیا این زن هنوز همسر بنده هست یا نه؟

ج - در فرض سؤال، صیغه محتاج به طلاق نیست، بلکه به بذل مدت باقی مانده جدا می شود و چون جمله‌ی مذکوره مشروط شده است به این که اگر دایمی باشد طلاق دهید، موجب اذن در بذل نیست و زن مزبوره در زوجیت منقطع باقی است و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

□ □ □ □

س ۲۲۴۶ - صیغه کردن زن زناکار در صورتی که شخص نتواند از فشار شهوت خودداری کند چه حکمی دارد؟

«گلبایگانی»: صیغه کردن زن زانیه جایز است؛ اگرچه در مشهوره احوط ترک آن است.

\* \* \*

«نکونام»: عقد نمودن موقت زن زناکار و فاحشه؛ هرچند مشهور به زنا باشد اشکال ندارد؛ اگرچه پرهیز از این گونه زنها و دوری از آنها سبب سلامتی و سعادت را همراه دارد.

□ □ □ □

□ فراموش کردن ذکر مدت در عقد موقت

س ۲۲۴۷ - اگر در عقد انقطاعی ذکر مدت فراموش شود، آیا باطل است و یا عقد دایمی می شود؟

«گلبایگانی»: باطل نیست و عقد دایمی واقع می شود.

\* \* \*

«نکونام»: اگر در عقد انقطاعی، ذکر مدت به کلی فراموش شود، به طوری که در زمان اجرای صیغه، مدت آن به ذهن دو طرف نیامده باشد، عقد باطل

است و عقد دائم نیز واقع نمی‌شود؛ زیرا نسبت به زمان موقت یا دوام عقد، قصدی تحقق نیافته است و صرف اطلاق صیغه از حیث زمان و عدم توقیف آن به وقت و نیز بدون فرض قصد دوام نمی‌تواند موجب دوام عقد باشد.

□ □ □ □

س ۲۲۴۸ - اگر شوهر مدت زن متعه‌ی خود را ببخشد به شرط آن که با شخص معینی ازدواج نکند، آیا این شرط نافذ است یا نه؟  
ج - چنین شرطی صحیح نیست و نفوذ ندارد.

□ □ □ □

#### □ صیغه‌ی محرمیت

س ۲۲۴۹ - آیا پدر می‌تواند دختر کوچک خود را برای محرم شدن مادر آن دختر برای چند نفر هر کدام مثلاً پنج روز یا کم‌تر به صیغه‌ی موقت عقد نماید یا نه و در این صورت، پس از انقضای مدت، مادر آن دختر برای همیشه به آن چند نفر محرم می‌شود یا نه؟

«گلیپایگانی»: مانعی ندارد و پس از عقد، مادر دختر برای همیشه نسبت به آن اشخاص محرم می‌شود.

\* \* \*

«نکونام»: صیغه‌ی وی در صورتی درست است که بتوان از آن به گونه‌ای تمتع؛ هرچند به بوسه، از او برد.

□ □ □ □

#### □ صیغه‌ی برادر و خواهری و محرمیت

س ۲۲۵۰ - آیا مرد و زنی می‌توانند برای محرم شدن صیغه‌ی برادر و خواهری با هم بخوانند یا نه؟

«گلیپایگانی»: صیغه‌ی خواهر و برادری موجب محرمیت نیست و این نحو صیغه در شرع مقدس اسلام وجود ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: میان زن و مرد، جز عقد نکاح چیزی وجود ندارد و صیغه‌ی اخوت ایمانی به مقتضای دلیل، میان مرد و مرد است و نیز اگر صیغه‌ی خواهری میان زن و زن، به موجب اطلاق «انما المؤمنون اخوة» و به موجب مناط خوانده شود، الزامی جز در جهات معنوی، هم‌چون میان مرد و مرد ندارد و اگر همین اطلاق و مناط را نسبت به میان زن و مرد نیز سرایت دهیم، باز هم موجبی برای محرمیت در بر نخواهد داشت و تنها جهات اخلاقی - معنوی را لازم دارد.



س ۲۲۵۱ - دو نفر به نام حسن و حسین با هم باجناب (هم‌پاچه) هستند و می‌خواهند دختر حسن را به حسین و دختر حسین را به حسن صیغه نمایند که زن حسن به حسین و زن حسین به حسن محرم شود، آیا با این صیغه، محرمیت حاصل می‌شود یا نه؟

ج - بلی، محرم می‌شوند لیکن باید خاله اذن بدهد و بدون اذن خاله صحیح نمی‌باشد ولی جهت عدم ابتلا به محاذیر بعدی نسبت به ازدواج سایر اولاد، خوب است موضوع یادداشت و ثبت شود.



#### □ اختلاف در دایمی یا انقطاعی بودن عقد ازدواج

س ۲۲۵۲ - هرگاه زن و شوهر در این که عقد آنان دایمی بوده یا انقطاعی اختلاف داشته باشند و شوهر مدعی باشد که عقد آنان انقطاعی بوده و زن نیز منکر آن گردد و بگوید دایمی بوده، گفته‌ی کدام یک پذیرفته می‌شود؟  
«گلبایگانی»: قول مدعی دوام که در فرض سؤال زن است، مقدم می‌باشد.



«نکونام»: ترجیحی برای تقدّم هیچ یک از دو قول مدعی دوام و مدعی انقطاع وجود ندارد و ادعای انقطاع و انکار دوام با ادعای دوام و انکار

انقطاع برابر است و اجمال عقد را پیش می‌آورد و با آن که جهت افتراق و جدایی زن و مرد، نیاز به طلاق دارد، ولی نوعیت و تحقق عقد را نیز ثابت نمی‌کند و مرد با آن که می‌تواند زن را طلاق ندهد، ولی نمی‌تواند لمس، قرب و نزدیکی داشته باشد و زن نیز با آن که نمی‌تواند بدون طلاق شوهر کند، ولی می‌تواند مانع لمس، قرب و نزدیکی مرد شود.



#### □ اختلاف زن و مرد در نوع عقد و مسأله‌ی ارث

س ۲۲۵۳ - کسی زن دایم خود را طلاق داده و سپس بستگان آنان با وساطت آن دو را برای ادامه‌ی زندگی راضی می‌کنند و در حال حاضر مدرکی در دست نیست که آیا این زن را عقد دایم کرده یا خیر و زن اظهار می‌کند که من به عقد دایم اطمینان دارم ولی شوهر اظهار بی‌اطلاعی می‌کند، در این صورت، تکلیف آنان از نظر ارث چیست؟

«گلپایگانی»: در مورد سؤال، عقد محکوم به دوام است و ممکن است احتیاطاً او را طلاق دهد و بعد او را به قصد انقطاع درآورد و در این صورت ارث نمی‌برد و یا مدت را ببخشد و بعد او را به عقد دایم درآورد و در این صورت ارث می‌برد.



«نکونام»: عقد به دلیل اجمال پیش آمده محکوم به حکم خاصی نیست؛ چرا که هرچند جهت افتراق و جدایی نیاز به طلاق دارد، در جهت ارث نیز چیزی را ثابت نمی‌کند.



#### □ اختلاف زن و مرد در نوع ازدواج

س ۲۲۵۴ - در صورتی که زن و مردی در نوع ازدواج خود اختلاف داشته باشند و زن مدعی باشد ازدواج آنان دایمی است و مرد آن را منقطع بدانند و دلیل و

بینه‌ای نیز نباشد، گفته‌ی کدام یک مقدم است؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، عقد محکوم به دوام است؛ مگر آن که خلاف آن شرعا ثابت شود.

\* \* \*

«نکونام»: عقد همان‌طور که بیان شد، اجمال یافته است و محکوم به حکمی نمی‌باشد؛ اگرچه جدایی و افتراق نیاز به طلاق دارد.

□ □ □ □

#### □ تغایر دو خط نوشته

س ۲۲۵۵ - شخصی فوت شده و دارای دو همسر است: یکی دایمی و دیگری را در وصیت‌نامه‌ی خود منقطع دانسته است ولی آن زن سندی عادی به خط وی در دست دارد که او دایمی است و تاریخ آن سند پیش از وصیت‌نامه می‌باشد و هر دو تأیید شده است و بینه بر آن خط گواهی می‌دهد چون این امر در دادگاه مورد ترافع است، آیا می‌توان گفت آن مرد وی را طلاق داده و پس از تمام شدن عده، او را به عقد موقت خود درآورده است یا خیر؟

«گلبایگانی»: در فرض مسأله، اقوی آن است که قول مدعی دوام مطابق اصل است و مشهور نیز همین است؛ چه نزاع بین زوجتین باشد چه بین ورثه‌ی آنها، و مدعی انقطاع باید بینه اقامه کند و اگر بینه نداشته باشد، می‌تواند مدعی دوام را قسم بدهد و با قسم خوردن حکم به دوام می‌شود و اگر قسم را به مدعی انقطاعی رد نماید، در صورت قسم خوردن، حکم بر له او و در صورت نکول، حکم بر علیه او می‌شود و چنانچه مدعی دوام اظهار بی‌اطلاعی کند، مدعی انقطاع حق قسم نفی العلم بر او دارد و این دو خط، اگر هیچ یک موجب علم نباشد، اعتباری به آنها نیست و حجیت شرعی ندارند.

\* \* \*



«نکونام»: هیچ گونه اصل شرعی یا عقلی و هیچ نوع سبق ذهنی بر اصالت دوام عقد نسبت به انقطاع آن وجود ندارد و بر فرض وجود انگیزه‌ی اصالت دوام عقد از جانب زن، دلیلی بر حجیت آن نیست و دلیل و اصلی بر تقدم و تأخر هیچ یک از دوام و انقطاع نیز نسبت به یکدیگر نمی‌باشد و هر دو دست‌خط نسبت به دوام و انقطاع نیز به تکاذب از حجیت می‌افتد.

تنها می‌توان با قسم زن، حکم به دوام و با نکول و خودداری وی از یاد کردن قسم، حکم بر انقطاع عقد نمود و در صورت ادعای نداشتن علم از ناحیه‌ی زن نسبت به دوام، مدعی انقطاع - قیم، ورثه یا دیگران - می‌تواند او را به نداشتن علم قسم دهد که با قسم، اثبات دوام و با نکول وی حکم به انقطاع می‌شود.



### □ عقد اکراهی

س ۲۲۵۶ - دختری می‌گوید که از من سؤال شد آیا به ازدواج با این پسر راضی هستی یا نه و من چون نمی‌خواستم با او ازدواج کنم جوابی ندادم ولی پدر و مادرم بر من فشار آوردند و من فقط به صورت زبانی آن را پذیرفتم، آیا این عقد درست است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر دختر به جهت اکراه پدر یا مادر اذن عقد را داده، صحت و نفوذ عقد موقوف بر امضای آن بعد از ارتفاع اکراه است و اگر اکراهی که موضوع حکم شرعی است در بین نبوده، فقط اصرار پدر و مادر باعث اجازة‌ی عقد بوده، عقد صحیح است و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۲۵۷- اگر دختری باکره از ترس دیگری صیغه شود، آیا این صیغه صحیح است یا نه؟

ج - اگر مکره بوده، اثر ندارد؛ مگر آن که بعد از رفع اکراه راضی شود.



### □ اولیای عقد

س ۲۲۵۸- اگر ولی صغیر زنی را به ازدواج صغیر در آورد و او به ازدواج با آن زن راضی نباشد و به او تحمیل نمایند و در سنینی نباشد که تشخیص و تمیز بدهد که چگونه زنی برای او انتخاب نموده‌اند و نیز به او مهلت تشخیص نداده باشند، آیا این ازدواج درست است یا خیر؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاع ندارم. به طور کلی، اگر پسر صغیر بوده و ولی شرعی او برای او زوجه اختیار کرده، با رعایت مصلحت صغیر وقتی پسر کبیر شود نمی‌تواند عقد ازدواج را رد کند. بلی، اگر بخواهد طلاق بدهد مانع ندارد و اگر کبیر بوده و بدون رضایت او برای او زن عقد کرده، عقد بدون رضایت او صحیح نیست و در هر حال، امر طلاق با مرد است و در نزاع موضوعی مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



### □ اطاعت نکردن از پدر و مادر نسبت در انتخاب همسر

س ۲۲۵۹- این جانب به سن ازدواج رسیده‌ام و حال می‌خواهم همسری انتخاب کنم ولی پدر و مادر من می‌گویند باید یکی از بستگان ما را به عنوان همسر انتخاب نمایی ولی من دوست ندارم با بستگان خود ازدواج نمایم، در این صورت، اگر سخن آنان را نپذیرم، آیا گناه کرده‌ام یا نه؟

«گلپایگانی»: اگر کراهت از ازدواج یکی از اقوام به حدی نیست که موجب جدایی شود، اطاعت پدر و مادر را بنمایید که در اطاعت آن‌ها آثار خوبی

است، علاوه صله رحم نیز می‌باشد و اگر کراهت شدید است که خطر جدایی در آن می‌باشد با غیر آن‌ها مواصلت نمایید، مانعی ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: در مورد ازدواج، هنگامی که عدم تمایل و کراهتی از جانب فرزند باشد، اطاعت پدر و مادر لازم نیست؛ اگرچه کراهت به حدی نباشد که به جدایی بکشد و صله‌ی رحم مربوط به ازدواج با فامیل نیست؛ چرا که ازدواجی می‌تواند قطع رحم را نیز به دنبال داشته باشد.

□ □ □ □

س ۲۲۶۰ - ولایت دختر بچه‌ی صغیری که غیر مادر و پسر خاله کسی را ندارد، بر عهده‌ی کیست؟

ج - در فرض سؤال، اگر پدر یا جد پدری قیم برای آن صغیره تعیین نکرده‌اند، ولی شرعی او مجتهد جامع الشرایط است یا کسی که مجتهد او را قیم نموده باشد.

□ □ □ □

س ۲۲۶۱ - آیا با بودن پدر، جد نیز ولایت دارد یا خیر؟

ج - بلی، ولایت جد مشروط به موت پدر نیست و هر دو به نحو استقلال ولایت دارند و هر یک فوت نمود ولایت مختص به دیگری می‌شود و هر کدام از آن‌ها برای صغیر یا صغیره مثلاً تزویج نمود، دیگری حق به هم زدن آن را ندارد.

□ □ □ □

س ۲۲۶۲ - هرگاه عقد نمودن صغیره مفسده داشته باشد، آیا باز نیز پدر یا جد ولایت بر او دارند و می‌توانند او را به عقد کسی در آورند یا خیر؟

ج - صحت عقد و نفوذ آن مشروط به عدم مفسده است و چنانچه مفسده

داشته باشد، عقد فضولی است و صحت عقد موقوف بر این است که صغیره بعد از بلوغ آن را اجازه نماید.

□ □ □ □

س ۲۲۶۳ - هرگاه پدر یا جد برای صغیر، وصی و قیم تعیین نماید، آیا سرپرست می تواند آن ها را به ازدواج دیگری درآورد یا خیر؟  
«گلپایگانی»: بنا بر احتیاط نمی تواند؛ هرچند موصی تصریح به نکاح هم نموده باشد.

\* \* \*

«نکونام»: سرپرست چنین حقی را ندارد؛ هرچند موصی به آن تصریح کرده باشد.

□ □ □ □

س ۲۲۶۴ - آیا در صورت نبود پدر و جد، حاکم شرع ولایت بر کودک صغیر در امر نکاح دارد یا خیر؟

ج - در مورد سؤال، حاکم شرع ولایت ندارد. بلی، هرگاه حاجت و ضرورت و مصلحت لازمة المراجعة مقتضی نکاح باشد؛ به طوری که بر ترک آن مفسده لازم التحرز مترتب شود، حاکم شرع در چنین موردی از باب حسبه، ولایت بر نکاح صغیر و صغیره دارد.

□ □ □ □

س ۲۲۶۵ - اگر ولی صغیر به کسی اجازه داده بود که دختری را به ازدواج او درآورد، آیا بعد از مرگ ولی می تواند آن ازدواج را واقع سازد یا نه؟  
ج - به موت ولی وکالت باطل می شود؛ پس تزویج آن بعد از موت ولی صحیح نیست.

□ □ □ □

س ۲۲۶۶ - گفته می‌شود در ازدواج موقت لازم نیست دختر از پدر خود اجازه بگیرد. حال اگر دختری به حد رشد کافی رسیده و در حدود ۲۷ سال سن داشته باشد و در حالی که نیاز به شوهر داشته زمینه برای ازدواج دائم او فراهم نشده باشد، آیا می‌تواند بدون اذن ولی اقدام به ازدواج موقت بنماید یا نه و آیا مسأله‌ای که در درس خارج بیان می‌شود می‌تواند ملاک فتوایی یک فرد قرار گیرد یا خیر؟

«گلپایگانی»: فتاوی‌ای حقیر در رساله‌ی عملیه مرقوم است و آن‌چه در رساله نباشد شفهاً و یا کتباً پرسید تا جواب داده شود و در درس مطالب مختلفی بیان می‌شود که به دست آوردن فتوا از آن‌ها برای همه کس مقدور نیست. به هر حال احتیاط این است که در ازدواج دختر باکره؛ چه موقت چه دائم، از پدر اذن حاصل شود، لکن اگر دختر بالغه و رشیده بدون اجازه‌ی پدر ازدواج نموده، صحیح است و در صورتی که زوج کفو باشد؛ چه در دائم، چه در منقطع و پدر امتناع نماید، اذن او ساقط است.

\* \* \*

«نکونام»: دختری که به سن بلوغ رسیده و رشید است و مصلحت خود را تشخیص می‌دهد، اگر بخواهد شوهر کند؛ چنانچه باکره باشد، بهتر است از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد؛ هرچند این امر وجوبی ندارد؛ بر این اساس؛ اگر همسر شایسته‌ای برای دختر پیدا شود و دختر بخواهد با وی ازدواج کند، ولی پدر یا جد پدری مانع شود و سخت‌گیری کند، نیازی به اجازه‌ی آنان نیست.

□ □ □ □

س ۲۲۶۷ - جد پدری، نوه‌ی خود را بدون اذن پدر در حالی که بالغ نبوده با پسری نابالغ تزویج نمود، اما بعد از بالغ شدن آن دو، دختر و جد وی هیچ کدام راضی

به آن ازدواج نیستند و نیز پسر حاضر به طلاق گفتن وی نمی‌باشد، آیا حاکم شرع یا وکیل او می‌تواند او را طلاق دهد یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر تزویج صغیره در حین عقد مفسده‌ای نداشته و سایر شرایط صحت نیز موجود بوده است، عقد جد نافذ است و عدم رضایت آن‌ها بعد از عقد مضر به صحت آن نیست و اگر بخواهند از یک‌دیگر جدا شوند، لازم است زوج را راضی نمایند تا طلاق دهد.

□ □ □ □

س ۲۲۶۸ - پسری است که سن او کم‌تر از پانزده سال است و دختر نوزده ساله‌ای را برای او عقد کرده‌اند و پسر در حضور پدر، آن را پذیرفته، آیا این عقد صحیح است یا نه؟

ج - اگر علایم دیگر بلوغ در پسر نبوده، باید مراعات احتیاط بشود به این نحو که یا عقد را ولی بخواند و یا صبر کند تا پسر بالغ شود و خودش یا عقد را تجدید کند یا طلاق بدهد.

□ □ □ □

س ۲۲۶۹ - آیا برادر و مادر بر صغیر و دیوانه ولایت دارند یا خیر؟

«گلبایگانی»: ولایت بر صغیر و صغیره و مجنونی که جنون او متصل به بلوغ باشد مخصوص پدر و جد پدری است و برادر و عمو و دایی و مادر هیچ یک ولایت ندارند و جد مادری هم ولایت ندارد؛ هرچند از طرف مادر پدر باشد؛ یعنی مثلاً پدر مادر پدر باشد و اما نسبت به مجنونی که جنون او متصل به بلوغ نباشد، اقوی ولایت حاکم شرع است؛ هرچند احتیاط آن است که از پدر یا جد پدری نیز اذن گرفته شود.

\* \* \*

«نکونام»: ولایت پدر و جد پدری بر دیوانه و سفیه در صورتی است که دیوانگی و سفاهت آنان قبل از بلوغ حاصل شده باشد؛ پس اگر پس از بلوغ

عارض شود، ولایت آنان با حاکم شرع است و نیازی به داشتن اجازه از آنان نیست.

□ □ □ □

### □ عقد فضولی

س ۲۲۷۰ - آیا در عقد نکاح فضولی جاری است تا با اجازه درست شود یا خیر؟  
ج - بلی، هرگاه نکاح فضولی واقع شود با اجازه صحیح می شود.

□ □ □ □

س ۲۲۷۱ - در عقد فضولی که به اجازه نیاز است، آیا اجازه باید فوری و بدون فاصله پس از عقد باشد یا خیر؟

ج - لازم نیست؛ پس اگر اجازه با فاصله شدن زمان طولانی بعد از عقد هم حاصل شود، صحیح است؛ چه تأخیر اجازه از جهت جهل به وقوع عقد یا به خاطر فکر و مشورت کردن باشد.

□ □ □ □

س ۲۲۷۲ - آیا در اجازه نمودن عقد فضولی لفظ خاصی لازم است یا خیر؛ مثل این که بگوید به عقدی که خوانده شده راضی هستم؟

ج - لازم نیست و هر لفظی که دلالت بر انشای رضایت به عقد فضولی نماید کافی است؛ بلکه فعلی هم که دلالت بر انشای رضایت نماید کفایت می کند.

□ □ □ □

س ۲۲۷۳ - آیا در عقد فضولی قصد فضولی بودن و توجه به آن معتبر است یا خیر؟

ج - لازم نیست و میزان در فضولی بودن عقد، صدور آن است به حسب واقع از غیر کسی که اختیار عقد با اوست. پس اگر کسی خیال کند ولی یا وکیل است و عقد را واقع سازد و بعد کشف خلاف شود، عقد فضولی است و با اجازه صحیح می شود.

□ □ □ □

س ۲۲۷۴ - هرگاه مرد یا زن عقد فضولی را رد نماید و پس از رد اجازه کند یا اول اجازه کند و سپس رد نماید، حکم آن چیست؟

ج - رد بعد از اجازه و هم چنین اجازه بعد از رد بلا اثر است؛ یعنی با اجازه عقد لازم می شود و با رد فسخ می گردد و در این جهت تفاوتی نمی کند که اجازه قبل از رد یا رد قبل از اجازه از خود معقودله واقع شود یا از ولی او، بنابراین، اگر مثلاً شخصی صغیره ای را به نحو فضولی برای کسی عقد کند و ولی صغیره این عقد را اجازه کند، پس از این که صغیره کبیره شد، حق رد عقد را ندارد و اگر ولی عقد مذکور را رد کند، صغیره پس از بلوغ حق اجازه ندارد.



س ۲۲۷۵ - هرگاه شخصی به نحو فضولی زنی را به عقد مردی در آورد و خود آن زن با مرد دیگری ازدواج نماید، حکم آن چیست؟

ج - تزویج خود زن صحیح است و محلی برای اجازه ی عقد اولی باقی نمی ماند.



س ۲۲۷۶ - هرگاه شخصی زنی را به گونه ی فضولی به عقد مردی در آورد؛ در حالی که مرد اطلاع ندارد و این مرد، مادر یا دختر آن زن را برای خود عقد کند و دختر یا مادر پس از عقد به آن آگاه شوند، حکم آن چیست؟

ج - ازدواج مرد با دختر یا مادر زن مذکور صحیح است و محلی برای اجازه ی عقد فضولی باقی نمی ماند.



س ۲۲۷۷ - آیا رضایت قلبی در صحت عقد و فضولی نبودن آن که نیاز به اجازه باشد کافی است یا خیر؟

ج - رضایت قلبی کفایت نمی کند. بنابراین، اگر مثلاً زوج در حال عقد



حاضر و راضی به آن باشد ولی قول یا فعلی که دلالت بر رضایت کند از او صادر نشود، ظاهراً عقد فضولی است که می‌تواند رد یا اجازه کند. بلی، در خصوص دختر باکره چنانچه از حال او کشف رضایت شود و سکوتش به خاطر حیای از تلفظ به اذن باشد، همین اندازه کافی است.





## احکام ازدواج

س ۲۲۷۸- شخصی در زمان حکومت گذشته دو دختر داشته که برای دختر کوچک خواستگار آمد و او با شناسنامه‌ی دختر بزرگ، او را به شوهر داده و سند ازدواج به نام دختر بزرگ است ولی به هنگام اجرای عقد، صیغه به نام دختر کوچک خوانده شد و به عکس با شناسنامه‌ی دختر کوچک، دختر بزرگ را شوهر داده، آیا چنین ازدواجی درست است یا خیر؟

ج- عقد نکاح صحیح است نسبت به همان دختری که در وقت عقد مورد اشاره بوده؛ هر چند اسم او اسم واقعی او نبوده و با شناسنامه‌ی دیگری عقد شده و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۲۷۹- اگر کسی دختر کوچک خود را با شناسنامه‌ی دختر بزرگ خود که فوت نموده شوهر دهد، آیا ازدواج آنان اشکال شرعی دارد یا نه؟

ج- اگر در پیش زوج و زوجه معلوم بوده و عقد بر دختری که حیات دارد واقع شده و در دفتر نام دیگری نوشته شده باشد، عقد صحیح است و اگر عقد بر دیگری که فوت شده واقع شده، فعلاً عقد را بر دختر زنده بخوانند کافی است و اشکال ندارد.



س ۲۲۸۰- این جانب به علت عدم تمکین همسر سابق و سوء خلق او سه سال و نیم پیش اقدام به تقاضای طلاق وی از دادگاه نموده و با او قطع رابطه کرده‌ام و نفقه‌ی او را به تناوب پرداخت کرده و از دادگاه نیز تقاضای کارشناسی برای تعیین نفقه نموده‌ام و بعد با زنی ازدواج کرده‌ام ولی ظرف این مدت که پرونده طلاق همسر اول در دادگاه مدنی خاص مفتوح است از صدور حکم طلاق جلوگیری شده، آیا از نظر شرعی جایز است مانع از طلاق مردی شوند که مایل به زندگی با همسر خود نیست و می‌خواهد با پرداخت نفقه و مهریه او را طلاق دهد و علاوه بر این، او را ملزم کنند که طلاق موقوف به پرداخت فلان مبلغ است؟ و آیا ازدواج دوم این جانب از نظر شرعی جایز بوده یا خیر؟

«گلبایگانی»: امر طلاق با مرد است و اگر شرعا تعهدی کرده باشد؛ مثل این که در ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگر شرط شده باشد که مرد در صورت طلاق مبلغی بپردازد، لازم است زوج به شرط عمل نماید و به هر حال این تعهد هم مانع از جواز طلاق نیست و ازدواج او با همسر دوم صحیح است. بلی، اگر در ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگر شرط کرده باشد که همسر دیگر اختیار نکند بنا بر قول جمعی از علما این شرط باطل است ولیکن احوط آن است که تکلیفا مراعات شرط را بنماید و به آن عمل کند ولی در صورت عدم مراعات مانع از صحت ازدواج نیست.

\* \* \*

«نکونام»: زن نمی‌تواند در ضمن هیچ عقدی شرط نماید که مرد حق انتخاب همسر دیگری ندارد؛ چرا که این شرط بر خلاف احکام الهی است.

□ □ □ □

س ۲۲۸۱- هرگاه مرد به واسطه‌ی آن که مفاسد و خلاف احکام الهی در بیش‌تر زنان و دوشیزگان ایجاد شده نتواند همسری شایسته‌ی خود پیدا نماید که مطابق احکام و دستورات قرآن عمل کند و خوف دارد که اگر ازدواج کند از جهات

مختلف به دستورات دینی او ضرر وارد آید، در صورتی که حافظ نفس خود از محرّمات باشد جایز است زندگی خود را بدون گرفتن زن بگذراند یا نه؟  
ج - در فرض سؤال، ترک آن جایز است؛ اگرچه عزوبت مکروه است.



#### □ شرط حکم به صحت قول و فعل مسلمان

س ۲۲۸۲ - بانویی ادعا می نماید چندین سال پیش مردی را برای خود صیغه نموده و خود اجرای صیغه کرده و هنوز آن صیغه به قوت خود باقی است ولی جهت اثبات این ادعا دلیلی ندارد و این که آیا صیغه جاری شده و یا اجرتی در بین بوده و مدتی داشته و آیا شاهدهی در این مورد دارد یا ندارد، همه مشکوک است، آیا چنین ادعایی صحیح است یا نه؟

«گلپایگانی»: قول و فعل مسلمان مسموع و محکوم به صحت است؛ مگر آن که علم به کذب آن باشد و در صورت انکار، زوج محتاج به مرافعهی شرعیه است.



«نکونام»: قول و فعل مسلمان در صورتی محکوم به صحت است که انکار، تکذیب یا ضرر غیر را در بر نداشته باشد. در مورد نکاح نیز ادعای یک طرف، مثبت امری نسبت به طرف دیگر نمی باشد و هر اثباتی نیاز به دلیل دارد.



س ۲۲۸۳ - شخصی دختری را به مدت یک سال متعه کرد و پس از یک سال او را به عقد دائم در آورد و اکنون یقین دارد که با مادر همسرش مقاربت نموده ولی نمی داند آیا مقاربت با او در ایام متعه بوده و یا در ایام عقد دائم، در این صورت، آیا این زن در حال حاضر همسر وی به شمار می رود یا باید از او جدا شود؟

ج - در فرض مسأله که شک دارد زنا قبل از عقد دائمی و دخول بوده یا

بعد از عقد و دخول، عقد محکوم به صحت و زوجه محکومه به زوجیت است.

□ □ □ □

س ۲۲۸۴ - زن یا دختری از راه زنا با مردی هم‌بستر شدند و از او باردار شد و در حال حاضر شخص دیگری می‌خواهد با او ازدواج کند و وی می‌داند زن از زنا باردار شده، در این صورت این ازدواج چه حکمی دارد و نیز آیا این مرد می‌تواند پیش از وضع حمل با این زن هم‌بستر شود یا نه؟

ج - در فرض سؤال، زن زانیه که شوهر نداشته عده ندارد و بعد هم ازدواج با او و هم‌بستر شدن شوهر با او اگرچه آبستن هم باشد، مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۲۲۸۵ - آیا خواهرزاده می‌تواند با زن دایی خود ازدواج نماید یا نه؟  
ج - ازدواج خواهرزاده با زن سابق داییش بعد از گذشتن عده جایز است.

□ □ □ □

س ۲۲۸۶ - دایی می‌تواند با زن خواهرزاده ازدواج نماید یا نه؟  
ج - ازدواج شخص با زن سابق خواهرزاده اش جایز است.

□ □ □ □

س ۲۲۸۷ - ازدواج با زن عمو جایز است یا نه؟  
ج - ازدواج با زن سابق عمو جایز است.

□ □ □ □

س ۲۲۸۸ - آیا عمو می‌تواند با زن برادرزاده‌ی خود ازدواج نماید یا خیر؟  
ج - بلی، می‌تواند با زن سابق برادرزاده اش ازدواج کند.

□ □ □ □

#### □ ناآگاهی مرد به چگونگی حمل همسر

س ۲۲۸۹ - این جانب زن بسیار خوبی را که شوهر نداشته جهت خود عقد نمودم و بعد از چند روز فهمیدم که حامله است و نمی‌دانم وی چگونه باردار گشته، در

این صورت، ازدواج بنده با آن زن صحیح است یا خیر؟

«گلبایگانی»: اگر ممکن نیست حمل از خود شما باشد و بدانید که این حمل بعد از عقد حاصل شده، عقد صحیح است و لکن واجب است تا موقع وضع حمل از وطی آن زن خودداری نمایید؛ اگر حمل از روی معصیت نباشد و اگر بدانید این حمل قبل از عقد بوده و از روی معصیت نیز این حمل حاصل نشده و بعد از عقد نیز به آن زن دخول کرده باشید، لازم است از او جدا شوید و احتیاطاً آن زن را طلاق دهید و بعد نیز او را ازدواج نکنید و اگر حمل از زنا باشد، عقد صحیح است و وطی او نیز در زمان حمل جایز است.

\* \* \*

«نکونام»: چون در مسأله گفته می‌شود: پس از چند روز فهمیدم که حامله است؛ بنابراین معلوم می‌شود که حمل از خود مرد نیست؛ زیرا حمل، به چند روز، علامت ظاهری نیست و چون نداشتن علم مرد به چگونگی حمل، به معنای علم به نداشتن حمل به نوع خاص - حرام یا شبه حرام - نیست و تنها جهل است، بنابراین با جهل مرد به وضعیّت حمل، دلیلی بر صحیح نبودن عقد و فساد آن و جایز نبودن وطی در دست نمی‌باشد، بلکه عقد صحیح و وطی بدون مانع است.

□ □ □ □

#### □ شرط خیار فسخ در عقد نکاح

س ۲۲۹۰ - آیا در عقد نکاح نیز مانند بیع می‌توان شرط خیار فسخ نمود یا خیر؟  
«گلبایگانی»: شرط خیار در عقد نکاح باطل است؛ چه عقد دائمی باشد و چه انقطاعی و چه زوج شرط کند یا زوجه و بنابر اقوی، اگر چنین شرطی شود، خود عقد نیز باطل است.

\* \* \*

«نکونام»: شرط خیار فسخ در عقد نکاح، عقد را باطل نمی‌کند؛ اگرچه شرط خیار، خود باطل است و الزامی ندارد.



س ۲۲۹۱ - کسی دختر خود را شوهر داده و با داماد شرط نموده که وی را از وطن اصلی خود خارج نکند و او نیز آن را پذیرفته و پس از ازدواج، شوهر وی به عراق یا سوریه رفته و پدر دختر نپذیرفت که دختر با او برود و وی مدت بیست سال است که همسر خود را بدون قیم و سرپرست در وطن گذاشته و پدر دختر نیز چند سالی است فوت کرده و آن زن هیچ گونه خویشاوندی ندارد و از افغانستان به قم مهاجرت کرده، تکلیف این زن چیست؟

ج - هرگاه در ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگر شرط شود که زن از وطن اصلیش خارج نشود، لازم است زوج طبق شرط عمل نماید و در فرض سؤال که زوج به محل دیگر رفته، باید نفقه‌ی زن را بدهد و اگر نداده باشد، زن می‌تواند نفقه‌ی تمام مدتی را که شوهر او را بدون نفقه گذاشته مطالبه کند و لکن طلاق زن بی‌اطلاع شوهر یا بدون رضایت وی صحیح نیست. بلی، می‌تواند به حاکم شرع مراجعه نماید و در این صورت حاکم به زوج اعلام می‌کند که یا باید نفقه بدهی یا زوجه را مطلقه نمایی، پس اگر از طلاق یا انفاق امتناع نمود، حاکم شرع طلاق می‌دهد و زن پس از طلاق عده نگاه می‌دارد و پس از آن ازدواجش بلا مانع است.



#### □ عمل زناشویی پسر و دختر رشید بدون اذن ولی

س ۲۲۹۲ - دختری نزدیک به دوازده ساله و پسری نزدیک به چهارده ساله خواهان یکدیگر بوده و مدتی با هم مراوده داشتند و بدون رضایت و اجازه‌ی پدر و مادر قرار ازدواج می‌گذارند و به شهر دیگری فرار می‌کنند و در آنجا عمل زناشویی انجام شده، و دختر باردار گردیده و به وطن مراجعت می‌نمایند و پدر



و مادر راضی نیستند اما پسر و دختر به همان قرارداد عمل زناشویی را انجام می‌دهند، پدر و مادر، دختر را نامزد پسری دیگر می‌کنند، آیا این عمل زنا یا در حکم زناست و حد زنا را باید در هر دو طرف جاری نمود یا خیر و فرزند آنان فرزند زنا، شبهه و یا شرعی است و آیا پدر و مادر می‌توانند بدون رضایت دختر یا با رضایت او وی را به دیگری شوهر بدهند یا خیر؛ در حالی که پسر که با دختر نزدیکی کرده راضی نیست و آیا می‌توانند پسر یا دختر را به طلاق مجبور کنند و چنانچه چنین کنند، آیا این طلاق صحیح است یا خیر؟

«گله‌یگانی»: در فرض مسأله، اگر دختر رشیده و بالغه به عقد درآمده و صیغه‌ی عقد خوانده شده باشد، صحت عقد بعید نیست؛ هرچند دختر باکره باشد و پدر و مادر راضی نباشند و احتیاط آن است که پدر عقد را امضا کند و جایز نیست زوج را مجبور به طلاق نمایند و اگر مجبور کنند، طلاق باطل است.

\* \* \*

«نکونام»: با بیانی که در صورت مسأله آمده است، ازدواج به صورت شرعی - هرچند به گونه‌ی معاطات - تحقق یافته است و برای تحقق نکاح، در صورت رشید و بالغ بودن دختر، اذن ولی لازم نیست و عمل نزدیکی آنان حکم شرعی دارد و بچه نیز حلال‌زاده و در حکم ولد شرعی است و پدر و مادر نمی‌توانند آنان را به طلاق مجبور نمایند و طلاق به اجبار نیز اثری ندارد.

□ □ □ □

س ۲۲۹۳ - آیا نزدیکی با دختری که نه سال وی تمام نشده جایز است یا خیر و آیا در این جهت میان عقد انقطاعی و دائمی تفاوتی هست یا نه؟  
ج - جایز نیست و در این حکم، تفاوتی بین دائمه و منقطعه نیست.

□ □ □ □

س ۲۲۹۴ - اگر همسر از نه سال کم تر داشته باشد، هر گونه استمتاعی از او به غیر از وطی جایز است یا خیر؟  
ج - بلی، جایز است.



س ۲۲۹۵ - زنی که مانع طبیعی از جماع در جلو دارد و همسر به همین سبب درد بر او وطی می نماید، آیا بر مرد واجب است که او را در رأس چهار ماه وطی نماید یا نه؟

ج - در فرض سؤال، بر زوج واجب نیست.



س ۲۲۹۶ - اگر شخص نابالغی به دختر نابالغ دخول کند، آیا ازدواج میان آن دو جایز است یا باطل و چنانچه شخص بالغی به دختر نابالغ دخول کند، ازدواج آن دو چه حکمی دارد؟ و در صورتی که شخص نابالغی با دختر بالغی دخول کند، ازدواج میان آن دو درست است یا خیر؟

ج - دخول قبل از عقد به زنا در تمام فروع بالا ممانعت از ازدواج نمی نماید؛ به شرط آن که زن در حال زنا شوهردار نباشد و در عدهی رجعی هم نباشد.



س ۲۲۹۷ - اگر شخص از روی علم و یا جهل با برادرزادهی خود ازدواج کند و صاحب فرزندان متعددی از آن گردد، تکلیف آنان چیست؟

ج - در فرض مسأله، باید بدون طلاق از یکدیگر جدا شوند و اگر جاهل به مسأله بوده اند، اولادشان اولاد شبهه و ملحق به پدر و مادر می باشند و ارث می برند و اگر از این تاریخ به بعد با یکدیگر نزدیکی کنند، فعل حرام بجا آورده اند و اولادشان ولد الزنا خواهد بود و حدش قتل است و بسیار جای تعجب است که این گونه مسایل در بلاد مسلمین از مسلمین مخفی باشد.



### □ ازدواج با زن مسلمان بی حجاب

س ۲۲۹۸ - آیا ازدواج با زن مسلمان بدون چادر حرام است. منظور این است که در صورتی که این امر انجام شد، مرد فعل حرام انجام داده است یا نه؟  
«گلیا یگانی»: با احتمال آن که به واسطه‌ی ازدواج با او ممکن است او را ارشاد و از معصیت بازداشت، مانعی ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: چنین ازدواجی حرام نیست؛ اگرچه باید در ازدواج، رعایت کفو و تناسب را نمود و نباید به صرف احتمال هدایت و ارشاد فرد مورد نظر، خود را در معرض مخاطره‌ی چنین ازدواجی قرار داد.

□ □ □ □

س ۲۲۹۹ - گفته می‌شود اگر مرد و زن زناکار بعد از تولد کودک یا بعد از انعقاد نطفه، صیغه‌ی عقد بخوانند، بچه حلال زاده خواهد بود و از آنان ارث می‌برد، آیا این گفته صحیح است یا خیر؟

ج - عقد بعد از تولد یا بعد از انعقاد نطفه موجب ثبوت حکم حلال زاده بر او نیست. بلی، اگر مشکوک باشد که آیا نطفه بعد از عقد منعقد شده یا قبل از عقد، در این صورت طفل محکوم به حلال زادگی است.

□ □ □ □

س ۲۳۰۰ - شوهر مدعی تبدیل عقد انقطاعی عمری همسرش به عقد دائم از روی اجبار و اکراه است و کسانی که عقد را خوانده‌اند وی را تصدیق نموده‌اند و نیز میان زن و شوهر اختلاف شدیدی است و همسر نزدیک به هشتاد فرسنگ از منزل خود فاصله داشته و پس از سیزده ماه و بیست روز از غیبت وی، زن زایمان نموده و شوهر فرزند او را از خود نمی‌داند، در این صورت، عقد مذکور چه حکمی دارد، و بر فرض درستی عقد، با وجود فاصله‌ی مذکور میان آن دو و غیبت مرد در طول این مدت، تکلیف فرزند چیست؟

ج - در فرض سؤال، چون مدت عقد انقطاعی مجهول بوده، باطل است و

عقد دائمی آنها اگر با رضایت باشد، صحیح است و هم چنین اگر در حین عقد مکره بوده‌اند یا یکی از آنها مکره بوده و بعد از رفع اکراه رضایت حاصل شود و امضای آن نماید، عقد صحیح است و در مورد سؤال که بعد از گذشتن بیش از یک سال از غیبت زوج وضع حمل نموده، بچه ملحق به شوهر نیست و نسبت به بقیه‌ی ورثه نیز این حکم جاری است و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۳۰۱ - یائسه فقط زن پنجاه ساله است یا این که هر زنی که بچه‌دار نشود یائسه محسوب می‌شود و اگر من یقین داشته باشم که فلان زن بچه‌دار نمی‌شود، آیا می‌توانم بدون عده با او ازدواج موقت نمایم یا خیر؟

ج - اگر زن غیر قرشیه باشد، پس از سن پنجاه یائسه است و اگر قرشیه است، پس از شصت سال یائسه است و بچه‌دار نشدن زن را یائسه نمی‌نماید و یقین به بچه‌دار نشدن زن موجب جواز از ازدواج دائم یا موقت بدون عده نمی‌شود.



س ۲۳۰۲ - دختری شانزده ساله برای پسری هشت ساله به دست ولی خود عقد می‌شود و چون اختلاف سنی آنان زیاد است، پسر به آن رضایت نمی‌دهد، آیا می‌شود آن دو را طلاق داد یا خیر، زیرا پسر هنوز به حد بلوغ نرسیده است؟

ج - نکاح صغیرین یا صغیر با کبیره و بالعکس از جانب ولی در صورتی صحیح است که مفسده نداشته باشد و با فرض صحت، پس از عقد، ولی صغیر نمی‌تواند زوجه‌ی او را طلاق بدهد.



س ۲۳۰۳ - مردی همسر خود را طلاق می‌دهد و زن در محضر طلاق می‌گوید به او دخول نشده و شوهر می‌گوید به او دخول شده و پس از اجرای طلاق، قبل از

انقضای عده به اعتبار این که به او دخول نشده است و عده ندارد، با دیگری ازدواج می‌کند. حکم نزاع زن و شوهر در دخول و عدم دخول و ازدواج دوم چیست؟

ج - در فرض سؤال، اگر زوج اول برحسب ادعای خود در عده رجوع نکرده، دعوی او اثر ندارد و مسموع نیست و اگر رجوع نموده و زن منکر دخول است، قول زن برای شوهر دوم معتبر است و تا زوج اول به مرافعه‌ی شرعیه دخول را ثابت نکند، عقد دوم محکوم به صحت است.

□ □ □ □

س ۲۳۰۴ - کسی پیش از عقد دائمی شرط کرده که بعد از دو سال عروس شود، اما در ضمن عقد شرط نشده، آیا شوهر می‌تواند در او تصرف کند یا نه و آیا پدر دختر می‌تواند از او جلوگیری نماید یا خیر؛ در حالی که دختر، بالغ و رشید است و نزدیک به دوازده یا سیزده سال سن دارد؟

ج - در صورت مفروضه، تصرف مانعی ندارد و در صورت شرط ضمن عقد نیز اگر دختر راضی به تصرف شود، مانعی ندارد و در هر دو صورت، پدر دختر حق ممانعت ندارد.

□ □ □ □



## مهریه

س ۲۳۰۵- در محضر رسمی برای همسر به هنگام اجرای عقد دایم مبلغی به عنوان مهریه تعیین گردیده و پس از گذشتن زمانی زن از شوهر خود مبلغی اسناد رسمی به عنوان افزایش مهریه که در سند مقید شده گرفته، حال هرگاه زیاده مهریه قابل مطالبه نباشد، آیا در حکم بذل زوج است و همسر می تواند آن را به عنوان بذل از شوهر خود مطالبه نماید یا خیر؟

ج- زاید بر آن چه در عقد ذکر شده، حق مطالبه ندارد؛ مگر آن که به یکی از عقود لازمه، زوج متعهد شده باشد آن را بپردازد یا در مقابل چیزی که مالیت دارد، تعهد نموده باشد.



س ۲۳۰۶- کسی دختر باکره‌ای را عقد کرده و پیش از دخول به او می میرد، در این صورت، آیا تمام مهر از ترکه برداشته می شود و یا نصف مهر؟

ج- در فرض سؤال، زوجه تمام مهر را از شوهر طلب دارد و جزو ترکه‌ی او محسوب است.



### □ قید شدن معادل پولی جنس مهریه در عقدنامه

س ۲۳۰۷ - در عقدنامه‌ای نوشته شده مهر المسمی مقدار دویست و هشتاد مثقال طلای هجده عیار به قیمت زمان ازدواج می‌باشد که مبلغ هفتصد هزار ریال است، حال، آیا شوهر باید مهریه را طلا بپردازد یا پول معین شده را؟

«گلبایگانی»: در فرض مسأله که مهریه دویست و هشتاد مثقال طلاست، بنابراین اگر بخواهد فعلاً مهریه را بدهد، باید همان دویست و هشتاد مثقال طلا یا قیمت فعلی آن را بدهد و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.

\* \* \*

«نکونام»: در این گونه موارد باید دید موضوع مهریه در عقد، طلا، خانه یا چیزهای دیگری بوده است و قیمت روز آن به تبع آمده است یا موضوع پول بوده و جنس معادل به تبع آمده است. در صورت اول، ارزش پول نقشی در تعیین مهر ندارد؛ همان‌طور که در صورت دوم، جنس نقشی ندارد؛ اگرچه این گونه نوشتار - جنس همراه قیمت آن - به جهت عدم آگاهی نویسنده می‌باشد؛ چرا که در تنظیم سند باید موضوع به‌طور دقیق مشخص باشد؛ چون در صورت اول، جنس، دست‌خوش نزول و صعود است و به‌طور نوعی صعود قیمت دارد و در صورت دوم، پول - هرچند عنوان ثابتی دارد - در ارزش متفاوت است و به‌طور نوعی ارزش نزولی دارد، ولی بر اساس صورت مسأله، موضوع مهریه همان مقدار طلاست و تنها به‌طور معمول معادل پولی آن را نیز قید کرده‌اند.

□ □ □ □



س ۲۳۰۸ - فرزند کسی فوت نموده و از او همسر و دو پسر باقی مانده و پدر همسر او مهریه و جهیزیه‌ی دختر خود را مطالبه می‌کند و پدر فرزندی که مرده می‌گوید مهریه‌ی او بر ذمه‌ی من نیست، آیا گفته‌ی وی درست است؟

ج - در فرض سؤال، اگر شوهری که فوت شده در حال کبر ازدواج نموده باشد، مهریه بر عهده‌ی خود اوست و از ترکه‌ی او باید ادا شود و بر عهده‌ی پدر نیست. بلی، اگر در حال صغر پدر برای او عیال گرفته باشد و در آن حال صغر مال نداشته یا آن که پدر ضمانت مهر را نموده، بر عهده‌ی پدر است و اما چیزهایی که پدر زن به عنوان جهیزیه به دختر خود داده، از ترکه‌ی متوفی نیست.



س ۲۳۰۹ - کسی در وصیت خود دارد دو دانگ از منزل وی مهر همسر اوست؛ در حالی که هنوز در زمین منظور ساختمانی بنا نشده، در این صورت مهر زن چگونه پرداخت شود؟

ج - اگر دو دانگ از زمین را مهریه قرار دهد به شرط آن که برای او ساختمان نماید و ساختمان نیز متعارف داشته باشد صحیح است، و واجب است ساختمان نماید و دو دانگ از ساختمان نیز جزو مهر آن زن است.



س ۲۳۱۰ - پدری ملکی را مهریه‌ی عروس خود نموده که بعد از آن پول آن ملک را به نام عروس بر ذمه‌ی پسر قرار دهد و آن را ثبت نماید و پدر دختر برای پول ملک، از پدر داماد سفته گرفته است تا در موقع ثبت، سفته را رد نماید، اما دختر و پسر تصادف می‌نمایند و هر دو به حال اغما هستند، در این صورت آیا

### ملک به دختر می‌رسد یا پول آن؟

ج - در فرض مرقوم، اگر پدر ملک را به پسر منتقل نموده و پسر مهر زوجه‌ی خود کرده، فعلا خود ملک متعلق به زوجه می‌باشد؛ مگر این که پدر داماد که سفته داده و دختر راضی شده باشند به تبدیل ملک به پول که در این صورت، پول بر ذمه‌ی پدر است و اگر پدر، خود ملک را مهر کرده بدون انتقال به پسر، این مهر باطل است و مهر المثل بر ذمه‌ی پسر خواهد بود و در نزاع موضوعی، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.

□ □ □ □

س ۲۳۱۱ - کسی مهر زنی را مبلغ دوهزار تومان قرار داده اما در مقام اجرای عقد با وکیل زن، آن را مبلغ بیست تومان معین می‌کند، در این صورت، شوهر به زن دوهزار تومان بده کار است و یا بیست تومان و یا مهر المثل ثابت است؟

ج - در فرض مذکور، اگر زن وکالت نداده که وکیل او را به بیست تومان عقد نماید، عقد فضولی است و فعلا می‌تواند بگوید در صورتی که دوهزار تومان را بدهی، عقد را اجازه می‌کنم والا رد می‌نمایم و اگر رد کرد، عقد بی‌اثر است و اگر خود زن وکالت داده که به مبلغ بیست تومان عقد نماید، حقی به بیش تر ندارد.

□ □ □ □

### □ نزاع در داشتن نزدیکی

س ۲۳۱۲ - اگر پسری دختری را به عقد ازدواج دائم درآورد و چند شب هم با او در رختخواب بخوابد، در صورتی که مرد از ازدواج با او پشیمان شود، چه مقدار از مهر را باید بپردازد و در صورتی که دختر یا پدر دختر ادعا کند پرده‌ی بکارت او زایل شده یا حشفه به‌طور کامل داخل گردیده، تمام مهر واجب می‌شود یا خیر و

زینت آلات و طلاهایی که برای دختر داده‌اند، مال کیست و چنانچه پسر بگوید دخول واقع نشده، چه حکمی دارد؟

«گلبایگانی»: به طور کلی اگر مرد بخواهد زن خود را طلاق دهد، در صورتی که قبل از دخول باشد، باید نصف مهر را پردازد و اگر دخول قبلاً یا دبراً ولو به مقدار حشفه واقع شده باشد، هرچند بکارت زایل نشده باشد، باید تمام مهر را بدهد و زینت آلات، آنچه مرسوم است که به دختر می‌بخشند، مال دختر و آنچه به پسر می‌دهند مال پسر است و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

\* \* \*

«نکونام»: چیزی که در پاسخ این مسأله بیان نشده این است که در صورت نزاع در داشتن نزدیکی، اصلِ نداشتن نزدیکی حاکم است و قول زن به نزدیکی مسموع نیست، مگر آن که مثبت داشته باشد، حتی اگر پرده‌ی بکارت نیز پاره شده باشد، دلیل بر نزدیکی مرد نیست و مرد می‌تواند ادعا کند که زن، خود به نوعی ازاله‌ی بکارت کرده؛ هرچند این امر بعید است، ولی قابل استماع است. یا آن که مرد می‌تواند بگوید: من هرچند علم به چگونگی ازاله‌ی بکارت زن ندارم، من نقشی در آن نداشته‌ام که در هر صورت برای اثبات نزدیکی نمودن مرد به زن، نیاز به شواهد اثباتی است.

□ □ □ □

س ۲۳۱۳ - اگر شخص لال تمام مال خود را بابت مهریه‌ی زن خود قرار دهد و به اشاره آن را بفهماند، آیا صحیح است یا نه؟  
ج - بلی، صحیح است.

□ □ □ □

س ۲۳۱۴ - شخصی دختر خود را به جوانی شوهر داده و شوهر وی بعد از نه ماه و پیش از این که دخول کند می‌میرد و رسم است که برای نمونه، اگر مهریه بیست هزار تومان باشد، شیربها را بیست و پنج هزار تومان قرار می‌دهند و از شیربها مبلغ سیزده هزار تومان به همراه یک رأس گاو با مقداری قند و چای و نخود و برنج به پدر دختر داده شده و اهالی با آن اطعام شده‌اند و طبق رسم محلی بعد از ناهار پولی به داماد هدیه می‌کنند و پدر وی در این مدت چیزهایی مانند دست‌بند و گردن‌بند طلا برای دختر خریداری نموده، حال مهریه‌ی دختر چه مقدار است و آیا می‌توان هزینه‌های انجام شده را از پدر دختر بازپس گرفت یا نه و طلا و لباس‌هایی که شوهر برای همسر خود خریده بوده برای زن است یا باید آن را به پدر داماد پس بدهند و همچنین شیر بها که سیزده هزار تومان آن به پدر دختر پرداخت شده است چه حکمی دارد؟

ج - در فرض مسأله که شوهر قبل از دخول فوت کرده، زن تمام مهریه را حق دارد و چهار یک ترکه‌ی شوهر با خصوصیاتی که در رساله‌ی علمیه ذکر شده به ارث به زوجه می‌رسد و راجع به شیربها به هرطوری که در محل مرسوم است عمل کنند، اگر به پدر دختر بخشیده‌اند و عین آن تلف شده باشد، نمی‌توانند برگردانند و اگر نبخشیده‌اند یا عین آن باقی باشد، می‌توانند مسترد نمایند و آنچه از طلا و زیور شوهر برای زن تهیه کرده است، اگر به او بخشیده باشد، حق استرداد ندارند و اگر به طور امانت به دست او داده است، جزو ترکه‌ی میت است و حق ورثه می‌باشد و آنچه صرف اطعام شده، از کسی حق مطالبه ندارند.

س ۲۳۱۵ - آیا مهریه‌ی زن بر دیگر بدهی‌های شوهر مقدم است یا خیر؟

ج - مهریه‌ی زن از دیون محسوب است و باید با غرما، ترکه را حسب السهم تقسیم نمایند.



س ۲۳۱۶ - در عقدنامه‌های سابق برای نمونه مهریه ده تومان که صد ریال کنونی است تعیین شده، حال آیا شوهر باید همان ده تومان هنگام عقد را بپردازد و یا برابر ارزش آن در حال حاضر را و یا در مسأله تفصیل است؟

ج - اگر موقع عقد وجه رایج مملکت یک نوع خاصی مثلاً پول نقره بیش تر نبوده یا اگر متعدد بوده، نوع خاصی از آن وجه رایج قید شده؛ مثلاً سکه‌ی نقره‌ی ناصرالدین شاهی قید شده، باید همان نوع خاص نقد رایج آن زمان که قید شده یا معین بوده یا قیمت آن پرداخت شود، ولی اگر نوع نقد رایج موقع عقد متعدد بوده؛ مثلاً هم اسکناس بوده و هم پول نقره و غیره و در عقدنامه هم نوع خاص قید نشده؛ مثلاً فقط نوشته شده صد ریال یا ده تومان رایج، در این صورت ده تومان یا صد ریال رایج فعلی کافی است.



س ۲۳۱۷ - لو ضعف الزوج عن الايلاج فأزَلَّ البكارة بإصبغه، فهل عليه شيء؟ وهل يفرق الحكم بين ما كان ذاك برضاها؛ لأنَّ الأمر بينهما فلا شيء عليه، وعدم رضاها، فماذا يكون عليه سوى الإثم إن قلنا به؟

- اگر شوهر به سبب ناتوانی از دخول، پرده‌ی بکارت دختر را با انگشت بردارد، آیا بر او چیزی است و آیا میان موردی که این کار با رضایت دختر انجام شده با

موردی که بدون رضایت او انجام گرفته، غیر از گناهی که به گردن اوست، تفاوتی می‌باشد؟

ج - بهذا العمل يستقرّ علیه المهر؛ سواء كان عن رضاها أو عدمه.  
- با این کار، مهر بر عهده‌ی او ثابت است؛ خواه این کار با رضایت دختر انجام گرفته باشد یا بدون رضایت وی.



س ۲۳۱۸ - هرگاه زنی به مهر معینی شوهر کند و در ضمن عقد شرط نماید که وی باید ده سال برای او یا پدر وی کار کند یا اصل مهر خود را چنین قرار دهد که شوهر ده سال برای او یا پدرش کار کند، آیا این عقد و مهر آن صحیح است یا نه و برخی برای درستی آن به قضیه‌ی حضرت موسی و شعیب مثال می‌زنند؟

ج - اگر در ضمن عقد شرط شود که مرد کار معلومی را برای پدرزن انجام دهد یا مال معلومی را به او بدهد، شرط واجب الوفاء است؛ ولی اگر جزو مهر یا تمام مهر قرار دهد، باطل است؛ هرچند اصل نکاح صحیح است و بر زوج واجب است مهر المثل بدهد و ممکن است صراحت آیه‌ی شریفه بر نکاح به صداق برای غیر منع شود؛ چون محتمل است که نظیر شیربها باشد و با فرض دلالت، برحسب روایات این نوع نکاح در شرع ما نیست و مخصوص حضرت موسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) بوده و این در صورتی است که ده سال کار برای پدر جزو مهر شود؛ ولی اگر کاری برای خود زوجه مهر قرار داده شود، اشکال ندارد.



س ۲۳۱۹ - آیا گرفتن شیربها که برای تحصیل رضایت پدر دختر داده می‌شود و برای نمونه، هزار تومان پول نقد و دو قطعه فرش یا چند تکه اجناس دیگر داده

می‌شود و گاه است که این‌ها را مادر یا برادر یا عمو یا غیر آن‌ها می‌گیرند، حلال است و اگر شوهر پس از عقد پشیمان شود، می‌تواند آن را که در ضمن عقد نکاح در نیامده و به هیچ‌عنوانی منتقل نشده است، بازپس بگیرد یا خیر؟

ج - دادن و گرفتن شیربها، اگر به عنوان جعاله باشد که مثلاً این مال را به پدر یا به برادر دختر می‌دهد که واسطه شود و رضایت او را حاصل کند، حلال است و پس از عقد، زوج حق استرجاع آن را ندارد و اگر مجرد پیش‌کشی و هبه به پدر زوجه و یا عمو و برادر او باشد، حلال است و مادام که عین آن باقی است می‌تواند استرجاع کند و اگر زوج آن را به رضایت و طیب نفس نمی‌دهد، بلکه برای این که گیرنده با این که زوجه راضی به تزویج است مانع از ازدواج نشود، حرام است.

□ □ □ □

س ۲۳۲۰ - اگر کسی مهریه‌ی زن خود را چیزی قرار دهد که مال نیست؛ مانند: شراب، آیا مهر المثل واجب می‌شود یا عقد باطل است؟  
ج - در فرض سؤال، با دخول، مهر المثل را باید بدهد.

□ □ □ □

#### □ درخواست مهریه پیش از تمکین

س ۲۳۲۱ - آیا دختری که به عقد کسی در آمده و در خانه‌ی پدر خود می‌باشد و برای شوهر تمکین نمی‌کند، حق مطالبه‌ی تمام مهریه را به صورت یک‌جا دارد یا خیر؟ در ضمن، دختر مدعی است که اگر تمامی مهریه‌ی وی پرداخت نشود، به خانه‌ی شوهر نمی‌آید، آیا چنین چیزی جایز است؟

«گلبایگانی»: اگر اجل برای ادای مهریه تعیین نشده باشد و دخول نیز صورت نگرفته، زوجه حق دارد قبل از تمکین، تمام مهریه‌ی خود را بگیرد و تمکین نماید.

\* \* \*

«نکونام»: قبل از نزدیکی و ازاله‌ی بکارت، مهریه در حکم نقد است و دختر می‌تواند آن را مطالبه نماید تا تمکین کند، ولی اگر دخول محقق شده باشد، مهریه در حکم نسبه می‌باشد؛ اگرچه دختر در خانه‌ی پدر باشد و در این صورت، زن نمی‌تواند برای گرفتن مهریه، تمکین را ترک نماید و در صورت مطالبه‌ی زن، اگر مرد قدرت پرداخت آن را دارد، باید بپردازد و چنانچه توانایی آن را ندارد، زن می‌تواند مهر خود را به طور اقساط مطالبه کند یا صبر نماید تا مرد قدرت مالی یابد و در هر صورت، عدم پرداخت مهریه بعد از تحقق دخول، سبب روا بودن ترک تمکین از ناحیه‌ی زن نمی‌شود؛ برخلاف صورتی که دخول تحقق نیافته است.



س ۲۳۲۲ - در زمان عقد پدر زن به داماد می‌گوید باید پدر شما ضامن مهر دخترم بشود و پدر داماد نیز ضمانت مهر را می‌کند، آیا ضمانت به مقدار مهر صحیح است یا خیر؟

ج - اگر پدر داماد ضمانت کند که مبلغی را که مهر شده و به ذمه‌ی داماد است بپردازد، ضامن می‌شود و صحیح است.



س ۲۳۲۳ - زنی به شخصی اذن برای ازدواج داده و او نیز او را به ازدواج کسی درآورده و پس از مدتی که در خانه‌ی شوهر بوده در مهر اختلاف کرده‌اند و شوهر می‌گوید که عقد به سیصد تومان خوانده شده و زن آن را چهارصد تومان می‌داند، آیا عقد اشکالی پیدا می‌کند یا نه و حکم مهر وی چیست؟

ج - عقد صحیح است و در مقدار زاید مورد دعوا محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.





س ۲۳۲۴ - زنی به شوهر خود می‌گوید مهریه‌ی خود را به تو بخشیدم، آیا این گفته برای بخشیدن مهر کافی است یا تشریفات دیگری دارد و اگر زن مهریه‌ی خود را بخشیده و بعد از مدتی پشیمان شود حق مطالبه‌ی آن را دارد یا نه؟

ج - بلی، کافی است، لکن باید شوهر نیز هبه را قبول نماید و آن‌چه را که بخشیده به شوهر قبض بدهد تا صحیح باشد ولی اگر مهری که بخشیده در ذمه‌ی زوج باشد یا عین خارجی باشد که تحت ید شوهر است، کافی است در قبض و محتاج به قبض جدید نیست و در صورت قبول هبه و قبض موهوب، زوجه حق ندارد رجوع در هبه نماید.

□ □ □ □

س ۲۳۲۵ - کسی که زنی را به عقد انقطاعی خود در آورده، هرگاه مدت را پیش از دخول ببخشد، آیا باید تمام مهر و اجرت را به زن بدهد یا نصف آن را؟

ج - در فرض سؤال، باید نصف اجرت را بدهد.

□ □ □ □

س ۲۳۲۶ - در حدود شانزده سال پیش ازدواجی واقع شده و مهریه برای نمونه، پنج رأس گوسفند به مبلغ یکصد تومان و یک قالی به مبلغ یکصد تومان در عقدنامه ذکر شده، حال آن زن طلاق گفته شده و شوهر می‌گوید بهای آن را به زن می‌دهم و زن گوسفند و قالی را می‌خواهد و حال آن که قیمت گوسفند دو بیست و پنجاه تومان و قالی پانصد تومان نمی‌شود، بنابراین اگر مرد پول آن را به زن بدهد، آیا وی هنوز نیز بده کار می‌باشد؟

ج - برحسب ظاهر عبارت مذکوره، زوج فعلاً باید پنج رأس گوسفندی که در وقت عقد یکصد تومان قیمت کرده و یک فرد قالی که در آن وقت یکصد تومان قیمت داشته بدهد؛ اگرچه قیمت آن‌ها ترقی کرده باشد.

□ □ □ □

س ۲۳۲۷ - شخصی پنج سال پیش ازدواج کرده و مهریه‌ی همسر خود را بابت خانه و فرش و لباس و پانزده مثقال طلا به مبلغ پانزده هزار تومان معین کرده و در ضمن این چند سال مبلغ بیست هزار تومان طلا و ساعت برای او گرفته و حال می‌خواهد او را طلاق بدهد، آیا آن بیست هزار تومان طلا به ملکیت زن درآمده است و مرد نمی‌تواند آن را مطالبه کند یا می‌تواند آن را از همسر خود بگیرد و فقط پانزده هزار تومان مهریه را به او بدهد؟

ج - اگر زوج به یکی از مملکات لازمه‌ی شرعیه آن‌ها را تملیک زوجه کرده، فعلاً نمی‌تواند استرداد کند و الا می‌تواند مازاد بر مهریه را از او بگیرد.



#### □ اختلاف زن و شوهر در پرداخت مهریه

س ۲۳۲۸ - هرگاه شوهر و زن در مهریه توافق دارند اما مرد مدعی است که آن را پرداخته و بینه‌ای نیز ندارد و زن منکر آن است، چه باید کرد؟  
«گلبایگانی»: چنانچه زن قسم بخورد، قولش مقدم است.



«نکونام»: با قبول اصل مهریه از ناحیه‌ی شوهر، وی باید برای پرداخت آن، دلیل ارایه دهد و در صورت نزاع، اصل عدم پرداخت حاکم است؛ اگرچه زن قسم یاد نکند.



س ۲۳۲۹ - هرگاه شوهر مقدار مهریه را به همسر بدهد و پس از آن اختلاف کنند و مرد مدعی است آن چه پرداخته‌ام مهریه بوده و زن بگوید مهریه نبود و تو آن را

به عنوان هبه داده‌ای، گفته‌ی کدام یک مقدم است؟

ج - در مورد سؤال، چنانچه مرد قسم بخورد، قولش مقدم است.

□ □ □ □

س ۲۳۳۰ - شخصی که برای نمونه، پنجاه سال پیش از این یک جفت قالیچه مهر همسر قرار داده و آن قالیچه‌ها هم‌اکنون موجود است، حال آیا وراثت باید قیمت آن روز قالیچه‌ها را که ارزان‌تر بوده به همسر میت بدهد یا قیمت امروز آن را که گران‌تر است؟

ج - اگر قالیچه‌ها را تحویل زوجه داده و پس از آن در خانه‌ی زوجه به اذن زوجه مورد استفاده بوده، باید خود قالیچه‌ها را بدهند و چنانچه نقص قیمت هم پیدا کرده، علی‌الظاهر چیزی بر ورثه نیست و اگر بدون اذن زوجه مورد استفاده قرار گرفته، ضامن نقص قیمت نیز هستند و میزان قیمت فعلی است.

□ □ □ □

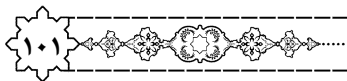
س ۲۳۳۱ - هرگاه زنی پس از مدت کمی زندگی زناشویی خانه‌ی شوهر را بدون اجازه‌ی شوهر و بدون دلیلی ترک کند و حاضر به آمدن به خانه‌ی شوهر نباشد و تقاضای طلاق نماید، آیا حق گرفتن مهریه را دارد یا نه؟

ج - پس از انجام عروسی، زن تمام مهر را مالک می‌شود و باید شوهر آن را تأدیه نماید ولی اگر زن تقاضای طلاق کند، چون امر طلاق با مرد است و توافق نمایند که مرد در مقابل بذل تمام مهر یا قسمتی از آن، زن را مطلقه به طلاق خلع نماید، جایز و بی‌اشکال است.

□ □ □ □

س ۲۳۳۲ - در حدود ده سال پیش با دختری ازدواج کردم و بنا به اصرار پدر دختر و با در نظر گرفتن این که هیچ گونه هدفی جز تشکیل خانواده‌ای صمیمی نداشتیم، مهر او را یک هزار سکه طلای مضروب جمهوری اسلامی قرار دادم که در زمان جاری شدن عقد بهای هر سکه‌ی طلا در حدود سیصد تومان می‌شد و به این ترتیب جمع مهریه از سیصد هزار تومان تجاوز نمی‌کرد اما اکنون قیمت هر سکه طلا به بیش از دو هزار و پانصد تومان افزایش یافته و نزدیک به دو ماه است که همسر این جانب به دستور پدر و مادر زندگی خانوادگی خود را ترک کرده و با مراجعه‌ی مکرر این جانب حاضر به مراجعت به خانه نشده و در مقام آن برآمده که یک هزار سکه‌ی طلا یا معادل بهای قبلی آن را که قریب دو میلیون و پانصد هزار تومان می‌شود از من بگیرند، در حالی که این جانب جوانی هستم که با مختصر درآمد خود که ماهیانه در حدود شش هزار تومان است، زندگی را تأمین می‌کنم و در مقابل پدر و مادر دختر بیش از ده میلیون تومان خانه و مستغلات و غیره دارند، اکنون استدعا دارم با توجه به مطالب فوق حکم الله را در مورد نوع و میزان مهریه و تعهد شرعی این جانب با توجه به این که بهای سکه‌ی طلا همواره معتبر است و همسر من نیز حاضر به ادامه‌ی زندگی مشترک نیست، بیان فرمایید؟

ج - در فرض سؤال که با رضایت خود هزار سکه‌ی طلا را مهریه قرار داده‌اید، تمام آن را هر قدر ارزش داشته باشد مدیون هستید و واجب است عین آن‌ها یا معادل ارزش آن‌ها را بدهید و چنانچه ممکن نباشد هر مقدار می‌توانید و تمکن دارید باید بدهید و زوجه بیش‌تر از آن حق مطالبه ندارد و واجب است مهلت بدهد و شما هر وقت هر مقدار متمکن شدید، باید تدریجاً بپردازید.



### □ عدم اطلاق جنس مهریه بر کهنه‌ی آن

س ۲۳۳۳ - شخصی سه سال پیش مهریه‌ی همسر خود را اجناسی قرار داده مثل رختخواب که در آن موقع ده تومان ارزش داشته و خود آن هم‌اینک موجود می‌باشد، حال آیا باید قیمت آن را بدهد یا خود آن را و در صورتی که شرطی از دو طرف نشده، مرد می‌تواند مس کهنه را بدهد یا باید نو آن را تهیه کند؟

«گلپایگانی»: ظاهر آن است که خود جنس را باید بدهد و لازم است مس صحیح داده شود و فرقی بین نو و کهنه نیست و هم‌چنین رختخوابی که در آن موقع ارزش ده تومان داشته باید بدهد.

\* \* \*

«نکونام»: موضوع مهریه در صورت مسأله، جنس است نه پول، و آنچه در جنس نسبت به مهریه اطلاق عرفی دارد نو می‌باشد نه کهنه؛ خواه مس باشد یا رختخواب یا اشیای دیگر.

□ □ □ □

### □ تغایر مهریه‌ی ثبت شده با مهریه‌ای که در عقد خوانده شده

س ۲۳۳۴ - آیا در صیغه‌ی عقد ازدواج که مهریه پنج سکه‌ی آزادی بنام پنج تن معادل بیست و هفت هزار و پانصد تومان باشد و در صیغه خوانده شود و زن قبول نماید و سپس در دفتر اسناد رسمی دولتی که برای شوهر قرائت نگردیده، پنجاه هزار تومان نوشته شده باشد و مرد آن را امضا کند و سپس زوج اعتراض نماید و بخواهد طلاق بدهد، کدام یکی از مهریه‌ها از نظر شرع صحیح است؟

«گلپایگانی»: آن مهریه‌ای که صیغه‌ی شرعی بر آن خوانده شده، صحیح است.

\* \* \*

«نکونام»: مهریه‌ای که در عقد خوانده شده، معتبر است، نه مهریه‌ی ثبت شده؛ اگرچه در صورت اختلاف، آنچه که بر آن دلیل - همچون قباله - اقامه شود، مورد اعتبار است و باید هنگام طلاق پرداخت شود و قول زوج به عدم قرائت نوشته‌ی سند ازدواج یا توجه نداشتن به آن یا خیانت زن یا محضردار مسموع نیست.



## پیشگیری و کنترل نسل

س ۲۳۳۵ - بسیاری از زنان مسلمان برای جلوگیری از بارداری از قرص و دارو استفاده می‌کنند و یا آمپول می‌زنند و یا دستگاه (I.U.D) را به کار می‌برند تا نطفه در رحم منقعد نشود، آیا بهره بردن از شیوه‌های گفته شده جایز است یا نه و هم‌چنین بعضی از مردان در موقع انزال، منی را بیرون می‌ریزند و یا از کاندوم استفاده می‌کنند، آیا آنان گناه کار هستند یا خیر و آیا سالم بودن زن و بیمار بودن آن در این مسأله تفاوتی دارد یا نه؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، اگر جلوگیری از بارداری به اشیای مذکوره موجب نقص و فلج عضو و عقیم شدن شود جایز نیست و اگر موجب فلج عضو نشود، بلکه موقتا جلوگیری از انعقاد نطفه شود مانع ندارد، در صورتی که ضرر دیگری برای بدن نداشته باشد و لکن آن را ادامه ندهند؛ زیرا کثرت نسل مسلمین مطلوب است. بلی، اگر حمل خطر یا ضرر بدنی برای زن داشته باشد، می‌تواند مطلقا مادامی که ضرر دارد جلوگیری کند و در مورد مردان چنانچه بیرون ریختن منی بدون رضایت زوجه باشد، کراهت دارد.

«نکونام»: کثرت نسل مسلمانان به طور مطلق مطلوب نیست؛ بلکه این امر در صورتی مطلوب است که سبب عزّت مسلمانان را فراهم آورد؛ اما در صورتی که کثرت جمعیت، مشکلات عمومی و خاصی را برای جامعه‌ی اسلامی پیش آورد، جلوگیری لازم است. البته در پیشگیری باید از شیوه‌هایی استفاده شود که مشکلات جسمانی یا امراض روحی و روانی در پی نداشته باشد. هم‌چنین در صورتی که حمل، برای زن یا مرد خطراتی را در بر داشته و احتمال خطر جدی باشد، پیشگیری لازم می‌باشد. خاطر نشان می‌گردد کنترل نسل، غیر از پیشگیری از نسل است که وجه صحیح این امر، منحصر در عنوان اول است؛ هرچند در کنترل نیز نوعی پیشگیری ضرورت دارد، ولی کنترل، عام‌تر از پیشگیری است؛ چرا که در کنترل، شرایط و خصوصیات نیز برای تولید مثل و استمرار آن قرار داده می‌شود که رعایت آن الزامی است.

□ □ □ □

#### □ جلوگیری از حمل بدون اذن شوهر

س ۲۳۳۶ - هرگاه زن بدون اذن شوهر برای جلوگیری از بارداری از قرص ضد بارداری استفاده کند، با توجه به این که این کار موقتی است و موجب عقیم شدن نیز نمی‌شود، چه حکمی دارد؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، ظاهراً اذن شوهر شرط نیست.

\* \* \*

«نکونام»: در صورتی که جلوگیری سبب ضایع شدن حق شوهر - بارداری همسر - شود، جایز نیست و حرام است و زن لازم است شوهر را برای پیشگیری خود راضی نماید.

□ □ □ □



### □ احکام فرزندان

س ۲۳۳۷ - اگر طفلی ختنه کرده از مادر متولد شود، آیا باز باید او را ختنه نمایند یا خیر؟

ج - اگر غلاف نداشته باشد، ختنه نمودن او واجب نیست.

□ □ □ □

س ۲۳۳۸ - زنی شوهر کرد و پس از مدتی طلاق گرفت و بعد از سه طهر به دیگری شوهر کرد و باز پس از مدتی طلاق گرفت و پس از سه طهر به ثالثی شوهر کرد و پس از چند ماهی مثلاً شش ماه یا کم تر فرزند می آورد، حال فرزند وی به کدام یک از آنان ملحق می گردد و اگر در این میان، وطی به شبهه نیز داشته باشد، تکلیف چیست و آیا جای قرعه هست یا نه؟

ج - شرایط حقوق ولد به زوج سه چیز است: دخول و عدم تولد در کم تر از شش ماه و در زاید بر اقصی الحمل که به نظر حقیر یک سال است. علی هذا، اگر شرایط الحاق در بعض آنها موجود نباشد، به آن بعض ملحق نیست و اگر دو نفر یا هر سه نفر مثلاً واجد شرایط باشند، باید با قرعه تعیین کرد و وطی به شبهه نیز مثل وطی حلال است و تفصیل مطلب را مراجعه نمایید به وسیلهی مرحوم سید، ص ۲۱۷، فصل فی احکام الاولاد.

□ □ □ □

س ۲۳۳۹ - اگر کسی طواف نسا را در حج بجا نیاورد، زن بر او حرام می شود، حال سؤال این است که چه چیزهایی از زن بر او حرام می شود، آیا فقط مقاربت بر او حرام است یا دیگر استمتاعات نیز حرام است و اگر از او فرزندی به وجود بیاید، حلال زاده است یا نه و آیا ارث می برد یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، به احرام بستن شخص، ازدواج با زن و هر گونه

استمتاع از او حرام و تا طواف نسا بجا آورده نشود، هیچ یک از استمتاع بر او حلال نیست و در صورت عصیان و مقاربت با زن، اولاد ملحق به آنهاست و توارث نیز بین آنها ثابت است.



### □ تلقیح منی و ارث

س ۲۳۴۰ - منی مردی را گرفته‌اند و به وسیله‌ی آمپول به زنی تزریق کرده‌اند و آن زن از این نطفه حمل برداشته و بچه سالم به دنیا آمده، در این صورت آیا بچه‌ای که متولد شده است از این مرد ارث می‌برد یا نه؟

«گلپایگانی»: در فرض مسأله، احتیاط لازم بر این طفل و سایر ورثه این است که با یک‌دیگر مصالحه نمایند.



«نکونام»: چنین طفلی در هر صورت با مادر خود، نسبت به محرمیت و ارث مشکلی ندارد و نسبت به مردی که صاحب نطفه است، اگر صاحب نطفه شوهر زن باشد که جز با تزریق نمی‌توانسته است آن زن را آبستن کند، مشکلی در جهت پدر بودن آن مرد و ارث بردن و حلال‌زاده بودن طفل نیست و نیز اگر به جهت عقیم بودن و آبستن نشدن زن مشکل نبوده است و به عمد، چنین عملی انجام شود، اشکال ندارد؛ زیرا نطفه از صاحب رجم است و زن، همسر صاحب نطفه می‌باشد.

اما چنانچه مرد با زن، بیگانه باشد و زن، شوهر نداشته باشد، نسبت به مادر مشکلی نیست، ولی صاحب نطفه، پدر به شمار نمی‌رود؛ چرا که صرف نطفه، بدون حلیت رحم، نسب نمی‌آورد. البته، اگر این امر با رضایت زن انجام شود، این عمل حرمتی ندارد؛ هرچند صاحب نطفه، پدر کودک شمرده نمی‌شود؛ چون صاحب رجم نیست.

اگر زن، شوهری غیر از صاحب نطفه داشته باشد، مادر طفل خواهد بود، ولی صاحب نطفه، و شوهر زن، پدر نمی‌باشند؛ چراکه اولی صاحب رحم نیست و دومی صاحب نطفه نمی‌باشد و چنین عملی اگر بدون رضایت شوهر باشد، حرام است و با رضایت شوهر حرمتی ندارد؛ به‌ویژه در صورتی که زن از وی باردار نمی‌گردد. محرمیت و ارث نیز تابع نسب است.

در صورتی که نطفه‌ی کسی را در خارج از رحم رشد دهند تا طفل شود، اصل این عمل اشکال ندارد و طفل، منسوب به صاحب نطفه است و آن مرد در حکم پدر وی می‌باشد و فرزند مادر ندارد - همان‌طور که در صورت داشتن شوهری غیر از صاحب نطفه، طفل پدر ندارد - و مشکل شرعی در جهت محرمیت و ارث با پدر ندارد.



#### □ زایمان زن پس از گذشت یک سال از مرگ شوهر

س ۲۳۴۱ - زنی پس از گذشتن عده‌ی وفات شوهر اظهار داشته من حمل دارم و حال آن که یک سال است شوهر وی فوت کرده، حال این حمل مال شوهر است یا نه؟

«گلپایگانی»: از خصوص مورد سؤال اطلاع ندارم ولیکن به‌نحو کلی اقوی به‌نظر حقیر این است که اکثر مدت حمل یک سال است. پس اگر زن تا یک سال از زمانی که ممکن و محتمل باشد که شوهر با او نزدیکی کرده باشد وضع حمل نماید، این حمل ملحق به شوهر است.



«نکونام»: حداقل مدّت حمل شش ماه و حداکثر ده ماه می‌باشد، و بیش از این مدت، در حکم موارد نادر است و ملاک احکام شرعی قرار نمی‌گیرد.



س ۲۳۴۲ - این جانب از سادات موسوی هستم و فرزند ندارم و بچه نوزادی را از بنیاد حمایت مادران و نوزادان به عنوان فرزندی گرفته و بنام سیدعلی نام گذاری و به همین اسم شناسنامه گرفته‌ام، در صورتی که پدر و مادر کودک معلوم نیست، حال آیا این کار جایز است؟

ج - الحاق فرزند غیر به خود و به عنوان فرزندی شناسنامه برای او گرفتن حرام است و کودکی که سیادتش معلوم نیست، شناسنامه‌ی سید برای او گرفتن و او را سید معرفی کردن خلاف دیگر و چنانچه شناسنامه صادر شده، لازم است ابطال شود.



س ۲۳۴۳ - دختری بدون اجرای صیغه عقد از جوانی آبستن شده و جوان مدعی است که با رضایت دختر بوده و دختر منکر است و مدعی است به اجبار با او نزدیکی شده، در این صورت بچه ملحق به کدام است؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر حمل به زنا حاصل شده و دختر مکره نبوده، مهر ندارد و لکن احتیاط لازم آن است که برای ارزش بکارت که معادل با مهرالمثل است با یکدیگر تصالح و تراضی نمایند و اگر دختر مکره بوده، زانی ضامن ارزش بکارت است و احتیاطاً برای وطی نیز به اضافه‌ی ارزش بکارت با یکدیگر تصالح و تراضی نمایند و در این صورت، بچه ملحق به دختر است و در صورت اول که هر دو به اختیار زنا کرده‌اند، بچه ملحق به هیچ کدام نیست و از یکدیگر ارث نمی‌برند و از جهت محرمیت، اقوی حصول محرمیت بین آنهاست و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



«نکونام»: در صورت ثبوت زنا و عدم تحقق نکاح به صورت معاطات، فرزند به هیچ یک ملحق نمی‌شود و در صورت مکره و مجبور بودن یک طرف، بچه تنها به او ملحق است.



س ۲۳۴۴ - شخصی دارای همسری است که پس از دیدن حیض با او نزدیکی ننموده ولی بعد از مدتی زن باردار شده و مدعی است که از شوهر خود حمل برداشته است و شوهر آن را انکار دارد و از طرف دادگاه خانواده به آزمایش خون حکم شده است، آیا چنین آزمایش حجیت دارد یا خیر؟

ج - چون در حال حمل، حیض شدن ممکن است و او ملحق به زوج است که زن در فراش اوست و در صورتی که عقد دایم باشد، مرد نمی‌تواند با ملاعنه نفی ولد نماید و حکم ملاعنه در رساله‌ی عملیه بیان شده و تجزیه‌ی خون حجت شرعی نمی‌باشد.



س ۲۳۴۵ - لو تمتع رجلان بامرأة في أسبوع معین و كان أحدهما يأتيتها ليلاً والآخر نهاراً، ولا يعلم أحدهما بالآخر وذلك بغش المرأة لهما فأتت بولد من هذا العمل، فبمن يلحق الولد إن لم يعلم سبق أحدهما، وهل للقرعة محلّ هنا أم لا؟

- اگر دو مرد با زنی در یک هفته نزدیکی داشته و زن آنان را فریب داده باشد و از آنان فرزندی متولد شود، فرزند به چه کسی ملحق می‌شود در حالی که معلوم نیست کدام یک پیش از دیگری با آن زن نزدیکی داشته است؟

ج - في مفروض السؤال لا بدّ في اللحق بأحدهما من القرعة.

- در فرض یاد شده، برای الحاق بچه به یکی از آن دو ناچار از قرعه هستند.



س ۲۳۴۶ - تلقیح نطفه مرد به همسر خود جایز است یا خیر و فرزند متولد شده از آن به هر دو ملحق است و یا به یکی از آنان و آیا ارث می‌برد یا نه و تلقیح نطفه‌ی مرد به زن بیگانه چه حکمی دارد؟

«گلبایگانی»: تلقیح نطفه به حللیله‌ی خود در صورتی که خود زوج متصدی باشد، اشکال ندارد. اولاد حلال‌زاده و به هر دو ملحق است و توارث بین آن‌ها هست و تلقیح نطفه‌ی اجنبی به اجنبیه به نظر حقیر جایز نیست و در مسأله‌ی توارث احتیاط به مصالحه با سایر ورثه ترک نشود. بلی، در صورتی که با جهل به مسأله این عمل انجام شده، ظاهر آن است که حکم ولد شبهه را دارد و اولاد در حکم حلال‌زاده است، در توارث و سایر جهات.

\* \* \*

«نکونام»: باردار نمودن مصنوعی زن با نطفه‌ی شوهر وی جایز است. البته در صورت امکان باید از مقدمات حرام پرهیز شود، مانند آن که تلقیح کننده نامحرم باشد. این‌گونه اعمال باعث حرام بودن نطفه و فرزند نیست؛ زیرا مربوط به مقدمات است و تنها خود مقدمات حرام است، و فرزند به زن و مرد صاحب نطفه متعلق است و همه‌ی احکام فرزند را دارد.

اگر نطفه‌ی منعقد شده‌ی زن و شوهری را از رحم زنی خارج کرده و به رحم زن دیگری منتقل کنند (رحم عاریه‌ای یا اجاره‌ای) و جنین در شکم وی پرورش یابد و از او متولد شود، بچه به زن اولی - که صاحب تخمک و منشأ تحقق نطفه‌ی امشاج است - تعلق دارد و زن دوم - در صورتی که با تحقق شرایط رضاع، او را شیر دهد - مادر رضاعی فرزند می‌باشد.

این اشکال که شیر زن برآمده از شوهر نمی‌باشد وارد نیست و به عبارت دیگر، شیر مربوط به نطفه‌ی شوهر زن صاحبِ رَحِمِ عاریه‌ای نیست؛ چون مانع رضاع، شیر از غیر مرد و از غیر ولادت است؛ اما در این مورد، تنها ریزش شیر زن از راه ولادت در تحقق عنوان رضاع کافی می‌باشد. در صورتی که نطفه را خارج و در رحم مصنوعی و محیط آزمایشگاهی بزرگ کنند، بچه به زن اول - که صاحب تخمک است - تعلق دارد.

گرفتن نطفه‌ی مرد و قرار دادن آن در رحم مصنوعی با تخمک مصنوعی به منظور تولید مثل جایز است و اگر بچه‌ای از این راه متولد شود (بچه‌ی آزمایشگاهی) به صاحب نطفه تعلق دارد، ولی مادر نخواهد داشت و به صورت کلی صاحب نطفه، پدر آن شمرده می‌شود.

هرگاه تخمدان زن، قدرت آزاد کردن و وارد کردن تخمک به داخل رحم را نداشته باشد، می‌توان تخمک را با عمل جراحی بیرون آورد و آن را در خارج با اسپرم شوهر آمیخت و سپس وارد رحم زن نمود.

هم‌چنین تقویت اسپرم شوهر با استفاده از اسپرم مرد دیگر - شناخته شده باشد یا نباشد - و تلقیح اسپرم تقویت شده به رحم زن - که مانند داروی تقویتی فقط جنبه‌ی تقویت دارد و در اسپرم شوهر مستهلک می‌شود - به گونه‌ای که منشأ پیدایش فرزند را همان اسپرم شوهر بدانند، اشکال ندارد. آمیختن اسپرم زوج با تخمک زن دیگر در خارج و تلقیح آن به همسر یا زن مذکور یا زن سوم اشکال ندارد و زنا شمرده نمی‌شود و مانعی برای وارد نمودن منی در رحم زن بیگانه نمی‌باشد و اگر بچه‌ای با این روش متولد شود، متعلق به مرد است و زنی که تخمک به او تعلق دارد، در صورتی که مورد شناسایی قرار گیرد، مادر وی می‌باشد؛ خواه آمیختن نطفه

و تخمک با خواست آن زن باشد یا چنین نباشد و خواه از تخمک اعراض نموده باشد یا نکرده باشد؛ مانند: قرار دادن تخمک در بانک اسپرم تا هر کس خواست از آن استفاده کند که تفاوتی در مادر بودن وی ندارد. اگر بتوان اسپرم را در اثر آزمایش‌هایی که انجام می‌شود، به صورت نباتی و از راه گیاهان به دست آورد و آن را به زن تلقیح نمود، بچه‌ی متولد شده متعلق به مادر است و فاقد پدر می‌باشد.



#### □ انعقاد نطفه در حال حیض یا احرام زن

س ۲۳۴۷ - با وجود حرمت مجامعت با زن حیض و یا محرم، چنانچه نطفه در همان حال منعقد شود، آیا عنوان حرام‌زاده در باره‌ی او صدق می‌کند یا خیر؟  
«گلیپگانی»: حرام‌زاده‌ای که در ولدالزنا صادق است، به این ولد صادق نیست.



«نکونام»: اصطلاح «حرام‌زاده» فقط در مورد انعقاد نطفه با زنا می‌باشد و انعقاد آن با حرام دیگری؛ هرچند مشکلات و نواقص خاص خود را دارد، احکام حرام‌زاده را ندارد.



#### □ نکاح پس از جذب نطفه همراه با قصد ازدواج

س ۲۳۴۸ - پسر و دختری که قصد ازدواج با یکدیگر داشته‌اند با هم ملاعبه می‌نمایند و بدون دخول، منی جذب می‌شود و دختر باردار می‌گردد، با این حال، اگر آنان با یکدیگر ازدواج نمایند، صحیح است و آیا این بچه با نزدیکان خود محرم است و آیا توارث بین آنها برقرار هست یا خیر؟

«گلیپگانی»: در فرض سؤال، اقوی ثبوت محرمیت برای آن بچه است با



جمعیت محارم و ازدواج آن دو با یکدیگر جایز و صحیح است و اما راجع به توارث بین آن بچه و اقارب او احتیاط لازم تصالح و تراضی با سایر ورثه است.

\* \* \*

«نکونام»: قصد ازدواج، ازدواج نیست و با آن که ازدواج پس از انعقاد نطفه اشکال ندارد، ولی تحقق این امر، انعقاد نطفه از حرام را برطرف نمی‌سازد؛ هرچند بر بچه صدق «ولد زنا» نگردد و برای ارث‌بری نیز مانع ندارد، ولی اگر آنان قصد ازدواج را به نوعی داشته‌اند که نکاح معاطاتی به حساب آید، ازدواج آنان صحیح است و محرمیت و ارث‌بری محقق می‌باشد و نیازی به ازدواج دوباره نیست.

□ □ □ □

#### □ سرپرستی نفقه‌ی فرزند زنا

س ۲۳۴۹ - حضانت فرزندی که از زناست به عهده‌ی کیست و هزینه‌های او را کدام یک از پدر و مادر باید پردازد؟

«گلپایگانی»: بعید نیست در خصوص نفقه، حکم ولد مشروع را داشته باشد.

\* \* \*

«نکونام»: علی‌رغم بیان پاسخ مسأله، سرپرستی و نگه‌داری فرزند زنا امری غیر از نفقه‌ی آن است، ولی باید گفت: حضانت و نیز نفقه‌ی این گونه اطفال به عهده‌ی حاکم شرع و نظام اسلامی است.

□ □ □ □

س ۲۳۵۰ - می‌دانیم که فرزند خواندگی در اسلام وجود ندارد، حال سرپرستی از یتیم چه شرایطی دارد؟ آیا می‌توان به مؤمنان تکلیف نمود تا بچه‌های

پرورش‌گاهی را به خانه برده و سرپرستی نمایند تا این معضل اجتماعی که میراث طاغوت است حل شود؟

ج - البته، تکفل مخارج و تربیت صحیح اسلامی اطفال بی سرپرست بسیار خوب است ولیکن در غیر صورت خطر تلف، واجب نیست.



#### □ مسافرت دختر به کشوری دیگر و حق ولایت پدر

س ۲۳۵۱ - اگر زنی که طلاق داده شده دختری داشته باشد و بخواهد به کشوری دیگر مسافرت کند و در آنجا بماند، آیا در این صورت حق حضانت دختر از وی ساقط می‌شود و شوهر حق دارد دختر را از آن زن بگیرد یا نه؟  
«گلبایگانی»: حق حضانت ساقط نمی‌شود؛ مگر آن که مسافرت برای آن بچه مفسده داشته باشد.



«نکونام»: حق ولایت بر حق حضانت حکومت دارد و اگر خارج شدن از کشور احتمال خطر برای بچه یا تزییع حق ولایت را به دنبال داشته باشد، پدر می‌تواند مانع خارج شدن فرزند از کشور شود.



س ۲۳۵۲ - حضانت پسر صغیری که پدر او فوت شده و جد پدری نیز ندارد بعد از تمام شدن مدتی که حضانت او با مادر است با چه شخصی است؟ آیا حضانت او تا بلوغ با مادر است یا با قیم شرعی او و یا با داشتن مادر بزرگ پدری با اوست؟  
ج - بعد از موت پدر، حضانت با مادر است؛ هر چند جد پدری داشته باشد و با موت مادر و پدر، حضانت با جد پدری است.



س ۲۳۵۳ - زنی که بعد از فوت شوهر قصد ازدواج با مردی را دارد، در صورتی که دارای فرزندی صغیر است که عمه و خاله دارند، کدام یک از آنان حق حضانت دارند و آیا آنان حق اجرت دارند یا خیر، و کدام یک در امر حضانت مقدم می‌باشند؟

«گلبایگانی»: در صورت فوت پدر، حضانت طفل با مادر است؛ هرچند شوهر کند و در موردی که حضانت به عمه یا خاله برسد، تقدم هیچ کدام از آنها بر دیگری معلوم نیست و جواز اخذ اجرت بر حضانت بعید نیست ولیکن احتیاط در ترک است و به هر حال تصرف در مال صغیر بدون اذن قیم شرعی او جایز نیست.

\* \* \*

«نکونام»: در صورت مرگ پدر، حضانت و سرپرستی طفل با مادر است و ازدواج مجدد وی مانع از آن نیست و نوبت به عمه و خاله نمی‌رسد. مادر برای حضانت کودک می‌تواند اجرت بگیرد و تعیین آن با صلاحدید قیم شرعی اوست.

□ □ □ □



## نّفقه

س ۲۳۵۴ - شخصی با زنی که هیجده سال داشته ازدواج نموده و مدت شش سال است که از ازدواج آنان می‌گذرد و آن زن فاقد ایام عادت و پستان زنانگی است و به دکتر متخصص مراجعه نموده و دکتر گفته که این زن دارای فرزند نخواهد شد و عقیم می‌باشد، و شوهر قصد دارد او را طلاق دهد و دوباره ازدواج نماید، آیا چنین زنی مهریه و نفقه‌ی ایام عده را دارد یا خیر؟

ج - در صورتی که مشارالیها زن باشد، عقد او صحیح بوده و طلاق هم صحیح است و اگر طلاق رجعی باشد، فرقی بین زن اولاددار و عقیم نیست و نفقه‌ی ایام عده و مهریه‌ی خود را می‌برد.



س ۲۳۵۵ - اگر کسی قدرت مالی به قدری که بتواند هم هزینه‌ی زندگی خود را تأمین نماید و هم نفقه‌ی همسر و نزدیکانی که نفقه‌ی آنان واجب است را پردازد، کدام یک مقدم است؟

ج - خودش مقدم است و اگر اضافه داشته باشد، زوجه بر اقارب واجب النفقه مقدم است. پس اگر از قوت خود بیش‌تر دارد، باید زیادی را صرف زوجه کند و اگر از نفقه‌ی زوجه زیاد آمد، صرف اقارب واجب النفقه؛ مانند پدر و مادر و اولاد نماید.



س ۲۳۵۶ - آیا برای هزینه‌ی همسر و نزدیکانی که هزینه‌ی زندگی آنان بر انسان واجب است، مقدار معینی هست یا خیر؟

ج - اندازه‌ی معینی ندارد، بلکه آنچه واجب است مقدار کفایت از خوراک و لباس و مسکن با ملاحظه‌ی حال و شأن و زمان و مکان است و باید مراعات متعارف شود.



س ۲۳۵۷ - اگر زنی شوهری داشته باشد که شغل و کسب آن شوهر حرام و در نتیجه، همه‌ی درآمد وی از راه غیر شرعی تأمین شود، تکلیف زن با داشتن فرزند از نظر نفقه چیست و چه باید بکند؛ زیرا علم دارد که لباس و غذای او را که شوهرش تأمین می‌کند از راه کسب غیر مشروع به دست آمده است؟

ج - بر شوهر واجب است نفقه‌ی زن را از مال حلال بدهد و زن در صورتی که علم به غصب عین چیزهایی که محل ابتلاست دارد، جایز نیست در آنها تصرف کند و می‌تواند از شوهر مطالبه کند که از مال حلال نفقه‌ی او را بدهد و در صورت عدم علم به غصبیت محل ابتلا، تصرف در آن جایز است.



س ۲۳۵۸ - شخصی با دختری ازدواج کرده و در مدت هشت سال دارای دو فرزند شده‌اند اما زن سه روز بعد از زایمان دوم سکنه کرد و یک طرف بدن وی فلج و بی‌حس شد و پس از معالجه‌های پی‌گیر بالاخره در اعضای بدن او بهبودی حاصل شد و فقط دست راست وی مقداری بی‌حرکت باقی مانده و اکنون شوهرش می‌خواهد او را طلاق دهد، در این صورت شوهر وی ضمانت کسالت زن را باید به عهده بگیرد یا نه و می‌تواند او را طلاق دهد یا خیر؟

ج - در مورد سؤال، مجرد این که بیماری سه روز بعد از زایمان حادث شده باعث این نیست که به شوهر نسبت داده شود و شوهر ضامن نیست

و از جهت مخارج بیماری به مقدار متعارف به عهده‌ی شوهر است و هزینه‌ی بیماری‌های صعب‌العلاج و مخصوصا اگر هزینه‌اش سنگین باشد، بر شوهر واجب نیست و اختیار طلاق با مرد است، لکن با در نظر گرفتن اخلاق اسلامی و انسانی که مشتمل بر خیر دنیا و آخرت می‌باشد، طلاق ندادن بهتر است؛ مخصوصا با توجه به این که مدت‌ها با هم زندگی کرده‌اند و زن در خانه‌ی شوهر چنین شده به منظور ثواب و رضای خداوند متعال و رعایت وفا و مروت سزاوار نیست طلاق دهد.



س ۲۳۵۹ - کسی زن خود را شش ماه پیش طلاق داده و زن پس از سه ماه به محضر رفته و اظهار داشته که من می‌خواهم رجوع کنم و دفتردار جواب داده که شوهر خود را حاضر نما ولی شوهر خود را حاضر نکرد و پس از شش ماه می‌گوید من زن شوهر سابق هستم نفقه‌ی خود را مطالبه می‌نماید، در این صورت زن حق نفقه دارد و رجوع زن صحیح است یا نه؟

ج - به نحو کلی، حق رجوع در طلاق با مرد است و در طلاق خلع زن می‌تواند در بذل مهر رجوع کند و در این صورت، طلاق رجعی می‌شود و پس از رجعی شدن، اگر زوج رجوع نکرد در ایام عده، زن حق نفقه ندارد.



س ۲۳۶۰ - زن در حال عده‌ی وفات نفقه دارد یا نه؟

ج - زنی که در عده‌ی وفات باشد، نفقه طلب ندارد؛ چه حامل باشد و چه نباشد.



س ۲۳۶۱ - زنی که به عقد دائمی درآمده اگر ناشزه باشد آیا حق نفقه دارد یا خیر؟

ج - ناشزه مطلقا؛ چه حامل باشد چه حایل، حق نفقه ندارد.



س ۲۳۶۲ - در صورتی که زن از شوهر خود مطالبه‌ی منزل جدا نماید و بگوید در منزلی که پدر و مادر شوهرم باشند حاضر به زندگی نیستم، آیا بر شوهر لازم است که به خواسته‌ی زن خود جامه‌ی عمل بپوشد یا خیر و در صورتی که مرد به خواسته‌ی زن عمل ننماید و زن حاضر به زندگی نشود و به منزل پدر خود برود و بگوید تا منزلی جدا برای من تهیه نکنی به خانه‌ات نمی‌آیم، آیا زن ناشزه می‌شود و در صورتی که شوهر قدرت مالی نداشته باشد، وظیفه‌ی او چیست؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاع ندارم. به‌طور کلی بر شوهر واجب است مسکن مناسب به شأن زن و متعارف محل تهیه نماید و منزل جداگانه لازم نیست؛ مگر این که داشتن منزل جداگانه از شؤون آن زن باشد.



س ۲۳۶۳ - زنی طلاق داده شده و نفقه‌ی زمان سه‌ماهه‌ی عده را از شوهر گرفته و زن ادعای بارداری می‌کند، آیا زن تا وقت زایمان حق نفقه دارد یا خیر و چنانچه پس از زایمان از نوزاد نگه‌داری نکند، آیا می‌تواند از شوهر چیزی ادعا کند یا نه؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاع ندارم. به‌طور کلی زن مطلقه در عده‌ی طلاق رجعی حق نفقه دارد و اگر زن حمل داشته باشد، باید تا وضع حمل عده نگه دارد؛ هرچند قبل از وضع حمل مدت عده‌ی طلاق منقضی شده باشد و اگر زن فرزندی را که متولد شده به پدر تحویل دهد، از این نظر حق مطالبه‌ی چیزی ندارد و چنانچه نزاع موضوعی در بین باشد، مرافعه‌ی شرعیه لازم است و نفقه‌ی حامل در زمان حمل بر زوج واجب است تا وضع حمل؛ هرچند طلاق رجعی نباشد.



س ۲۳۶۴ - اگر شوهر، زن خود را که نه سال ندارد افضا کند، چه حکمی دارد؟ «گلپایگانی»: در مورد سؤال، وطی زوجه‌ی مفروضه بر این زوج همیشه



حرام است ولی از زوجه بودن برای او خارج نمی‌شود و تمام احکام زوجیت مانند ارث بردن و حرام بودن ازدواج با خواهر او و غیر این‌ها مترتب می‌شود و واجب است نفقه‌ی او را تا زنده است بدهد؛ حتی اگر او را طلاق داد، باز هم باید نفقه‌ی او را بدهد، بلکه بنا بر احتیاط اگر زوجه پس از طلاق با مرد دیگری ازدواج نموده، باز هم باید همین زوجی که افضا نموده، نفقه‌ی او را بدهد و احکام دیگر نیز دارد.

\* \* \*

«نکونام»: زن بر او حرام ابدی می‌شود و دیگر احکام زوجیت بر او مترتب می‌گردد و نفقه‌ی وی نیز بر شوهر تا پایان عمر لازم می‌شود؛ هر چند زن با دیگری ازدواج کند.

□ □ □ □

س ۲۳۶۵ - شوهری زن خود را که باردار بوده با دیگر فرزندان از خانه بیرون می‌کند و مدت سه سال است که نفقه نمی‌دهد و در حالی که وضع مالی او خوب است، می‌خواهد نفقه‌ی سه سال را به صورت اقساطی بدهد، حکم این مورد چیست؟

ج - در فرض سؤال، هرگاه زوج زوجه‌ی خود را از خانه اخراج کرده و او را راه نداده و زوجه تمکین داشته، نفقه‌ی این مدت را طلب‌کار است و زوج در صورت تمکن مالی حق تأخیر در ادا ندارد؛ ولی برای زن واجب نیست بچه‌های خود را نزد خود نگه‌داری کرده و نفقه‌ی آن‌ها را بدهد و چنانچه نفقه‌ی بچه‌های خود را از غیر مال زوج داده، حق مطالبه از زوج ندارد.

□ □ □ □

س ۲۳۶۶ - آیا هزینه‌ی زایمان داخل در نفقه‌ی زن است یا فرزند؟  
ج - مخارج زایمان جزو نفقه‌ی زوجه است.

□ □ □ □

س ۲۳۶۷ - آیا هزینه‌ی زایمان در حال نشوز همسر به عهده‌ی شوهر است؟

ج - در فرض سؤال، مخارج زایمان به عهده‌ی زوجه است.

□ □ □ □

س ۲۳۶۸ - آیا نشوز اضطراری به این معنا که شوهر چنان همسر خود را اذیت و آزار کند که زن نتواند آن را تحمل کند و بدون اجازه‌ی شوهر از خانه بیرون رود، حق نفقه را از او بر می‌دارد؟

ج - در موردی که زن به واسطه‌ی خوف ضرر نفس، تکلیف شرعیش رفتن باشد، ناشزه محسوب نمی‌شود (و حق نفقه دارد).

□ □ □ □

س ۲۳۶۹ - زنی خود را آتش زده و شوهر وی برای معالجه‌ی او هزینه‌ی زیادی نموده ولی مؤثر واقع نشده و آن زن از دنیا رفته، آیا شوهر می‌تواند آن هزینه‌ها را از مال زن بردارد.

ج - اگر به خواهش زن خرج نکرده، نمی‌تواند بردارد.

□ □ □ □

س ۲۳۷۰ - شخصی همسر گرفته و بعد از ازدواج معلوم شده که وی چند سال پیش به بیماری خنازیر مبتلا بوده و مرد به هنگام خواستگاری از آن ناآگاه بوده و حال به عمل جراحی که هزینه‌ی زیادی دارد نیاز است، آیا هزینه‌های آن به عهده‌ی شوهر است و یا به عهده‌ی خود زن و بر فرض این که به عهده‌ی شوهر باشد، آیا در صورت عدم اقدام شوهر، زن می‌تواند او را به آن اجبار نماید یا خیر و هم‌چنین به عکس، در صورتی که به عهده‌ی زن باشد آیا مرد می‌تواند او را به معالجه اجبار کند یا خیر؟

ج - مخارج معالجه‌ی زوجه به مقدار متعارف در عهده‌ی زوج است و زاید بر متعارف به عهده‌ی خود زوجه است و در مقدار متعارف، زوجه

حق دارد زوج را الزام نماید و در زاید بر متعارف که در عهده‌ی خود زوجه است، زوج حق الزام ندارد؛ مگر از باب امر به معروف.

□ □ □ □

س ۲۳۷۱ - همسر شخصی در ضمن عقد شرط کرده که حق مکان داشته باشد و اکنون شوهر آن زن توانایی مالی برای خرید خانه در شهر مورد نظر زن را ندارد و باید بده برود، در این صورت، زن تا چه میزان حق نفقه و مکان دارد؟  
ج - شوهر باید طبق شرط عمل کند و زن را در مکان مورد نظر بگذارد و مخارج و نفقه و حقوق واجبه‌ی او را بدهد.

□ □ □ □

س ۲۳۷۲ - آیا زن در صورتی حق هزینه و نفقه دارد که نیازمند باشد یا احتیاج وی شرط نیست؟

ج - نفقه‌ی زوجه بر زوج واجب است؛ اگرچه زوجه از غنی‌ترین مردم باشد.

□ □ □ □

س ۲۳۷۳ - شوهری مدت دو سال همسر خود را از منزل اخراج نموده و زن فامیل و کفیلی ندارد و بنا به معرفی مؤمنان، به دادگاه اسلامی دادخواست تسلیم نموده و مرد احضار و محکوم به زندان تأدیبی شده و به وسیله‌ی کفیل از زندان آزاد و طبق مدارک و اسناد موجود و شهادت عدول مؤمنان، چون مرد خود را محکوم دیده، متواری شده و زن به ناچار نسبت به مخارج و محل سکونت خود از منزل دیگران استفاده می‌نماید، حکم نفقه‌ی وی چیست؟

ج - در فرض سؤال، چنانچه زوجه تمکین می‌کرده و ناشزه نبوده، مجتهد جامع الشرایط می‌تواند نفقه‌ی او را از مال زوج بردارد و بدهد و چنانچه زوج مالی نداشته باشد و خود زوجه هم مالی ندارد، مخارج او را از بیت‌المال تأمین می‌نماید.

□ □ □ □

س ۲۳۷۴ - قرآن کریم تأکید زیادی در مورد حقوق پدر و مادر دارد، آیا حقوق فرزندان نسبت به پدر و مادر متقابل حقوق والدین به فرزندان است یا نه و آیا ازدواج حق مشروع فرزند بر والدین است؛ خواه فرزند درآمد کار خود را به پدر و مادر بدهد یا نه؟

ج - در فرض سؤال، متقابل نیست؛ یعنی فرزند باید حقوق پدر و مادر خود را رعایت کند ولو پدر و مادر در حق اولاد خود کوتاهی کرده باشند و اگر فرزند مالی نداشته باشد و قدرت بر تحصیل مخارج خود نداشته باشد، نفقه‌ی او بر پدر و مادر واجب است؛ اما مخارج ازدواج بر آنها واجب نیست و هم‌چنین پدر و مادر اگر نتوانند خود را اداره کنند، نفقه‌ی آنها بر فرزند واجب است، و واجب نیست فرزند درآمد خود را در صورت عدم احتیاج به پدر و مادر بدهد و با دادن، حق پس گرفتن ندارد؛ مگر این که به عنوان امانت داده باشد.

□ □ □ □

#### □ اطاعت از شوهر و نشوز

س ۲۳۷۵ - مردی کارمند با زن کارمندی ازدواج می‌کند و پس از ازدواج شوهر به ادامه‌ی کار او رضایت نمی‌دهد، با توجه به این که زن در زمان ازدواج کارمند بوده، آیا شوهر حق دارد مانع کار او شود یا نه؟

ج - در فرض سؤال، چنان‌چه زوج می‌دانسته که زوجه اجیر است و با این حال اقدام به ازدواج نموده، حق ممانعت از ادامه‌ی کار ندارد.

□ □ □ □

س ۲۳۷۶ - آیا محل سکونت فقط با انتخاب شوهر تعیین می‌گردد یا این که زن می‌تواند از قبول سکونت در محل مورد نظر شوهر؛ اعم از شهر یا روستا و محل، خودداری نماید؟

ج - حق تعیین محل سکونت با زوج است؛ مگر این که در ضمن عقد نکاح این حق برای زوجه شرط شده باشد.

□ □ □ □

س ۲۳۷۷ - زنی در یکی از ادارات شغلی دارد و به شرط ادامه‌ی شغل با مردی ازدواج نموده و مرد نیز این شرط را پذیرفته، آیا شوهر بعد از ازدواج می‌تواند از ادامه‌ی کار زن مانع شود یا نه و چنانچه پیش از ازدواج شاغل نباشد ولی بعد از ازدواج شغلی اختیار کند و شوهر نیز مانع نشود، آیا بعد از گذشت زمانی می‌تواند مانع شود یا نه؟

ج - در فرض سؤال اول، زوج نمی‌تواند مانع ادامه‌ی شغل زوجه‌ی خود شود و هم‌چنین در فرض دوم که زوج متوجه بوده و مانع نشده تا مدت قرارداد تمام نشود، زوج نمی‌تواند مانع از ادامه‌ی شغل او بشود.



س ۲۳۷۸ - آیا زن می‌تواند بدون اطلاع شوهر خود طلاهایی که مرد خود آن را خریده به خانه‌ی پدر ببرد و آیا زن می‌تواند از آوردن آن به خانه‌ی شوهر خودداری ورزد یا خیر؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاع ندارم. به‌طور کلی، اگر مرد طلاجات را به همسر خود هبه کرده باشد، بعد از عقد ازدواج، طلاجات مال خود زن می‌شود و زن می‌تواند از آوردن آن‌ها به خانه‌ی شوهر امتناع نماید ولی اگر به عنوان عاریه داده و آن را از ملک خود خارج نکرده، زن حق بردن به خانه‌ی پدر بدون اذن شوهر ندارد و باید از برگرداندن آن امتناع نکند و در نزاع موضوعی مرافعه‌ی شرعیه لازم است. بلی، اگر قبل از عقد بخشیده باشد و اعیان آن‌ها موجود باشد، می‌تواند پس بگیرد.



س ۲۳۷۹ - در کشمیر رایج است که پدر دختر، پسری را به عنوان داماد به خانه می‌آورد تا شریک کار و وارث هم بشود و هزینه‌های عروسی را نیز مستحمل می‌شود و بعد از مدتی داماد از این خانه فرار می‌کند و همسر خود را مطالبه می‌کند ولی زن از رفتن به خانه‌ی شوهر خودداری می‌ورزد، در این صورت

تکلیف چیست و اگر داماد موفق شود همسر را راضی کند و هر دو خانه‌ی پدر را ترک کنند، آیا پدر حق دارد هزینه‌ی عروسی و نفقه‌ی این مدت را مطالبه کند یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، بر زن واجب است از شوهر اطاعت کند و اگر حاضر به اطاعت نباشد، ناشزه محسوب است و حق نفقه ندارد و پدر دختر نیز حق مطالبه‌ی مخارجی که در عروسی نموده ندارد.



#### □ شوهر معتاد به هروئین و متارکه‌ی وی

س ۲۳۸۰ - زنی که شوهر او به هروئین معتاد شده و مرد نمی‌تواند به وظیفه‌ی زناشویی عمل کند و ممکن است زن نیز به اعتیاد آلوده شود، در این صورت وظیفه‌ی زن چیست و شوهر حاضر به طلاق زن نیست، آیا پدر دختر می‌تواند زن را از خانه‌ی شوهر به خانه‌ی خود بیاورد یا نه؟

«گلیپگانی»: در فرض سؤال، عدم قدرت مرد فعلاً بر عمل زناشویی موجب جواز فسخ نکاح نیست و اما اگر خطر اعتیاد و ضرر نفس بر زن باشد، جایز است در منزل شوهر توقف نکند و طلاق موقوف به اذن و رضایت شوهر است و تا ممکن است جلب رضایت شوهر را بنماید.



«نکونام»: اعتیاد به هروئین اگر به گونه‌ای باشد که مرد نتواند شوون زندگی را حفظ نماید و موجب انحطاط یا نوعی انحراف زن گردد، در این صورت خارج شدن زن از خانه نشوز نمی‌آورد و نسبت به متارکه در چنین مواردی باید حاکم شرع دخالت نماید و در صورت امکان با ترک اعتیاد دادن مرد و در صورت عدم امکان، با طلاق دادن زن، تصمیم نهایی را بگیرد.



### □ ترک منزل و تقاضای مهریه و طلاق

س ۲۳۸۱- زنی که منزل شوهر را ترک و تقاضای طلاق نموده و مهریه‌ی خود را نیز می‌خواهد و حاضر به سازش و گرفتن طلاق خلع نمی‌باشد، تکلیف شوهر وی چیست؛ در صورتی که مرد خواهان همسر خود هست و به غیر از طلاق خلع حاضر نیست او را طلاق دهد؟

«گلپایگانی»: شرعا اختیار طلاق با شوهر است و در فرض سؤال، زن ناشزه محسوب می‌شود و حق نفقه در مدت نشوز ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: ترک منزل از ناحیه‌ی زن نشوز می‌آورد و حق طلاق با مرد است و زن در این صورت حق نفقه ندارد؛ اگرچه می‌تواند مهریه‌ی خود را طلب نماید که مرد در صورت امکان باید آن را به‌طور نقد و در صورت عدم امکان، به‌طور اقساط بپردازد.

□ □ □ □

س ۲۳۸۲- اگر در ضمن عقد نکاح شرط شود که اختیار محل سکونت با زن است و زن دارای خانه‌ای است که شرط می‌کند باید در آن باشد اما شوهر بعد از مدتی با شرط مخالفت می‌کند و آن خانه را ترک می‌نماید، تکلیف چیست و اگر زن در این صورت به طلاق نیاز داشته باشد چگونه باید طلاق خود را بگیرد؟

ج- در فرض سؤال، زن حق دارد در همان منزل معین سکونت نماید و با عدم اطاعت از شوهر در خروج از منزل مذکور، زن ناشزه نیست و حق مطالبه‌ی نفقه دارد ولکن زن حق فسخ عقد یا اجبار شوهر بر طلاق ندارد.

□ □ □ □

س ۲۳۸۳- این جانب با زنی در آلمان ازدواج کردم و حال در آلمان از این زن دارای دو بچه هستم و می‌خواهم به ایران بازگردم ولی ایشان از آمدن به ایران خودداری کرد و خود نیز نمی‌توانم در آنجا بمانم، حال از نظر شرعی چه تکلیفی دارم؟

ج- بر زوج واجب است که برای زن مسکن مناسب شأن و حال او فراهم

نماید و حق تعیین چنین مسکنی با زوج است؛ اما اگر در ضمن عقد شرط اختیار تعیین با زوجه شده باشد یا آن که بنا بر سکونت آنها در محل معینی بوده است، باید مسکن او را در همان محل قرار دهد.



### □ تفاوت میان اجبار کردن زن به برداشتن پوشش

س ۲۳۸۴ - آیا مرد اختیار دارد همسر خود را به برداشتن چادر و رفع حجاب مجبور نماید یا نه؟

«گلیپگانی»: چون بر زن حجاب واجب است، بر مرد جایز نیست او را اجبار به بی حجابی و خلاف شرع بنماید و بر زن هم واجب نیست اطاعت شوهر در معصیت خدا کند که «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق». به طور کلی مرد باید از داشتن چنین همسری با عفت و نجابت شکر خداوند متعال را بجا آورد در این زمان که مفسد اختلاط زن و مرد در روش های غیر انسانی، زن را - اگرچه آزادی شمرده می شود - به انحطاط اخلاقی گرفتار کرده و از آزادی حقیقی و ارزش انسانی یک زن محروم کرده و روزبه روز در همهی نقاط دنیا آثار شوم اوضاع و روابط نامشروع کنونی زن توسعه پیدا می کند و چون از تعالیم نجات بخش اسلام که مرد و زن را در مسیر عالی ترین کمالات مخصوص به خود قرار داده منحرف شده اند و راهی برای جبران این همه خسارات معنوی پیدا نمی کنند، این گونه زنان مؤمنه و ملتزم به تعالیم اسلام باید مورد تقدیر باشند و شهادت آنها در این موقع که بسیاری از مردها و زن ها در برابر هجوم کالاهای فساد اجانب خودباخته شده و حقارت و کمبودهایی را که در خود احساس می کنند به دارویی که بر درد می افزاید و شدت می دهد جبران می کنند غیر قابل وصف می باشد و در اجتماعی که خروج از سنن اسلامی و شرف و عفت تقدم و به جلو رفتن شمرده می شود، زنانی که ملتزم به



احکام خدا باشند و با قدرت و باایمان به خدا در برابر تمام مظاهر دروغ و مخرب مقاومت دارند و احساس ناراحتی نمی‌کنند و اگر هم تنها بمانند، ثابت و پایدارند در درگاه خداوند و در نظر اولیای اسلام و هرکس که ارزش‌های واقعی انسانی را می‌شناسد، قدر و افتخارشان زیاد است، خداوند متعال این بانوان را در جامعه‌ی مسلمان زیاد کند و شخصیت اسلامی آن‌ها را حفظ فرماید و از عهده‌ی امتحانات که در اخبار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام از آن خبر داده شده، پاک و خالص بیرون آورد. من انتظار دارم که شوهر یک بانوی محترمه مسلمان نیز این گونه توقعات را از او نداشته باشد و اگر تا حال هم چنین توقعی بوده، از این تاریخ به بعد به احترام تعالیم و آداب اسلامی در روش خود تجدید نظر نماید. ان‌شاء الله تعالی مأجور خواهند بود.

\* \* \*

«نکونام»: تفاوت میان برداشتن چادر و رفع حجاب باید مورد توجه قرار گیرد که اگر مردی زن خود را امر به بی‌حجابی و عریانی کند، زن نباید اطاعت نماید؛ اگرچه به طلاق و جدایی بینجامد و نافرمانی در این جهت، نشوز نمی‌آورد، ولی اگر مرد، زن را به برداشتن چادر همراه با حفظ حجاب به نوعی که منافی پوشش شرعی نباشد امر نماید، اطاعت شوهر واجب است؛ زیرا حجاب و پوشش، منحصر به چادر نیست؛ اگرچه چادر برای عفاف زن بهتر است، با آن که حجاب چادر نیز بدون اشکال نیست و حجاب درست و کامل اسلامی به حساب نمی‌آید و - همان‌طور که در باب پوشش و حجاب اسلامی بیان شد - باید برای تأمین حجاب اسلامی، ارابه‌ی الگو نمود و در پیاده کردن آن کوشید.

□ □ □ □

س ۲۳۸۵ - زنی از نظر روابط و معاشرت با نامحرمان و پوشیدن لباس به شیوهی امروزه، پروایی ندارد و در این باره به سفارش شوهر اعتنا نمی‌کند، وظیفه‌ی شوهر چیست؟

ج - لازم است با موعظه و نصیحت یا به هر وسیله‌ی دیگری که ممکن است او را به احکام شرع ارشاد و از معصیت کردن جلوگیری نمایند.

□ □ □ □

س ۲۳۸۶ - منزل مسکونی من غصبی است و شوهرم اجازه‌ی بیرون رفتن از آن برای ادای نماز نمی‌دهد، تکلیف من چیست؟

ج - در این موارد، تحصیل اذن از شوهر لازم نیست و باید هرچند شوهر نهی کند، در مکان مباح نماز بخوانید و ماندن و تصرف در مکان غصبی به هر نحو حرام است و شوهر نمی‌تواند زن را الزام به توقف در خانه‌ی غصبی بنماید.

□ □ □ □

#### □ ملاک نشوز زن

س ۲۳۸۷ - مخالفت امر شوهر در هر باب موجب نشوز است یا منحصر به نزدیکی است؟

«گلبایگانی»: مخالفت امر زوج به عدم تمکین و عدم ازاله‌ی منفرات و مضاد با تمتع، بلکه ترک تنظیف و تزئین با مطالبه‌ی زوج و بیرون رفتن از خانه بدون اذن زوج نشوز است و تفصیل را در وسیله ملاحظه فرمایید.

\* \* \*

«نکونام»: مخالفت امر شوهر به گونه‌ای که سبب از بین رفتن حقی از شوهر شود، نشوز آور است.

□ □ □ □

س ۲۳۸۸ - زن، پیش از دخول حق منع و طلب مهر را دارد، حال اگر زن مانع نزدیکی شود و مهر خود را بخواهد، آیا نفقه‌ی وی بر شوهر واجب است یا نه؟  
ج - اگر در صورت تسلیم مهر، تمکین داشته باشد و فقط برای اخذ مهر ممانعت کند، حق نفقه دارد.

□ □ □ □

س ۲۳۸۹ - اگر زنی بدون اجازه‌ی شوهر خود در مجلس عروسی شرکت کند اما پدر دختر اجازه بدهد و ممکن است شرکت نکردن زن سبب دل‌تنگی دعوت‌کنندگان بشود اما شوهر مصلحت نمی‌داند که همسر وی در عروسی شرکت نماید، آیا رفتن زن در مجلس عروسی با دستور شرع مقدس مخالف هست یا نه؟  
ج - بیرون رفتن زن از خانه بدون اجازه‌ی شوهر حرام است؛ هرچند پدر به او اجازه داده باشد.

□ □ □ □

س ۲۳۹۰ - آیا شخصی که زن شوهردار ناشزه را در منزل خود جا دهد، پیش خداوند مقصر است؟

ج - موارد مختلف است. ممکن است در بعض موارد واجب باشد؛ مثل مواردی که حفظ جان زن موقوف به آن باشد.

□ □ □ □

س ۲۳۹۱ - آیا زن بدون اجازه‌ی شوهر و رضایت او می‌تواند از منزل خارج شود یا نه؟

ج - بر زن اطاعت شوهر واجب است و بدون اذن او نباید خارج شود؛ مگر آن که خایف بر نفس خود باشد.

□ □ □ □



## عیب‌های زن و شوهر

□ دوری از عیوب کلی، شرط عملی عرف ازدواج

س ۲۳۹۲- این جانب با دختری ازدواج نمودم که دارای عیب‌های زیر است: کری گوش، مفهوم نبودن برخی از کلمات و نداشتن تلفظ صحیح، کوتاه بودن انگشتان شست دو پا، مو داشتن نوک پستان و خالی بودن پستان که شبیه به دو کیسه‌ی خالی است و بلافاصله اعتراض نمودم ولی تاکنون نتیجه‌ای نگرفتم. حال، چه حقوقی به نامبرده تعلق می‌گیرد؟ این در صورتی است که کوچک‌ترین اشاره‌ای در مورد عیوب بالا نشده و در ابتدای ازدواج چیزی به من نگفتند و مرا فریب دادند؟

«گلپایگانی»: عیوبی که موجب فسخ عقد است در توضیح المسائل مرقوم است و اما عیوبی که در سؤال ذکر شده در صورتی موجب اختیار فسخ عقد است که در عقد شرط عدم عیب خاص یا مطلق عیب بشود یا زوجه به وصف سلامت از عیب، قبل از عقد در مقام گفت‌وگو معرفی و عقد مبنی بر آن واقع شده باشد. در این صورت‌ها مرد می‌تواند عقد را فسخ نماید و در غیر این صورت می‌تواند او را طلاق بدهد و در صورت طلاق، اگر نزدیکی نشده باشد، زن بیش از نصف مهر طلب‌کار نیست.

\* \* \*

«نکونام»: ظاهر پرسش، حاکی از این است که سلامت از عیب و نقص به طور عرفی در عقد شرط بوده است؛ همان طور که طبق عرف عام و خاص در امر ازدواج، ظاهر گفت و گوهای دو طرف از فامیل دختر و پسر و چگونگی برخورد آن حاکی از شرط عملی هر دو طرف نسبت به نقص خاص نداشتن، سلامت عمومی و دوری از عیب‌های کلی است؛ مگر آن که چیزی به طور خاص ذکر شود.

پس با ظهور چنین عیوب و نواقصی، مرد اختیار فسخ بدون تأخیر بی‌مورد را دارد که در صورت تأخیر بی‌مورد، بعد از علم به نواقص، اختیار فسخ ندارد و تأخیر وی در حکم رضایت است و بعد از آن، طریق جدایی با طلاق تحقق می‌یابد؛ برخلاف طریق فسخ که نیازی به طلاق ندارد.



#### □ عتین بودن مرد

س ۲۳۹۳ - دختری با مردی ازدواج کرده و چند ماه در منزل شوهر مانده و بعد معلوم شده که مرد عتین بوده و به دختر نگفته و در مدت چند ماه که دختر در خانه‌ی وی بوده نتوانسته است دختر را تصرف کند، در این صورت دختر می‌تواند عقد را به هم بزند یا نیاز به طلاق دارد و در صورتی که عقد را فسخ کند، مهریه‌ی وی به چه میزان است؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، اگر عنن شوهر طوری است که نه قادر بر وطی آن دختر و نه قادر بر وطی غیر اوست و بعد از علم به عنن راضی به صبر و بقای با آن شوهر نبوده، جایز است مراجعه به حاکم شرع نماید و بعد از آن که یک سال حاکم برای شوهر وقت تعیین نمود، اگر در این یک سال عیب مرتفع نشد و قدرت بر وطی هیچ زن را پیدا نکرد، آن دختر حق دارد عقد را فسخ کند و نصف مهر را از شوهر بگیرد.



«نکونام»: مشاهده‌ی عنین بودن مرد توسط زن در صورت ذکر نشدن آن در عقد یا آگاه نبودن مرد از نقص خویش در حین عقد، خود نقصی آشکار است و زن می‌تواند بدون تأخیر زاید، عقد را فسخ نماید؛ هرچند دیگر نمی‌تواند مهر بگیرد؛ زیرا مهر بعد از تحقق عقد، بر مرد مستقر می‌گردد؛ در حالی که در فرض مسأله، به دلیل نقص مرد، عقد تحقق نیافته است و در چنین فسخی برای زن، نیازی به مراجعه به حاکم شرع، صبر یک ساله و امتحان مرد با زن دیگر نیست که هیچ‌یک از این مراحل و موارد برای زن، شوهرساز نمی‌باشد و عقد را محقق نمی‌سازد، ولی اگر مرد قبل از عقد، چنین امری را - اگرچه به احتمال - عنوان نماید، فسخی برای زن نخواهد بود و تنها می‌تواند با رضایت شوهر طلاق بگیرد و طلاق نیز می‌باید از جانب مرد باشد.

البته، در صورت اختلاف و عدم پذیرش این نقص از سوی زوج، مرد می‌تواند با مراجعه به حاکم شرع، جهت اثبات صحت و سلامت خود، به هر گونه‌ی ممکن ارایه‌ی دلیل نماید.



#### □ مشاهده‌ی برص پس از عقد

س ۲۳۹۴ - زنی شوهر کرده و بعد از عقد و دخول معلوم شده که شوهر بیماری برص داشته است، آیا زن می‌تواند عقد را فسخ نماید یا نه؟

«گلبایگانی»: مرض برص در مرد از عیوبی نیست که مجوز فسخ عقد برای زن باشد و لکن احوط و اولی آن است که اگر زن بخواهد فسخ کند، مرد او را طلاق بدهد.



«نکونام»: اگر مرد پیش از عقد بیماری برص را عنوان نماید و به طور عملی، ظاهر صحت و بی‌نقصی به خود گرفته باشد، زن بعد از مشاهده‌ی آن می‌تواند عقد را بدون تأخیر بی‌مورد، فسخ نماید و نیازی به طلاق نیست.



س ۲۳۹۵ - گفته شده شوهر پس از پرداخت مهریه می‌تواند در صورت تدلیس و فریب به مدلس رجوع کند و معادل مهریه را از او بگیرد، مراد از مدلس چه کسی می‌باشد؟

«گلپایگانی»: هر کس تزویج به او استناد داده می‌شود که ولی شرعی یا عرفی باشد؛ مانند پدر زوجه و جد او و مادر و برادر بزرگ و عمو و دایی وی؛ یعنی کسانی که اجازه‌ی ازدواج بستگی به رأی آنها دارد و متصدی تزویج می‌شوند و در عرف و عادت در این باره به آنها مراجعه می‌شود و نظیر این‌هاست علی‌الظاهر بعض اجانب که بین او و زوجه شدت ارتباط و علاقه هست؛ به طوری که اجازه‌ی ازدواج بدون موافقت و رأی او صادر نمی‌شود و زوجه در امور مهمه به او رجوع می‌کند و در امور مربوطه به خودش به او اعتماد و رکون دارد، بلکه بعید نیست ملحق بشود به کسانی که ذکر شد شخصی که بین طرفین مراوده می‌کند و اسباب انس و الفت طرفین به یکدیگر را فراهم می‌سازد؛ به طوری که گول زدن به او نسبت داده شود.

\* \* \*

«نکونام»: کسی تدلیس به او نسبت دارد که مقدمه‌ی آشنایی زن و شوهر را فراهم کرده و از وجود عیب در آنها آگاه بوده است.

□ □ □ □

#### □ مسدود بودن مجرای تناسلی زن

س ۲۳۹۶ - شخصی ازدواج نموده و تا بیست و پنج روز نتوانسته است عمل زناشویی را انجام دهد و بعد از آن معلوم شده زن معیوب است و به طور کلی مجرا و رحم ندارد و عادت نمی‌بیند و در نتیجه باردار نمی‌شود و بعد از جراحی، انجام هفتاد درصد عمل زناشویی ممکن می‌شود و شوهر او از مسأله آگاه بوده و می‌دانسته که می‌تواند فسخ نماید ولی فسخ نکرده، آیا با این عیب که ذکر شد



می‌توانند به عنوان زن و شوهر با هم زندگی کنند یا نه؟

«گلیپگانی»: در فرض مسأله، اگر زن معقوده معلوم نیست که زن هست یا مرد و واقعا مردد بین زن و مرد است، نکاح او صحیح نیست و لازم است احتیاطا طلاق داده شود و دیگر شوهر اختیار نکند و اگر معلوم است که زن است، لکن مجری مسدود است، نگاه داشتن او مانعی ندارد و می‌توانند با هم زندگی کنند.

\* \* \*

«نکونام»: مسدود بودن مهبل، دلیل بر ختنی بودن وی نیست و اگر این نقص قبل از عقد عنوان نشده باشد، مرد با مشاهده‌ی آن در بعد از عقد، می‌تواند آن را بدون تأخیر بی‌مورد فسخ نماید؛ اما در مورد مسأله، چون مرد فسخ نکرده است، دیگر نمی‌تواند آن را فسخ نماید و برای ادامه‌ی زندگی، عقد اشکالی ندارد و در صورت تصمیم به جدایی، نیاز به طلاق دارد.

□ □ □ □

س ۲۳۹۷ - شخصی با زنی ازدواج نموده ولی نتوانسته‌اند امر زناشویی را انجام دهند و موقعه صورت نگرفته و به دکتر مراجعه کردند و معلوم شد که عیب با زن است و استخوانی در فرج زن وجود دارد که مانع از دخول است و پس از معاینه و عمل جراحی، تا حدودی انجام نزدیکی ممکن شد اما عادت نمی‌بیند و حامله نمی‌شود، حال در صورت فسخ یا طلاق، میزان مهریه‌ی چه مقدار است؟

ج - در عیب مذکور، مرد اختیار فسخ عقد را دارد و اگر قبل از دخول فسخ کرد، مهر ندارد و اگر بعد از دخول ولو به قدر حشفه، چه در قبل و چه در دبر فسخ کرد، مهر دارد و اختیار فسخ فوری است که اگر عیب را فهمید و فسخ نکرد، خیار فسخ ساقط می‌شود. بلی، اگر از جهت جهل به خیار یا جهل به فوریت تأخیر شد، هر وقت مسأله را دانست باید فوراً فسخ کند و اگر فسخ نکرد، خیار ساقط می‌شود و باید طلاق بدهد و اگر طلاق قبل از

دخول باشد، نصف مهر را باید بدهد و اگر بعد از دخول باشد ولو به مقداری که قبلا ذکر شد قبلا یا دبرا، تمام مهر را باید بدهد.



#### □ مشاهده‌ی صرع پس از عقد

س ۲۳۹۸- اگر با مردی ازدواج کند و پس از عقد معلوم شود که شوهر به بیماری صرع و حمله‌ی شدید مبتلاست و حتی خود داماد پس از مراجعه به دکتر اعتراف نموده که پنج سال پیش نیز همین طور می‌شده، اکنون که در عقد هستند، آیا این عمل خیانت در عقد محسوب می‌شود یا نه و آیا این ازدواج فسخ می‌شود یا نه و زن حق مهریه دارد یا خیر؟

«گلبایگانی»: بیماری مذکور از عیوب مجوزه‌ی فسخ نیست. بلی، اگر در عقد به نحوی مرد را توصیف به صحت کرده‌اند که مانند شرط در ضمن عقد باشد و عقد مبنی بر آن وصف واقع شده باشد و بعد کشف خلاف شود، زن اختیار فسخ عقد را دارد و اگر قبل از دخول فسخ کند، حقی به مهریه ندارد.



«نکونام»: اگر بعد از عقد روشن شود که زن یا مرد پیش از عقد به مرض صرع مبتلا بوده، ولی در عقد عنوان نکرده، از آن‌جا که نوع برخوردها در عرف ازدواج گویای شرط سلامت و دوری از این‌گونه نقص‌هاست، خیار فسخ بدون تاخیر بی‌مورد را دارد و لازم نیست که توصیف به صحت به طوری در عقد آشکار باشد که به شرط در ضمن عقد مآند.



س ۲۳۹۹- فرد لالی دختری را عقد نموده در حالی که دختر بینایی نداشته و به او چیزی نگفته‌اند و پس از تصرف معلوم شده که بینایی ندارد و مهریه‌ی وی نیز

بیست هزار تومان است، آیا در صورت فسخ، شوهر باید تمامی مهر را بدهد یا خیر و شوهر چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- اگر شرعاً ثابت شود که زن قبل از عقد نایبنا بوده و مرد نمی‌دانسته حق فسخ دارد و این حق فسخ فوری است، پس اگر مرد علم به نایبنا بودن زن پیدا کند و مسأله فسخ را بداند و فسخ نکند، حق فسخ ساقط می‌شود و اگر نمی‌دانسته که حق فسخ دارد یا جاهل به فوریت آن بوده، هر وقت فهمید می‌تواند فسخ کند و الا حقیقت ساقط می‌شود و در خصوص مهریه، اگر فسخ قبل از دخول باشد، زوجه حق مهر ندارد و اگر بعد از دخول باشد، باید تمام مهر را بدهد و پس از پرداخت آن، رجوع به مدلس نموده و عوض آن را از او بگیرد و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



#### □ اعلان نمودن صرع همراه توصیف سلامت قبل از عقد

س ۲۴۰۰- دختری است که از بعد از هفده سالگی حالت اغما و غش به او عارض شده، و به خواستگار او نیز این عیب یادآوری شده و وی آن را مهم ندانسته و بالاخره او را به خانه‌ی شوهرش بردند و بعد از دخول، دختر را آوردند و می‌گویند این عیب را دارد و از این رو حق مهر و جهیزیه ندارد، آیا این امر درست است؟

«گلبایگانی»: بیماری مذکور از عیوب مجوزه‌ی فسخ نیست و اعلان آن نیز هنگام عقد واجب نیست و چنانچه دخول واقع شده، تمام مهر مستقر شده و واجب است زوج مهریه را بپردازد و اگر بخواهند جدا شوند، باید به طلاق جدا شوند. بلی، اگر زن را هنگام عقد توصیف به صحت نموده و عقد را مبنی بر صحت واقع ساخته باشند، زوج می‌تواند عقد را فسخ کند ولی چون دخول واقع شده، باید تمام مهریه را به زوجه بپردازد ولی می‌تواند رجوع به مدلس نماید و جهیزیه نیز متعلق به زن می‌باشد، باید به او بدهند.

«نکونام»: پاسخ این مسأله چندان با پرسش آن مناسب نیست؛ زیرا عیب قبل از عقد عنوان شده است و دیگر جای فسخ ندارد و تنها راه جدایی طلاق است که با فرض نزدیکی، مرد باید تمام مهر را بپردازد.

این جمله در پاسخ که «اعلان آن نیز هنگام عقد واجب نیست»، چندان روشن نیست و موردی ندارد؛ زیرا اگر عیب اعلان و عنوان نشود و توصیف به سلامت نیز بشود یا آن که ظواهر برخوردار، حکایت عملی و قولی از سلامت داشته باشد، خیار فسخ را محقق می‌سازد و اگر عیب و نقص عنوان نشود و توصیفی نیز به سلامت نشود و مرد در کاوش و تحقیق اهمال نماید، خیار فسخ ندارد و باید در صورت تصمیم به جدایی، وی را طلاق دهد و صورتی که طلاق بعد از نزدیکی واقع شود، باید مهریه‌ی کامل را پرداخت نماید و در هر دو صورت - تحقق و عدم تحقق خیار فسخ - جهیزیه‌ی زن ارتباطی به این مسایل ندارد و از آن زن است؛ مگر آن که مرد، مقداری از آن را به جهت رسم‌های ازدواج داده باشد که تنها می‌تواند همان مقدار را بردارد و در هر صورت، اعلان نقص کلی یا هر گونه اطلاعات لازم قبل از عقد، از جانب هر دو طرف بهترین دلیل بر حسن نیت آنان می‌باشد و پنهان‌کاری - خواه به عمد باشد یا به سبب خجالت یا به لحاظ اظهار تمایل بیش از حد یا به هر جهت دیگری - خود دلیلی گویا بر قصد خیانت یا نداشتن حسن نیت است.



#### □ اظهار نکردن عیب پسر قبل از عقد

س ۲۴۰۱ - کسی با دختری ازدواج نموده که به بیماری صرع شدید مبتلا بوده و تا هنگام عقد به دختر چیزی نگفته‌اند و آن را پس از تصرف دانسته است و در هر شبانه‌روز، سه مرتبه صرع به او حمله می‌آورد و معالجات زیادی نیز نموده‌اند و مؤثر واقع نشده و علاج پذیر نیست، حال حکم آن چیست؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر به این دختر گفته شده که این پسر سالم

است و به عنوان سلامت حاضر به ازدواج شده، فعلا که معلوم شده تدلیس کرده‌اند، دختر حق فسخ دارد فوراً و اگر تأخیر کند حق فسخ او ساقط می‌شود. بلی، اگر از راه ندانستن مسأله تأخیر انداخت، هر وقت فهمید می‌تواند فوراً فسخ نماید و اگر تدلیسی در کار نبوده و دختر خودش به خیال سلامت حاضر به ازدواج شده، حق فسخ ندارد و باید پسر را راضی کند که او را در حال سلامت طلاق دهد.

\* \* \*

«نکونام»: اگر در برخوردهای قبل از عقد، ظاهر سلامت به پسر داده باشند، خیار فسخ برای زن باقی است؛ چون تدلیس شده است؛ اما خیال سلامت از طرف دختر نسبت به پسر حکایت از صحت پسر و دوری او از نقص در عرف ازدواج دارد و دختر حق فسخ ندارد. بر اساس آنچه گفته شد، اگر تظاهر عرفی به سلامت یا خیال سلامت از جانب دختر، ناشی از علامت خاصی - که امکان تظاهر در آن است - نباشد، حق خیار فسخی برای دختر نیست.

□ □ □ □

#### □ بیماری واگیردار شوهر، تمکین، نفقه و طلاق

س ۲۴۰۲ - زنی که شوهر وی مسلول است و یا بیماری مسری دیگری دارد و بداند بر اثر معاشرت به او سرایت می‌کند، آیا به عنوان یکی از عیوب مجوزهی فسخ می‌تواند عقد را فسخ کند یا نه و حق دارد به او تمکین نکند یا نه و زوج نیز با عدم تمکین زن می‌تواند به او نفقه ندهد یا نه و همچنین در صورت نرسیدن نفقه به زن وی می‌تواند خود را طلاق گوید یا خیر؟

«گلپایگانی»: موکول به مراجعه به حاکم شرع است ولی اگر هم‌بستر شدن با شوهر معرض مرض باشد، بر او تمکین واجب نیست و وجوب نفقه‌ی او هم در این مورد ساقط نمی‌شود.

\* \* \*

«نکونام»: با وجود بیماری واگیردار و عنوان نکردن آن قبل از عقد و حکایت قولی و عملی برخوردارهای قبل از عقد از سلامت - همان طور که عرف ازدواج در جامعه‌ی ما این نوع حکایت را داراست - خیار فسخ برای زن باقی است و با فسخ عقد، بحث تمکین، نفقه و طلاق پیش نمی‌آید، و اگر زن فسخ نکرد، عقد تحقق یافته است و تمکین زن واجب می‌باشد؛ مگر آن که در معرض بیماری و ضرر جدی قرار گیرد که دیگر تمکین لازم نیست و تمکین نکردن وی در این صورت، نشوز نمی‌آورد و چنانچه در معرض ضرر جدی نباشد، ولی تمکین نکند، نفقه‌ی زن بر مرد لازم نیست، و در هر صورت، طلاق با مرد است و در صورت راضی نبودن به طلاق، زن می‌تواند طلاق را با مراجعه به حاکم شرع دنبال نماید.



#### □ علم به عقیم بودن زن بعد از ازدواج

س ۲۴۰۳ - در مورد زن و شوهری که سه سال است با یکدیگر ازدواج نموده و فرزندی ندارند و با مراجعه به دکتر معلوم شده که زن عقیم است و به احتمال یک درصد با عمل جراحی امکان دارد صاحب فرزند شود، آیا شوهر می‌تواند عقد را به این علت فسخ نماید یا خیر و آیا عقیم بودن از جمله عیوبی است که موجب فسخ نکاح می‌شود یا نه و با این وصف، در مورد مهر چگونه عمل می‌شود؟

«گلپایگانی»: عقیم بودن از عیوب موجب خیار برای مرد نیست. بلی، اگر بخواهد، می‌تواند زن را طلاق دهد و اگر طلاق قبل از دخول باشد، باید نصف مهر را بپردازد و اگر بعد از دخول باشد، باید تمام مهر را اگر نپرداخته، بپردازد.



«نکونام»: به جهت آن که عقیم بودن زن به طور نوعی از نواقص و عیب‌های

پنهانی است و زن نیز ابتدا از آن بی‌خبر است، بعد از عقد، با آگاهی از آن، حق فسخ نمی‌آورد و تنها می‌توان با طلاق، جدایی را محقق ساخت.



س ۲۴۰۴ - جوانی دختری علوی را به عقد خود در آورده و پیش از آوردن وی به خانه و عروسی به جبهه رفته و معلول شده و از کمر ساقط و از مردی افتاده، آیا در این صورت آن دختر می‌تواند عقد را فسخ نماید یا خیر و در صورت عدم فسخ آن دختر، آیا پدر و مادر وی حق دارند به او امر کنند و او را به فسخ مجبور نمایند چون خیر و صلاح اوست - البته برای شوهر اسباب پرستاری موجود است و از هر جهت متمکن است - یا این حق را ندارند و اطاعت دختر از پدر و مادر خویش در این صورت واجب است یا خیر و آیا بر شوهر جایز یا واجب است که برای اصلاح ذات‌البین همسر خود را طلاق دهد یا خیر؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاعی ندارم. به‌طور کلی اگر پیش از وقوعه در قبل یا دبر، مرد از تمکن وقوعه بیفتد، زن می‌تواند عقد را فوراً فسخ نماید و اگر جاهل به حکم یا فوریت باشد و به مجرد علم به حکم فسخ ننماید، حق فسخ ساقط است؛ هرچند پدر زن امر به فسخ کرده باشد و اما حکم طلاق واضح است که به ید مرد است، هر وقت بخواهد می‌تواند زن را طلاق بدهد و نزاع موضوعی محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.



#### □ پنهان کردن ابتلای زن به بیماری بی‌هوشی

س ۲۴۰۵ - زنی بیوه برای کسی عقد شده و چند روز بعد از اجرای صیغه‌ی عقد حالت بیهوشی به آن زن دست داده و بعد از تحقیق زیاد عده‌ای از اهل آن محل شهادت داده‌اند که این زن در خانه‌ی شوهر پیشین به این بیماری مبتلا بوده و به همین جهت طلاق داده شده و والدین وی جریان را مخفی کرده‌اند و بیماری وی قابل درمان نیست و نمی‌شود زن را در خانه تنها گذاشت چرا که ممکن است این

بیماری هر آن به او پیشامد کند، آیا این عمل باعث خیار فسخ عقد می‌شود یا خیر؟

«گلبایگانی»: سکوت زن و متصدیان عقد از طرف او با علم به عیب و عدم سؤال زوج، تدلیس موجب خیار نیست. بلی اخفای عیب در صورتی که عقد به وصف فقدان عیب یا مبنی بر آن واقع شده باشد، تدلیس است ولی عدم ذکر عیب تدلیس نیست.

\* \* \*

«نکونام»: پاسخ این مسأله چندان مناسب با پرسش آن نیست؛ زیرا متن مسأله گذشته از عدم ذکر عیب، حکایت از پنهان‌کاری و تظاهر عرفی به صحت در هنگام ازدواج می‌کند و این خود، تدلیس است و موجب خیار فسخ می‌باشد.

□ □ □ □

#### □ فسخ عقد نکاح

س ۲۴۰۶ - هرگاه مردی با زنی به شرط وجود بکارت ازدواج نماید و زن ثیبه باشد، آیا از مهر او چیزی کم می‌شود یا نه و نیز آیا عقد فسخ می‌گردد یا خیر؟  
ج - در فرض سؤال که شرط بکارت نموده، اگر معلوم شود که قبل از عقد باکره نبوده، شوهر اختیار دارد عقد را فسخ کند و با فسخ عقد، اگر دخول نکرده، زن چیزی بابت مهر حق ندارد و اگر دخول نموده، باید مهر المسمی را به زن بدهد و در صورت عدم فسخ حق دارد به نسبت تفاوت مهر ثیبه بودن و باکره بودن چنین زنی از مهر المسمی کسر نماید.

□ □ □ □

س ۲۴۰۷ - مردی به عنوان داشتن شغل معین زنی را به عقد دائم خود درآورده و بعد معلوم شده که دارای شغل معین نبوده است، در این صورت آیا این مورد از



موارد تدلیس محسوب می‌گردد یا خیر؟

«گلیپگانی»: در فرض مسأله، اثبات خیار برای زوجه به این نحو تدلیس مشکل است.

\* \* \*

«نکونام»: در صورت گفته شده وی خیار تدلیس ندارد.

□ □ □ □

س ۲۴۰۸ - این جانب جوانی بیست و چهار ساله هستم و مدتی پیش با دختری ازدواج نمودم که گفته شد در پشت سر او به اندازه‌ی یک سکه‌ی پنج ریالی مو ندارد اما در واقع هیچ‌گونه مویی نداشته و سن دختر بیست و پنج سال گفته شده اما در حقیقت سی و پنج سال است، حال با شرایط گفته شده، آیا این موضوع تدلیس است یا خیر و آیا عقد درست است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر عدم نقص مو و زیادتر نبودن سن از بیست و پنج سال در عقد شرط شده باشد یا قبل از عقد به اوصاف مذکوره توصیف شده و عقد مبنی بر آن اوصاف واقع شده و کشف خلاف شده، زوج حق فسخ دارد و چنانچه دخول کرده، مهریه را باید بپردازد و به مدلس رجوع کند و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

□ □ □ □

س ۲۴۰۹ - شخصی دیوانه شده و همسر او چون از آن اطلاع نداشته فسخ نکرده و پس از گذشتن مدتی متوجه می‌شود که می‌توانسته عقد را فسخ کند، آیا فسخ وی در این زمان نافذ است یا نه؟

ج - بلی، در صورت جهل به حکم جایز است بعد از علم به آن، عقد دائمی خود را فسخ نماید.

□ □ □ □

### □ ظاهر شدن غش زن با تدلیس در عقد

س ۲۴۱۰ - دختری را به ازدواج شخصی در آوردند و بعد از ازدواج معلوم شده که این دختر گاه نوعی حالت روانی و اختلال حواس (جنون) دارد، در صورتی که شوهر از این حالت هیچ گونه اطلاعی نداشته و پدر و مادر دختر با آگاهی از آن چیزی نگفته‌اند، آیا این امر تدلیس به شمار می‌رود و مهریه‌ی آن دختر به عهده‌ی کیست و آیا بر هم زدن عقد نیازی به صیغه‌ی طلاق دارد یا تنها فسخ آن کافی است؟

«گلبایگانی»: اگر محقق شود که مبتلا به جنون است ولو ادواری، نه غش و مانند آن، زوج می‌تواند عقد را فسخ نماید و این حق فسخ فوری است. پس اگر مرد علم به جنون زن پیدا کند و فوراً فسخ نکند، حق فسخ از بین می‌رود و اگر بخواهد از زن جدا شود، باید طلاق بدهد و در صورتی که مرد نداند که حق فسخ دارد یا آن که فوریت آن را نداند، هر وقت فهمید باید فوراً فسخ نماید و الا حقیقت ساقط می‌شود و در خصوص مهریه، اگر فسخ زوج قبل از دخول باشد، زوجه حق مهر ندارد و اگر بعد از دخول باشد، باید مهرالمسمی را به زوجه بدهد و اگر معلوم شود که پدر و مادر جنون دختر را می‌دانسته‌اند و او را مبنیاً بر سلامت از جنون به زوج ارایه نموده‌اند، صدق تدلیس بعید نیست و در مورد تدلیس، زوج می‌تواند به مدلس رجوع و مهریه‌ای را که به زوجه داده استرداد نماید.

\* \* \*

«نکونام»: اگر زنی تنها غش داشته باشد و دیوانه - به صورت دائمی یا ادواری - نباشد و زن و فامیل وی از آن اطلاع داشته باشند و از مرد پنهان کنند و ظواهر قولی و عملی عرف ازدواج، حکایت از سلامت وی نماید و بعد از عقد، ابتلای وی به غش روشن شود، مرد حقّ خیار فسخ دارد و لازم نیست برای فسخ، زن دیوانه نیز باشد.

□ □ □ □

س ۲۴۱۱ - زنی پس از شش یا هفت سال خانه‌داری، شوهر وی دیوانه شده و مدتی است او را بیرون کرده و شخص مذکور سرپرستی ندارد، در این صورت آیا زن می‌تواند طلاق خود را بگیرد یا نه؟

ج - اگر شوهر زن بعد از عقد دیوانه شود، زن می‌تواند عقد را فوراً فسخ نماید و اگر جهل به این حکم داشته، هر وقت علم پیدا کرد فوراً فسخ نماید و بعد از گذشتن عده، در صورتی که مدخول بها باشد می‌تواند به مرد دیگر شوهر کند و احتیاج به طلاق ندارد و در صورتی که مدخول بها نباشد، عده ندارد.



س ۲۴۱۲ - زنی دارای شوهر بوده و شوهر وی در اثر تصادف، اختلال حواس پیدا کرده و به همسر خود نمی‌رسد و زن بدون طلاق، شوهر دیگری اختیار کرده و از او فرزندی به دنیا آورده، در این صورت، تکلیف زن چیست؟ آیا وی به شوهر دوم حلال است و یا به شوهر اول و نیز تکلیف فرزند وی چه می‌شود؟

ج - در فرض مذکور، اگر مرد دیوانه شده و زن عقد را فسخ کرده باشد و پس از گذشتن عده، در صورتی که دخول واقع شده باشد - و الا عده ندارد - ازدواج کرده باشد، ازدواج او با مرد دوم صحیح است و فعلاً هم زوجه‌ی شوهر دوم است و اگر این مسأله را نمی‌دانسته که عقد را می‌تواند فسخ کند و بدون فسخ با مرد دیگر ازدواج کرده باشد، ازدواج او با مرد دوم باطل است و باید از او جدا شود و بعد هم نمی‌تواند با او ازدواج کند و فرزند در صورت عدم فسخ و شوهر کردن به مردم دوم با جهل به صحیح نبودن این ازدواج، شرعاً به حکم حلال‌زاده است.



س ۲۴۱۳ - در شب اول معلوم شده که دختری که به همسری گرفته باکره نیست و وی مدعی است تاکنون با کسی معاشرت و نزدیکی نداشته، حال وظیفه‌ی شوهر چیست؟

ج - بلی ممکن است به واسطه‌ی پریدن از محلی بکارت زایل شود ولیکن

حکم عقد نکاح این است که اگر به شرط بکارت عقد نموده باشد و ثابت شود قبل از عقد ثبته بوده، زوج حق دارد عقد را فسخ کند؛ لکن اگر بعد از عقد بکارت زایل شده باشد، حق فسخ ندارد.



س ۲۴۱۴ - شخصی زنی را به شرط بکارت عقد نموده و مبلغ هفتاد و یک هزار تومان را مهریه‌ی وی قرار داده و مبلغ بیست و یک هزار تومان شیربها و مخارج دیگر نیز در بین بوده و بعد از عقد معلوم شده که دختر باکره نبوده، در این صورت، آیا عقد صحیح است یا خیر و بر فرض صحیح بودن، آیا زن می‌تواند مهریه و شیربها را بگیرد یا نه؟

ج - در صورت مفروضه که عقد مشروط به بکارت زوجه بوده، زوج حق فسخ عقد را دارد و چنانچه فسخ قبل از دخول بوده، زوجه حق مهر ندارد و هم‌چنین اگر تدلیس از قبل زوجه بوده، و اگر تدلیس از غیر زوجه بوده و فسخ بعد از دخول باشد، باید تمام مهر را به زوجه بدهد و به مدلس رجوع کند. توضیحا این که زوج می‌تواند فسخ نکند و در صورتی که فسخ نکرد، اگر با وجود شرط بکارت باکره نبوده، می‌تواند تفاوت مهرالمثل ثبته و باکره را از مهرالمسمی کسر نماید.



س ۲۴۱۵ - برخی از مؤمنان خیراندیش برای شخصی که بیماری روانی دارد زنی عقد کردند و بعد روز به روز حال او بدتر شده؛ به طوری که آرام و قرار ندارد و موجب زحمت دیگران و خانواده‌ی خود می‌باشد، آیا برای همسر او حق فسخ هست یا نه و اگر نیاز به طلاق باشد، در موضوع طلاق او چه تکلیفی داریم؛ چون دادگاه نیز اجازه‌ی طلاق او را صادر می‌نماید؟

ج - اگر بیماری روانی او به نحوی نبوده که به حد جنون رسیده باشد و خودش ازدواج کرده، وقتی به حد جنون برسد زن می‌تواند عقد را فسخ

نماید و اگر جاهل به حکم بوده، فعلا که علم پیدا کرده فسخ نماید و اگر مجنون بوده و ولی شرعی عقد کرده و زن نمی‌دانسته، در این صورت هم می‌تواند فسخ نماید و اگر زن هم می‌دانسته ولی شرعی او در صورت ضرورت و مصلحت مجنون می‌تواند او را طلاق دهد و اگر مجنون بوده و عقد بدون اذن ولی شرعی بوده، اصل عقد باطل است و محتاج به طلاق نیست و باید عده نگه دارد و پس از انقضای عده می‌تواند شوهر کند و اگر نزاع موضوعی در بین است، مرافعه‌ی شرعی لازم است.



#### □ مقدار جنون مرد یا زن

س ۲۴۱۶ - زنی شخصی را به شوهری گرفته که سالم و بی‌عیب و معمولی بوده و بعد به اختلال حواس و جنون اطباقی گرفتار گردیده و موجب آزار و اذیت همسر خود شده و نفقه‌ی زن را نه خود و نه پدر وی نمی‌پردازند و او را طلاق نیز نمی‌دهند، چون جنون شخص نامبرده بعد از بلوغ واقع شده، طبق ولایت حاکم شرع اجازه می‌فرماید زن را طلاق دهیم یا نه؟

«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اگر جنون او طوری باشد که اوقات نماز را تشخیص ندهد، زوجه اختیار فسخ دارد و حاجت به طلاق ندارد و البته این اختیار فسخ فوری است که اگر با علم به جنون، فسخ را تأخیر انداخت، اختیار فسخ ساقط می‌شود. بلی، اگر از راه جهل به مسأله فسخ نکرده، هر وقت علم به اختیار پیدا کرد می‌تواند فوراً فسخ نماید و اگر جنون زوج قبل از عقد و حین عقد هم باشد، زوجه حق فسخ دارد و می‌تواند بدون طلاق از زوج جدا شود.



«نکونام»: جنون لازم نیست به گونه‌ای باشد که اوقات نماز را تشخیص ندهد، بلکه اگر کم‌تر از این نیز باشد، حکم دیوانگی و جنون را دارد.



س ۲۴۱۷ - مردی در ازدواج با دختری تدلیس نموده و برای نمونه، افغانی و بدون شناسنامه بوده و خود را ایرانی و دارای شناسنامه‌ی ایرانی معرفی کرده و اگر دختر از آن آگاه شده بود، به ازدواج راضی نمی‌شد، آیا برای دختر به خاطر ندانستن موضوع، اختیار فسخ عقد هست یا نه؟

ج - در صورتی که در عقد ازدواج شرط ایرانی بودن زوج شده باشد یا به نحوی توصیف نموده که عقد مبنی بر آن وصف واقع شده که به منزله‌ی شرط ضمنی بوده و بعد تخلف وصف ظاهر و واضح شده، زن اختیار فسخ عقد را دارد و چنانچه قبل از دخول فسخ کند، حق مهر ندارد و اگر بعد از دخول فسخ کند، حق مهر دارد و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعی لازم است.



س ۲۴۱۸ - اگر مردی با دختری ازدواج کند و دختر عیب داشته باشد؛ به طوری که دکتر اجازه‌ی ازدواج به دختر را نداده و دختر بدون نظریه‌ی دکتر ازدواج کرده و باردار شده و مرد متوجه عیب زن شده و خانواده‌ی دختر به مرد نگفته‌اند که دختر عیب دارد، بعد از اطلاع از این مطلب مرد با زن هم‌بستر نشده و حال اگر مرد بخواهد زن را طلاق دهد، وظیفه‌ی شرعی او چیست و مخارجی که در جریان ازدواج از جهیزیه و غیره متحمل شده به عهده‌ی چه کسی است؟

ج - در فرض سؤال که دخول واقع شده، زوج باید تمام مهر را بپردازد ولی چنانچه عقد مبنی بر سلامت دختر از آن عیب واقع شده، زوج می‌تواند عقد را فسخ کند و احتیاج به طلاق ندارد ولی این حق فوری است و اگر فوراً فسخ نکند، حق ساقط می‌شود لکن اگر جاهل به حق یا فوریت آن بوده، بعد از دانستن می‌تواند فوراً فسخ نماید و نیز شوهر حق دارد در خصوص مهریه‌ای که پرداخته، به مدلس رجوع کند و مهریه را از او بگیرد

و مخارجی که در جریان عروسی زوج متحمل شده، کسی ضامن آن نیست و جهیزیه‌ی عروس مربوط به عروس است.



#### □ طلاق، رافع عقد لازم و فسخ، نافی عقد متزلزل

س ۲۴۱۹ - در مواردی که شوهر یا زن حق فسخ عقد را دارند، آیا فسخ، طلاق به شمار می‌رود یا خیر؟

«گلپایگانی»: در مورد فسخ، به طلاق احتیاجی نیست ولی فسخ طلاق محسوب نمی‌شود؛ به طوری که همه‌ی احکام طلاق را داشته باشد؛ مثلاً حکم طلاق سوم را ندارد که پس از آن احتیاج به محلل باشد و در موقع فسخ نمودن لازم نیست از حیض و نفاس پاک باشد و نیز حضور عدلین لازم نیست.



«نکونام»: فسخ با طلاق «تفاوت ماهوی» دارد؛ زیرا طلاق، بعد از تحقق لزوم عقد موضوعیت می‌یابد و عقد لازم را مرتفع می‌سازد؛ در حالی که فسخ، عقد متزلزل را - که لزوم و قطعیتی ندارد - نفی می‌کند؛ پس هر یک از این دو عنوان، احکام خاص خود را دارد.



#### □ نیاز نداشتن مراجعه به حاکم شرع با عنین بودن مرد

س ۲۴۲۰ - در مواردی که فسخ عقد برای شوهر یا همسر جایز است، آیا اجازه‌ی حاکم شرع لازم است یا خیر؟

«گلپایگانی»: در مورد سؤال، اجازه لازم نیست. بلی، در موردی که عنین بودن مرد ثابت شود، مراجعه به حاکم شرع لازم است تا برای صبر کردن زن مدتی قرار دهد و بعد از رجوع به حاکم و قرار دادن مدت، هر وقت مدت

تمام شد و در تمام مدت مذکوره مرد قادر بر نزدیکی با زن نبود، زن می‌تواند بدون مراجعه به حاکم شرع عقد را فسخ نماید.

\* \* \*

«نکونام»: اگر عنین بودن مرد برای زن قطعی باشد، خیار فسخ برای وی ثابت است و نیازی به مراجعه به حاکم شرع نیست، ولی اگر مرد این نقص را انکار نماید، این مرد است که باید به حاکم شرع مراجعه کند و عدم نقص خود را اثبات کند و با اثبات نداشتن نقص، خیار فسخ زن باطل می‌شود و در صورت اثبات نشدن آن یا اثبات عنین بودن وی، امر تازه‌ای پیش نیامده است و حق فسخ پیشین تحقق می‌یابد.

□ □ □ □

س ۲۴۲۱ - عیوبی که به سبب آن می‌شود عقد نکاح را فسخ نمود، به چه چیزی ثابت می‌شود؟

ج - ثابت می‌شود به اقرار صاحب عیب یا شهادت دادن دو مرد عادل به اقرار او و نیز شهادت دو مرد عادل به عیب.

□ □ □ □

س ۲۴۲۲ - عیوب باطنی زن چگونه ثابت می‌شود؟

ج - ثابت می‌شود به شهادت دادن چهار زن عاقله.

□ □ □ □

س ۲۴۲۳ - هرگاه عنین بودن شوهر ثابت شود، همسر تا چه مدتی باید صبر کند تا بتواند از همسر جدا شود؟

«گلپایگانی»: باید پس از مراجعه به حاکم شرع یک سال تمام صبر کند. پس اگر در مدت مذکوره زوج توانایی نزدیکی با او یا زن دیگر را پیدا کرد، زوجه حق فسخ ندارد و الا می‌تواند فسخ نماید و چنانچه داشتن حق فسخ و فوریت آن را بداند و فوراً فسخ نکند، حق فسخ او ساقط می‌شود و



نیز اگر راضی بشود که با زوج مذکور زندگی کند، پس از آن دیگر حق فسخ ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: البته این حکم در صورتی است که مرد عنین بودن خود را انکار نماید و چنانچه آن را انکار ننماید، زن می‌تواند بی‌درنگ و بدون مراجعه به حاکم شرع، عقد ازدواج را فسخ نماید.

□ □ □ □

### □ فرق میان عیوب و نواقص عمومی با عیوب فسخ‌آور

س ۲۴۲۴ - آیا جذام و برص در مرد موجب حق فسخ برای زن هست یا خیر؟  
«گلبایگانی»: عیوب مذکوره مجوز فسخ نیست.

\* \* \*

«نکونام»: در صورتی که برخورد مرد و فامیل وی قبل از عقد، همراه با تظاهر به صحت و سلامت مرد از نقص بیماری‌های جذام، برص یا هر عیب دیگری باشد، زن حق فسخ دارد.

فرق میان این گونه عیوب و نواقص عمومی با عیوبی که فسخ‌آور است و به‌طور خاص در شرع آمده است این می‌باشد که عیوب خاص؛ خواه با شرط یا بدون شرط صحت و سلامت در عقد و خواه با تظاهر یا بدون تظاهر عرفی قبل از عقد به سلامت باشد، فسخ‌آور است، ولی عیوب و نواقص عمومی، مانند: جذام، برص و غش در صورت بروز، اگر در عقد، شرط صحت و سلامت به‌طور قولی و عملی شده باشد یا تظاهری عرفی قبل از عقد به سلامت باشد، فسخ‌آور است؛ اما اگر چنین شرط یا تظاهری نباشد، حق فسخ ندارد.

پس فسخ در عیوب و نواقص عمومی، مشروط و مقید است، ولی در عیوب خاص، منصوص و مطلق می‌باشد.

□ □ □ □

### □ شوهر مفقود الاثر

س ۲۴۲۵ - شخصی مدت هفت سال از وطن خود مهاجرت کرد و هیچ خبری از او نبود و همسر او به خیال این که شوهر وی دیگر زنده نیست شوهر کرد و دارای چهار بچه شد و در حال حاضر شوهر اول وی آمده، تکلیف آن زن نسبت به شوهر اول و دوم و حکم بچه‌های او چیست؟

ج - در فرض سؤال، این زن بر شوهر دوم حرام ابدی است و باید از هم‌دیگر بدون طلاق جدا شوند و واجب است عده‌ی وطی به شبهه نگه دارد و بچه‌های آن‌ها چون ولد شبهه بوده‌اند، در حکم حلال‌زاده‌اند و زن به شوهر اول بر می‌گردد و اگر شوهر اول او را طلاق بدهد، چون بر شوهر دوم حرام ابدی است می‌تواند بعد از انقضای عده‌ی طلاق به شخص دیگری شوهر نماید. والله العالم.



س ۲۴۲۶ - دختری در کودکی پدر خود را از دست داده و یتیم بوده و اکنون سرپرستی ندارد که نفقه و مسکن او را تأمین نماید و مدت دوازده سال است که شوهر او مفقود الاثر است و از طریق مطبوعات و رادیو و تلویزیون نیز اعلام شده و متأسفانه خبری از او نشده، اکنون درمانده گردیده، تکلیف وی چیست؟

«گلپایگانی»: از خصوص مورد سؤال اطلاع ندارم. به‌طور کلی اگر دختر یقین داشته باشد که شوهرش فوت کرده، می‌تواند عده‌ی وفات نگه دارد و پس از گذشتن عده‌ی وفات به دیگری شوهر کند و اگر یقین به فوت شوهر ندارد، مأذون است از این تاریخ تا مدت چهار سال از شوهر تفحص نماید و چنانچه بعد از چهار سال از او خبری به دست نیامد، با مراجعه به حاکم شرع احتیاطاً طلاق داده می‌شود و بعد از منقضی شدن عده‌ی وفات می‌تواند شوهر کند. والله العالم.



«نکونام»: حاکم شرع پس از چهار سال باید وی را طلاق دهد.



س ۲۴۲۷ - زنی که شوهر وی مفقود الاثر بوده و شوهر نموده و پس از مدتی شوهر اول وی باز آمده و بنابراین، عقد دوم باطل و برای شوهر حرام مؤبد شده، در این صورت آیا حق مهریه از شوهر دوم را دارد یا نه و بر فرض استحقاق، آیا خود زن مهریه را مالک می‌شود یا شوهر اول او و هم‌چنین فرزندان که از شوهر اول دارد، آیا حلال زاده‌اند و ارث می‌برند و یا ولد شبهه است و ولد شبهه چه حکمی دارد؟

ج - زن مستحق مهر المثل است و در تفاوت بین آن و مهرالمسمی مصالحه نمایند و اولاد شبهه حکم اولاد حلال را دارند در بردن ارث و غیره. بلی، اگر مجوز شرعی در عقد نداشته، حکم زنا را دارد و استحقاق مهر ندارد؛ یعنی اگر با علم به شوهر داشتن و علم به حرمت شوهر کردن، شوهر کرده، حکم زنا را دارد.



#### □ مفقود الاثر شدن مرد بعد از عقد

س ۲۴۲۸ - این جانب پنج سال پیش به عقد پسر عمومی خود به طور غیر رسمی و با اذن پدرم در آمدم و هنوز عروسی نکرده بودیم که نامبرده مفقود شد و تا به حال که مدت سه سال است با آن که بارها با رسانه‌های عمومی از او آگهی داده‌ایم اما اثری از او به دست نیامده و در این مدت پدرم هزینه‌های مرا عهده‌دار بوده، اکنون وظیفه‌ی من چیست؟

«گلبایگانی»: در صورت مفروضه که پدر متکفل مخارج شماست لازم است صبر کنید و اگر کسی نبود که مخارج شما را بدهد مأذونید که از آن تاریخ تا مدت چهار سال تفحص کنید، اگر خبری از او به دست نیامد، احتیاطاً به وسیله‌ی حاکم شرع طلاق بگیریید و بعد از گذشتن عده‌ی وفات می‌توانید به غیر شوهر کنید. والله العالم.



«نکونام»: بعد از آن که مرد مفقود الاثر شد، زن باید چهار سال صبر کند؛ خواه مشکل هزینه‌ی زندگی داشته باشد یا نداشته باشد و صبر بیش از این مدت نیز لازم نیست؛ هر چند بتواند هزینه‌ی خود را فراهم کند. هم‌چنین لازم نیست به حاکم شرع مراجعه کند تا طلاق بگیرد و تنها با نگه داشتن عده‌ی وفات بعد از چهار سال صبر کردن، می‌تواند شوهر کند.



س ۲۴۲۹ - زنی که شوهر وی مفقود شده و به حاکم شرع رجوع نموده و حاکم شرع بررسی و تفحص کامل نموده و پس از تفحص به طوری که ناامید از زنده بودن او هستند حاکم شرع زن را طلاق داده و آن زن پس از انقضای عده، شوهر کرده و پس از مدتی شوهر اولی پیدا شده، تکلیف این زن چیست و کدام یک شوهر او شناخته می‌شوند؟

ج - در صورتی که به مجتهد جامع الشرائط رجوع کرده و حاکم شرع تفحص لازم نموده و بعد طلاق داده و بعد از تمام شدن عده، شوهر کرده باشد، عقد شوهر دوم صحیح است و شوهر مفقود حقی به آن زن ندارد.



س ۲۴۳۰ - شوهر زنی مفقود گردیده و وی بعد از گذشت چند سال با احراز این که اگر دوباره صبر نماید تا از شوهر وی جست‌وجو شود برای زن سختی و حرج است، آیا می‌توان او را طلاق داد یا خیر؟

ج - به نظر حقیر، رفع امر به حاکم شرع و گذشتن چهار سال موضوعیت دارد. بلی، اگر یقین داشته باشد که فحوص مؤثر نیست، فحوص ساقط می‌شود، ولی باید چهار سال صبر کند.



س ۲۴۳۱ - زنی در حدود بیست و هفت سال قبل شوهر وی غایب و مفقود بوده و با قطع و یقین به فوت شوهر با دیگری (زید) ازدواج کرده و پس از گذشتن مدتی

از ازدواج با مرد دوم، شوهر اول وی پیدا شده و پس از اطلاع از این که زن وی شوهر کرده، وی را طلاق داده، آیا پس از انقضای عده‌ی شرعی این زن می‌تواند دوباره با شوهر دوم ازدواج نماید یا خیر؟

«گلپایگانی»: در فرض مذکور، اگر دخول واقع شده، زن بر زید حرام مؤید است.

\* \* \*

«نکونام»: چون زن در این رابطه به حاکم شرع مراجعه ننموده است و حکم حاکم شرع را ندارد، زن بر شوهر دوم حرام ابدی می‌گردد.

□ □ □ □

س ۲۴۳۲ - مردی به مسافرت رفته و همسر وی از آمدن او ناامید می‌شود و به حاکم شرع مراجعه می‌کند، آن زن به دستور حاکم شرع به کسی صیغه می‌شود و آن مرد یک شب پهلوی آن زن می‌خوابد و شب دوم شوهر از مسافرت بر می‌گردد و از زن می‌پرسد آیا در این مدت با کسی ازدواج کرده‌ای و می‌گویی نه و شوهر با او نزدیکی می‌کند و صبح معلوم می‌شود که با فرد دیگری نیز ازدواج کرده و زن باردار است و هر دو شوهر او را ترک کرده‌اند، حال، بچه مال کیست و چه کسی باید هزینه‌ی زن را بدهد؟

ج - در صورتی که زوجه امر را به حاکم شرع؛ یعنی مجتهد جامع الشرایط ارجاع کرده باشد و به امر او چهار سال تفحص از چهار طرف شده باشد و بعد از تفحص، حاکم شرع او را طلاق داده باشد و بعد از عده‌ی وفات شوهر کرده باشد، عقد دوم صحیح است و اولاد به شوهر دوم ملحق می‌شود و الا عقد دوم باطل و اولاد به شوهر اول ملحق می‌شود.

□ □ □ □

س ۲۴۳۳ - زنی است شوهر وی شانزده ماه پیش در تظاهرات انقلاب شرکت کرده و دیگر به خانه برنگشته و زن می‌گوید یقین دارم کشته شده، آیا به یقین زن اکتفا

می‌شود و می‌تواند شوهر دیگری اختیار کند یا نه؟

ج - در فرض مسأله که زن یقین به موت شوهر خود دارد به موجب یقین خود می‌تواند بعد از نگه داشتن عده‌ی وفات، شوهر کند و اگر نسبت به فوت شوهر مشکوک باشد، باید به حاکم شرع رجوع و به اذن او مدت چهار سال از شوهر خود تفحص و بعد از چهار سال حاکم او را طلاق بدهد و عده‌ی وفات نگه دارد و پس از گذشتن عده می‌تواند به دیگری شوهر کند.



س ۲۴۳۴ - از جمله عیوبی که می‌توان عقد نکاح را با آن فسخ نمود این است که زن بفهمد بیضه‌های شوهرش را پیش از عقد کشیده یا کوبیده‌اند، حال، چنانچه زن بعد از عقد بفهمد که زوج او دارای بیضه نمی‌باشد، آیا در این مورد نیز وی اختیار فسخ دارد یا خیر؟

ج - بلی، در این مورد نیز زوجه اختیار فسخ دارد.



## اسباب تحریم

س ۲۴۳۵- کسی دختری را به عقد متعه در می آورد و در حین متعه با مادر او زنا می کند و سپس در یک جلسه مدت او را می بخشد و او را به عقد دائم خود در می آورد و اکنون دارای شش فرزند است، آیا وظیفه ی مرد نسبت به زن و وظیفه ی زن نسبت به فرزندان و وظیفه ی فرزندان نسبت به ارث چه می باشد؟

«گلپایگانی»: بنا بر احتیاط واجب، مرد باید این زن را طلاق بدهد و مهرالمسمی را باید بپردازد و اگر مهرالمسمی کم تر از مهرالمثل است، مهرالمثل بدهد و یا مصالحه بنماید و زن نیز باید از این مرد فوراً جدا شود و تا آخر با این مرد ازدواج نکند و اولادی که در این مدت پیدا کرده اند، چون جاهل به حکم بوده اند، ملحق به هر دو است و در احکام شرعیه با اولادی که از ازدواج صحیح متولد شده، هیچ تفاوتی ندارند و از پدر و مادر ارث می برند.

\* \* \*

«نکونام»: مرد باید زن را طلاق دهد و مهر مسمای وی را در صورتی که کم تر از مهر المثل نباشد، بپردازد و فرزندان آنان نیز به هر دو ملحق است و از هم ارث می برند.

□ □ □ □

س ۲۴۳۶ - اگر کسی با عروس خود زنا کند، چه باید کرد؟ آیا عروس برای شوهر حرام می‌شود یا نه؟

ج - در فرض مسأله، اگر بعد از عقد و دخول پسر، پدر با عروس زنا کند، زن پسر بر پسر حرام نمی‌شود و زانی باید توبه کند و اگر حاکم شرع ميسوط الید بود، حکم و حد این کار شنیع قتل است. یاللاسف که فعلا اجرای حدود تعطیل است<sup>(۱)</sup>.



س ۲۴۳۷ - اگر زنی با مردی زنا می‌کند و بعد از مدتی از شوهر خود طلاق بگیرد و با همان مرد در عده ازدواج نماید در حالی که می‌داند به او حرام مؤبد است و سپس با مردی دیگر زنا می‌نماید و از شوهر دوم که علم به حرمت ابدی بر او دارد طلاق می‌گیرد، در این صورت، آیا می‌تواند با مرد سوم ازدواج کند یا این که مانند دومی حرام مؤبد است؟

ج - در فرض سؤال، چون عقد دوم باطل بوده، ازدواج با شخص سومی بعد از عده‌ی طلاق اولی و بعد از عده‌ی وطی شبهه در صورت جهل زن و مرد دومی، مانعی ندارد ولی اگر زنا با مرد سوم در ایام عده‌ی طلاق شوهر اول واقع شده باشد، ازدواجش با مرد سوم هم حرام ابدی است.



س ۲۴۳۸ - مادر و دختری در یک زمان با یک مرد از راه زنا باردار می‌گردند و مرد زناکار نیز اقرار دارد که جنین مادر و دختر هر دو از وی می‌باشد، در این صورت آیا ممکن است وی با یکی از آنان ازدواج کند یا نه، و در صورت امکان با کدام یک از آنان می‌تواند ازدواج کند؟

ج - در فرض سؤال، هر دو بر زانی حرام ابدی هستند و ازدواج با آنها جایز نیست.



۱- این اعتراض بر حکومت طاغوت می‌باشد.



س ۲۴۳۹ - زنی ارمنی با داشتن همسر با مسلمانی زنا می‌کند و بعد به طوری که شخص مسلمان مدعی است آن زن با اصرار از شوهر طلاق می‌گیرد و برای این که به عقد فرد مسلمان در آید، مسلمان شده، آیا مسلمان با زن مسیحی که در نکاح مرد مسیحی بوده و با او عمل جنسی انجام داده می‌تواند ازدواج کند یا خیر؟  
ج - زنا با زن شوهردار موجب حرمت ابدی است؛ اگرچه زن کافره باشد.



س ۲۴۴۰ - لو زنی رجل بامرأة هل يجوز لابنه أن يتزوج مع بنت بنتها أم لا؟ وهل يفرق بين ذات البعل وغيرها؟  
اگر مردی با زنی زنا نماید آیا برای پسر آن مرد جایز است با دختر دختر آن زن ازدواج نماید یا نه؟ و آیا میان زنی که شوهر دارد با زنی که شوهر ندارد در این حکم تفاوتی است؟

ج - نعم يجوز، ولا فرق في هذا الحكم بين الزنا بذات البعل وغيرها.  
- بلی جایز است و در این حکم میان زنا با زن شوهردار و غیر او تفاوتی نیست.



س ۲۴۴۱ - در رساله است انسان نمی‌تواند با دو خواهر به صورت هم‌زمان ازدواج کند، آیا این حکم مخصوص دو خواهر نسبی است یا در دو خواهر رضاعی یا مختلف نیز جاری است؟

ج - جمع بین رضاعیتین و مختلفتین هم حرام است و با نسبی فرق ندارد.



س ۲۴۴۲ - جمع بین دو خواهر در ازدواج در صورتی که هر دو یا یکی از آنان فرزند زنا باشد چگونه است؟

ج - جمع بین دو خواهر در ازدواج حرام است؛ اگرچه هر دو یا یکی از آنها ولد زنا باشد.



س ۲۴۴۳ - مردی با زنی زنا نموده و به واسطه‌ی جهل به مسأله بعد از مدتی دختر همین زن را عقد کرده و چند فرزند از او متولد شده و حال به مسأله متوجه شده، حال تکلیف وی چیست؟

ج - در فرض سؤال، دختر آن زن بر زانی حرام ابدی است و عقد وی باطل است و واجب است از یک‌دیگر جدا شوند و لکن چون جاهل به حکم بوده‌اند، اولاد آن‌ها در حکم حلال‌زاده است.

□ □ □ □

س ۲۴۴۴ - زنی در عده‌ی وفات زنا داده، آیا زانی می‌تواند با او ازدواج کند یا نه؟  
ج - زنا در عده‌ی رجعیه موجب حرمت ابدی است و در عده‌ی وفات موجب حرمت نیست و زانی می‌تواند بعد از انقضای عده با او ازدواج نماید.

□ □ □ □

س ۲۴۴۵ - مردی زن بیوه‌ای را که دارای یک پسر و آن پسر هم دارای زن است عقد کرده، اگر زن بیوه فوت کند، آیا مرد که شوهر زن بیوه است می‌تواند با عروس زن بیوه ازدواج کند یا خیر؟

ج - ازدواج شخص با زنی که عروس زوجه‌اش بوده و عروس خودش نیست بعد از عده نسبت به شوهر قبل مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۲۴۴۶ - اگر مادر به مردی زنا داده باشد آیا برای آن مرد جایز است که دختر وی را صیغه نماید یا خیر؟

ج - دختر زن زانیه بر مرد زانی حرام ابدی است.

□ □ □ □

س ۲۴۴۷ - اگر با دختری عمل لواط انجام بگیرد، آیا لواط کننده می تواند خواهر او را به ازدواج خود در آورد یا نه؟

ج - ازدواج با خواهر او مانعی ندارد و آن حکم که معروف است مخصوص به خواهر پسر ملوط است.

□ □ □ □

س ۲۴۴۸ - همسر مردی فوت شده و از او چند دختر دارد و آنها را شوهر داده است و مرد مذکور دوباره با زن دیگر ازدواج نموده، آیا همسر دوم او که زن پسر دختر است به شوهران دخترها محرم است یا نه؟

ج - زن پدر زوجه بر زوج محرم نیست.

□ □ □ □

س ۲۴۴۹ - آیا پسر می تواند زنی که به او دخول ننموده را به عقد خود در آورد یا نه؟

ج - ازدواج با زن پدر؛ چه مدخول بها باشد و چه غیر مدخول بها، حرام و باطل است.

□ □ □ □

س ۲۴۵۰ - شخصی دختری را به مدت یک سال متعه کرده و پس از یک سال او را به عقد دائم درآورده و با مادر همسر خود نزدیکی نموده ولی نمی داند آیا نزدیکی با او در ایام متعه بوده و یا در ایام عقد دائم، آیا این زن در حال حاضر می تواند همسر وی باشد یا باید از او جدا شود و حکم فرزندان که از او متولد شده چیست؟

ج - در فرض سؤال، اگر شک دارد که پیش از عقد دائم با مادر زن نزدیکی کرده یا بعد از آن عقد محکوم به صحت است و در این فرض، فرزندان او حلال زاده هستند.

□ □ □ □

س ۲۴۵۱ - هل اللواط مع الميِّت كالحيِّ في نشر الحرمة في النساء المعلومات أعني أمّ الموطوء وبنته وأخته على اللاطي أم لا؟ وهل الرضاع في ذلك كالنسب أو مخصوص بالنسب؟ وهل يوجب الغسل ويكفي عن الوضوء؟ وهل في وطئ البهيمة غسل؟ وهل يكفي عن الوضوء أم لا؟

- آیا لواط با مرده همانند لواط با فرد زنده سبب ایجاد حرمت دائمی در ازدواج با زنانی معین؛ مانند مادر، دختر و خواهر او می شود یا نه؟ و آیا رضاع نیز همین حکم را دارد یا این حکم ویژه ی خویشاوندان نسبی است؟ و آیا واجب است غسل انجام شود یا تنها گزاردن وضو کافی است؟ و آیا نزدیکی با حیوانات نیز غسل را لازم دارد و آیا آن غسل نیز از انجام وضو کفایت می کند یا خیر؟

ج - نعم، اللواط مع الميِّت كالحيِّ في وجوب الغسل وكفايته عن الوضوء في ما يشترط الطهارة فيه، وفي نشر الحرمة لا يترك الاحتياط بعدم تزويجهنّ؛ سواء في النسب والرضاع كالحي، ولكنّ الأحوط في وطئ البهيمة هو الغسل والوضوء فيما يشترط فيه الطهارة.

- بله، لواط با مرده مانند لواط با مرد زنده است و سبب وجوب غسل می گردد و با آن از انجام وضو در اموری که نیاز به طهارت دارد کفایت می کند و در ایجاد حرمت باید احتیاط نمود و با زنانی که حرام مؤید می شوند ازدواج ننمود؛ خواه نسبی باشند یا رضاعی؛ چنان که در انسان زنده چنین است و احتیاط در نزدیکی با حیوان آن است که افزوده بر گزاردن غسل به انجام وضو نیز بپردازد.



س ۲۴۵۲ - مدت بیست سال پیش جوانی مرا جهت خود خواستگاری کرد ولی چون او بهایی بود من به ازدواج او راضی نشدم و او نیز اصرار داشت و به من قول داد که مسلمان شود و با شرط مسلمان شدن وی به ازدواج او راضی شدم و در حال حاضر مدت بیست سال است که از ازدواج ما گذشته و در ظاهر مسلمان

بود و تشخیص بهایی بودن او را نمی‌دادم و سپس برایم ثابت شد که او در واقع مسلمان نشده و در بهائیت خود باقی است اما من از او دارای فرزندان شدم و طلاق و جدایی برایم مشکل بود و در صدد فرزندانم را به دین مقدس اسلام هدایت کنم و به این جهت صبر کردم و پسر من به سن نوزده سال رسیده و پیرو مذهب پدر شده و برایم یأس حاصل شده که آن‌ها مسلمان شوند؛ بنابراین از خانگی شوهرم خارج شدم و در منزل برادرم ساکن گردیدم، در این صورت آیا می‌توانم به خانگی شوهرم بروم و فرزندان دیگرم را به دین مقدس اسلام راهنمایی نمایم و یا لازم است به صورت کامل او را ترک بگویم؛ چون بر من حرام است و نیز لازم است از او طلاق بگیرم یا خیر؟

ج - با این که شوهر شما بهایی است باید از او جدا شوید و بازگشت شما به منزل او حرام است و محتاج به طلاق نیست و پس از آن که از تاریخی که با او هم‌بستر نشده‌اید، عده منقضی شود، می‌توانید بدون طلاق با هر مرد مسلمان که بخواهید ازدواج کنید و فرزندان شما چون از وطی به شبهه هستند به شما ملحق هستند و به پدرشان شرعاً ملحق نیستند و او نمی‌تواند از آن‌ها اگر صغیر هستند، سرپرستی نماید و باید از او گرفته شوند و هر کدام کبیر هستند، کسی به آن‌ها ولایت ندارد.



#### □ کفر گفتن زن یا مرد و حرام شدن به همدیگر

س ۲۴۵۳ - گفته می‌شود اگر زن کفر بگوید، بر شوهر خود حرام می‌شود و باید او را طلاق داد و هم‌چنین در صورتی که مرد کفر بگوید، زن وی بر او حرام می‌شود و باید او را طلاق داد، آیا این گفته درست است؟

«گلبایگانی»: اگر قبل از دخول، زن کلامی بگوید که موجب کفر و ارتداد بشود، عقد ازدواج او با شوهر به خودی خود فسخ می‌گردد، و اگر بعد از دخول باشد، چنان‌چه تا پیش از گذشتن عده برگردد و توبه کند، ازدواج او

به حال خود باقی می ماند و اگر پیش از گذشتن عده برنگشت، معلوم می شود که از حال ارتداد و کفر ازدواج او به هم خورده و فسخ شده است و اگر مردی که مسلمان و مسلمان زاده باشد، کافر شود (مرتد فطری) فوراً عقد ازدواج او با زنش فسخ می شود و زنش بر او حرام می شود و پس از گذشتن عده با هر مرد مسلمان بخواهد ازدواج کند اختیار دارد و طلاق لازم نیست ولی اگر شوهر توبه کند و به اسلام برگردد، می تواند اگر زن ازدواج با دیگری نکرده، به عقد جدید با او ازدواج کند.

\* \* \*

«نکونام»: در پاسخ مسأله، این جمله که: «اگر زن کفر بگوید، بر شوهر خود حرام می شود» موضوع آن، معنای مجملی دارد و منظور از کفر گفتن روشن نیست و به طور خلاصه می توان گفت: اگر کسی در حال عصبانیت و عدم توجه جملائی بگوید که حکایت از کفر کند، دلیل بر کافر شدن وی نیست و کسی با این نوع گفتار کافر نمی شود. هم چنین اگر عصبانی نباشد و از روی لجاجت یا از روی کینه جملائی بگوید، ولی لوازم گفتار خود را نفهمد، باز هم کافر نمی شود؛ اما در صورتی که چنین جملائی را بگوید و معنا و لوازم آن را مبنی بر این که چنین جملائی کفرآمیز است و به تکذیب خدا و رسول باز می گردد بداند، و به طور واقعی نیز گفته ی وی معنایی داشته باشد که به تکذیب خدا و رسول برگردد؛ خواه زن باشد یا مرد، کافر می شود؛ ولی اگر جمله ای بگوید که معنای آن را نمی فهمد یا نفهمد که به تکذیب خدا و رسول بر می گردد یا معنای آن جمله به تکذیب خدا و رسول باز نگردد یا نداند لازمه ی آن تکذیب خدا و رسول ﷺ او و کفر است، هیچ یک کفرآور نیست و فرد را کافر نمی سازد؛ اگرچه آن جمله به انکار ضروری دین نیز برگردد؛ چرا که صرف انکار ضروری دین بدون خصوصیات دیگر - که بیان شد - کفرآور نیست.

□ □ □ □

س ۲۴۵۴ - ازدواج پسر و دختری که مادران آنان دختر خاله هستند جایز است اما شبیه‌ای برای آنان پیش آمده و آن این که مادر بزرگ دختر چندین سال پیش می‌خواست با شوهر خواهرش (پدر بزرگ پسر) به سفر برود و برای محرم شدن با او، نوهی وی را که طفلی چند ماهه بوده بدون اذن پدر صیغه می‌کند و پدر بزرگ دختر نیز که ولی او محسوب می‌شود مرده بوده و وقتی که پدر دختر از مسافرت می‌آید و موضوع را به او می‌گوید به صراحت از این عمل اظهار رضایت نمی‌کند و با این که مدت صیغه نیز تمام شده بوده و مادر بزرگ دختر اظهار می‌دارد که یادم نیست شخصی را که وکیل کردم تا صیغه را بخواند چه کسی بوده تا از او بپرسند که اصولاً صیغه را خوانده یا نه ولی در آن زمان به خیال این که با هم محرم هستند به سفر رفته‌اند و در حال حاضر پدر بزرگ پسر در قید حیات نیست و اشخاصی نیز نیستند که شهادت به اجرای صیغهی محرمیت بدهند، آیا ازدواج این پسر و دختر جایز است یا خیر؟

ج - مادر بزرگ و مادر طفل ولایت بر او ندارند؛ بنابراین، اگر صغیره را به عقد دایم یا موقت تزویج نمایند، عقد فضولی است و بدون اجازه‌ی پدر یا جد پدری یا اجازه‌ی خود صغیره بعد از آن که کبیره شد، عقد نافذ نیست و آثار شرعی بر آن مترتب نمی‌شود و با فرض اجازه‌ی پدر، اگر اصل خواندن صیغه هم واقعا مشکوک باشد، آثار عقد مرتب نمی‌شود و با فرض وقوع عقد و اجازه‌ی پدر، اگر اجازه بعد از انقضای مدت واقع شده، ترتب اثر بر آن، محل تأمل است و مراعات احتیاط در صورت اخیر به عدم ازدواج پسر و دختر مذکور از جهت شبیهی معقوده بودن برای جد لازم است.



#### □ استهزای باورهای دینی و منع همسر از نماز و روزه

س ۲۴۵۵ - مردی پس از چند روزی که از ازدواج او گذشت، علاوه بر این که خود نماز نمی‌خواند و روزه نمی‌گیرد، به همسر خود نیز می‌گوید حق نماز خواندن و

روزه گرفتن را ندارید و در این راه اصرار و پافشاری می‌کند و معتقدات دینی را مسخره و استهزا می‌کند، در این صورت وظیفه‌ی شرعیه این زن چیست؟ آیا باید به زندگی با مرد ادامه بدهد و یا طلاق بگیرد؟

«گلپایگانی»: اگر استهزا و مسخره‌اش به حد انکار ضروری دین برسد مرتد است و به مجرد ارتداد، عقد منفسخ می‌شود و باطل است و چنین شخصی را که مسلمان است و مرتد می‌شود، مرتد فطری می‌گویند و زن باید از او جدا شود و احتیاج به طلاق ندارد و باید عده‌ی وفات نگه دارد و چنانچه زوج از ارتداد خود توبه کند، می‌تواند زن را به عقد جدید بگیرد.

\* \* \*

«نکونام»: ترک نماز و روزه یا امر همسر به ترک این دو امر عظیم دینی به تنهایی و همین‌طور استهزای باورهای دینی - که از سر جهالت و نادانی است، کفر و ارتداد نمی‌آورد؛ خواه به حد انکار ضروری دین برسد یا نرسد، و در صورت انکار ضروری دین، اگر به گونه‌ای انکار شود که بداند انکار آن تکذیب خدا و رسول را در بر دارد و کفرآور است و باکی از آن نیز نداشته باشد، احکام کفر و ارتداد درباره‌ی وی جاری است؛ هرچند بسیاری از این افراد، این‌گونه انکار را ندارند و تنها از سر جهالت و نادانی حرف‌هایی می‌زنند که در واقع به انکار یا تکذیب خدا و رسول بر نمی‌گردد. البته، همه‌ی این‌گونه موارد مجمل و مستهجن، فسق‌آور است.

□ □ □ □

#### □ قبول توبه‌ی مرتد فطری و ملّی

س ۲۴۵۶ - ما قولکم فیما لو ارتدّ الزوج عن الاسلام وبعد مدّة من ارتداده رجع إلى الاسلام فهل یقبل توبته؟ وهل تبین منه زوجته فعلاً أو ینتظر إلى تمام العدّة؟ وهل الحکم كما قال المشهور فی الفرق بین الفطری والملّی بعدم قبول التوبة فی الأوّل واعتداد الزوجة عدّة الوفاة وقبول التوبة فی الثانی والانتظار به إلى العدّة وهي عدّة الطلاق، فإن تاب فی أثناءها وإلا بان منه؟



- نظر شما درباره‌ی موردی که شوهر مرتد می‌گردد و بعد از مدتی توبه می‌نماید و به دین اسلام باز می‌گردد چیست؟ آیا توبه‌ی وی پذیرفته است؟ آیا همسر وی باید از او جدا شود یا عده نگه دارد و آیا نظر شما همانند دیدگاه مشهور است که توبه‌ی مرتد فطری پذیرفته نیست و زن وی باید عده‌ی وفات نگاه دارد؛ برخلاف مرتد ملی که توبه‌ی او پذیرفته است و وی باید عده‌ی طلاق نگاه دارد و اگر شوهر در طول عده توبه نمود، شوهر او شمرده می‌شود و چنانچه توبه ننمود باید از او جدا گردد؟

«گلهایگانی»: إن ارتد الزوج عن فطرة تبين منه زوجته بلا فصل، فإن لم يمكن إجراء الحدّ عليه و تاب، يقبل توبته، وإن لم يسقط عنه حكم الحدّ، ويجوز نكاحه بعقد جديد ولو مع زوجته السابقة، وإن ارتدّ عن ملة وقف انفساها على انقضاء العدة.

- اگر شوهر مرتد فطری گردد، همسر او از او بی‌درنگ جدا می‌گردد؛ حال، چنانچه توبه نماید و اجرای حد بر او ممکن نباشد، توبه‌ی وی پذیرفته است؛ هرچند حکم حد هیچ‌گاه از او ساقط نمی‌شود و بنابراین، او می‌تواند به عقدی دوباره به زندگی با دیگری اگرچه همسر گذشته‌ی خود باشد، ادامه دهد. اما در صورتی که شوهر مرتد ملی شود، در صورتی که تا پایان عده توبه نماید، ازدواج آنان منفسخ شده و از هم جدا می‌شوند.

\* \* \*

«نکونام»: يقبل توبة المرتد مطلقاً بأيّ قسمي كان فهو من المحكمات وشواهد عدم قبول بعض الأقسام من المرتد لا يكون سديداً من حيث الإِسناد والدلالة. - توبه‌ی مرتد به صورت مطلق از هر قسمی که باشد؛ فطری یا ملی، پذیرفته است و این امر از محکّمات دیانت است و شواهد نپذیرفتن برخی از اقسام ارتداد - فطری - درست نیست و به مشکل سند و دلالت دچار است.

□ □ □ □



## رضاع

س ۲۴۵۷- خواهری دارم که نزدیک به شش ماه از زن دیگری که پسری داشته شیر خورده؛ یعنی در هر ۲۴ ساعت، یک مرتبه شیر آن زن را می‌خورده و بقیه را از شیر مادر خود و مواد خوراکی دیگر تغذیه می‌نموده و از آن زن نیز به صورت مرتب و در ساعت معین شیر نمی‌خورده و گاه در شب و آن هم یک وعده شیر آن زن را می‌خورده، حال ازدواج پسر وی با خواهر بنده جایز است یا خیر؟

ج- ظاهراً در فرض مرقوم، اگر در مدت تقریباً شش ماه هر شبانه‌روز یک مرتبه شیر خورده، استخوانش محکم و گوشت در بدنش روییده شده است، بنابراین، ازدواج او با پسر مرضعه حرام و باطل است.



س ۲۴۵۸- زنی دختری را مدت شش شبانه‌روز شیر کامل داده، در این صورت، آیا این دختر فقط با پسری که شیر مادر وی را خورده محرم است یا با همه‌ی برادران آن پسر؟

ج- در صورتی که شرایط رضاع به‌نحو مرقوم در رساله‌های عملیه محقق شده باشد، آن دختر به آن پسر و برادرانش که از مادر یا زن دوم هم‌مین شخص باشند، محرم می‌شود.



س ۲۴۵۹ - در حال رضاع چون شیر مادرم کافی نبود مرا به دایه‌ای سپردند تا به من شیر دهد و من از شیر آن زن پرورش یافته‌ام، حالی، آیا من به آن زن و فرزندان و نوه‌ها و خواهر وی محرم هستم یا نه و در صورتی که با آنها محرم نباشم، آیا می‌توانم با فرزندان آن زن ازدواج کنم یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، شما به منزله‌ی اولاد نسبی آن زن هستید و اولاد او به منزله‌ی خواهر و برادر شما و اولاد خواهر و برادر نیز بر شما حرام است و هم‌چنین خواهران زن، خاله‌ی رضاعی شما محسوب و بر شما حرام است ولیکن نکاح اولاد خاله؛ نسبی باشد یا رضاعی، حلال است.



س ۲۴۶۰ - شخصی دارای دو همسر است و پسر بچه‌ای از همسر دوم آن شخص شیر کامل خورده و نه از همسر اول وی و در حال حاضر آن پسر قصد ازدواج با نوه‌ی دختری زن نخست را دارد، آیا ازدواج وی صحیح است یا باطل؟

ج - در فرض سؤال که آن نوه از همین شوهر صاحب شیر است جایز نیست.



س ۲۴۶۱ - اگر دایی رضاعی و یا نسبی، از زنی با شرایط کامل شیر بخورد، آیا خواهرزاده وی می‌تواند با همان زن ازدواج کند یا نه و نیز آیا فرزندان این زن بر او محرم هستند؟

ج - در فرض سؤال، خود دایی از اولاد مرضعه محسوب است و ازدواج او با اولاد مرضعه جایز نیست به تفصیلی که در احکام رضاع مذکور است و اما ازدواج خواهرزاده‌ی او با مرضعه در صورتی که یکی از عناوین محرمه نسبی؛ مثل جده و امثال آن بر او منطبق نشود، مانعی ندارد.



س ۲۴۶۲ - کسی از زنی شیر کامل خورده و پس از مدتی، آن زن شوهر نمود و دارای پسری شد، حال آیا دختر شخصی را که شیر خورده می‌توان به عقد پسر آن زن در آورد یا نه؟

ج - جایز نیست؛ چون برادرزاده‌ی رضاعی است.

□ □ □ □

س ۲۴۶۳ - شخصی با زنی زنا می‌کند و سپس او را در حالی که از آن زنا بچه‌دار است عقد می‌کند و پس از تولد بچه، مدتی مادر آن زن، این بچه را شیر کامل می‌دهد؟ آیا این زن بر شوهر خود حرام می‌شود یا نه؟

ج - احتیاط واجب آن است که این زن را طلاق دهد و دیگر با او ازدواج نکند. بلی، اگر با زن شوهردار زنا کرده یا با زنی که در عده‌ی رجعیه بوده زنا کرده، آن زن بر زانی حرام مؤبد می‌شود.

□ □ □ □

س ۲۴۶۴ - زنی صاحب دو قلو است و چون شیر وی کم بوده به ناچار بچه‌های خود را پیش زنانی می‌برده تا به وی شیر دهند و به‌ویژه یکی از زن‌های همسایه به مدت یک سال روزی یک یا دو مرتبه و یا هر دو روز یک مرتبه یا بیش‌تر به آن‌ها شیر می‌داده‌اند و این کار تا یک سال طول کشیده و حال پسر این زن که به آن دو شیر داده یکی از آنان را به عقد خود درآورده اما در این موضوع مردد هستیم که آیا این عقد به حکم شرع درست است یا خیر؟

ج - به نظر حقیر، در فرض سؤال احتیاطاً طلاق بدهد و نسبت به مهریه مصالحه و مراضات نمایند و دیگر با او ازدواج نکند.

□ □ □ □

س ۲۴۶۵ - زنی بچه‌ی برادر خود را یک روز شیر داده و دو روز شیر نداده و روزی که شیر داده، یک مرتبه بیش‌تر نبوده ولی همه‌ی آن مدت از بیست روز

بیشتر نمی‌شود، در این صورت، آیا مرضعه می‌تواند دختر را به پسر برادر بدهد یا خیر؟

ج - در فرض مسأله، اگر پسر برادر یک شبانه‌روز تمام شیر خورده باشد، بدون فاصله غذا یا شیر دیگری با همه‌ی اولاد عمه، خواهر و برادر می‌شوند و ازدواج آن‌ها جایز نیست و نیز اگر یک شبانه‌روز تمام نخورده لکن در عرض بیست روز مقداری خورده که معلوم باشد از شیر عمه گوشت در بدن او روییده یا استخوان او محکم و بزرگ شده، نمی‌تواند دختر عمه را بگیرد. والله العالم.

□ □ □ □

س ۲۴۶۶ - اگر بچه‌ای مدت یک سال یا بیش‌تر از زنی شیر بخورد، آیا پدر بچه می‌تواند با دختر بزرگ آن زن ازدواج کند؟

ج - در فرض مسأله، پدر بچه با دختر آن زن نمی‌تواند ازدواج کند ولی با خود آن زن می‌تواند ازدواج کند اگر مانعی نداشته باشد.

□ □ □ □

س ۲۴۶۷ - آیا خواهر می‌تواند برادر خود را شیر دهد یا نه؟

ج - اگر زن از شیر شوهر خود برادرش را شیر بدهد، آن زن به شوهر خود حرام نمی‌شود لکن خوب است احتیاط نماید و شیر ندهد.

□ □ □ □

س ۲۴۶۸ - آیا جایز است زنی نوه‌ی دختری خود را شیر دهد؟ البته دختر فوت نموده است.

ج - بلی، در صورت فوت مادر بچه، جایز است ولی چنانچه مرضعه مفروضه دختر داشته باشد، شوهر دختر فوت شده نمی‌تواند با هیچ یک از دختران او ازدواج نماید.

□ □ □ □

س ۲۴۶۹ - بنده با پدر و عموی خود در یک جا زندگی می‌کردیم و عمویم دارای چهار دختر و یک پسر بوده و پدرم سه پسر و یک دختر داشت که خواهرم که فرزند اول پدرم بود با دختر سوم عمویم و بنده با پسر چهارم عمویم که یک سال از بنده کوچک‌تر بوده و برادر کوچکم با آخرین فرزند عمویم که دختر بوده شیر خوردیم و بنده با دختر اولین دختر عمویم که از همهی ما و اولاد عمویم بزرگ‌تر بوده ازدواج نمودم که در معنا نوهی دختری عمویم می‌باشد و در حال حاضر یک فرزند پنج ساله پسر هم دارم، آیا بنده با فرزندان عمو و همسر چه نسبتی داریم و آیا ازدواج ما اشکال شرعی دارد یا خیر؟

ج - اگر شما شیر عیال عمویتان را به قدری که سبب حصول رضاع شرعی می‌شود و در مسأله‌ی ۲۴۸۳ و ۲۴۸۴ توضیح المسائل شرح داده شده خورده باشید با هیچ یک از دخترهای آن عمویتان و دخترهای دخترهای او که نوهی عموی شما هستند نمی‌توانید ازدواج نمایید و اگر ازدواج کرده باشید، ازدواج باطل است و فوراً باید جدا شوید و در صورت نزدیکی باید زن عده نگه دارد و اگر در این مدت که مسأله را نمی‌دانستید فرزندی از شما پیدا شده باشد، آن فرزند حکم ولد حلال را دارد ولی اگر به مقداری که رضاع شرعی حاصل می‌شود شیر نخورده باشید و یا شک داشته باشید که به آن مقدار خورده‌اید یا نه، ازدواج شما با او جایز و صحیح است و در صورتی که فرض مسأله به عکس باشد؛ یعنی پسر عموی شما شیر از مادر شما خورده باشد، ازدواج شما با خواهرهای او بی‌اشکال است.



س ۲۴۷۰ - زنی که در حال طلاق باردار بوده و بعد از چند روز وضع حمل نموده آیا شیر وی از شوهر اول او شمرده می‌شود و یا از شوهر دوم وی و آیا او

می‌تواند همین بچه را شیر بدهد یا نه؟

ج - شیر زن نه ملک شوهر اول است و نه ملک شوهر دوم و زن اختیار دارد بچه‌ی خود را شیر دهد.



س ۲۴۷۱ - زن بنده پسر و دختر شیرخواری داشته و دختر همسایه‌ی خود را نیز همراه آنان مدت چهار ماه و روزی سه دفعه شیر می‌داده، در این صورت، آیا دختر مزبور با پسر من محرم است یا نه و نیز پسر من که سن او ده سال بوده همین دختر را که مدت چهار ماه به نحو مذکور شیر خورده تصرف و از او ازاله‌ی بکارت نموده و این قضیه ده سال پیش اتفاق افتاده ولی مدت سه سال است که دختر مزبور را به عقد پسر من درآورده‌ام و صداق او را مبلغ یک‌هزار تومان قرار دادم و در این مدت که آن دختر به عقد پسر من درآمده، عمل زن و شوهری با او انجام نداده، حال آیا پسر من به این دختر حلال است یا حرام و آیا دیه به او تعلق می‌گیرد یا نه؟

ج - به نظر حقیر اقوی آن است که این دختر بر این پسر حرام مؤبد است، لکن اولی و احوط آن است که طلاق بدهند و تا آخر عمر هم با یک‌دیگر ازدواج نکنند و راجع به دیه، اگر به واسطه‌ی مقاربت، دختر افضا شده، دیه‌ی خود دختر که به طلا پانصد دینار و هر دیناری یک مثقال شرعی است که هجده نخود باشد، دیه‌ی آن است و اگر افضا نشده و فقط بکارت او زایل شده باشد، ارزش بکارت باید داده شود و چون در فرض سؤال، پسر صغیر بوده، در هر دو صورت دیه‌ی ارزش بر عهده‌ی عاقله است و اما مهر بنا بر احتیاط، در طلاق، اگر بعد از عقد تاکنون دخول نکرده باشد، احتیاط مصالحه و مراضات در نصف مهر است.





س ۲۴۷۲ - مادر پسر بچه‌ای مرحوم شده و مادر مادر او که شوهر نداشته و شیر در پستان او نبوده، پستان خود را در دهان پسر دختر خود گزارده و از آن شیر آمده و بچه از شیر وی بزرگ شده ولی گاه، دختر دیگر همان زن که خاله‌ی آن پسر بچه است به وی شیر داده و بعد که بچه بزرگ شده با یکی از دختران همان خاله‌ای که او را شیر داده بوده ازدواج کرده و حال دارای فرزندی است، آیا ازدواج آنان درست است یا خیر؟

ج - این پسر، اگر از خاله شیر کامل خورده، نمی‌تواند با هیچ یک از دخترهای خاله ازدواج نماید و اگر کامل نخورده، ازدواج مانعی ندارد و شیر کامل این است که یا یک شبانه‌روز تمام شیر بخورد که در بین آن غذا یا شیر زن دیگر نخورده باشد و یا پانزده مرتبه پشت سر هم بدون فاصله به این که غذا یا شیر دیگری خورده باشد یا به مدت طولانی ولو با فاصله شیر دیگر، آن مقدار از این خاله شیر خورده باشد که گوشت از شیر او در بدن بچه روییده و استخوان او محکم شده باشد و اگر یقین حاصل کند که به یکی از این سه طریق شیر خورده، نمی‌تواند ازدواج نماید و اگر یقین حاصل شد، باید فعلاً دختر خاله را رها کند و اولادها چون تا به حال نمی‌دانستند، ولد شبهه و حلال زاده هستند.





## محارم و غیر محارم

س ۲۴۷۳ - دو نفر به نام اسماعیل و رحمت در یک جاسکونت داشتند و هریک از این دو، دختر دیگری را برای محرمیت به مدت یک ساعت صیغه کرده و پس از گذشت ده سال رحمت، دختر اسماعیل را که پیش از این برای خود صیغه کرده بوده برای پسر خود عقد می‌کند و پس از گذشت چهار سال از این عقد، آنان دارای یک فرزند پسر می‌باشند و چند روز پیش برای اسماعیل خبر آوردند که چون دختر شما در زمانی که نابالغ بوده به مدت یک ساعت برای پسر داماد صیغه شده بر شوهر خود حرام است و نه طلاق دارد و نه می‌تواند مهریه بگیرد، آیا این سخن درست است و فرزند آنان چه حکمی دارد؟

ج - در فرض مسأله، این دختر بر پسر مفروض حرام است و عقد باطل بوده و محتاج به طلاق نیست. بلی، زن باید عده نگه دارد و بعد از انقضای عده می‌تواند به دیگری شوهر کند و چون جاهل به مسأله بوده‌اند، اولاد آنها در حکم حلال زاده‌اند و زن مهریه طلب دارد و در تفاوت بین مهرالمسمی و مهرالمثل مصالحه نمایند.



س ۲۴۷۴ - اگر کسی با زنی ازدواج کند و سپس آن زن بمیرد و یا او را طلاق بدهد، آیا او می‌تواند با دختر او ازدواج کند یا نه؟

ج - در صورتی که دخول کرده باشد، جایز نیست و اگر دخول واقع نشده باشد، جایز است.

□ □ □ □

س ۲۴۷۵ - زن پدر رضاعی محرم است یا نه؟

ج - بلی، محرم است.

□ □ □ □

س ۲۴۷۶ - آیا مادر زن دوم به پسر زن اول که از خود انسان است محرم است یا نه و در صورتی که زن اول از شوهر اولی خود پسر داشته باشد، تکلیف او با زن و مادر زن شوهر دوم چیست؟

ج - پسر زن اول به مادر زن دوم محرم نیست لکن به خود زن پدر محرم است و پسری که زن اول از شوهر اول دارد، به زن دوم و مادر او محرم نیست.

□ □ □ □

س ۲۴۷۷ - شخصی همسری داشته که فوت شده و از وی دختری دارد که او را به شوهر داده و زن دیگری گرفته و خود مرد فوت شده، آیا داماد این مرد می‌تواند زن دوم پدر زن را بگیرد یا نه؟

ج - مادر زن محرم است و عیال پدر زن که مادر زن نباشد محرم نیست و ازدواج با او مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۲۴۷۸ - آیا ریبه‌ای که به مادر او دخول نشده باشد، محرم است یا نه؟

ج - محرم نیست.

□ □ □ □

س ۲۴۷۹ - آیا ربیبه به پدر شوهر مادر خود محرم است یا خیر و می تواند با او ازدواج کند؟

ج - ربیبه پسر بر پدر محرم نیست و پدر می تواند با او ازدواج کند.

□ □ □ □

س ۲۴۸۰ - آیا دختر زن (ربیبه) که به انسان محرم است، آیا به دختری مخصوص است که در زمان همسر بودن مادرش برای انسان موجود باشد یا اگر بعد از آن نیز آن زن از شوهری دیگری داشته باشد، همین حکم را دارد؟

ج - چنانچه بعد هم به وجود بیاید، محرم است؛ پس اگر انسان زنی را عقد کند و دخول هم واقع شود و بعد او را طلاق دهد و آن زن با شخص دیگری ازدواج کند و از شوهر دوم دختری بیاورد، آن دختر به شوهر اول محرم است.

□ □ □ □

س ۲۴۸۱ - آیا عروس خواهر و عروس برادر بر انسان محرم است یا نه؟

ج - عروس خواهر و عروس برادر به برادر به این عنوان محرم نیست؛ مگر به عنوان دیگر؛ مثل این که عروس خواهر یا برادر، برادر زاده یا خواهرزاده باشد.

□ □ □ □

س ۲۴۸۲ - آیا فرزندی که از زنا متولد می شود به پدر و مادر زناکار محرم می شود یا نه؟

ج - محرمیت بعید نیست؛ هر چند ارث نمی برد.

□ □ □ □

س ۲۴۸۳ - مردی است بنام صادق که زنی به نام خدیجه دارد و از او دارای دختری است که زهرای بتول نام دارد و زهرای بتول بر طبق قوانین اسلامی شوهر می کند و بچه های متعددی از شوهر خود به دنیا می آورد که ابوالفضل و طاهره دو تن از

آنان هستند و خدیجه فوت می‌کند و صادق با زنی به نام فاطمه ازدواج می‌کند، حال در این صورت، آیا ابوالفضل به فاطمه محرم است یا نه و هم‌چنین به بچه‌های فاطمه و بچه‌های طاهره به فاطمه و دختران فاطمه محرمند یا نه و آیا ابوالفضل به خواهر فاطمه محرم است یا نه؟

ج - فاطمه که زن دوم جد بچه‌هاست، زن پدر آنها محسوب و محرم است؛ خواه بچه‌ها نوهی دختری باشد یا پسری و هم‌چنین اولادی که فاطمه از جد بچه‌ها پیدا نماید، دایی و خاله‌ی آنها محسوب و محرم می‌باشند و بچه‌های طاهره نیز به فاطمه محرمند؛ چون فاطمه زن پدر آنها محسوب می‌شود و بچه‌های فاطمه نیز به بچه‌های طاهره محرمند؛ چون دایی و خاله‌ی مادر آنها محسوب می‌شوند و اما اولادی که فاطمه از شوهر دیگر دارد با ابوالفضل و طاهره محرم نیستند و هم‌چنین ابوالفضل به خواهر فاطمه محرم نیست.



### □ ازدواج با زن شوهردار

س ۲۴۸۴ - چند سال پیش دختری را به عقد مردی در می‌آورند و پس از چهار ماه طلاق می‌گیرد، پیرمردی که در حدود هفتاد سال داشته و سرپرستی آنها را به عهده گرفته بوده، با وی که در حدود دوازده سال داشته ازدواج می‌کند. آن زن پس از گذشتن هفتاد و پنج روز از طلاق خود، دارای فرزندی می‌شود و زن برای ارضای نفس خود که دیگر شوهر پیر وی قادر به زناشویی نبوده فریب خورده و با مرد دیگری دوست شده و پیمان زناشویی با او می‌بندد و در نتیجه پس از فوت پیرمرد با او زندگی می‌کند و حال متوجه شده‌اند که زناشویی آنان دارای اشکال شرعی بوده و دارای فرزند نیز هستند و هیچ‌گونه راه فراری جهت مرد نیست و زن تهدید می‌کند و به اجبار مرد با آن زن به سر می‌برد، آیا راه چاره‌ای برای آنان هست یا خیر؟

ج - این مسأله صوری دارد: اگر زن مدخول بها از شوهر اول بوده و در

ظرف مدت هفتاد و پنج روز سه طهر و دو حیض دیده و با مرد دوم ازدواج کرده، ازدواج مرد سوم که با او قبلاً زنا کرده و زنا با زن شوهردار بوده باطل است و باید از هم جدا شوند بدون طلاق، و بر او حرام مؤبد می‌شود ولی فرزندی که در مدت گذشته پیدا کرده‌اند؛ چون جاهل بوده‌اند ملحق به آنهاست و حکم ولد حلال را دارند و اگر زن در مدت هفتاد و پنج روز سه طهر ندیده، نکاح دوم باطل بوده و زنا با آن زن با صاحب بعل نبوده است، بنابراین، صورت ازدواج مرد سوم با او اگر پس از گذشتن عده‌ی وطی به شبهه بوده، صحیح است و اگر در عده‌ی وطی به شبهه بوده و دخول واقع شده، مثل صورت اولی زن بر او حرام مؤبد می‌شود و باید از هم جدا شوند و نیز اگر زن مدخول بها از شوهر اول نبوده، چون عده نداشته، ازدواج او با شوهر دوم صحیح بوده و زنا‌ی مرد سوم با او زنا‌ی زن شوهردار بوده و بر مرد سوم حرام مؤبد است.



س ۲۴۸۵ - شخصی در بیابان در حال اضطرار زنی را با صیغه‌ی فارسی به عقد خود درآورد و زن نیز خود را بدون شوهر معرفی کرد هنگامی که آنان به شهر رسیدند و خواستند صیغه‌ی عربی خوانده شود زن گفت من شوهر دارم و به خانه‌ی شوهر خود برگشت، شوهر دوم پس از تحقیق کامل دانست آن زن از شوهر اول خود دارای فرزند نمی‌شده و از مرد دوم باردار شده و فرزندی به دنیا آورده و فقط زن و شوهر دوم می‌دانند که این بچه از شوهر دوم است و در نزد هر دو آشکار است، آیا این فرزند حلال‌زاده است یا نه و کودک از کدام پدر ارث می‌برد و در صورت جدایی از شوهر اول آیا می‌تواند با شوهر دوم دوباره ازدواج کند یا نه؟

«گلیپگانی»: در فرض مسأله، با علم به این که این ولد از غیر شوهر است، الولد للفراش شامل او نیست. بلی، شوهر اول تا نمی‌داند از زناست

به حسب ظاهر با او معامله‌ی اولاد می‌نماید و مادر که می‌دانسته شوهر دارد، اگر به حکم شرعی هم عالم بوده که زن شوهردار جایز نیست به دیگری شوهر کند، طفل از طرف او زنازاده است و ارث نمی‌برد ولی مرد که نمی‌دانسته زن شوهر دارد، طفل از طرف او حلال‌زاده است و ارث از یک‌دیگر می‌برند و از شوهر زن طفل ارث نمی‌برد و او هم از طفل ارث نمی‌برد و این زن بر شوهر دوم حرام مؤبد است.

\* \* \*

«نکونام»: اگر مردی با زن شوهر دار زنا کند، آن زن بر او حرام دائمی نمی‌شود؛ هر چند از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است، ولی اگر با زنی که در عده‌ی طلاق رجعی یا باین یا در عده‌ی ازدواج موقت یا وفات یا وطی به شبهه است، زنا کند، بر او حرام دائمی می‌گردد.

□ □ □ □

س ۲۴۸۶ - زنی به عقد صیغه‌ی کسی درآمده و بدون آن که شوهر وی مدت آن را ببخشد یا هنوز مدت آن تمام نشده، به گمان آن که مدت وی بخشیده شده با دیگری ازدواج می‌نماید، تکلیف وی چیست؟

ج - در فرض سؤال، عقد ازدواج دوم باطل است و اگر جاهل به حکم یا موضوع بوده و دخول واقع نشده، بعد از تمام شدن عده جایز است ثانیاً او را عقد کند، ولی اگر دخول واقع شده، حرام ابدی است و جایز نیست او را عقد نماید.

□ □ □ □

□ ابتلای مرد به بیماری جذام پیش از نزدیکی

س ۲۴۸۷ - مردی پیش از دخول به همسر خود به بیماری جذام دچار شده و همسر وی تقاضای طلاق می‌کند و مرد حاضر به طلاق وی راضی نشده و بعد از مدتی، مرد از آن بیماری بهبودی حاصل کرد و زن نیز بدون طلاق شوهر کرد،



حال شوهر اولی همسر خود را می‌خواهد، زن مذکور چه تکلیفی دارد؟

«گلیپگانی»: در فرض مسأله، عقد دوم که بدون طلاق از شوهر بوده باطل است و زن زوجه‌ی شوهر اول است و واجب است بدون طلاق از مرد دوم جدا شود و به خانه‌ی شوهرش برود و با علم به این که زن شوهردار نمی‌تواند شوهر کند زانیه بوده و عده هم ندارد. بلی، اگر مرد دوم نمی‌دانسته که این زن شوهر دارد، زن باید عده‌ی وطی به شبهه نگاه دارد و بعد با شوهر خودش نزدیکی کند و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، مراغه‌ی شرعی لازم است.

\* \* \*

«نکونام»: اگر مرد پیش از نزدیکی و بعد از عقد، به بیماری جذام گرفتار شود، زن خیار فسخ ندارد و جدایی با طلاق و مراجعه به حاکم شرع تحقق می‌یابد، ولی اگر پیش از عقد بیمار شود و آن را پنهان کند، زن در صورت اطلاع می‌تواند عقد را فسخ نماید.

□ □ □ □

#### □ ازدواج در عده

س ۲۴۸۸ - به زنی خبر رسیده که شوهر وی در اول ماه شعبان فوت نموده و پس از گذشت عده‌ی وفات بی‌درنگ شوهر کرده و سپس دانسته شده که شوهر وی در اول ماه مبارک رمضان فوت نموده، در صورتی که خبر اول موثق بوده، آیا این زن به شوهر دوم حرام ابدی است یا نه؟

ج - احتیاط لازم آن است که او را طلاق بدهد و دیگر با او ازدواج نکند.

□ □ □ □

س ۲۴۸۹ - زنی از شوهر اول خود دارای فرزند نمی‌شده و شوهر وی به همین جهت او را طلاق داده و بعد از دیدن دو مرتبه خون حیض که به سه ماه نرسیده شوهر کرده و در حال حاضر باردار می‌باشد و متوجه می‌گردد که باید سه طهر و یا سه

ماه عده نگه دارد و چنین امری را رعایت نکرده، حال تکلیف وی با شوهر دوم خود چیست؟

ج - در فرض مسأله که عقد دوم در عده بوده است، عقد باطل و این زن بر این مرد حرام ابدی است و اولاد اگر معلوم باشد که از شوهر اول نیست؛ چون جاهل بوده‌اند در حکم حلال زاده است ولی در آینده، نزدیکی با این زن، زنا، و اولاد هم اولاد زنا خواهد بود.



س ۲۴۹۰ - شخصی نه سال است که همسر خود را ترک نموده و هیچ‌گاه هم‌دیگر را ندیده‌اند و سپس آن زن به همراه پدر و شخص دیگری که راهنمای آنان بوده همسر خود را در خرمشهر پیدا نموده و وی او را طلاق خلع می‌دهد و شخص راهنما و مباشر طلاق، بعد از گذشت پانزده روز او را به عقد خود در می‌آورد و حال آن که هر دو به حکم حرمت در ایام عده ناآگاه می‌باشند و شوهر اول وی از او شکایت نموده و هنوز که مدت دو سال از این جریان می‌گذرد، آن زن در خانه‌ی شوهر دوم به سر می‌برد و دو فرزند از او دارد ولی چون ازدواج شخص دوم نسبت به آن زن قانونی نبوده و در دفتر رسمی ثبت نشده، زن را به صورت موقت از خانه‌ی خود و با رضایت او بیرون می‌کند و سپس شوهر دوم با توجه به شکایت شوهر اول، ازدواج وی و فرزندان خود را انکار نموده تا به پی‌آمد قانونی آن گرفتار نیاید، حال وظیفه‌ی آنان و به‌ویژه فرزندان وی چیست؟

ج - در فرض سؤال، عقدی که در عده واقع شده باطل است و این زن بر این مرد حرام ابدی است و اولاد چون طرفین جاهل بوده‌اند، در حکم حلال زاده و ملحق به این مرد و زن است و جایز نیست مرد نفی ولد کند و توارث بین آنها ثابت است و در نزاع موضوعی مرافعه‌ی شرعی لازم است.



س ۲۴۹۱ - شخصی از وطن خود برای کارگری به شهر دیگر رفته و در آن جا فوت کرده و یک نفر از بستگان وی که در آن جا بوده به همسر وی نوشته که شوهر شما در فلان تاریخ فوت کرده و زن نیز عده‌ی وفات نگه داشته و سپس شوهر نموده و پس از مدتی نامه‌ی دیگری به دست وی رسیده که تاریخ ذکر شده در نامه‌ی اول اشتباه بوده و شوهر وی در تاریخ بعد از آن فوت کرده و حال آن که زن مقاربت نیز داشته، حال تکلیف وی چیست؟

ج - در فرض مذکور، اگر عقد دوم در وقتی واقع شده که شوهر مرده ولی خبر دوم که بنابر فرض، صحیح و مطابق با واقع بوده بعد از وقوع عقد رسیده، احتیاط واجب آن است که اگر مقاربت واقع نشده، پس از انقضای عده‌ی وفات از تاریخ بلوغ خبر دوم دوباره او را عقد نماید و اگر نمی‌خواهد او را نگاه دارد، احتیاطاً طلاق بدهد و در صورتی که مقاربت و دخول واقع شده نیز احتیاط واجب این است که او را طلاق دهد و بعد هم با او ازدواج نکند.



س ۲۴۹۲ - زنی در عده‌ی طلاق بوده و هنوز عده‌ی وی تمام نشده با آن که سردفتر به وی می‌گوید نمی‌توان در عده شوهر نمود اما زن به صیغه‌ی مرد دیگری در می‌آید و از او صاحب فرزند می‌شود، حال تکلیف آنان چیست؟

ج - با فرض این که در عده‌ی غیر ازدواج کرده و دخول هم واقع شده، زن بر مرد حرام مؤبد می‌شود و فوراً باید از هم جدا شوند و اگر وطی شبهه باشد، عده بگیرد و فرزندان آنها اگر مرد جاهل به حکم یا موضوع بوده به پدرشان ملحق هستند و حکم ولد حلال را دارند و با فرض جهل در مورد مادر که در این فرض بعید است به مادر نیز ملحق می‌باشند.



س ۲۴۹۳ - زنی که در عده‌ی طلاق بوده، از روی جهل به حکم با دیگری ازدواج می‌نماید و از او صاحب فرزند می‌شود و بعد از آگاهی از حرمت، با شوهر قطع رابطه می‌نماید و حال آن فرد این فرزند را انکار می‌کند؛ در حالی که افرادی که با آنان معاشر بوده‌اند شهادت می‌دهند که روابط ممتدی بین آنها بوده و زن و فرزند از این جهت در اضطراب هستند، حکم آنان چیست؟

ج - در فرض سؤال که طرفین جاهل به حکم بوده‌اند، اگر شوهر معترف به وطی زوجه باشد و الحاق ولد به او ممکن باشد، بر حسب ظاهر شرع ملحق به اوست و نفی او جایز نیست.



#### □ ازدواج با خواهر زن

س ۲۴۹۴ - خانمی در خانه‌ی مردی چهار سال زندگی کرد و دارای دو فرزند شد و در حال حاضر فرزندان وی موجود هستند ولی آن مرد خواهر کوچک آن خانم را که پانزده سال داشت به عقد خود در آورد و خواهر بزرگ‌تر از شوهر خود طلاق گرفت، حال تکلیف خانم دوم وی چیست و آیا عقد خواهر کوچک در آن وقت صحیح بوده یا باطل و همچنین آیا در صورت علم و جهل تفاوتی در حکم هست یا نه؟

ج - در فرض سؤال، چون عقد خواهر کوچک قبل از طلاق خواهر بزرگ بوده، عقد خواهر کوچک باطل است. بلی، در فرض سؤال؛ اگرچه پس از این عقد باطل با خواهر کوچک نزدیکی کرده باشد، می‌تواند پس از تمام شدن عده‌ی خواهر بزرگ با خواهر کوچک به عقد جدید ازدواج نماید، لکن اگر جاهل به مسأله بوده، باید صبر کند تا عده‌ی خواهر کوچک نیز منقضی شود و بعد او را عقد نماید و در این صورت، اگر فرزندی از آنان به وجود آمده باشد، در حکم حلال‌زاده است و اگر خواهر کوچک و شوهر خواهر هر دو عالم بوده‌اند به حرمت جمع بین اختین و مع‌ذلک اقدام نموده‌اند، خواهر کوچک عده ندارد.



س ۲۴۹۵ - کسی زن منقطع خود را طلاق باین می دهد، حال آیا می تواند خواهر آن زن را برای خود بگیرد یا خیر؟

«گلپایگانی»: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست قبل از تمام شدن عده ی او، خواهرش را عقد کند.

\* \* \*

«نکونام»: می شود خواهر وی را عقد کرد اما رعایت احتیاط گفته شده بهتر است.

□ □ □ □



## نگاه به نامحرم

□ برهنه بودن سر و دست مرد و نگاه زن بیگانه با قصد ریه  
س ۲۴۹۶- اگر مردی سر برهنه باشد و زن نامحرم به او نگاه کند، آیا مرد به گناه او  
کمک کرده و برهنه بودن سر برای او حرام است یا نه و هم‌چنین پوشیدن پیراهن  
آستین کوتاه در صورتی که زن به مرد نگاه کند، برای مرد حرام است یا نه؟  
«گلبایگانی»: احتیاط این است که مرد غیر از مواضعی را که پوشیدن آن در  
بین مردها متعارف و معمول نیست، در صورتی که بداند زن اجنبیه با  
التذاذ به آن نظر می‌کند بپوشاند.

\* \* \*

«نکونام»: برهنه بودن سر مرد اشکال ندارد؛ خواه زنی بدون قصد ریه به او  
نگاه کند یا با قصد ریه؛ زیرا این بدن زن است که تمامی عورت می‌باشد و  
پوشش آن لازم است، ولی تمامی بدن مرد عورت نیست تا لازم باشد آن را  
بپوشاند؛ به‌ویژه سر مرد که به تنهایی زمینه‌ی ریه ندارد و اگر زنی نسبت  
به سر مردی قصد ریه‌ی بی‌مورد نماید، به مرد ارتباطی ندارد و نپوشاندن  
سر، مقدمه‌ای برای حرام نیست تا نپوشاندن آن از باب مقدمه‌ی حرام،  
حرام باشد. هم‌چنین دلیلی بر لزوم پوشش دست تا آرنج نیز نمی‌باشد،  
مگر از باب مقدمه، که آن هم در این مورد محقق نیست؛ به‌ویژه که ریه  
نیست و تنها نگاه است.

بنابراین، کشف مواضعی از بدن مرد حرام می‌باشد که به طور نوعی مورد پوشش قرار می‌گیرد و در صورت کشف و رؤیت آن، احتمال عرفی ریه و التذاذ زن را در پی داشته باشد و می‌تواند از باب حرمت مقدمه‌ی حرام، کشف آن مواضع نیز حرام باشد. پس اگرچه حرمت عمومی - اجتماعی، پوشش را نسبت به سر و صورت مرد ایجاب کند، ولی نمی‌تواند دلیلی بر لزوم پوشش سر و دست مرد بشود.



س ۲۴۹۷ - زن نامحرمی نسبت فامیلی با مردی دارد، آیا آنان می‌توانند بدون قصد لذت با هم صحبت کنند؛ در حالی که همدیگر را نگاه نکنند یا نه؟  
ج - بدون قصد التذاذ و با وجود حاجت عرفی مانعی ندارد.



#### □ شنیده شدن صدای زن روضه‌خوان

س ۲۴۹۸ - اگر کسی بمیرد و مجلس عزای مردانه و زنانه در یک حیاط تشکیل شود؛ چنانچه زنی باسواد در مجلس عزای زنانه، قرآن و روضه و مصیبت و نوحه بخواند که بعضی از مردها صدای او را بشنوند، چه حکمی دارد؟  
«گلپایگانی»: با این که خداوند متعال می‌فرماید: «فاسألوهنَّ من وراء حجاب»<sup>(۱)</sup>، خوب است که مجلس زنانه طوری باشد که کاملاً مراعات عفت بشود.



«نکونام»: آیه‌ی مبارکه‌ی: «فاسألوهنَّ من وراء حجاب»<sup>(۲)</sup> درباره‌ی زنهای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و نمی‌تواند دلیل بر منع تحریمی دیگر زنان از رؤیت یا صحبت باشد؛ چرا که ممکن است آیه‌ی شریفه ویژه‌ی زنهای آن



حضرت باشد؛ اگرچه نسبت به آنان نیز ممکن است منع تحریمی را نرساند؛ ولی رعایت این موارد، مقتضای عفاف است.



س ۲۴۹۹ - نگاه کردن به زن بیگانه حرام است، حال آیا به هنگام ازدواج با زن داریم یا منقطع می شود او را نگاه کرد یا نه؟

ج - زن مخصوصی را که قصد دارد ازدواج کند جایز است نگاه کند؛ به مقداری که زشتی و زیبایی او را تشخیص دهد و اما اگر بخواهد زن های متعدد را نگاه کند که هر کدام را پسندید انتخاب کند، جایز نیست.



#### □ مشاهده ی زن پیش از ازدواج

س ۲۵۰۰ - آیا کسی که می خواهد ازدواج کند می تواند به زن یا زن به مرد نگاه کند یا نه؟

«گلبایگانی»: جهت ازدواج یک مرتبه به صورت نگاه کردن برای زن و مرد بدون قصد ریه و التذاذ جایز است.



«نکونام»: در مورد ازدواج، رؤیت منحصر به نگاه صورت نیست و می توان بیشتر از صورت و مواضع جانبی آن را نیز مورد رؤیت قرار داد، تا جایی که شبهه ای برای وی نماند؛ همان طور که رؤیت، منحصر به عدد - یک مرتبه - نیز نمی باشد، که اگر اطمینان با یک مرتبه دیدن حاصل نشد، بیشتر از یک مرتبه نیز می تواند ببیند. البته نباید قصد ریه و التذاذ داشته باشد، اما اگر چنین امری - ریه و التذاذ - بدون قصد در او ایجاد شود، اشکال ندارد؛ زیرا این امر می تواند قهری باشد؛ چون هنگامی که رؤیت وی مجوز داشته باشد، چنین امری لازم قهری آن است و منعی نمی تواند داشته باشد. هم چنین برای به دست آوردن اطمینان در ازدواج می تواند به

رؤیت اکتفا نکند و اگر لازم شد صحبت و گفتگویی نیز با هم داشته باشند که این امر در حد معقول، بدون هر عارضه‌ی جانبی جایز است و اشکال ندارد؛ زیرا پای گران‌قیمت‌ترین چیز - اغلی ثمن - در کار است - که همان حیات و عمر مشترک آدمی است که با ازدواج شکل می‌گیرد - و باید از هر گونه رعایت و دقت برخوردار باشد تا تحصیل اطمینان شود.



س ۲۵۰۱ - در اجتماع آلوده‌ی ما معمولاً از موی سر زن‌ها کلاه گیس درست می‌کنند و آن را به فروش می‌رسانند، حال کسی که همسر وی از کلاه گیس استفاده می‌کند، آیا می‌تواند آن را لمس نماید و یا به آن نگاه کند یا نه و در صورت منع شرعی، آیا زن اولی گناه کار است که گیسوان خود را به بازار عرضه کرده یا خریدار یا هر دو؟

ج - پس از جدا شدن مو از سر زن، نگاه اجنبی به آن مانعی ندارد و هم‌چنین است دست کشیدن مرد اجنبی به آن و خرید و فروش و سر گذاشتن زن دیگر اشکال ندارد.



س ۲۵۰۲ - اشخاصی که در یک خانه و یک طبقه زندگی می‌کنند و با هم فامیل می‌باشند و هیچ‌گونه خطری از جهت ریبه در کار نیست و همیشه با هم نشست و برخاست دارند و از لحاظ خورد و خواب و خرید لوازم منزل مخلوط هستند، دست و صورت آنان باز است و از حیث حجاب محجوب نیستند و چون از این حیث برای آنان دشوار است، آیا ترخیصی هست و یا باید مانند خارج منزل خود را از نامحرم بپوشانند؟

ج - دلیلی بر تفاوت حکم بین غیر محارم به نظر نرسیده است.



### □ فراگیری احکام دینی از مرد بیگانه و اذن شوهر

س ۲۵۰۳ - آیا زن بیگانه می‌تواند قرائت نماز و احکام دینی و مسایل واجب خود را نزد مرد عالمی فراگیرد و آیا در این گونه موارد اذن شوهر شرط است یا خیر؟

«گلبایگانی»: یاد گرفتن مسایل مورد ابتلا و حاجت بر زن و مرد هر دو واجب است و اذن شوهر در صورتی لازم است که یاد گرفتن مسایل متوقف بر خروج از خانه نباشد به این که در خانه نیز تعلم امکان داشته باشد و فرا گرفتن آن از مرد اجنبی در صورتی جایز است که معرض فساد و گناه نباشد.

\* \* \*

«نکونام»: شرط نبودن اذن شوهر در فراگیری احکام از مرد بیگانه، تنها منحصر در احکام و امور شرعی است که فراگرفتن آن بر زن واجب است؛ چرا که تحصیل همه‌ی احکام دینی و مسایل شرعی بر زن واجب نیست تا بتواند همه‌ی احکام را بدون اجازه‌ی شوهر یاد بگیرد، بنابراین، نباید میان احکام واجب و غیر واجب خلط نمود. هم‌چنین فراگرفتن احکام دینی از نامحرم منحصر به واجبات نیست و در صورت نداشتن خطر و مشکلات جانبی، مسایل غیر واجب را نیز می‌توان از مرد بیگانه فرا گرفت.

□ □ □ □

### □ قرائت قرآن بانوان با صوت و صدا برای مرد

س ۲۵۰۴ - آیا مرد می‌تواند در جلسه‌ای که گروهی از بانوان و دختران مسلمان هستند، قرآن را فرا دهد و با صوت قرآن بخواند و آیا بانوان و دختران می‌توانند به هنگام پس دادن درس، قرآن را با صوت برای استاد مرد خود بخوانند تا اشکالات آن‌ها از لحاظ اعراب و قواعد تجوید برطرف شود یا خیر؟

«گلبایگانی»: چنان‌چه تعلیم قرآن مجید مستلزم ارتکاب محرم نباشد، اشکال ندارد ولی بانوان و دختران نزد نامحرم قرآن را باصدا نخوانند و هم‌چنین باصدا خواندن مرد، چنان‌چه موجب تلذذ بانوان باشد، اشکال دارد خوب

است معلم بانوان زن باشد تا موجب ارتکاب خلاف شرع نشود و ارتکاب خلاف شرع به عنوان تعلیم قرآن خلاف شرع دیگر است.

\* \* \*

«نکونام»: آموزش مرد به بانوان یا به عکس، در صورت نداشتن عوارض ناشایست جانبی جایز است، و خواندن قرآن توسط مرد برای زن و به عکس اشکال ندارد؛ هرچند شایسته است زنان در همه‌ی امور ویژه‌ی خود مستقل باشند؛ ولی در هر صورت، تک‌خوانی زن و قرائت قرآن با صوت و صدا برای مرد، در صورتی که عوارض جانبی و گناهی همراه نداشته باشد، اشکال ندارد.

□ □ □ □

س ۲۵۰۵ - خنثی از نظر مسایل محرم و نامحرم، چه حکمی دارد؟

ج - اگر خنثی مشکل باشد، باید احتیاط کند؛ یعنی نسبت به مردها خود را زن محسوب دارد و از نامحرم خود را بیوشاند و نسبت به زن‌ها خود را مرد حساب کند و به زن نامحرم نگاه نکند.

□ □ □ □

□ نگاه به بدن زن ناشناس از تلویزیون یا مجله

س ۲۵۰۶ - نظر کردن بر بدن زنی که شناخته شده یا ناشناس است، اعم از این که مسلمان باشد یا کافر از طریق تلویزیون چه حکمی دارد؟  
«گلیایگانی»: مشکل است.

\* \* \*

«نکونام»: نگاه به بدن زن ناشناس مسلمان یا کافر از تلویزیون یا مجله، در صورتی که با ریه و التذادی همراه نباشد، اشکال ندارد. هم‌چنین نگاه به بدن زن مسلمان آشنا، به غیر مواضع استثنای عمومی، خالی از اشکال نیست؛ مگر در صورتی که گریم شده باشد که بدون التذاذ اشکال ندارد.

□ □ □ □

### □ نگاه به تصویر زن آشنا و نامحرم

س ۲۵۰۷ - در رساله است: مرد اگر زنی نامحرم را بشناسد، نباید به عکس او نگاه کند، آیا این حکم مخصوص موردی است که با قصد لذت حرام باشد و یا بدون قصد لذت نیز حرمت دارد؟ هم چنین اگر عکس زن مشهوری را در جایی ببیند که اسم وی را در مجلات و روزنامه‌ها دیده ولی او را نمی‌شناسد، آیا نگاه کردن به آن جایز است؟

«گلبایگانی»: در فرض اول، احوط ترک است مطلقاً و در مسأله‌ی دوم، اگر مورد ابتلا و معرض ریبه نباشد، حرمت معلوم نیست و احتیاط به ترک خوب است.

\* \* \*

«نکونام»: نگاه به بدن زن آشنا و نامحرم در غیر مواضع استثنا شده جایز نیست و حرمت آن منحصر به ریبه و التذاذ و نیز زنده نبودن نیست، بلکه شامل تصویر وی نیز می‌شود و مراد از شناخت نیز تنها اسم و رؤیت مجله‌ای نیست، بلکه شناخت حضوری و رؤیت مباحثی است؛ خواه به واسطه‌ی خود شخص یا با معرفی بستگان وی باشد - مثل آن که گفته شود: این زن خواهر فلان شخص است - و حکمت حرمت نگاه، تنها ریبه نیست، بلکه عدم هتک حرمت زن مسلمان نیز در بین می‌باشد.

□ □ □ □

س ۲۵۰۸ - آیا نگاه کردن به عکس زن مرده‌ای که مرد او را می‌شناسد و نامحرم است جایز است یا خیر؟

«گلبایگانی»: نگاه کردن مرد نامحرم به عکس زن مرده خالی از هتک نیست و محل اشکال است.

\* \* \*

«نکونام»: نگاه به عکس بدن زن آشنا و نامحرم در غیر مواضع استثنا شده

جایز نیست و حرمت آن منحصر به ربه و التذاذ و نیز زنده نبودن نیست، بلکه عدم هتک حرمت زن مسلمان نیز در بین می‌باشد.



#### □ جهیزیه

س ۲۵۰۹ - در جهیزیه‌ی زن اختلاف است و هر یک از آنان مدعی است برخی از اقلام آن را دیگری برده، آیا در این صورت چون آن جهیزیه در خانه‌ی شوهر بوده، وی ضامن آن شناخته می‌شود یا خیر؟

ج - شوهر ضامن جهیزیه نیست؛ مگر این که زن به مرافعه‌ی شرعیه ثابت کند که شوهر جهیزیه را بدون اذن زن تلف کرده است.



## دیگر مسایل ازدواج

س ۲۵۱۰- در مورد دعوی عنین بودن مرد و بارداری و ازاله‌ی بکارت و دیوانگی و مانند آن، آیا نظر پزشک در آن معتبر است و این امور با نظر وی ثابت می‌شود یا خیر؟

ج- در غیر موارد معدوده مستثنات ثبوت دعوا به شهادت در امور حدسیه و غیر محسوسه محل اشکال است و فرقی بین پزشک و غیر پزشک نیست و در امور محسوسه نیز پزشک یکی از شهود است و باید واجد شرایط بینه باشد.



### □ سرپرستی صغیر و شرط امین بودن

س ۲۵۱۱- آیا در قیام کودکان صغیر که پدر و جد پدری تعیین می‌کند و نیز در قیامی که حاکم شرع و یا نمایندگان حاکم برای کودکان و دیوانگان تعیین می‌کنند، عدالت معتبر است یا خیر؟

«گلپایگانی»: در قیام بر اطفال، اعتبار عدالت خالی از قوت نیست؛ اگرچه اکتفا به امانت قیام با وجود مصلحت بعید نیست.



«نکونام»: در سرپرستی صغیر، امین بودن کافی است و عدالت شرط

نمی‌باشد.



### □ پوشیدن لباس‌هایی با مدل خارجی برای زن

س ۲۵۱۲ - آیا برای زنان پوشیدن مدل‌های خارجی مینی ژوب و ماکسی ژوب و غیره که اکنون در ایران معمول شده، در زیر چادر و یا شلوارهای تقریباً مردانه که از زیر چادر بیرون می‌آید اشکال دارد یا نه؟

«گلپایگانی»: اطوار و کردار و رفتار زنان مسلمان که امروز به متابعت کفار تماما محرک - شهوات جوانان و موجب انحراف آنان از حیا و حجاب و عصمت و عفت است و طرز لباس و زینت کردن که حتی باعث تجاوز محارم به محارم می‌شود، ضربه‌ی بزرگی است که دانسته یا ندانسته به اسلام وارد شده فـ «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». در این زمان اگر کسی بتواند متعلقین و منسوبین خود را به مواظظ و نصایح و ادار به حجاب و عصمت و عفت و رفتار موافق با دستورات شرع و عمل به واجبات و مستحبات و ترک محرّمات و مکروهات بنماید، فی الحقیقه حکم جهاد فی سبیل الله است. وَفَقَّكُمْ اللَّهُ وَآيَانَا لَمَّا يَحِبُّ وَيَرْضَى، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.



«نکونام»: پوشیدن مدل‌های خارجی و بیگانه و وابستگی به آن‌ها در این گونه امور، دور از شوون مسلمانی است؛ هرچند تنها پوشیدن شلوار یا شلوار و دامن، در صورتی که عوارض جانبی؛ مانند: فرم، دوخت و حتی رنگ و کیفیت، همراه نداشته باشد، اشکال ندارد، چرا که شلوار در زمان ما منحصر به مرد نیست؛ خواه از زیر چادر بیرون بیاید یا نیاید و بیرون آمدن پارچه‌ی شلواری از زیر پارچه‌ی چادری نمی‌تواند اشکال داشته



باشد و آنچه باید مورد اهتمام همه‌ی اهل ایمان باشد، عفاف، استقلال، عدم انفعال و وابستگی نسبت به بیگانه در این گونه امور است؛ چرا که مسلمانان خود نیز می‌توانند به راحتی در این نوع امور، نوآور و مستقل باشند.



### □ شادی در مجالس عروسی

س ۲۵۱۳ - آیا تشریح کوبیدن در مجالس عروسی جنبه‌ی غنا دارد یا نه؟  
«گلپایگانی»: لهو است و احوط ترک است.



«نکونام»: شادی در مجالس عروسی، البته در حد معقول و نه معمول، اشکال ندارد، بلکه مستحسن است، و در این گونه مجالس باید از هر گونه افراط و تفریط پرهیز داشت؛ چرا که در مواردی تفریط، افراط، و افراط، تفریط را در پی خواهد داشت.



### □ کنترل شهوت و جوانان مجرّد

س ۲۵۱۴ - برای جلوگیری از شهوت چه باید کرد؟ آیا می‌توان استمنا نمود و چنانچه اشکال داشته باشد، راه مشروع آن چیست؟

«گلپایگانی»: روزه گرفتن و افراط نکردن در صرف غذا و ترک خوردن بعضی غذاهای مقوی، غریزه‌ی جنسی را تضعیف می‌کند و شدت آن را کم می‌نماید ولی استمنا به هر نحو باشد حرام است و بهترین راه برای این که مبادا غریزه‌ی جنسی سبب آلودگی به حرام شود، ازدواج است به نحو دائم و یا موقت (صیغه) که ثواب بسیار دارد.



«نکونام»: برای پیشگیری از معصیت و کنترل شهوت، برای ایجاد زمینه‌ی

عفاف فردی، راه همان است که در پاسخ متن آمده است - روزه، کنترل غذا و غیر آن؛ ولی موارد یاد شده برای عفاف فردی و عمومی کافی نیست، بلکه باید زمینه‌های عملی متعادل و مناسب اجتماعی آن را نیز فراهم ساخت تا جوان بتواند رشد علمی - اجتماعی خود را همراه با ازدواج و عفاف طی نماید و تحقق چنین موقعیتی جز با کارشناسی علمی و عملی متفکران جامعه و دولت اسلامی، امکان پذیر نخواهد بود و بدون تحقق این امر، گناهان و انحراف‌ها قابل کنترل نیست و نباید از قشر جوان یا دیگران توقع کنترل چنین اموری را داشت و با چنین وضعیت و موقعیتی، زمینه‌های اخلاقی و حدود شرعی نیز امکان تحقق ندارد و به اهمال خواهد گرایید و می‌توان گفت: به‌طور مطلق، اجرای حدود شرعی به زور و تهدید، شرعی و نیز عملی نیست.



س ۲۵۱۵ - کسی پس از چندین سال که از ازدواج او می‌گذرد، صاحب فرزند نشده و اهل فن تشخیص داده‌اند که این عیب از مرد است و درمان آن به این است که نطفه مردی را به او تزریق کنند تا ضعف نطفه‌ی وی جبران شود، آیا این عمل از نظر شرع جایز است یا نه؟

ج - تزریق نطفه به نحوی که در بدن مستحیل شود و نطفه را تقویت کند و عین آن موجب ایجاد فرزند نشود؛ مانند تزریق خون، عیبی ندارد.



س ۲۵۱۶ - زنی چند سال پیش در خانه‌ی شوهر علاوه بر انجام امور خانه‌داری فرش هم می‌بافته و قیمت آن را در معاش و هم‌چنین در خرید لوازم خانه و تعمیرات خانه هزینه نموده و حال شوهر وی می‌خواهد او را طلاق بگوید، آیا این زن به آن حقی دارد یا نه و آیا به جهیزیه‌ای که به وسیله‌ی پول شیربها خریداری نموده و به خانه‌ی شوهر برده و بعضی از آن‌ها فروخته شده و مقداری

نیز از بین رفته اما پول آن از شوهر بوده، حقی دارد یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، اموالی که ملک زن بوده، اگر شوهر بدون اذن او فروخته و صرف در تعمیر خانه یا لوازم دیگر کرده ضامن است و فرقی در این نیست که از جهیزیه فروخته باشد یا از اموال دیگر زن، و اما اگر زن به شوهر اذن داده که یکی از اموال او را بفروشد و شوهر مجاناً چیزی که لازم خانه است برای خود بخرد یا مال او در اثر استعمال از بین رفته باشد، شوهر ضامن نیست و اما فرشی که برای شوهر بافته، اگر به قصد مجانی بوده، حق مطالبه‌ی اجرت ندارد و اگر به امر شوهر و به عنوان اخذ اجرت بافته، استحقاق اجرت دارد.

□ □ □ □

س ۲۵۱۷ - آیا پدر می‌تواند جهیزیه‌ای را که به دختر خود داده پس بگیرد یا نه؟  
ج - اگر پدر جهیزیه را تملیک دختر خود کرده، چنانچه ظاهر همین است، دیگر نمی‌تواند پس بگیرد.

□ □ □ □

س ۲۵۱۸ - زنی که با اجازه‌ی شوهر کار می‌کرده و قالی می‌بافته، آیا مزد او به شوهر می‌رسد و یا از آن خود زن است؟  
ج - اجرت قالی بافی ملک خود قالی‌باف است؛ مگر آن که قراردادی در بین باشد.

□ □ □ □

س ۲۵۱۹ - اگر مادر شوهر جهیزیه‌ی عروس را تلف کند، آیا ضامن آن است یا خیر؟  
ج - اگر مادر شوهر بدون اذن مالک در جهیزیه تصرف و تلف کرده، ضامن است.

□ □ □ □

س ۲۵۲۰ - پولی که در نامزدی دختر در خانه‌ی پدر از طرف منسوبان داماد به دختر داده می‌شود مال شوهر است یا به دختر می‌رسد؟

ج - چیزهایی که به عنوان هبه یا هدیه به دختر داده شود، ملک دختر است. بلی، اگر غیر از شوهر یا رحم زن کسی چیزی هبه کرده باشد و عین آن موجود باشد، حق فسخ هبه را دارد.

□ □ □ □

س ۲۵۲۱ - کسی که همسر خود را طلاق داده و پیش از این وی را مطابق عرف محلی در شالیزار به کارگری می‌گرفته، آیا باید دست‌مزد همسر خود را بپردازد یا لازم نیست؟

ج - مزد کار زوجه متعلق به خود زوجه است و به زوج مربوط نیست؛ مگر این که به او بخشیده باشد.

□ □ □ □

س ۲۵۲۲ - زنی در حال عده کسی را وکیل می‌کند تا او را به ازدواج کسی در آورد و خود زن بعد از عده با کسی ازدواج می‌کند اما وکیل نیز او را به ازدواج کسی درآورده، حال کدام یک از دو نکاح صحیح است؟

ج - با فرض تقارن عقدین، هر دو باطل است و در صورت عدم تقارن، هر کدام مقدم بوده صحیح است.

□ □ □ □

س ۲۵۲۳ - هرگاه زنی مردی را وکیل کند که او را به ازدواج کسی در آورد، آیا آن مرد می‌تواند بر طبق وکالت، آن زن را به ازدواج خود درآورد یا خیر؟

ج - نمی‌تواند مگر این که خود زن تصریح به عمومیت نموده باشد یا گفتگوی آن‌ها به حسب فهم عرفی ظهور در تعمیم داشته باشد؛ به طوری که شامل خود آن مرد نیز بشود.

□ □ □ □

## □ جِداد

س ۲۵۲۴ - در رساله است: بر زن در عده‌ی وفات شوهر واجب است زینت را ترک کند، مراد از زینت چیست؟ اگر زن در عده‌ی وفات زینت کند، آیا لازم است دوباره عده نگه دارد یا نه؟

«گلبایگانی»: منظور از زینت هم زینت در بدن است؛ مانند: سر مه کشیدن و عطر استعمال کردن و خضاب نمودن و آرایش کردن و هم زینت در لباس؛ مانند: لباس سرخ و زرد و امثال این‌ها و زیورآلات زنانه به کار بردن و به‌طور کلی زن در ایام عده‌ی وفات باید تمام چیزهایی را که برای شوهر در اوقات مناسب مانند عید و عروسی و غیره به آن‌ها زینت می‌کرد ترک کند و این به حسب اشخاص و زمان‌ها و شهرها تفاوت دارد و لازم است در هر شهری آنچه معتاد و متعارف برای زینت در آن شهر است ملاحظه شود. بلی، نظیف بدن و لباس و سر را شانه زدن و ناخن گرفتن و حمام رفتن اشکال ندارد و در مورد سؤال دوم، اقوی این است که ترک زینت شرط در عده نیست، بلکه فقط حکم تکلیفی است، پس اگر از روی معصیت یا فراموشی یا ندانستن مسأله در تمام ایام عده زینت کند، لازم نیست عده را از سر بگیرد یا اگر در بعض ایام عده زینت نمود، لازم نیست آن مقدار را استیناف کند.

\* \* \*

«نکونام»: ترک زینت در عده واجب نیست و زینت نمودن در عده‌ی وفات شوهر برای زن مکروه است.

□ □ □ □

س ۲۵۲۵ - آیا حکم وجوب ترک زینت برای زن در عده‌ی وفات شوهر مخصوص زنی است که به عقد دائمی شوهر در آمده یا در مورد متعه نیز همین حکم جاری

است و نیز ترک زینت در مورد زن صغیر یا دیوانه نیز واجب است یا خیر؟  
«گلبایگانی»: در این حکم، ظاهراً تفاوتی بین دایمه و منقطعه نیست. بلی، در مورد زن متعه‌ای که مدتش کم باشد؛ مثل یک روز یا دو روز، بعید نیست ترک زینت در عده‌ی وفات واجب نباشد و در مورد صغیره و مجنونیه احوط آن است که ولی شرعی در عده‌ی وفات آن‌ها را از زینت نمودن منع کند.

\* \* \*

«نکونام»: استفاده از زینت برای زن در عده‌ی وفات شوهر؛ خواه زن دایم باشد یا منقطع، مکروه است و نه حرام.

□ □ □ □

س ۲۵۲۶ - زنی که شوهر وی فوت نموده و به صورت معمول مقداری طلا همراه دارد، آیا در مدت عده چون زینت بر او حرام است باید آن را از خود جدا کند یا نه؟

ج - باید هرچه را که زینت برای زوجه شمرده می‌شود که در موقع مناسب به آن خود را زینت می‌دهد، در مدت عده‌ی وفات ترک نماید و بعضی طلاها را که همیشه همراه داشته؛ مثل گوشواره، لازم نیست بیرون بیاورد.

□ □ □ □

## حقوق زن و شوهر

### ▣ شیوهی رفتار زن با شوهر بی نماز

س ۲۵۲۷- زنی که شوهرش نماز نمی خواند و وجوه شرعی نمی دهد و بر اثر نزاع چند جای سرش به دست شوهر شکسته شده، آیا باید از شوهر طلاق بگیرد یا نه؟ و آیا می تواند از مال شوهر که در دست اوست بدون اذن او خمس و زکات را ادا کند تا تصرفات زن در آن اموال اشکال شرعی نداشته باشد و آیا چون در خانه ی شوهر کار می کند می تواند از مال او صدقه بدهد یا روضه خوانی نماید یا نه؟

«گلپایگانی»: لازم نیست طلاق بگیرد ولی به هر نحوی بتواند واجب است که امر به معروف نموده و شوهر خود را وادار به نماز کند و می تواند دیه ی شکستن سر را از او مطالبه نماید؛ هم چنان که می تواند به شوهر خود بگوید نفقه ی مرا از مالی که متعلق خمس و زکات نیست بده یا خمس و زکات آن را بپرداز تا تصرف من در آن جایز باشد و هم چنین می تواند در مقابل انجام کارهای منزل، از او مطالبه ی اجرت نماید و بدون اجرت، کار نکند، ولی تصرف در اموال شوهر بدون اذن او جایز نیست.

\* \* \*

«نکونام»: این که زن بتواند در مقابل تمامی کارهایی که در منزل انجام

می‌دهد از شوهر خود به مقدار معمول و متوسط درخواست مزد کند و با گرفتن مزد، هر کاری را خود لازم دانست در خانه انجام دهد، دلیل شرعی مشخصی ندارد و گذشته از آن، از ملاک کلی عقلی نیز دور است؛ به‌ویژه که زندگی مشترک و خانوادگی، همیاری، تعاون و اداره‌ی جمعی را خواهان است؛ هرچند شرع نسبت به برخی از جهت‌ها و امور، به‌طور ویژه، گرفتن مزد را تایید نموده است، ولی نمی‌توان به صورت کلی آن را دنبال کرد؛ به خصوص آن که درخواست مزد در تمامی کارهای منزل می‌تواند خودداری شوهر از بسیاری از مواهب غیر واجب اعطایی از جانب وی نسبت به زن را در محیط زندگی مشترک به دنبال داشته باشد که هرگز برای زن همراه به صرفه نمی‌باشد؛ گذشته از آن که مطرح کردن بحث اجرت، کوچک شمردن زن و ناسازگاری در زندگی مشترک را نیز به دنبال دارد؛ هرچند بررسی این مسأله و تشخیص موارد آن نباید تنها به صورت کلی و اجمالی دنبال شود که تحقیق و استخراج دلایل و ملاک‌های همه‌ی موارد آن نیازمند مقام تفصیل است و در نهایت آنچه از دلایل شرعی به دست می‌آید، حاکم خواهد بود؛ خواه اخذ اجرت باشد یا عدم آن. این نکته نیز خاطر نشان می‌گردد که به‌طور اساسی، طلاق امری نیست که زن بتواند خود، مستقیم آن را دنبال نماید و به اصطلاح و بیان متن پاسخ به مسأله، آن را بگیرد و نخواندن نماز و عدم پرداخت وجوهات شرعی از طرف شوهر نیز موجب پی‌گیری قانونی و شرعی طلاق از جانب زن نمی‌شود؛ ولی نزاع از جانب زن، اگر تنها به خاطر این دو امر باشد - که بعید است - قابل پی‌گیری شرعی و قانونی است که نسبت به تخطی شوهر می‌تواند از مرجع دارای صلاحیت استمداد جوید ولی در هر صورت، زن می‌تواند نسبت به کردار غیر شرعی شوهر، با مسالمت، عطف و همدردی برخورد نماید؛ به گونه‌ای که به نزاع و ستیز نیز نرسد.



پس زن می‌تواند تمامی احکام شرعی و حقوق قانونی خود را با سازش یا پی‌گیری قانونی درخواست نماید و مرد نیز نباید در پاسخ وی به انجام دادن گناه برآید؛ که در این صورت، افزوده بر گناه، پی‌گرد قانونی نیز دارد، ولی در هر صورت، مطرح نمودن طلاق یا اجرت در مقابل کار از طرف زن، روش صحیحی نیست؛ زیرا این سخن که زن از مرد در مقابل کارهای منزل درخواست مزد نماید و بدون اجرت کار نکند، می‌تواند مرد را بر آن دارد که به زن بگوید: تو نیز کار نکن، اما پولی نیز در مقابل نخواهی داشت که در نتیجه جز آن که فروپاشی کانون زندگی را به دنبال دارد، هیچ مشکلی را رفع نخواهد کرد.

پس در محیط خانه، راه به دست آوردن حقوق، به خصوص از جانب زن، باید همراه سازش و محبت باشد و باید دانست ظرافت برخورد زن با مرد در محیط خانه با برخوردهای دیگران در محیط اجتماع، متفاوت و از حساسیت ویژه‌ی خود برخوردار است که گذشته از احکام و ملاک‌های شرعی و قانونی، ویژگی‌های رفتاری را نیز لازم دارد.



### □ شیوه‌ی رفتار زن با شوهر قمارباز

س ۲۵۲۸ - مردی قمار بازی می‌کند و همسر وی او را نهی از منکر می‌نماید، ولی شوهر سخن او را نمی‌پذیرد تا این که زن به خانه پدر خویش می‌رود و شوهر به خانه‌ی پدر زن می‌رود و به زن خود می‌گوید به خانه باز گرد، اما زن حاضر نمی‌شود، آیا زن ناشزه است یا نه؟

«گلبایگانی»: اگر زن احتمال می‌داده که ترک طاعت زوج، او را از عمل حرام باز می‌دارد، زن ناشزه نیست و نفقه‌ی این مدت را طلب دارد.



«نکونام»: قمار بازی مرد سبب اذن شرعی برای ترک خانه نمی‌شود؛ هر چند

با این کار، احتمال تأثیر نیز بدهد؛ زیرا نهی از منکر نباید همراه معصیت باشد و ترک منزل، خود معصیت آشکار است و زن با این کار ناشزه می‌گردد؛ به خصوص که مرد به دنبال وی نیز بیاید، اما زن حاضر به بازگشت نباشد که ممکن است چنین تصمیمی سبب فروپاشی زندگی و شقاوت اخروی زن گردد.



س ۲۵۲۹ - خانمی در مدتی که با شوهر خود زندگی می‌کرده، در خانه قالی می‌بافته و شوهر پول آن را از وی می‌گرفته است، آیا این زن می‌تواند آن پول‌ها را از شوهر بازپس بگیرد یا نه؟ و آیا شوهر در برابر آن مسؤولیتی دارد یا خیر؟

ج - اگر قالی‌های بافته شده را به شوهر خود بخشیده که دوستانه با هم زندگی کنند، حق رجوع ندارد ولی اگر نبخشیده، فعلا حق مطالبه‌ی اجرت معمولی را دارد؛ اگر سرمایه از خود زن نباشد. والله العالم.



س ۲۵۳۰ - اگر زن بگوید من در صورتی کارهای درون منزل را انجام می‌دهم که اجازه داشته باشم به مسجد یا خانه‌ی خویشان و دیگر جاهای مشروع بروم و مرد بپذیرد، آیا کفایت می‌کند یا خیر؟

ج - اشکال ندارد.



### □ حق خودداری زن از حاملگی

س ۲۵۳۱ - زنی است که با وجود داشتن هشت فرزند، از باردار شدن خودداری می‌کند، آیا شوهر می‌تواند او را وادار به باردار شدن بکند یا نه؟

«گلبایگانی»: زن حق ندارد امتناع نماید، و اگر کاری کند که نطفه‌ی مرد در خارج بریزد، دیه‌ی نطفه بر زن واجب می‌شود. والله العالم.



«نکونام»: زن در صورتی که نسبت به سلامتی خود زیان جدی پیش نیاید حق خودداری از حامله شدن را ندارد، ولی اگر بر اساس نظر و تأیید کارشناس، حمل جنین یا زایمان برای وی مشکلاتی جدی داشته باشد و وی دیگر توانایی باردار شدن سالم را نداشته باشد، می‌تواند از حمل خودداری و نسبت به اجبار شوهر اقامه‌ی دعوا نماید؛ زیرا حق شوهر تا جایی است که سلامتی زن به‌طور جدی در شرف مخاطره قرار نگیرد.



س ۲۵۳۲ - اگر کسی پیش از عقد با زن شرط کند که حق هم‌خوابی و نفقه نداشته باشد و زن نیز بپذیرد، آیا زن این دو حق را از دست می‌دهد؟  
ج - اگر عقد دائم باشد، شرط باطل است و اگر انقطاعی باشد، مانعی ندارد.



س ۲۵۳۳ - در جلد دوم مجمع المسائل میان مسأله‌ی ۳۹۳ که می‌گوید: «اگر زنی را صیغه کند و مدت را معین نکند و صیغه را به عنوان عمری بخواند» فرموده‌اید باطل است و در مسأله‌ی ۳۹۷ که می‌پرسد: «اگر در عقد انقطاعی ذکر مدت فراموش شود، آیا باطل است یا عقد دائمی می‌گردد»، فرموده‌اید باطل نیست و عقد دائمی می‌گردد، آیا میان این دو به ظاهر اختلاف نیست، توضیح آن چیست؟  
ج - بین دو مسأله‌ی مورد سؤال اختلافی نیست؛ چون اولی موقت به مدت مجهول است و باطل، و دومی اصلاً ذکر مدت نشده که مبدل به عقد دائم می‌شود.



#### □ انفاق زن از اموال شخصی خود

س ۲۵۳۴ - آیا زن در انفاق از اموال شخصی خود لازم است از شوهر اجازه بگیرد یا خیر؟

«گلپایگانی»: صدقات و انفاقات مندوبه‌ی زن، اگر به غیر ارحام باشد، باید به

اذن شوهر باشد و اگر به ارحام و اقارب باشد، احتیاج به اذن شوهر ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: صدقه و انفاق مستحبی زن از اموال شخصی خود بدون اذن شوهر به غیر ارحام اشکال ندارد؛ البته، اگر با حقوق و شؤون شوهر منافاتی نداشته باشد.

□ □ □ □

#### □ محارم و غیر محارم

س ۲۵۳۵ - اگر زنی را به عقد موقت خود درآورد و با او صیغه‌ی محرمیت بخواند و پیش از دخول بخواهد با دختر او به مسافرت برود و برای این که آن دختر محرم شود، با نوهی دختری آن زن نیز صیغه‌ی محرمیت می‌خواند، آیا اکنون برای آن شخص جایز است که با آن زن مباشرت و آمیزش داشته باشد یا نه؟

ج - در فرض مذکور، عقد دختر دختر زن باطل است و مانند جمع بین اختین است؛ یعنی تا وقتی که زن در حباله‌ی نکاح اوست نمی‌تواند نوهی او را برای خود عقد کند؛ بنابراین، مباشرت با زن مذکور اشکال ندارد و بعد از مباشرت با وی، دختر آن زن و دختر دخترش به او محرم است.

□ □ □ □

س ۲۵۳۶ - ازدواج با زن شوهر مادر صحیح است یا خیر؟

ج - مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۲۵۳۷ - زن پدر زن، به داماد محرم است یا خیر؟

ج - اگر زن پدر زن، مادر زن انسان نباشد، به او محرم نیست.

□ □ □ □

## طلاق

### □ صیغه‌ی طلاق

س ۲۵۳۸ - در مورد صیغه‌ی طلاق، آیا عبارت «أنت مطلقة» یا «هی مطلقة» یا «طلقت فلانة» کافی است یا خیر؟

ج - هیچ یک از مذکورات در سؤال مجزی نیست و باید به لفظ «أنت طالق» یا «هی طالق» یا «هذه طالق» باشد.

□ □ □ □

س ۲۵۳۹ - هرگاه زن از طرف شوهر در طلاق گرفتن خود وکالت داشته باشد و بخواهد خود صیغه‌ی طلاق را اجرا نماید، باید چه بگوید؟

ج - باید بگوید: «انا طالق».

□ □ □ □

### □ طلاق به زبان غیر عربی

س ۲۵۴۰ - اگر طلاق با عبارتی که مرادف «انت طالق» باشد اما از واژه‌های غیر عربی استفاده شود، آیا کافی است یا خیر؟

«گلبایگانی»: در صورتی که قدرت بر اجرا با صیغه‌ی عربی را داشته باشد، از لغات دیگر مجزی نیست و در صورت عجز از صیغه‌ی عربی مانع ندارد.

\* \* \*

«نکونام»: طلاق با هر لغتی که معنای «انتِ طالق» را همراه با قصد انشا به درستی برساند، کافی است و لازم نیست تنها به عربی باشد؛ اگرچه در هر صورت به زبان عربی بهتر است.



س ۲۵۴۱ - آیا طلاق با اشاره و نوشتن واقع می‌شود یا خیر؟

«گلپایگانی»: در صورت قدرت بر نطق صحیح نیست ولی در صورت عجز مانند کسی که لال باشد، صحیح است و احوط این است که اگر می‌تواند بنویسد، کتابت را بر اشاره مقدم بدارد.



«نکونام»: کسی که توان خواندن صیغهی طلاق را ندارد؛ مانند: کر و لال، همین که اشاره‌ی او اطمینان به طلاق باشد، کافی است. همچنین است نوشته‌ای که مقصود از آن انشای طلاق باشد و لازم نیست آن را بر اشاره مقدم بدارد.



س ۲۵۴۲ - هرگاه کسی که صیغهی طلاق را اجرا می‌کند آن را سه بار بگوید؛ مانند این که بگوید: «هی طالق»، «هی طالق»، «هی طالق» بدون این که رجوعی در بین باشد و نظر وی تعدد طلاق باشد یا بگوید: «هی طالق ثلاثا»، حکم آن چیست؟

ج - در صورت اول یک طلاق واقع می‌شود و در صورت دوم سه طلاق که قطعاً واقع نمی‌شود و اگر از عبارت مذکوره اراده‌ی سه طلاق نموده، یک طلاق هم واقع نمی‌شود.



### □ مخالفت با امر پدر و مادر به طلاق همسر

س ۲۵۴۳ - اگر مادر یا پدر امر به طلاق زن کند، آیا باید امر ایشان را اطاعت نمود یا خیر؟

«گلبایگانی»: در صورتی که مخالفت امر آنها موجب اذیت و به حد عقوق نرسد، طلاق دادن لازم نیست.

\* \* \*

«نکونام»: اگر مردی با زن خود مشکلی نداشته باشد یا اگر مشکلی هم دارد، می‌تواند با او زندگی کند، لازم نیست در امر طلاق، اطاعت پدر و مادر نماید؛ هرچند موجب اذیت آنها شود و به حد عقوق آنان نیز برسد؛ زیرا والدین در معصیت، انحطاط یا تخریب زندگی خانوادگی فرزند، حق اطاعت ندارند و نیز نباید سبب فروپاشی زندگی فرزند شوند.

□ □ □ □

س ۲۵۴۴ - اگر زن ادعا کند من طلاق داده شده‌ام، آیا گفته‌ی وی بدون بینه پذیرفته می‌شود یا خیر؟

ج - بلی، بدون بینه قبول می‌شود.

□ □ □ □

س ۲۵۴۵ - اگر فردی شیعی دختر نابالغ خود را به عقد مردی سنی در آورد و صیغه‌ی عقد را به طریق مذهب شیعه اجرا نماید و سپس شوهر وی او را مطابق مذهب اهل تسنن طلاق دهد، آیا طلاق وی صحیح است و دختر می‌تواند با شخص دیگری ازدواج نماید یا نه؟

ج - در فرض سؤال، طلاقی که داده کافی است و دختر می‌تواند با دیگری ازدواج نماید.

□ □ □ □

س ۲۵۴۶ - مردی زنی را با مهریه‌ی معینی عقد کرده و سپس زن مهریه‌ی خود را به شوهرش بخشیده و در دفترخانه رسمی نیز رسید داده و بعد از مدتی مرد به زن می‌گوید بجای این که تو مهریه‌ات را به من بخشیدی، من نیز اگر روزی تو را طلاق دادم قول می‌دهم که یکصد هزار تومان به تو بدهم و یکصد هزار تومان سفته‌ی بدون تاریخ امضا می‌کند و به وی می‌دهد و به واسطه محذوراتی مرد مجبور می‌شود زن را طلاق دهد، آیا مرد این مبلغ را به زن بده کار می‌باشد یا در صورت تمکن تنها از نظر اخلاقی باید به قول خود عمل کند و آیا جایز است زن مبلغ سفته را به زور از مرد بگیرد؟

ج - در فرض سؤال، اگر مجرد مقاوله بوده، شرعا جایز و حلال نیست بدون رضایت شوهر چیزی از او بگیرد و در نزاع موضوعی، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۵۴۷ - می‌گویند کسی که صاحب فرزند نمی‌شود، اگر زن خود را طلاق بدهد و دوباره او را عقد کند، صاحب فرزند می‌شود، آیا زن در این صورت باید همه‌ی شرایط طلاق را داشته باشد یا خیر؟

ج - این عمل، سفیهانه است. با فرض این که باری تعالی بخواهد به شما فرزند عطا فرماید، عاجز نیست بدون طلاق به شما فرزند عطا فرماید و آن چه می‌گویند بی‌اساس است.



س ۲۵۴۸ - هرگاه شوهر شک کند که زن خود را طلاق داده یا نه و یا اصل طلاق را بداند و شک در عدد آن داشته باشد، وظیفه‌ی وی چیست؟

ج - در مورد شک در اصل طلاق، حکم می‌شود به بقای علاقه‌ی زوجیت، و در مورد عدد، بنا می‌گذارد بر کم‌تر.





س ۲۵۴۹- اگر مردی با زن خود برخلاف امساک به معروف رفتار نماید و حاضر به طلاق وی نیز نشود، آیا در صورت درخواست زن از دادگاه که او را طلاق بدهد، آیا دادگاه می‌تواند شوهر را به طلاق دادن همسر خود محکوم نماید و در صورت خودداری وی، دادگاه خود طلاق دهد یا نه؟

ج- در صورتی که با رسیدگی کامل احراز شود که با رعایت حقوق زوج از طرف زوجه و عدم نشوز او با تمکین از مرد، زوج امساک به معروف ندارد، حاکم شرع او را ملزم به یکی از دو امر از امساک به معروف یا تسریح به احسان می‌نماید و در صورت امتناع، زوجه را به تقاضای خودش مطلقه می‌نماید.



#### □ شرایط طلاق

س ۲۵۵۰- کسی (زید) که خود و همسر وی شیعه هستند، همسر خود را طلاق داده و کسی که صیغه‌ی طلاق را جاری می‌کرده یکی از عالمان عامه بوده و از زمان اجرای صیغه‌ی طلاق به وسیله‌ی وی دو ماه گذشت تا این که به آن مرد و زن یادآوری شد که باید فردی شیعی صیغه را اجرا کند و بر این اساس، باز صیغه‌ی طلاق به وسیله‌ی عالمی شیعی اجرا شد و یک ماه از اجرای این صیغه گذشت که با دو ماه پیش، آن زن سه طهر دید و فردی دیگر (عمرو) با آن زن ازدواج کرد و او را تصرف نمود، آیا طلاق که عالم سنی جاری نموده شرعا باطل و تصرف عمرو که از حکم و موضوع ناآگاه بوده، موجب تحریم ابدی است و آیا زن که به او و طی به شبهه شده مستحق مهر المثل هست یا نه؟

ج- اگر مجری صیغه‌ی طلاق اول طبق مذهب شیعه در محضر دو نفر عادل صیغه‌ی طلاق را جاری کرده باشد، همان طلاق اول صحیح است و در غیر این صورت، اگر قبل از انقضای عده از تاریخ طلاق دوم که علی الفرض صحیح واقع شده نکاح با عمرو و دخول در عده انجام شده، زن

بر عمرو حرام مؤبد می‌شود و در صورتی که زن جهل به حکم یا موضوع داشته، مستحق مهر است و احتیاط واجب آن است که اگر مهرالمثل و مهرالمسمی تفاوت داشته باشد، در مقدار تفاوت تراضی و مصالحه نمایند.



س ۲۵۵۱- دختری است که چهار سال پیش به عقد جوانی در آمده و چند سال است که جوان در آمریکا می‌باشد و به دختر دخول نشده است و شوهر نه حاضر است آن زن را تصرف نماید و زندگی کند و نه او را طلاق می‌دهد تا این که دادگاه شهرستان با استناد به قانون حمایت خانواده حکم طلاق را صادر کرده و آن را به محضر طلاق اعلام نموده و اجرای آن منوط به اجازه‌ی حاکم شرع دادگاه انقلاب است، آیا این امر صحیح است؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاع ندارم. به طور کلی در مثل مورد سؤال، چنانچه زوج متمکن از انفاق بر زوجه باشد و انفاق نکند و زن به مجتهد جامع الشرایط مراجعه نماید، مجتهد زوج را ملزم به انفاق یا طلاق می‌نماید، پس اگر از هر دو امتناع نمود و انفاق از مال زوج به زوجه یا اجبار زوج بر طلاق ممکن نشد، چنانچه زن میل به طلاق داشته باشد، مجتهد می‌تواند او را طلاق بدهد، و چنانچه نزاع موضوعی در بین باشد، مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۵۵۲- اگر شخصی ریش بتراشد ولی واجبات و فرایض دینی خود را به صورت کامل انجام دهد و مورد وثوق و اطمینان کامل پیش مردم باشد، آیا می‌شود یکی از شهود طلاق واقع شود یا نه؟

ج - به نظر حقیر ریش تراشیدن حرام است و اصرار بر آن کبیره است و موجب سقوط عدالت می‌شود.



س ۲۵۵۳- اگر شخصی کسی را در اجرای صیغه‌ی طلاق همسر خود وکیل نمود، آیا می‌شود شوهر خود یکی از دو شاهد باشد یا باید دو شاهد غیر از شوهر صیغه‌ی طلاق را بشنوند؟

ج- باید دو شاهد غیر از مجری صیغه و غیر زوج باشد.

□ □ □ □

س ۲۵۵۴- در رساله است: از جمله شرط‌های طلاق آن است که دو شاهد عادل صیغه‌ی طلاق را بشنوند، اگر به جای دو مرد عادل چهار زن عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل صیغه را بشنوند، آیا کافی است یا خیر؟

ج- در فرض سؤال، طلاق باطل است.

□ □ □ □

س ۲۵۵۵- زنی که از شوهر خود طلاق گرفته و به دیگری شوهر می‌کند و بعد از بارداری معلوم می‌شود که شهود در وقت طلاق عادل نبوده‌اند، آیا جدایی آنان لازم است یا نه و حکم فرزند چیست؟

ج- هرگاه بر زوج معلوم شود که شهود در وقت طلاق عادل نبوده‌اند، طلاق باطل و جدایی لازم و زن در زوجیت شوهر اول باقی است و باید از شوهر دوم عده نگه دارد و نفقه‌ی ایام عده بر زوج اول است و چنانچه زن و شوهر دوم با اعتقاد صحت طلاق ازدواج نموده‌اند، فرزندشان ولد شبهه و در حکم حلال‌زاده است.

□ □ □ □

س ۲۵۵۶- منظور از عادل بودن امام جماعت و یا کسی که صیغه‌ی طلاق را جاری می‌کند چیست و اگر شخصی معنای واقعی عدالت را نداند و تنها به خاطر سفارش به نماز جماعت، نماز را به جماعت بخواند و یا کسی در محضر رسمی یکی از روحانیان عمل طلاق را انجام دهد و در واقع این دو روحانی عادل نباشند، آیا مسؤولیت شرعی متوجه آنهاست که چنین مسؤولیتی را پذیرفته‌اند

و یا خود شخص مسؤل است که تحقیق نکرده است؟

ج - معنا و شرایط عدالت در رسایل عملیه مشروحا ذکر شده و در مورد طلاق بر عهده‌ی طلاق دهنده است که فحص از حال دو شاهد بنماید تا یقین به عدالت حاصل کند و اگر تقصیر کرد، بر عهده‌ی خود اوست و طلاق دادن کسی که شرایط صحت طلاق را رعایت نمی‌کند حرام است و اگر بعد از وقوع طلاق معلوم شود که دو شاهد طلاق عادل نبوده‌اند، کسی که اطلاع بر فسق آن‌ها پیدا کرده نمی‌تواند بر طلاق مذکور آثار طلاق صحیح را مترتب کند.

□ □ □ □

س ۲۵۵۷ - آیا شرط صحت و درستی طلاق حضور دو عادل و شنیدن صیغه‌ی طلاق است یا استماع است؛ هرچند آنان در مجلس طلاق حاضر نباشند مثل این که صیغه‌ی طلاق را در شهری جاری نمایند و دو نفر عادل که در شهر دیگری به وسیله‌ی تلفن آن را استماع نمایند؟

ج - بلی، شرط صحت طلاق، حضور و استماع عدلین است و استماع بدون حضور کفایت نمی‌کند.

□ □ □ □

س ۲۵۵۸ - کسی در محضر همسر خود را طلاق می‌دهد در حالی که در طهر واقع بوده اما قرار بر این شده که وقتی زن طهر ببیند به شوهر خبر دهد تا شرعا نیز او را طلاق گوید اما زن پس از آن که به حکم قانون طلاق داده شده، طهر خود را انکار کرده و به هیچ وجه حاضر نیست طلاق گوید و اگر شوهر خود یا به وسیله‌ی دیگر رؤیت طهر را از زن استعلام کند ممکن است برای وی ایجاد خطر کند و در این صورت آیا مرد بعد از چهار ماه یا کم‌تر و زیادتر بدون استعلام رؤیت طهر از زن می‌تواند در حضور دو عادل صیغه‌ی طلاق را اجرا کند و آن را به زن خبر دهد و آیا این طلاق درست است یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، بعد از گذشتن سه ماه، چنانچه سه مرتبه طلاق

بدهد؛ به طوری که مابین هر طلاق و طلاق دیگر پنج روز فاصله باشد، یقین حاصل می شود که یکی از این سه طلاق در طهر واقع شده است و همین کفایت می کند.



س ۲۵۵۹ - زنی در حال حیض طلاق داده شده و چون جاهل به حکم بوده با این که طلاق دارای شرایط درستی نبوده، پس از سه سال با شخص دیگری ازدواج می کند و اکنون نه سال است از ازدواج دوم می گذرد و دارای فرزند نیز می باشد و حال که به مسأله آگاه شده، حکم طلاق گذشته و تکلیف فعلی او با همسر دوم خود چیست؟ به ویژه که اگر بخواهد از شوهر فعلی جدا شود مفسد شدیدی مانند خودکشی زن را به دنبال دارد؟

ج - در فرض مسأله که طلاق واجد شرایط صحت نبوده، طلاق باطل و نکاح زن با مرد دیگر نیز باطل و در عقد زوج اول باقی است و نسبت به اولادی که در این مدت پیدا کرده، چون زن و مرد جاهل به حکم بوده اند، ملحق به آنهاست و حکم ولد حلال را دارند و زن مذکوره بر مرد دوم حرام ابدی است؛ یعنی بر فرض این که شوهر اول او را طلاق دهد نمی تواند با او ازدواج نماید، و خودکشی حرام است، و در نزاع موضوعی مرافعه‌ی شرعیه لازم است.



س ۲۵۶۰ - شخصی در حال ناراحتی و عصبانیت به وسیله‌ی نامه به یک نفر می نویسد همسر مرا طلاق بده و او نیز زن را طلاق می دهد و در همان مجلس زن را برای دیگری عقد می کند، آیا طلاق و عقد یاد شده صحیح است یا نه؟

ج - احکام طلاق و عده مفصل است، مراجعه کنید به توضیح المسائل ولی به طور کلی اگر کسی که وکالت در طلاق می دهد قصد معنا داشته و از روی لغو و هزل نگفته باشد، وکالت صحیح است و بعد از این که طلاق با

شرایط صحت واقع شد، اگر زن مطلقه یائسه یا غیر مدخول بها باشد، عده ندارد و ازدواج او در همان مجلس طلاق با مرد دیگر مانع ندارد و اگر یائسه و غیر مدخول بها نباشد، باید عده نگه دارد و ازدواج او با مرد دیگر در عده باطل است.

□ □ □ □

س ۲۵۶۱- آیا طلاق زن یائسه در طهری که شوهر با او نزدیکی نموده جایز است یا خیر؟

ج - بلی، جایز است.

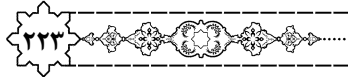
□ □ □ □

س ۲۵۶۲- اگر زن مدرک طلاق (طلاق نامه) داشته باشد ولی در عدالت شهود شک باشد یا عدالت آنان دانسته نشود، آیا طلاق وی صحیح است یا نه؟  
ج - با اخبار خود زن از طلاق صحیح تا خلاف آن معلوم نشده، محمول بر صحت است.

□ □ □ □

س ۲۵۶۳- اگر از جانب حاکم، چند نفر برای دادن طلاق رسمی تعیین شوند و معلوم شود که بعضی از آنان صیغهی طلاق را بدون رعایت شرایط آن جاری می‌کنند یا به مسایل آن آگاهی ندارند و ممکن است طلاق را درست جاری نکنند و یا به هنگام اجرای صیغهی دو شاهد عادل را حاضر نمی‌کنند و یا گاه شوهر را مجبور به طلاق همسر خود می‌نمایند و یا به زور و به اکراه از او وکالت می‌گیرند، حال اگر زنی در آن منطقه، طلاق نامه در دست داشته باشد و امر وی برای ما مجهول باشد، آیا طلاق وی صحیح دانسته شود یا نه و آیا می‌توان این زن را بعد از انقضای عده به عقد دیگری در آورد یا خیر و گاه نمی‌توان از شوهر اول او تحقیق کرد، در این صورت، تکلیف چیست؟

ج - در فرض مذکور، اگر وقوع طلاق صحیح، معلوم و یا خود زن اخبار به



وقوع طلاق صحیح بدهد، تا عدم صحت طلاق به واسطه‌ی اختلال بعضی از شروط صحت معلوم نشده، محمول بر صحت است و تحقیق و فحص واجب نیست و اگر معلوم شود که مرد را مجبور یا مکره به طلاق کرده‌اند یا آن که در نزد عدلین واقع نشده، طلاق باطل است.







## طلاق خلع

س ۲۵۶۴- زنی که ثبیه بوده و شوهر خود را نخواهد و طلاق خود را درخواست کند، افزوده بر این که باید از مهریه صرف نظر نماید، آیا لازم است شیربها و خسارت وارد به شوهر را نیز بپردازد یا خیر؟

ج- در فرض سؤال، در طلاق خلع، اگر زوجه مایل به طلاق باشد، باید با بذل مال، زوج را راضی به طلاق نماید؛ خواه مال بیش تر از مهرالمسمی باشد یا کم تر.



س ۲۵۶۵- شخصی صیغه‌ی طلاق خلع یا مبارات را به عمد یا به اشتباه صیغه‌ی رجعی خوانده، در این صورت آیا طلاق صحیح است یا نه؟  
ج- اگر وکالت در طلاق خلع یا مبارات داشته و طلاق رجعی داده، طلاق صحیح نیست.



س ۲۵۶۶- هرگاه مردی زنی را در برابر مهر طلاق خلع دهد و بعد از آن معلوم شود که زن مهر خود را به برادر خود و یا به دیگری دیگر صلح کرده و حال آن مرد می‌گوید طلاق باطل است و من زن خود را می‌خواهم و صلح را انکار می‌کند، آیا این طلاق صحیح است یا نه؟

ج- اگر زن مالی را که ملک غیر است با علم به این که مال غیر است بذل

قرار دهد، خلع باطل است و طلاق رجعی می‌شود و تا عده تمام نشده، زوج حق رجوع دارد و در صورت اختلاف زوج و زوجه، مرافعه‌ی شرعی لازم است.



س ۲۵۶۷- زنی در محضر علمای اهل تسنن در مقابل مالی که به شوهر خود داده طلاق داده شده و مدت پنج ماه از آن می‌گذرد، حال آیا آن زن می‌تواند با دیگری ازدواج نماید یا خیر و باید صیغه‌ی طلاق در نزد محضر فردی شیعی خوانده شود و همچنین اگر وی بخواهد دوباره صیغه‌ی طلاق را در محضر فردی شیعی جاری نماید، آیا باید شوهر را در آنجا حاضر کند یا به همان وکالت اولی که در محضر علمای تسنن داده اکتفا می‌شود؟

ج - طلاقی که در محضر علمای اهل سنت داده شده، اگر واجد شرایط صحت باشد، صحیح است و شرایط طلاق خلع در نظر علمای شیعه این است که زن در طهر غیر مواقعه و کراهت از طرف زوجه باشد و به لفظ طلاق واقع شود و دو شاهد عادل استماع نمایند و چون در نظر آنها شاهد لازم نیست نمی‌توان حمل بر صحت نمود و باید طلاق را در محضر علمای شیعه واقع سازید و از زوج ثانیاً وکالت بگیرید و اکتفا به وکالت قبل نکنید.



س ۲۵۶۸- زنی تمام مهریه‌ی خود را از شوهر گرفته ولی نفقه‌ی ایام عده را به او بخشیده، آیا در این صورت طلاق وی خلع است یا نه و نیز زنی که برای طلاق خلع مهریه‌ی خود را به شوهر بذل نموده، آیا نفقه دارد یا خیر؟

ج - اگر طلاق مبنی بر بخشش نفقه‌ی ایام عده واقع نشده، رجعی بوده و اگر در مقابل بذل نفقه ایام عده واقع شده، ظاهراً آن طلاق خلعی واقع شده و صحیح است ولی چون زوجه نفقه‌ی ایام عده را قبل از استحقاق

که هنوز مالک نبوده بذل کرده، باید به مقدار آن به شوهر بدهد و در طلاق خلع، زن نفقه طلب‌کار نیست.



### □ طلاق غایب

س ۲۵۶۹ - حد غایب بودن مرد از زن باید چه مدت باشد تا شوهر بتواند بدون فحص از حال زن، او را طلاق دهد و حال حیض و طهر او و مراعات این امر و عدم آن در شوهر معتبر است یا در کسی که به وکالت از وی طلاق می‌گوید و وکیل چه هنگام باید صیغه بخواند و تاریخ وکیل قرار دادن و وقت اجرای صیغه باید برای وکیل معلوم باشد یا خیر؟

ج - غایب بودن به این است که زوج در بلد دیگر باشد و استعمال حال زوجه به نحو عادی و متعارف برای او ممکن نباشد و در صحت طلاق غایب، غایب بودن شخص زوج میزان است نه وکیل او و وکیل هم در وقتی که زوج غایب است و امکان استعمال برای وکیل و موکل نیست، طلاق بدهد و تفصیل را در وسیله ملاحظه فرمایید.



س ۲۵۷۰ - در رساله احکام خاصی برای طلاق زنی که شوهر وی غایب است ذکر شده، آیا شوهری که حاضر است ولی آگاهی از حال زن از جهت طهر و حیض برای وی غیر ممکن است یا مشقت دارد، حکم آن چیست؟

ج - حاضر مذکور در سؤال حکم غایب را دارد؛ چنانچه غایب اگر به دست آوردن حال زن از جهت طهر و حیض برایش مشقت نداشته باشد، در حکم حاضر است.



س ۲۵۷۱ - کسی که همسر وی به مدت یک سال از او غایب شده و می‌تواند از حال وی اطلاع بگیرد، آیا می‌شود بدون تفحص و جست‌وجو او را طلاق بدهد یا نه؟

ج - در فرض سؤال، اگر زوجه مدخول بهاست، در صورت امکان ولو به وکیل کردن دیگری بر استخبار از حال زوجه، بدون فحص، طلاق صحیح نیست و در صورت عدم تمکن، فحص لازم نیست و می‌تواند زوجه را طلاق بدهد.



## عده

س ۲۵۷۲- زنی که شوهر وی مرده، چنانچه صغیر باشد یا از زن‌هایی باشد که در سن حیض دیدن است ولی حیض نمی‌بیند، آیا مانند زن‌های دیگر که عده‌ی وفات نگه می‌دارند باید عده نگه دارد یا نه؟

ج- بلی، باید عده‌ی وفات نگه دارد و با زن‌های دیگر در این حکم فرق ندارد.



س ۲۵۷۳- هرگاه به زن دخول شده باشد و وی مهر خود را ببخشد تا شوهر او را طلاق دهد و شوهر بعد از طلاق و پیش از انقضای عده بمیرد، آیا بر زن لازم است عده‌ی وفات نگه دارد یا خیر؟

ج- زوجه‌ی مفروضه عده وفات ندارد و باید همان عده‌ی طلاق را تمام کند.



س ۲۵۷۴- هرگاه زن و شوهر در وقوع طلاق و زایمان اتفاق نظر داشته باشند اما در تقدم و تأخر آن اختلاف نمایند و برای نمونه شوهر بگوید زایمان بعد از طلاق بوده و عده‌ی وی تمام شده و زن مدعی باشد زایمان وی پیش از طلاق بوده و بنابراین هنوز وی در عده هست یا به عکس، شوهر مدعی باشد زن پیش از

طلاق زایمان داشته و هنوز در عده است و وی می‌تواند به او رجوع کند و زن ادعا کند چنین نیست، گفته‌ی کدام یک مقدم است؟  
ج - ظاهر این است که قول کسی که ادعای بقای عده می‌کند مقدم است؛ چه زن باشد چه شوهر.



س ۲۵۷۵ - اگر مردی پیش از آن که مدت در ازدواج منقطع تمام شود، عقدنامه‌ی عقد منقطع را پاره نماید و به زن خود بگوید دیگر از قید همسری من خارج هستی، آیا زن باید از همان هنگام عده نگه دارد و یا لازم است صبر نماید تا آن مدت به پایان رسد و آن را شروع عده‌ی خود قرار دهد؟  
ج - اگر مقصود آن بوده که بقیه‌ی مدت را بذل کرده، از همان موقع باید عده نگه دارد.



س ۲۵۷۶ - لو طلق زوجته رجعیاً وغاب عنها فتزوجت بعد العدة فأخبرت أن زوجها مات في العدة، فهل عليها عدة الوفاة، وهي في حباله الثاني، وهل يصح العقد، فإن كان لا، فهل يجوز ثانياً بعد العدة أو تحرم عليه، وما حكم الولد من الثاني؟ هل هو ولد الشبهه يرث ويورث؟ وما حكم المهر؟ هل هو المسمى أو يجب مهر المثل؟ وعلى فرض وجوب العدة، فهل يجب على الزوج نفقتها وهي في عدة وفاة الغير؟ وهل العدة بأبعد الأجلين لو كانت حاملاً كما هي الأصل في غير هذا الفرض؟ وهل ترث من الزوج المطلق أم لا؟

- اگر مردی زن خود را طلاق رجعی دهد و از او غایب شود و زن بعد از پایان عده با دیگری ازدواج کند و سپس به او خبر رسد که شوهر نخست وی در زمان عده مرده است، آیا این زن باید عده‌ی وفات نگاه دارد و وظیفه‌ی وی در مورد شوهر دوم چیست و آیا عقد ازدواج آنان برقرار است؟ در صورتی که ازدواج آنان باطل باشد، آیا می‌تواند بعد از عده دوباره با او ازدواج نماید یا بر

او حرام ابدی است؟ و آیا فرزند او از شبهه است و ارث می‌برد و از او ارث برده می‌شود؟ حکم مهر زن چیست؟ آیا وی سزاوار مهر المسمی است یا مهر المثل؟ بر فرض که زن باید عده نگاه دارد، آیا نفقه‌ی زمان عده بر شوهر دوم اوست؛ در حالی که باید از شوهر اول عده‌ی وفات نگاه دارد؟ با توجه به این که زن باردار می‌باشد، آیا زمان بارداری یا طول عده، هر کدام که طولانی‌تر باشد، همان را عده قرار دهد؛ چنان‌که اصل در بقیه‌ی موارد چنین است؟ آیا زن از شوهر خود ارث می‌برد یا خیر؟

ج - نعم، يجب علیها الاعتداد بعدة الوفاة بعد العلم بموت الزوج في العدة الرجعية ومبدء العدة من حين العلم بموته، وعدتها أبعد الأجلين، ونفقتها في العدة على نفسها، ومهرها مهر المثل، والأحوط في المقدار الزائد عن المتعارف بينه وبين المسمى التراضي والتصالح، والولد شبهة يرث ويورث، والعقد باطل، ولا يترك الاحتياط بترك تجديد العقد عليها، وترث الزوجة من الزوج المطلق.

- بله، زن باید بعد از آن که در عده‌ی رجعی از مرگ شوهر خود آگاه شد، عده‌ی وفات نگاه دارد و عده‌ی وی طولانی‌ترین مدت میان زمان بارداری و عده‌ی وفات است و نفقه‌ی او در زمان عده بر عهده‌ی خود زن است و آن زن مستحق مهر المثل است و در افزوده بر آن مقدار تا به مهر المسمی برسد، احتیاط آن است که با هم مصالحه و تراضی نمایند. و فرزند شبهه ارث می‌برد و از او ارث برده می‌شود، و عقد باطل است و احتیاط آن است که دوباره با او ازدواج ننماید و زن از شوهر نخست خود ارث می‌برد.

□ □ □ □

س ۲۵۷۷ - آیا زنی که به او وطی به شبهه شده و عده‌ی طلاق ندارد؛ مانند صغیره و یائسه، لازم است عده‌ی وطی به شبهه نگاه دارد یا خیر؟

ج - موطؤه به شبهه، هرگاه یائسه یا صغیره باشد، عده ندارد.

□ □ □ □

س ۲۵۷۸- اگر عقدی باطل باشد و برای نمونه یکی از زن و شوهر دیوانه باشد، آیا دخول موجب عده برای زن هست یا خیر؟

ج- در صورتی که گمان می‌کرده عقد صحیح است، واجب است عده نگاه دارد.



س ۲۵۷۹- در رساله است شروع عده‌ی طلاق از هنگام وقوع طلاق است، حال در موارد فسخ یا انفساخ نکاح و هم‌چنین در مورد وطی به شبهه، ابتدای عده از چه وقتی است؟

ج- در فسخ و انفساخ، ابتدای عده از موقع وقوع فسخ یا انفساخ و در وطی به شبهه از موقع وقوع وطی به شبهه است؛ اگرچه احتیاط در وطی به شبهه این‌هاست که مبدء آن از موقع برطرف شدن شبهه قرار داده شود، بلکه در مورد زنی که ازدواج با او برای انسان جایز نبوده و به اعتقاد صحت با او ازدواج نموده و بعد از عقد وطی نموده، این احتیاط ترک نشود.



س ۲۵۸۰- اگر زن، به دو بچه باردار باشد، چنانچه طلاق داده شود، آیا عده‌ی وی با زایمان بچه‌ی نخست تمام می‌شود یا نه؟

ج- به نظر حقیر تمام شدن عده در مورد سؤال به وضع بچه‌ی دوم است. پس قبل از وضع حمل دومی چنانچه طلاق رجعی باشد، مرد می‌تواند به زن خود رجوع کند و زن حق شوهر کردن به دیگری ندارد و لکن احتیاط به رجوع نکردن مرد در این فرض و نیز شوهر نکردن زن به دیگری خوب است.





س ۲۵۸۱ - مورد وطی به شبهه چیست و زنی که به شبهه وطی شده عده دارد یا نه؟

ج - منظور از وطی به شبهه این هاست که انسان با زن اجنبیه به اعتقاد حلیت، وطی کند؛ چه از جهت شبهه در موضوع باشد؛ مثل این که با زنی به اعتقاد این که زن خود اوست وطی کند، بعد معلوم شود اجنبیه بوده و چه از جهت شبهه در حکم باشد؛ مثل این که واطی با خواهر موطوء ازدواج کند به اعتقاد این که این ازدواج صحیح است و دخول هم کرده باشد و وطی به شبهه مانند طلاق است در اصل عده و مقدار آن.



س ۲۵۸۲ - در رساله است که زن باردار اگر طلاق داده شود، عده‌ی وی به زایمان او تمام می‌شود، حال اگر بچه را به عمد سقط کند یا خود سقط شود یا آن‌چه سقط می‌شود به صورت علقه یا مضغه باشد، حکم زایمان را دارد و عده‌ی وی تمام می‌شود یا حکم دیگری دارد؟

ج - بلی، سقط جنین اگرچه عمدی باشد، موجب تمام شدن عده است و همین‌طور سقط علقه یا مضغه در صورتی که حمل بودن آن محقق باشد لکن سقط عمدی معصیت است و دیه نیز دارد.



س ۲۵۸۳ - اگر زنی از زنا باردار شده باشد، چنانچه طلاق داده شود، آیا عده‌ی وی به زایمان تمام می‌شود یا خیر؟

«گلبایگانی»: در فرض سؤال، چه حمل قبل از طلاق محقق شده باشد و چه بعد از آن، عده به وضع حمل تمام نمی‌شود، بلکه در مقدار عده و تمام شدن آن مانند زن غیر حامل است.



«نکونام»: اگر با زنی زنا کند؛ خواه زن بداند که آن مرد شوهر او نیست یا گمان کند که شوهر وی می‌باشد، لازم نیست عده نگه دارد.



س ۲۵۸۴ - در مواردی که نکاح به عللی فسخ یا منفسخ می‌شود، آیا بر زن لازم است مانند مورد طلاق عده نگه دارد یا خیر؟  
ج - بلی، در موارد مذکوره چنانچه زن مدخول بها باشد، باید عده نگه دارد.



س ۲۵۸۵ - خانمی طلاق داده شده و وی پیش از طلاق مدعی بوده که شوهر از دبر او را تصرف کرده و شوهر آن را انکار می‌کرده و شوهر بعد از آن گفته که وی به اشتباه این عمل را انجام داده و بعد از مدت کوتاهی دکتر دادگستری گواهی کرده که این عمل انجام نشده و دختر نیز تصرف مورد ادعای خود را انکار می‌کند، با توجه به اصرار اولی دختر بر انجام این عمل و شک در صدق گفتار او مبنی بر انکار عمل، آیا وی باید عده نگه دارد یا لازم نیست و آیا ممکن است عقد شود و تا زمان انقضای عده با او آمیزش نکرد یا نه؟

ج - در فرض سؤال، هر مردی که از اقرار اولی دختر به دخول اطلاع داشته باشد نمی‌تواند با آن دختر قبل از انقضای عده‌ی او ازدواج نماید.



س ۲۵۸۶ - آیا شوهر می‌تواند زنی که یائسه است را هرگاه که بخواهد، طلاق دهد و آیا وی عده دارد یا خیر؟ و آیا شوهر می‌تواند به او رجوع نماید و تا چند وقت بعد از طلاق می‌توان به او رجوع نمود؟

ج - هر وقت بخواهد می‌تواند او را طلاق بدهد و عده هم ندارد و بعد از طلاق حق رجوع ندارد و اگر بخواهد دوباره زن او شود، باید او را عقد نماید.



س ۲۵۸۷ - هرگاه مردی زن خود را طلاق رجعی دهد و در عده بمیرد، زن چگونه باید عده نگاه دارد؟

ج - در مورد سؤال، عده‌ی طلاق باطل می‌شود و باید از حین موت شوهر، عده‌ی وفات نگه دارد.

□ □ □ □

س ۲۵۸۸ - دختری بدون تصرف و در بازی با همسر خود باردار شده و سپس طلاق داده شده، در این صورت آیا وی باید تنها نصف مهر را بگیرد و وی عده دارد یا چون به او دخول نشده عده ندارد؟

ج - در صورتی که به هیچ وجه؛ نه در قبل و نه در دبر ولو به قدر حشفه دخول واقع نشده باشد، ظاهر آن است که طلاق منصف مهر است و لکن سزاوار است مصالحه و تراضی در آن ترک نشود و اما نسبت به عده، در فرض سؤال وضع حمل است.

□ □ □ □

س ۲۵۸۹ - زنی در عده‌ی طلاق رجعی بوده که شوهر وی می‌میرد، آیا در این صورت باید عده‌ی وفات نگاه دارد یا نه و آیا ارث نیز می‌برد یا خیر؟

ج - عده‌ی وفات نگاه دارد و ارث هم می‌برد.

□ □ □ □

س ۲۵۹۰ - زنی است که در هر سه ماه یک بار حیض می‌شود، حال در صورتی که طلاق داده شود، وی تا چه مدتی باید عده نگاه دارد؟

ج - در فرض مسأله، اگر مطلقه بعد از طلاق تا سه ماه خون ندیده، عده‌ی او تمام است و بعد از سه ماه می‌تواند شوهر کند و اگر قبل از سه ماه ولو یک روز قبل حیض شود، باید سه طهر ببیند؛ هرچند برسد به نه ماه.

□ □ □ □

س ۲۵۹۱ - دختری سیزده ساله که تاکنون حیض نشده و شوهر با او نزدیکی نموده، آیا می‌تواند او را بعد از نزدیکی طلاق داد یا باید مدتی صبر کند و در این صورت، تا چه هنگام باید صبر کند و حال که نزدیک به دو ماه است که شوهر با او نزدیکی نکرده، آیا می‌تواند او را طلاق داد یا نه و عده‌ی وی چگونه می‌باشد؟

ج - در فرض مذکور که دو ماه از آخرین نزدیکی مرد با زوجه گذشته، پس از گذشتن یک ماه دیگر می‌تواند او را طلاق بدهد؛ به شرط آن که در این یک ماه هم خون نبیند و پس از گذشتن سه ماه از تاریخ طلاق، در صورتی که حال حیض ندیدن او باقی باشد، می‌تواند با مرد دیگر ازدواج نماید.



س ۲۵۹۲ - چنانچه مردی زن خود را بعد از دخول طلاق دهد و در ایام عده رجوع کند و بعد از رجوع پیش از آن که با او نزدیکی کند دوباره او را طلاق دهد، آیا طلاق دوم وی عده دارد یا خیر؟

ج - بلی، عده دارد.



س ۲۵۹۳ - هرگاه شخصی با دختری که نه ساله نشده ازدواج نماید و به او دخول کند و سپس او را طلاق دهد، آیا وی عده دارد یا خیر؟

ج - در مفروض سؤال که دخول و طلاق قبل از نه ساله شدن دختر بوده، عده ندارد.



س ۲۵۹۴ - اگر شخصی با دختری که نه ساله نشده ازدواج نماید و پیش از این که نه ساله شود به او دخول کند و پس از نه ساله شدن با او نزدیکی نداشته باشد و او را طلاق دهد، آیا وی عده دارد یا خیر؟

ج - در مورد سؤال، زوجه عده دارد.



س ۲۵۹۵ - زنی که در سن دیدن حیض است ولی حیض ندیده و طلاق داده شده و مدت دو ماه از وقوع طلاق خون حیض ندیده و در ماه سوم خون حیض دیده است، در این صورت به دیدن خون در ماه سوم عده‌ی وی تمام شده یا باید صبر کند تا سه ماه از وقت طلاق بگذرد؟

ج - چنانچه طلاق صحیح واقع شده باشد به این که زوج پس از گذشتن سه ماه تمام از تاریخ هم‌بستر شدن با او طلاقش داده باشد، در فرض مسأله بعد از دو ماه که خون دید باید صبر کند، اگر سه ماه بعد از پاک شده خون ندیده، عده تمام شده و اگر قبل از سه ماه خون دید، به دیدن خون سوم عده تمام می‌شود.



#### □ رجوع در عده

س ۲۵۹۶ - کسی زن دایمی خود را طلاق رجعی می‌دهد و هنوز ده روز از ایام عده‌ی او باقی بوده که در نزد کسی که او را طلاق داده، به او رجوع می‌نماید ولی وی آن موضوع را فراموش می‌کند و بعد از یک سال آن را به خاطر می‌آورد اما زن برای مرد دیگری عروس شده و محترمان محل هر دو شوهر را حاضر می‌نمایند و یکی از آنان قرآن را نزد زن حاضر می‌کند و از عادت او می‌پرسد و زن را قسم می‌دهد که شما سه بار از عادت زنانه طاهر شده‌اید یا نه و زن نیز قسم شرعی یاد می‌نماید، در صورتی که زن در نزد زنها خویشاوند خود اظهار نموده است که من باردار هستم و بر فرض که قول زن درست باشد، نمی‌دانیم دخول مرد دوم بعد از سه طهر بوده یا نه، حال، کدام یک شوهر زن شناخته می‌شوند و آیا وی عده دارد یا خیر؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاعی ندارم. به‌نحو کلی اگر شوهر قبل از تمام شدن عده رجوع کرده باشد، زن به زوجیت او باقی است و عقد دوم باطل است؛ هرچند زن اطلاع بر رجوع پیدا نکرده باشد و در این صورت، اگر

زن و شوهر دوم با علم به این که زن در عده است با یکدیگر ازدواج کرده‌اند یا با جهل آن‌ها به موضوع یا حکم، ازدواج نموده و دخول واقع شده باشد، زن بر شوهر دوم حرام ابدی است و باید در صورت جهل و دخول، زن عده‌ی وطی به شبهه نگه دارد و اگر اولادی نیز از آن‌ها پیدا شود، با جهل به حکم حلال‌زاده است و اما نسبت به حکم ظاهری، اگر زن متهمه نباشد و اقرار کند که قبل از تاریخ رجوع سه دفعه حیض دیده و پاک شده، قول او مسموع است و عقد شوهر دوم صحیح است و اگر شرعاً ثابت شود که اقرار به حمل از شوهر اولی نموده و عقد دوم در زمان حمل واقع شده باشد، عقد دوم باطل است؛ مگر آن که معلوم شود که اقرار به حمل برخلاف واقع بوده و در هر حال، احتیاط آن است که شوهر دومی آن زن را احتیاطاً طلاق دهد و دیگر او را نگیرد و اولی نیز اگر بخواهد، احتیاطاً بعد از عده به عقد جدید با او ازدواج کند.



س ۲۵۹۷ - کسی همسر خود را با وعده‌ی ملک و زمین و پول راضی نموده که با برادرزاده‌ی زن خود ازدواج نموده و بعد از تصرف و عمل زناشویی، به عهده‌های خود وفا نکرد و زن نیز نارضایتی خود را اعلام کرد و بین آنان نزاع شده، در این صورت با ناراضی بودن عمه، آیا عقد برادرزاده‌ی وی صحیح است یا نه و آیا آنان می‌توانند به عقد خود باقی باشند یا خیر و هم‌چنین در اثر نزاع، مرد همسر دوم خود را و برادرزاده‌ی همسر اول را طلاق داده اما بعد از آن مرد مدعی است که رجوع نموده، آیا بدون رضایت عمه، رجوع یاد شده صحیح است یا نه؟

ج - در فرض سؤال، رجوع شوهر به عیال مطلقه‌ی رجعیه در عده محتاج به اذن جدید نیست؛ اگرچه احتیاط خوب است.



س ۲۵۹۸ - شخصی با همسر خود بر این قرار گذاشته که زن در مقابل هزار تومان طلاق خود را بگیرد و شوهر طلاق او را جاری می‌کند اما مدعی رجوع است، آیا این طلاق صحیح است؟

ج - در فرض سؤال که هزار تومان در مقابل طلاق بوده تا طلاق ندهد مالک آن پول نمی‌شود و تا طلاق واقع نشود، زن به زوجیت او باقی است و این در صورتی است که پول را گرفته باشد و طلاق نداده باشد و اگر طلاق داده، طلاق خلع بوده و مادام که زن در عده رجوع به بذل نکند، مرد نمی‌تواند رجوع نماید و در نزاع موضوعی مرافعه‌ی شرعیه لازم است.

□ □ □ □

س ۲۵۹۹ - مردی مدعی است پس از انقضای نه ماه از تاریخ طلاق رجعی به زن خود رجوع نموده، آیا در این صورت گفته و ادعای وی پذیرفته است یا نه؟

ج - اگرچه بعد از انقضای عده، رجوع اثر ندارد، لکن چون انقضای عده بر حسب عادت ماهانه و غیر آن نسبت به زن‌ها مختلف است، خصوصیات مطلقه مزبوره را مرقوم دارید تا جواب آن نوشته شود و اگر مرد بعد از انقضای عده مدعی باشد که در عده رجوع کردم، قول مرد مسموع نیست. بلی، اگر مدعی علم زوجه باشد، حق دارد که به او قسم نفی علم بدهد.

□ □ □ □

س ۲۶۰۰ - اگر مرد در طلاق رجعی بدون قصد رجوع با زن نزدیکی کرد آیا رجوع محقق می‌شود یا خیر؟

«گلپایگانی»: در صورتی که از روی غفلت و سهو و در حال مثل نوم نباشد و به قصد نزدیکی با مطلقه نزدیکی واقع شده باشد، اقوی تحقق رجوع است؛ اگرچه قصد رجوع نکند.

\* \* \*

«نکونام»: زن در طلاق رجعی در حکم همسر شرعی اوست و صرف نزدیکی، بازگشت به وی دانسته می‌شود.

□ □ □ □

س ۲۶۰۱ - هرگاه شخصی زن خود را طلاق دهد و زن به هنگام طلاق باردار باشد و شوهر در موقع زایمان به پدر همسرش بگوید من زنم را می‌خواهم و زن جواب دهد که من شوهرم را نمی‌خواهم و شوهر در پهلوی زن حاضر بود که بچه به دنیا آمد، آیا در این صورت این گفته‌ی شوهر رجوع به شمار می‌رود یا این که زن طلاق داده شده و می‌تواند شوهر دیگری کند؟

ج - در فرض سؤال که مطلقه حامل بوده و در عده‌ی او یعنی قبل از وضع حمل گفته من زنم را می‌خواهم، چنانچه طلاق رجعی بوده، رجوع است و جایز نیست به دیگری شوهر کند و چنانچه نزاع موضوعی باشد، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.



س ۲۶۰۲ - هرگاه زن مقداری از مهریه‌ی خود یا غیر آن را به شوهر خود دهد که زوج او را طلاق خلع دهد و بعد از اجرای طلاق، همسر به آن چه بذل کرده رجوع کند ولی معلوم شود که زن یائسه است و مرد حق رجوع به طلاق ندارد و به هنگام اجرای طلاق نیز به این موضوع توجه نشده، آیا در این صورت زن می‌تواند به بذل خود رجوع کند یا نه و چنانچه یائسه بودن زن معلوم نباشد، حکم مسأله چیست؟

ج - در صورتی که زوجه یائسه بوده، رجوع او به بذل صحیح نیست و با شک در یائسه بودن، رجوع او به بذل و رجوع مرد به او جایز است.



س ۲۶۰۳ - اگر مردی با پرداخت همه مهر و نفقه طلاق زن را بدهد و در نامه‌ای امضا کند که به زن خود رجوع نمی‌کند، حال:

- ۱ - این طلاق که زن همه‌ی مهر و نفقه را دریافت داشته، چه نوع طلاقی است؟
- ۲ - آیا این شخص می‌تواند تا انقضای مدت عده به زن خود رجوع کند یا نه؟
- ۳ - آیا امضای مرد در باز نگشتن به زن در ضمن پرداخت همه‌ی مهر و نفقه،



حق رجوع او از بین می‌برد یا نه؟

۴- اگر طلاق، طلاق رجعی باشد، آیا کسی که صیغه را اجرا می‌کند می‌تواند آن را طلاق خلع بخواند یا نه؟

ج ۱- در فرض سؤال، طلاق رجعی است.

۲- بلی، در مورد سؤال می‌تواند به زن خود رجوع کند.

۳- جواز رجوع مرد به زوجه‌اش حکم شرعی است و قابل اسقاط نیست و امضا دادن حق مرد را از بین نمی‌برد.

۴- در فرض سؤال، مجری نمی‌تواند طلاق خلع بدهد و اگر خلعی بخواند، در صورتی که صیغه مشتمل بر لفظ طلاق باشد؛ مانند: «انت طالق» یا «هی طالق»، طلاق رجعی واقع می‌شود.



س ۲۶۰۴- زنی در عده‌ی رجعی بوده و شوهر وی بدون قصد رجوع، بلکه به قصد زنا با او نزدیکی کرده، آیا این نزدیکی رجوع به شمار می‌رود یا نه و زن بعد از آن بدون این که طلاق بگیرد، با مرد دیگری بعد از دیدن سه طهر شوهر می‌کند، حال تکلیف او با شوهر دوم چیست؟

ج- در فرض مسأله، نزدیکی ولو به قصد رجوع نبوده، رجوع است و زوجه‌ی شوهر اول، و عقد دوم باطل است و با فرض دخول بر شوهر دوم حرام مؤبد می‌شود.



س ۲۶۰۵- هرگاه شوهر یا زن، عقد را به یکی از عیب‌های مجوز، فسخ نمودند، چنانچه زن عده داشته باشد، آیا مرد می‌تواند در میان عده رجوع کند یا نه؟

ج- در مورد سؤال، زوج حق رجوع ندارد.



### □ خواستگاری زن در عده

س ۲۶۰۶ - آیا زنی را که در عده‌ی طلاق است می‌توان خواستگاری کرد و از شرایط مهر و مانند آن با او سخن گفت تا بعد از انقضای مدت عقد شود یا نه؟  
ج - خواستگاری زنی که در عده‌ی غیر است تصریحاً حرام است. بلی، در عده‌ی غیر رجعی به‌طور تعریض و اشاره جایز است و در عده‌ی رجعی به‌طور تعریض هم جایز نیست.

□ □ □ □

س ۲۶۰۷ - کسی در عده‌ی طلاق رجعی زنی به خواستگاری او رفته و پس از گفت‌وگو مبلغی از مهر المسمی را به زن می‌دهد و از او اذن می‌گیرد که پس از انقضای عده این زن را برای خود عقد نماید، آیا این قرارداد حرمت ابدی این زن برای وی می‌شود یا خیر؟

ج - عمل مذکور مشروع نیست و حرام است، لکن موجب حرمت زن برای آن مرد نمی‌شود.

□ □ □ □

### □ وکالت در طلاق

س ۲۶۰۸ - زنی در ضمن عقد ازدواج شرط نموده که در صورت نرسیدن هزینه و نفقه در مدت هشت ماه و غایب بودن شوهر، زن در طلاق خود وکیل است و پس از عقد، مورد وکالت محقق شده و بعد از مدتی زن و شوهر با هم دعوا نموده و شوهر به گونه‌ای زن را زده که دیه بر او وارد آمده و زن پس از هشت ماه وکیل گرفته و در حضور دو عادل، صیغه‌ی طلاق را جاری نموده، آیا این طلاق صحیح است یا خیر و آیا زن می‌تواند مهر و دیگر حقوق خود مانند هزینه‌ی زمان عده و دیه‌ی نقص عضو و مخارج هشت ماه گذشته را از شوهر مطالبه کند یا نه؟

ج - در فرض مذکور، در صورتی که امتناع از نفقه و غیبت او هر یک شرط مستقل بوده و زوج از دادن نفقه در مدت هشت ماه امتناع کرده و زن بر

حسب وکالت، خود را مطلقه نموده، طلاق صحیح است و مهریه اش را اگر دریافت نداشته و مخارج هشت ماه و دیه‌ی جراحات وارده و نفقه‌ی مدت عده را اگر رجعیه بوده، زن طلب‌کار است.

□ □ □ □

س ۲۶۰۹ - اگر شوهر در ضمن عقد به همسر خود وکالت داده که در صورتی که مفقود شود و تا شش ماه از مسافرت وی بگذرد و باز نگردد و یا نفقه‌ی او را ندهد، زن بتواند طلاق خود را بگیرد و یا کسی را وکیل نماید که او زن را طلاق بدهد، آیا این وکالت صحیح است و زن می‌تواند طلاق خود را بگیرد یا خیر؟  
ج - در فرض سؤال، اگر بعد از توکیل، زوجه را عزل نکرده باشد، وکالت و طلاق صحیح است.

□ □ □ □

س ۲۶۱۰ - زن می‌تواند در ضمن عقد شرط کند که طلاق به دست پدر، مادر یا برادر او باشد یا نه؟

ج - این نحو شرط باطل است؛ چون طلاق به دست مرد است ولی می‌تواند شرط کند که پدر و مادر و برادرش از طرف زوج وکالت در طلاق داشته باشند.

□ □ □ □

س ۲۶۱۱ - زنی که برای گرفتن طلاق خود وکیل است یا وکیل است که بتواند دیگری را وکیل بگیرد (وکیل در توکیل)، اگر خود را طلاق گوید، آیا مهر وی از بین می‌رود یا نه؟

ج - اگر زن وکیل در طلاق یا در توکیل برای طلاق خلع باشد، هر مقداری از مهر را در قبال طلاق بخشیده حق ندارد از زوج مطالبه کند و اگر مهر را نبخشیده و طلاق رجعی باشد، می‌تواند تمام مهریه را مطالبه کند؛ مگر آن که زن غیر مدخول بها باشد که در این صورت، مهر نصف می‌شود.

□ □ □ □

س ۲۶۱۲ - هرگاه مرد زن خود را در طلاق وکیل نماید و زن بر حسب وکالت خود را طلاق دهد، طلاقی که واقع می شود چه نوع طلاقی است؟  
ج - وکالت در طلاق ظاهر در طلاق رجعی است.

□ □ □ □

س ۲۶۱۳ - زن و شوهری شرط کرده اند اگر شوهر به زندان محکوم شد و محکومیت وی با حیثیت زن مغایر باشد، از طرف مرد وکیل است یا می تواند دیگری را وکیل بگیرد تا او را طلاق دهد و شوهر را به جرم اعتیاد به مواد مخدر دستگیر و محکوم به دو سال زندان شده و بعد از سه ماه با عفو آزاد شده، حال زن می تواند به ادعای این که محکومیت سال قبل وی مغایر با حیثیت اوست، طلاق خود را بگیرد یا خیر؟

ج - قدر متیقن از صحت آن فعلیت آن است با مضبوط بودن به حسب مدت بعد از حصول شرط والا باطل است، بنابراین فعلا زن وکالت در طلاق ندارد و نمی تواند خود را مطلقه نماید.

□ □ □ □

#### □ سه طلاق

س ۲۶۱۴ - اگر دختری که به او دخول نشده سه بار طلاق داده شود، آیا در این صورت به محلل نیاز است یا خیر و در صورت نیاز به محلل، آیا تنها خواندن صیغه ی عقد کافی است یا دخول نیز شرط است؟

«گلبایگانی»: اگر شخصی دختری را عقد کند و قبل از دخول طلاق بدهد و ثانیاً عقد کند و قبل از دخول طلاق بدهد و ثالثاً عقد کند و قبل از دخول طلاق بدهد، محتاج به محلل است و بدون محلل بر او حلال نیست و دخول محلل هم در قبل لازم است برای حلال شدن، بلکه احوط اعتبار انزال است نیز.

\* \* \*

«نکونام»: صرف دخول محلل از پیش (قبل) به گونه‌ای که هر دو از نزدیکی لذت ببرند و موجب غسل گردد کافی است و انزال وی معتبر نیست.



س ۲۶۱۵ - زنی سه بار طلاق داده شده ولی خود زن ادعا می‌کند که هنگام طلاق سوم در عادت زنانه بوده، در این صورت طلاق زن چه حکمی دارد؟

ج - در فرض سؤال، اگر زن در وقت طلاق اقرار به طهارت کرده، انکار فعلی او مسموع نیست و اگر زوج بدون استعلام از حال زن طلاق داده به اعتقاد طهارت زن و در حین طلاق هم حاضر بوده و زن بگوید در حیض بودم، طلاق صحیح نیست و قول زن مسموع است و اگر زوج در حین طلاق غایب بوده یا زن حامل بوده، در این دو فرض نیز طلاق صحیح است؛ هرچند زن در حال طهر نبوده و اگر نزاع موضوعی در بین باشد، محتاج به مرافعه‌ی شرعیه است.



س ۲۶۱۶ - زنی هشتم که بیست و پنج سال با شوهرم زندگی کرده‌ام و چند سال پیش مرا طلاق داد ولی بار نخست در طهر مواجهه بودم و سپس رجوع کرد و در مرتبه‌ی دوم دوباره طلاق داد و در حال حاضر شک دارم که باردار بوده‌ام یا نه و باز رجوع کرد و بار سوم باز مرا طلاق داد که در آن زمان باردار بودم و در طلاق سوم باز رجوع کرد، آیا سه طلاق گفته شده صحیح است یا طلاق اول باطل می‌باشد و در واقع سه طلاق پشت سر هم واقع نشده است؟

ج - در فرض مرقوم، چون طلاق اول در طهر مواجهه واقع شده، باطل است؛ بنابراین، در فرض صحت طلاق دوم، طلاق سوم، دوم محسوب می‌شود و رجوع زوج به زوجه صحیح است.



س ۲۶۱۷ - لو طلق و بعد الطلاق في المجلس قال: رجعت، ثم طلق ثانياً، ورجع كذلك، ثم طلق ثالثاً كذلك، فهل يكون هذا الطلاق الثالث بائناً لا تستحقّ معه الزوجة النفقة، ولا تحلّ له بعده حتى تنكح زوجاً غيره وكذلك الثاني لو اقتصر عليه من أجل كونه طلاقاً قبل الدخول، فلا عدّة للزوجة ولا نفقة؟

- اگر مردی زن خود را طلاق دهد و در همان مجلس باز گردد و بگوید بازگشتم و سپس زن را طلاق دهد و دوباره باز گردد و هم چنین تا سه مرتبه اگر چنین نماید، آیا طلاق سوم باین است تا نفقه‌ی زن بر او واجب نباشد یا خیر و آیا زن بر مرد حرام می‌گردد تا این که با مردی دیگر ازدواج کند؟ هم چنین اگر در طلاق دوم که دخول واقع نشده؛ چنانچه به آن بسنده شود و دیگر رجوع ننماید، آیا طلاق باین است و در نتیجه زن حق نفقه ندارد یا خیر؟

ج - في الفرض الأول الطلاق وقع بائناً ولا تستحقّ المطلقة ثلاثاً النفقة، ولا تحلّ له بعد الطلاق الثالث حتى تنكح زوجاً غيره، ولكن يجب عليها الاعتداد بعد الطلاق الثالث كما أنه لا يكون الطلاق الثاني لو اقتصر عليه هنا بائناً من أجل كونه طلاقاً قبل الدخول حتى لا يحتاج إلى العدة، ولا تستحقّ النفقة، بل يجب عليها الاعتداد، وتستحقّ النفقة في أيام العدة، نعم مبدء العدة في كلا الفرضين زمان وقوع الطلاق الأول، والمسألة المذكورة في الوسيلة المحشاة بحواشينا ج ۳، ص ۲۵۸ و ۲۵۹.

- در فرض نخست که زن سه بار طلاق داده شده است، طلاق باین است و از این رو زن نفقه ندارد و بر شوهر خود حرام است تا این که با مرد دیگری ازدواج کند، اما باید عده نگه دارد؛ اما چنان که بر طلاق دوم اکتفا کند، طلاق وی به سبب نداشتن دخول باین نیست تا نیاز به عده نداشته باشد و نفقه‌ی وی واجب نباشد، بلکه وی عده دارد و مرد باید نفقه‌ی او را در ایام عده بپردازد. بله، شروع زمانی که وی باید عده نگاه دارد در هر دو فرض، زمان وقوع طلاق دوم است و این مسأله در حاشیه‌ی الوسيلة، ج ۳، صص ۲۵۸ - ۲۵۹ که نگارنده بر آن حاشیه زده، آمده است.

س ۲۶۱۸ - هرگاه مردی زن خود را سه بار طلاق دهد و مدتی از این کار بگذرد و سپس زن ادعا کند که با شخص دیگری ازدواج کرده و از او طلاق گرفته و عده‌ی وی نیز تمام شده، آیا گفته‌ی وی پذیرفته است یا خیر؟

ج - در مورد سؤال، چنانچه احتمال برود زن راست می‌گوید، بدون احتیاج به قسم خوردن، قولش قبول است و شوهر اول می‌تواند به عقد جدید با او ازدواج کند و فحوص و تفتیش برای معلوم شدن صدق یا کذب زن لازم نیست. بلی، لازم است که زن متهمه نباشد.

□ □ □ □

س ۲۶۱۹ - هرگاه محلل در حالی که وطی زن حرام است با او نزدیکی کند و برای نمونه در ماه رمضان یا در حال حیض با او درآمیزد و دیگر با او آمیزش نداشته باشد، آیا همین اندازه برای حلّیت زن نسبت به شوهر اول کافی است که اگر طلاق داده شد بتواند دوباره با او ازدواج نماید یا خیر؟

ج - بلی، کفایت می‌کند.

□ □ □ □

س ۲۶۲۰ - زنی طلاق داده شده است و هنگام طلاق دو شاهد حضور داشته‌اند، اما پس از آن در عدالت آنان شک می‌شود، آیا دیگری می‌تواند با آن زن ازدواج کند یا خیر؟

ج - در صورتی که به نظر زوجین عادل بوده‌اند و علم به خلاف نباشد، ازدواج بعد از عده مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۲۶۲۱ - زنی طلاق داده شده است و ما نمی‌دانیم که آیا شوهر آن زن به طلاق راضی بوده یا نه، آیا تحقیق از آن زن لازم است یا خیر؟ و بر فرض آن که تحقیق لازم باشد، اگر آن زن بگوید شوهر به طلاق راضی بوده، آیا قول آن زن قبول است یا خیر؟

ج - قبول است.

□ □ □ □

س ۲۶۲۲ - آیا ولی بچه‌ی نابالغ می‌تواند زن او را طلاق دهد یا خیر؟ و اگر عقد منقطع باشد، چطور؟

ج - ولی پسر نابالغ نمی‌تواند زوجه‌ی او را طلاق دهد ولی مدت عقد انقطاعی را چنانچه به مصلحت صغیر باشد، می‌تواند ببخشد.



س ۲۶۲۳ - شخصی زن خود را طلاق خلعی داده و در مدت عده، با وی به مهمانی می‌رود و در آنجا اتاق آن‌ها را جدا می‌کنند و آنان با هم آمیزش داشته‌اند، آیا این امر کاشف از رجوع آنان است یا نه؟ آنان پس از مهمانی مذکور از هم جدا شده و زن، با دیگری ازدواج کرده است و الآن در خانه‌ی شوهر دوم است، وظیفه‌ی آن‌ها چیست؟

ج - در صورتی که زن به مال مبذول خود رجوع ننموده، این عمل در حکم زناست و حرام و ازدواج زن بعد از تمام شدن عده با دیگری صحیح است.



س ۲۶۲۴ - هرگاه کسی همسر خود را که حیض می‌بیند با وجود شرایط طلاق دهد و زن پس از طلاق، در ایام عده دو بار حیض می‌شود و پیش از تمام شدن عده یائسه می‌گردد، آیا تکمیل عده بر وی لازم است یا خیر؟

ج - در فرض سؤال، باید عده را تکمیل کند.



س ۲۶۲۵ - طلاق باید در طهر واقع شود، آیا لازم است وی غسل نیز کرده باشد یا پاک شدن از حیض کافی است؟

ج - غسل لازم نیست و همین که پاک شد، طلاق صحیح است.





### □ نفقه و هزینه‌ی زندگی

س ۲۶۲۶ - المعروف بين الفقهاء أنه لا تجب النفقة على غير العمودين من الأخوة والأعمام والأخوال ذكوراً وإناثاً وأولادهم، فإذا وجد عشرة فقراء من أولاد الأعمام والأخوال مع وجود خمسين من أرحامهم من غير الفقراء، فما هو التكليف الشرعي؟

- میان فقیهان مشهور است که نفقه بر غیر پدر و جد، مانند برادران، عموها، دایی‌ها، خاله و عمه و مانند آنان واجب نیست، حال، اگر در میان فامیل و فرزندان عمو و دایی و مانند آنان ده نفر فقیر و پنجاه نفر غیر فقیر باشند، وظیفه‌ی شرعی آنان چیست؟

ج - نفقة العمودين واجب عيني، ونفقة غيرهما إن كانوا فقراء واجب كفائي بمقدار يتوقف حفظ نفوسهم عليه، فلو قام أحد من المسلمين بها سقط عن الباقيين.

- هزینه‌ی زندگی و نفقه‌ی پدر و جد و هر چه بالا رود واجب عینی است و هزینه‌ی غیر آنان در صورتی که فقیر باشند و به میزانی که حفظ جانشان بر آن توقف دارد، واجب کفایی است و اگر یکی از مسلمین آن را انجام دهد، تکلیف از دیگران برداشته می‌شود.



س ۲۶۲۷ - إذا كان الإنفاق على شباب صحيح الجسم عاطل من العمودين موجباً لزيادة الكسل، فهل يجب ذلك؟ وما هو المقدار الواجب الذي يمنع من الأثر السيئ للتكاسل؟ وماذا لو كان الفقير تاركاً للصلاة أو متجاهراً بالفسق أو متخفياً به؟

- اگر پرداخت نفقه بر پدری که جوان، سالم و بیکار است سبب شود که وی به تنبلی و سستی رو آورد، آیا دادن نفقه‌ی وی واجب است؟ مقدار و معیار پرداخت نفقه که عوارض سوئی در بر نداشته باشد، چیست؟ اگر پدر یا جد فقیر

نماز نخوانند یا در خواندن آن سستی داشته باشند یا آشکارا گناه کنند، وظیفه چیست؟

ج - مقدارها سدّ جوعه، وهو واجب عند الضرورة، ولكن إذا كان ترك الإنفاق يدفعه إلى تحصيل النفقة وإقامة الصلاة وعدم التجاهر بالفسق وجب تركه وإيكاله إلى نفسه.

- نفقه به مقداری واجب است که آنان را سیر نماید و به هنگام ضرورت واجب است، اما اگر نپرداختن هزینه‌ی وی سبب می‌شود که او خود به کار پردازد و به نماز روی آورد یا آشکارا گناه نکند، لازم است به او نفقه داده نشود و تأمین هزینه‌ی خود به او واگذار شود.



س ۲۶۲۸ - شوهرم شانزده سال قبل مرا با چند بچه‌ی خردسال از خانه بیرون کرده و همسر دیگری اختیار نموده و در مدت یاد شده، رابطه‌ی زن و شوهری ما به کلی قطع گردیده و حتی نفقه‌ی فرزندان خود را نداده، آیا چنین پدری نسبت به فرزندان مزبور حق شرعی دارد یا خیر؟ و آیا از آنان ارث می‌برد یا نه؟

ج - از قضیه‌ی شخصیه اطلاع ندارم. به طور کلی پدر باید نفقه‌ی فرزندان محتاج خود را بدهد و با ندادن نفقه، ولایت او بر صغار اولاد خود ساقط نمی‌شود و تا صغیر هستند، ولایت پدر بر آنها باقی است و از فرزندان خود ارث می‌برد.



## مسائل پراکنده طلاق

س ۲۶۲۹- شخصی زنی را به مدت یک ماه و به اجرت یکصد تومان به عقد موقت خود در می آورد و آن مدت را بعد از گذشت پانزده روز می بخشد و آن زن بعد از ده روز دیگر به عقد دائمی وی در می آید و پیش از دخول، او را طلاق داده و شخص دیگری آن زن را پیش از تمام شدن عده عقد کرده و به او گفته تو عده نداری، آیا ازدواج زن با شخص دوم صحیح بوده یا خیر؟

ج- اگر بعد از عقد متعه و قبل از هبه‌ی مدت، دخول واقع نشده و زوج او را برای خود عقد دائمی نموده و بعد از این عقد، بدون دخول او را طلاق داده، زن عده نداشته و ازدواجش با شخص دوم صحیح است، ولی اگر بعد از عقد متعه، زوج دخول کرده و بعد مدت را بخشیده و مجدداً او را به عقد دائمی خود درآورده و قبل از دخول طلاق داده و زن قبل از تمام شدن عده‌ی متعه با دیگری ازدواج نموده، با فرض دخول، ازدواج دوم او باطل است و بر مرد دوم حرام مؤبد می شود و فوراً باید از هم جدا شوند.

□ □ □ □

س ۲۶۳۰- اگر مردی با زنی زنا کند، آیا برادر فرد زناکار می تواند با آن زن ازدواج کند؟

ج- ازدواج برادر زانی با مزنی بها مانعی ندارد.

□ □ □ □

س ۲۶۳۱- اگر مردی با زنی زنا کند، آیا پسر آن مرد می تواند با زنی که با او زنا شده، ازدواج بکند؟  
ج - ازدواج جایز نیست.

□ □ □ □

س ۲۶۳۲- اگر یک مرد زنی را از راه لذت ببوسد، آیا پسر آن مرد می تواند با آن زن ازدواج کند یا خیر؟  
«گلپایگانی»: در فرض سؤال، اقوی جواز است.

\* \* \*

«نکونام»: جایز است.

□ □ □ □

س ۲۶۳۳- اگر پسر نابالغی با زن شوهردار یا زنی که در عده‌ی طلاق یا وفات است وطی در دبر یا قبل کند، حکم آن با بالغ فرق می کند یا خیر؟  
ج - در فرض سؤال، فرقی بین بالغ و نابالغ در این جهت نیست.

□ □ □ □

س ۲۶۳۴- زنی بعد از یازده ماه از طلاق گرفتن بچه دار می شود، آیا بچه از آن شوهر شمرده می شود یا خیر؟  
ج - در صورتی که در این مدت با دیگری ازدواج نکرده و وطی به شبهه نیز نشده باشد، فرزند ملحق به طلاق دهنده است که زوج او باشد.

□ □ □ □

س ۲۶۳۵- در برخی مناطق رسم است که در ازدواج دختر، پدر وی از مرد مبلغی را به عنوان شیربها می گیرد و در برابر، نزدیک به همان مبلغ برای دختر جهیزیه می گیرند و یقین است که اگر پدر دختر، شیربها را نگیرد، جهیزیه ای برای دختر تهیه نمی کند و حتی در اول قرارداد می گوید من از خود چیزی ندارم که به تو

بدهم، باید پول بدهی تا من نیز جهیزیه بدهم، آیا این جهیزیه مال دختر است یا پسر؟

ج - در فرض سؤال، ظاهر این است که چون پدر دختر پول گرفته که جهیزیه بدهد، جهیزیه مال دختر است.

□ □ □ □

س ۲۶۳۶ - کسی دختر دیگری را خواستگاری کرده و پدر نیز با آن موافقت نموده و پولی به عنوان شیربها از وی گرفته و عقد ازدواج نیز جاری شده ولی بعد از آن، پدر از نزدیک شدن به دختر مانع گردیده و عروسی را به تأخیر می اندازد و در نهایت پدر دختر گفته که دختر وی از خانه مفقود شده، آیا داماد حق مطالبه‌ی پولی که به عنوان شیربها به وی داده است را دارد یا خیر؟

ج - اگر پدر دختر پول را به عنوان تحصیل رضایت دختر خود گرفته و عقد ازدواج جاری شده باشد، پسر حق پس گرفتن آن را ندارد.

□ □ □ □

س ۲۶۳۷ - برای جلوگیری از شدت شهوت چه باید کرد و در این صورت آیا استمنا جایز است یا نه؟

ج - روزه گرفتن و در صرف غذا افراط نکردن و ترک خوردن بعضی غذاهای مقوی، غریزه‌ی جنسی را تضعیف می کند و از شدت آن می کاهد ولی استمنا به هر نحو باشد حرام است و بهترین راه برای این که غریزه‌ی جنسی سبب آلودگی به حرام نشود، ازدواج دائم یا موقت است که ثواب بسیار هم دارد.

□ □ □ □

س ۲۶۳۸ - ما دو جوان هستیم که به عللی از ازدواج محرومیم و دچار وسوسه‌ی شیطان هستیم؛ چون نیروی ایمان ما ضعیف است و از گویندگان شنیده‌ایم که فکر گناه نیز دل را سیاه می کند، با توجه به محرومیت از ازدواج و وسوسه‌ی شیطانی،

چه وظیفه‌ای داریم و راه نجات ما از گناه، سیاه‌دلی و گمراهی چیست؟

ج - خداوند متعال برای شما و امثال شما وسیله‌ی ازدواج و عمل به سنت حضرت رسول اکرم ﷺ را فراهم سازد و مسلمانان را از شر تقلید کفار و برنامه‌های غلطی که موجب منع و تحدید ازدواج است نجات دهد. اما در حال فعلی که دارید، شما ثواب مجاهدین با نفس اماره را می‌برید و هر چه میل نفس بیش‌تر شود و مقاومت شما در برابر آن، سخت‌تر و پایدارتر باشد، اجر جهاد بیش‌تر می‌برید، بلکه این یکی از موارد جهاد اکبر است که پیغمبر اکرم ﷺ به جمعی از اصحاب که از سریه (جنگ) بازگشته بودند فرمود: «مرحباً بقوم قضاوا الجهاد الأصغر و بقى عليهم الجهاد الأكبر»، خود را به خداوند متعال سپرده و از شر شیطان به درگاهش پناه ببرید.



#### □ طرح مناسب پوشش اسلامی برای زن

س ۲۶۳۹ - هل أن لبس الجادر الزامي أم يجوز للمرأة الستر بواسطة الألبسة الأخرى كالروپوش؟

- آیا پوشیدن چادر امری الزامی است یا برای زن جایز است که خود را با لباس‌های دیگری مانند روپوش بپوشاند؟

«گلبایگانی»: الجادر یمنع عن ظهور مفاتن البدن وإثارة الفتنة والتهییج، و غیر الجادر إن كان یمنع عن ذلك فلا بأس به، ومع ذلك فالألیق بالمرأة المسلمة وحشمتها هو الجادر أو العباءة.

- چادر مواضعی از بدن که فتنه‌انگیز و تحریک‌آمیز است را می‌پوشاند و غیر چادر اگر چنین کارکردی دارد، جایز است استفاده شود و در غیر این صورت برای زن مسلمان و وقار وی پوشیدن چادر یا مانتو مناسب‌تر است.

«نکونام»: به طور کلی، طبق ملاک و مقتضای دلیل، عفاف و حجاب زن با چیزی که پوشش وی را به آسانی فراهم سازد، تحقق می‌یابد؛ که در این رابطه، اسلام طرح خاصی را ارایه نکرده و تنها به بیان کلی آن بسنده نموده است.

بنابراین، نه چادر طرحی دینی است و نه مانتو و نه هیچ طرح دیگری؛ بلکه هر یک از اقوام و ملل به حسب سنت قومی و قبیله‌ای خود، طرحی را برگزیده‌اند که هیچ‌یک نیز خالی از اشکال و افراط و تفریط نمی‌باشد. بسیاری از انواع مانتوها تأمین عفاف نمی‌کند و چادر نیز هرچند به راحتی و به‌طور عادی تأمین عفاف و پوشش کافی را می‌کند و از جهاتی دارای امتیاز است؛ خود به آسانی نمی‌تواند برای پوشش مورد استفاده قرار گیرد؛ چرا که چادر دو دست زن را به کار می‌گیرد و وی را از هر فعالیتی باز می‌دارد و زن را در خارج از منزل به خود گرفتار می‌سازد؛ به خصوص که چادر، روی موی زن، به‌طور طبیعی ثابت نمی‌ماند و ممکن است از سر بیفتد. گذشته از آن که تنها با چادر نمی‌توان حجاب کاملی را دارا بود، بلکه به پوشش دیگری نیز نیاز است.

پس حجابی که بتواند به آسانی عفاف و پوشش زن را فراهم نماید، چادر است، ولی با طرح و شکلی ثابت که بر سر بماند، بدون آن که نیازی به پوشش دیگر یا نیاز به دست باشد؛ به این شکل که سرتاسر جلوی آن از زیرگلو دوخته یا بسته شود و به نوعی از آستین نیز برخوردار باشد، و دوخت و بست‌های ثابتی برای آن پیش‌بینی شود که بدون استفاده از دست، بر سر و شانه بماند و مانع آزادی دست زن از فعالیت فردی و اجتماعی نگردد و زن با وجود آن، نیازی به پوشش دیگری نداشته باشد و به راحتی و بدون از انواع پوشش غیر ضروری، به سهولت مورد استفاده قرار گیرد.

لازم است به طور کارشناسی و در الگوهای متعدد و متفاوت، با طرح‌ها و رنگ‌های گوناگون غیر جلف، سبک‌سرانه و مضحک، در شکلی متین و موقر، در جهت تأمین کامل این طرح اقدام گردد، تا زن از بدحجابی و بی‌حجابی نجات یابد و عفاف و پوشش خود را به آسانی و به طور کامل رعایت نماید.



س ۲۶۴۰ - آیا جایز است فرد نامحرمی از مجالس زنانه که بدون حجاب می‌باشند عکس بگیرد و آن را ظاهر نماید؟ رقصیدن زن در عروسی و مجالس مولودی زنانه با زدن سینی و مانند آن یا برای شوهر خود و هم‌چنین رقصیدن مرد در مجالس مردانه و نیز کف زدن چه حکمی دارد؟

«گلبایگانی»: در مورد سؤال اول، چنان‌چه موجب هتک باشد، جایز نیست و عکس گرفتن توسط نامحرم مطلقاً جایز نیست و راجع به سؤال دوم، موارد مذکوره از مصادیق لغو است و جایز نیست، مگر برای زن و شوهر جهت یک‌دیگر به‌طور خصوصی.



«نکونام»: در فرض مسأله، جایز نیست؛ مگر آن که ظاهر کردن آن به دست مردان بیگانه نباشد یا اطمینان داشته باشند ظاهر کردن به دست همجنس منشأ فساد نمی‌شود.

رقص نیز به خودی خود اگر منشأ فساد نباشد، اشکالی ندارد؛ خواه رقص زن برای زن باشد یا مرد برای مرد و یا مردان برای زنان باشد ولی رقص زن برای مردان خالی از فساد نیست و تنها رقص زن برای شوهر جایز است. نگاه کردن به رقص حکم خود رقص را دارد و جایز است مگر آن که فساد برانگیز باشد. شرکت در چنین مجالسی تابع حکم اصل آن مجلس است که موارد جواز آن گذشت.

